
شفا بخش
و
مشکل گشا

شفابخش و مشکل گشا

مشخصات کتاب

سرشناسه : قطب راوندی سعیدبن هبه الله - ق 573 عنوان قراردادی : [سلوه الحزین فارسی عنوان و نام پدیدآور : شفابخش و مشکل گشا (ترجمه کتاب سلوه الحزین معروف به الدعوات تالیف قطب الدین سعیدبن هبه الله راوندی ترجمه حسین قهستانی مشخصات نشر : قم نهاوندی 1380. مشخصات ظاهری : ص 280 شابک : 964-6388-36-1 10000ریال ؛ 964-6388-36-1 10000ریال وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس عنوان دیگر : الدعوات عنوان دیگر : سلوه الحزین فارسی موضوع : دعاها موضوع : دعاها -- جنبه های قرآنی موضوع : دعاها -- احادیث شناسه افزوده : قهستانی حسین مترجم رده بندی کنگره : BP267/54 /ق 6س 8041 1380 رده بندی دیویی : 297/772 شماره کتابشناسی ملی : م 80-15365

سخنی چند

قطب الدین سعید بن هبه الله راوندی معروف به قطب راوندی ، فقیهی دانشور و موثق و متکلمی بصیر و شاعری خوش ذوق و محدثی آگاه و مفسری دانا بود .

میرزا عبدالله افندی شاگرد علامه مجلسی رحمه الله در سخنی کوتاه او را چنین وصف کرده است :

((او برتر از همه تعریفها و تمجیدهائی است که از او کرده اند)) .

و ابن حجر عسقلانی ، عالم سنی ، در ((لسان المیزان)) او را چنین ستوده است :

((او در هر دانشی فاضل بود و در رشته های گوناگون تاءلیفاتی از خود به جای گذاشت .))

زندگینامه نویسان رجال برجسته ای چون ، محمد بن علی بن شهر آشوب سروی و احمد بن علی بن عبدالجبار طوسی و علی بن محمد مدائنی و محمد بن

عبدالحمید بن محمود دعویدار و محمد بن حسن علوی بغدادی ، و دو تن از فرزندان قطب به نامهای سعید و حسین را ، در زمره شاگردان و راویان اجازت یافته از سوی او برشمرده اند . و فقه القرآن ، الخرائج و الجرائح ، قصص الانبیاء ، لب اللباب و الدعوات از مشهورترین تالیفهای او هستند .

چنان که از مجموعه جبعی به نقل از خط شهید اول بر می آید ، او که رضوان خدا بر او باد ، در چاشتگاه روز چهارشنبه چهاردهم ماه شوال سال 573 هجری وفات یافت و در قم ، پائین پای مرقد مطهر دخت امام هفتم ، فاطمه معصومه (علیها السلام) ، دفن شد .

کتاب سلوه الحزین او که به الدعوات شهرت یافته است و اکنون ترجمه آن را پیش روی دارید ، روایتهای نادر و لطیف و سودمند در موضوعهای گوناگون (از دعا و آداب و آثار آن گرفته و تا حفظ بهداشت و سلامتی تن و روان و آرامش دل و جان و سپاس بر نعمتهای بیکران ، و آداب خوردن و آشامیدن ، و بیماری و عیادت از بیماران ، و مرگ و بشارتها و بیمهای پس از آن ، و آداب کفن و دفن ، که مومنان را از دانستن آنها گریزی نیست) را در بر دارد .

امید که این نوشتار در زیستن خداپسندانه و زنده نگاه داشتن یاد خدا در دلها و توجه دادن به آخرت مفید و موثر باشد .

باب یکم : دعا و آداب آن

بخش اول : بهره های دعا

1 - امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود :

دعا سرنوشت ثابت را پس از آن که سخت استوار شده

است باز می گرداند .

پس بسیار دعا کنید که دعا کلید رحمت و مایه رواگشتن هر حاجت است ، و به آن چه نزد خداست ، جز با دعا نتوان رسید . هر دری را که بسیار بکوبند زود باشد که به روی کوبنده باز شود .

2 - و فرمود :

خدای تبارک و تعالی می داند بنده به هنگام دعا چه می خواهد ولی دوست دارد که حاجتها فاش به درگاهش اظهار شود؛ پس چون دعا کردی حاجتت را نام ببر . در نزد خدای سبحان چیزی دوست داشتنی تر از این نیست که از او درخواست شود .

3 - و فرمود :

دعا کنید که دعا درمان هر درد است ، و چون دعا کردی چنین پندار که حاجتت پشت در است .

4 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

پروردگارتان را شب و روز می خوانید ؟ ! بدانید که سلاح مومن دعاست .

5 - امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ، فرمود :

سلاح پیامبران را به همراه داشته باشید .

گفته شد : ای فرزند رسول خدا ، سلاح پیامبران چه بود ؟

فرمود : دعا .

6 - امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود :

در تورات نوشته شده است که موسی (علیه السلام) پرودرگارش جل و علا ، را خواند و گفت : ناگزیرم در مکانهائی بنشینم که تو را والاتر و بالاتر از آنی که در آنجا یادت کنم .

خداوند : فرمود : ای موسی ، در هر حال و هر دم مرا یاد کن .

7 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

فرمود :

یک دعا در خلوت با هفتاد دعا در آشکار برابر است .

8 - و او فرمود :

دعا مغز عبادت است (عبادت خالص است) و هر کس دعا کند هلاک نشود .

9- و فرمود :

هر کس می خواهد خدای سبحان در سختی های و غمها دعایش را اجابت کند ، هنگامی رفاه و فراخی بسیار دعا کند .

10 - و او ، که برترین درودها بر او و آل او باد ، فرمود :

برترین ، عبادت امت من پس از قرائت قرآن دعاست ، آن گاه این آیه را خواند :

أَستَجِب لَکمْ إِنَّ الَّذِینَ یَستَکْبرُونَ عَنْ عِبَادَتی سیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ

(1) مرا بخوانید تا دعایتان را اجابت کنم ، کسانی که از پرستش من کبر می ورزند دیری نپاید که با خواری به دوزخ می آیند .

نمی بینی که دعا همان پرستش است .

11 - و فرمود :

ای علی ! نیایشگر بی عمل چون تیرانداز بی کمان است .

12 - همو فرمود :

از دعا عاجز نباشید که نیایشگران هلاک نشوند . و سزاست که هر کس از شما پروردگارش را بخواند و از او بخواهد ، حتی بند کفش گسسته خود را از او بخواهد . و از فضل خدا درخواست کنید که خداوند دوست دارد از او درخواست شود .

هر مسلمانی که دعایی کند و در دعایش گناه و بریدن از خویشان نباشد ، خدای تعالی یکی از سه چیز را به او عطا می کند :

یا دعایش را زود اجابت کند ،

و یا برای آخرتش بیندوزد ،

و یا این که شری مانند آن را از او باز دارد .

گفتند : ای رسول خدا

، اگر چنین است ما بیشتر دعا می کنیم .

فرمود : خدا نیز بیشتر عطا می کند .

13 - امام صادق (علیه السلام) فرمود :

خدا می فرماید : هر کس به جای درخواست از من به یاد من باشد و ذکر من او را به خود مشغول دارد من به او بیش از درخواست کننده ام عطا می دهم .

14 - و فرمود :

هر کس در نهان خدا را یاد کند ، خدا را بسیار یاد کرده است . منافقان خدا را در آشکار یاد می کنند و در نهان یاد نمی کنند يُرَاءُونَ النَّاس وَ لا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلا قَلِيلاً (2) ((عبادت خود را به مردم نشان می دهند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند)) .

15 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

خدای تعالی کسانی را که در دعا پافشاری می کنند دوست دارد .

16 - و فرمود :

چون بنده به ثنای من مشغول شود ، من حاجتهای او را برآورده کنم .

17 - و فرمود :

هیچ ذکری برتر از قول لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ نیست ، و هیچ دعایی برتر از استغفار نیست .

آن گاه این آیه را تلاوت فرمود : فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَ استَغْفِرْ لِذَنبِک (3) ((بدان که معبودی جز الله نیست و برای گناهت آمرزش طلب)) .

18 - و از اوست که فرمود :

پروردگارا ، کاش می دانستم که از بندگانت کدامین را دوست می داری تا دوستش بدارم .

خطاب آمد که هر گاه بنده ام را دیدی که مرا بسیار یاد می کند ، بدان که من

او را توفیق و اجازت داده ام و من دوستش دارم . و چون بنده ام را دیدی که مرا یاد نمی کند ، من او را باز داشته ام و من دشمنش دارم .

19 - و فرمود :

دعا که کم شد بلا نازل شد .

20 - و فرمود :

چیزی نزد خداوند گرامی تر از دعا نیست .

21 - همو فرمود :

در وقت رفاه و راحتی ، با دعا نزد خدا آشنائی نما تا در سختی تو را بشناسد .

22 - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

برای بلا ، دعا مهیا کنید که سرنوشت را جز دعا باز نمی گرداند؛ و چیزی جز نیکوکاری عمر را نمی افزاید .

23 - امیرالمومنین (علیه السلام) ، فرمود :

موجهای بلا را با دعا بازگردانید؛ که بلا زده گرفتار از سالم امان نایافته از بلا ، به دعا نیازمندتر نیست .

بخش دوم - آداب دعا

قسمت اول

24 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگام دعا و زاری دستهایش را بالا می برد و دعا می کرد ، چنان که مسکین طعام می طلبد .

25 - امام صادق (علیه السلام) فرمود :

بنده به درگاه خدا حاجتی دارد ، به ثنای خدا و درود و دعای محمد می پردازد و حاجتش را از یاد می برد ، و خداوند بدون درخواست ، آن را برآورده می کند .

و قول لا إِلَهَ إِلا اللّهُ مهتر سخنان (ذکرها) است .

26 - و امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود :

چون حاجتی به درگاه خدا داشتی آن را با دعا و درود بر پیامبر و آل او (علیه السلام

) آغاز کن آن گاه حاجتت را بخواه ، خدای تعالی کریم تر از آن است که از او دو حاجت درخواست شود؛ یکی را برآورد و دیگری را وانهد .

27 - امام صادق (علیه السلام) فرمود :

مباد کسی از شما از پروردگارش چیزی از حاجتهای دنیوی و اخروی را بخواهد مگر این که در آغاز خدای عزوجل را ثنا گوید و ستایش کند و بر پیامبر و آل او ، دعا و درود بفرستد و به گناه خویش اعتراف کند ، آن گاه نیاز آورد .

28 - و فرمود :

چون خواستی دعا کنی خدای عزوجل را به مجد و عظمت بستا و حمد و تسبیح و تهلیل لا إِلَهَ إِلا اللّٰهُ او گو و ثنا و ستایشش کن و بر پیامبر و آل او دعا و درود بفرست . آن گاه آنچه را می خواستی کن ، می دهندت .

29 - روایت است که ،

چون بنده پیش از دعا ثنا آغاز کند ، دعایش به اجابت رسیده است ، و اگر پیش از ثنا دعا آغاز کند ، امیدی دارد .

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با این سخن ما را ادب فرمود که ، سلام پیش از کلام است .

30 - امام صادق (علیه السلام) فرمود :

خدای تبارک و تعالی به موسی بن عمران (علیه السلام) وحی کرد که ، هر گاه در پیشگاه من می ایستی ، ذلیلانه و فقیرانه بایست ، و چون تورات می خوانی با آوایی حزین صدایت را به من برسان .

قرائت موسی (علیه السلام) حزن انگیز بود ، چنان

بود که گویا انسانی را خطاب می کند .

31 - امام حسن (علیه السلام) فرمود :

هر که قرآن خواند ، دعایی مستجاب دارد ، زود یا دیر (در دنیا یا در آخرت) .

32 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

قرآن را با صوت و آهنگ عرب بخوانید و از آهنگهای هرزگان و گناهکاران (یا هرزگان یهودی و نصاری) بپرهیزید ، که پس از من مردمی می آیند که قرآن را به آواز غنا و شیوه راهبان و نوحه سرایان در گلو می گردانند؛ دلهای اینان و دلهای کسانی که کار ایشان را بزرگ می دانند مفتون و گمراه است .

33 - روایت است که

مردی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ، آمد و گفت : ای رسول خدا ، از خدا بخواه تا دعایم را بپذیرد و روا کند .

فرمود : اگر این را می خواهی کسبت را پاکیزه کن .

34 - روایت است که

موسی (علیه السلام) مردی را دید که گریه و زاری بسیار می کرد و دستهایش را سوی آسمان آورده بود و لابه و التماس می کرد . خدا به موسی وحی کرد که این مرد هر چه کند دعایش به اجابت نرسد چرا که در شکم حرام دارد و بر پشت حرام دارد و در خانه حرام دارد .

35 - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس حلال بخورد فرشته ای بر فراز او بایستد و برایش استغفار کند تا از خوردن آن طعام حلال فارغ آید .

36 - و فرمود

:

بازگرداندن دانگی (یک ششم درهم) از حرام نزد خدای سبحان با هفتاد حج مقبول برابر است .

37 - و فرمود :

چون لقمه ای از حرام در اندرون بنده جای گیرد فرشتگانی که در آسمانها و زمینند او را نفرین کنند .

38 - در تورات است که ،

خدای عزوجل به بنده می گوید : آن گاه که تو ، مرا علیه بنده ای از بندگانم به خاطر ستمی که به تو کرده است می خوانی از بندگانم نیز کسی هست که تو را نفرین می کند ، چرا که ستمی به او روا داشته ای ، اگر خواهی دعای تو و دعای او ، هر دو را اجابت کنم ، و اگر خواهی اجابت هر دو شما را به روز رستاخیز افکنم .

39 - امام صادق (علیه السلام) فرمود :

خداوند می فرماید : به عزت و جلالم سوگند که من دعای ستمدیده ای را که بی دادی بر او رفته است روا نکنم در حالی که او به یکی از بندگانم ستمی مانند آن را روا داشته است .

40 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

چون کسی از شما دعا کند ، فراگیر دعا کند که به اجابت نزدیکتر است . و هر کس ، پیش از آن که برای خود دعا کند چهل مرد از برادرانش را مقدم بدارد ، دعای او در حق ایشان و خود اجابت می شود .

41 - و امام ابوالحسن کاظم (علیه السلام) فرمود :

هر کس برای برادران مومن خود دعا کند خدا به جای هر مومن فرشته ای را می گمارد

تا برای او دعا کند .

و هر مومنی که برای زنده و مرده مردان و زنان مومن و مسلمان دعا کند خداوند به شمار هر مرد و زن مومن از بعثت آدم تا قیمت قیامت ، حسنه ای به او دهد .

42 - هر گاه دشواری و بلایی بر مرد فرود آمد و روزه بدارد که خدای سبحان می فرماید : ((استَعِینُوا بِالصبرِ وَ الصلَوهِ (4) از صبر و نماز مدد بجوئید)) و صبر همان روزه است .

43 - و فرمود :

دعای روزه دار به گاه افطار اجابت می شود .

44 - و فرمود :

هر روزه دار دعایی (مستجاب) دارد .

45 - همو فرمود :

خواب روزه دار عبادت و خاموشی او تسبیح و دعای او مستجاب و عملش دو چندان است .

46 - و فرمود :

روزه دار هنگام افطار دعایی ردناشدنی دارد .

47 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمود : هر کس نماز واجبی را برای خدا به جا آورد در پی آن دعایی مستجاب دارد .

راوی این روایت ، فحام گفت : به خدا سوگند ، من امیرالمؤ منین (علیه السلام) را در خواب دیدم و از او درباره این خبر پرسیدم ، فرمود : درست است ، از نماز واجب که فارغ شدی در حال سجده بگو : اللّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ رَوَاهُ وَ بِحَقِّ مَنْ رُوِیَ عَنْهُ صَلِّ عَلَی جَمَاعَتِهِمْ وَ افْعَلْ بِی کَیْتَ وَ کَیْتَ ((بار

خدایا به حق آن کس که این خبر را روایت کرد و به حق ان کس که این خبر

از او روایت شد ، بر جمله ایشان درود فرست و با من چنین و چنان کن .))

48 - معاویه بن وهب از امام صادق (علیه السلام) پرسید برترین چیزی که بندگان بدان بر پروردگارشان تقرب می جویند چیست ؟ او فرمود : من چیزی را پس از معرفت ، برتر از نماز نمی دانم ؛ نمی بینی که بنده صالح عیسی بن مریم (علیه السلام) ، فرمود : ((وَ أَوْصنی بِالصلَوهِ (5) و مرا به نماز سفارش کرد . . .)) .

49 - از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدند : که برترین ، کارها چیست ؟

فرمود : نمازگزاردن در اول وقت .

50 - روایت است از که خدای تعالی به موسی (علیه السلام) فرمود :

تا کنون کاری برای من کرده ای ؟

گفت : برایت نماز گزارده ام و روزه داشته ام و صدقه داده ام و به یاد تو بوده ام

خدای تبارک و تعالی گفت نماز برهان توست و روزه حفاظ توست و ذکر نور توست ، برای من چه کرده ای ؟

موسی (علیه السلام) گفت : مرا به یاد کاری که از آن توست راه بنما .

گفت : ای موسی ، هیچ گاه برای من با کسی که دوستی کرده ای و برای من با کسی دشمنی کرده ای ؟

این هنگام بود که موسی دانست برترین کارها دوست داشتن و دشمن داشتن به خاطر خداست .

51 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

محکم ترین دستگیره های ایمان ، دوست داشتن ، و دشمن داشتن برای

خداست .

52 - و امام رضا (علیه السلام) در مکتوب خود به همین نکته اشاره فرمود که ،

دوستدار آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) باش اگر چه فاسق باشی و دوستدار دوستدارانش باش اگر چه فاسق باشند .

در خور ذکر است که این مکتوب اکنون نزد یکی از اهالی ((کرمند)) که روستایی بین راوند و اصفهان است ، می باشد ، و قصه آن چنین است که مردی از اهالی روستا که هنگام رفتن مولایمان امام رضا (علیه السلام) به خراسان باربر ایشان بود ، هنگام بازگشت به امام (علیه السلام) می گوید : ای فرزند رسول خدا ، دست نوشته ای از خود را به من دهید تا بدان تبرک جویم . و امام (علیه السلام) ، این مکتوب را به آن مرد سنی داد .

53 - و در دعای ایشان (علیهم السلام) چنین آمده است :

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَتَقَرَّبُ بِهِمْ إِلَیْکَ وَ أُقَدِّمُهُمْ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی اللَّهُمَّ إِنِّی أَبْرَأُ إِلَیْکَ مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِاللَّعْنَهِ عَلَیْهِمْ بار خدایا من با توسل به محمد و آل محمد به تو روی می کنم ، و بدیشان ، سوی تو تقرب می جویم ، و ایشان را برای حاجتهایم پیش می آوریم . بار خدایا من نزد تو از دشمنان آل محمد بیزاری می جویم و با نفرین بر ایشان ، نزد تو تقرب می جویم .

54 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

چون چیزی پدرم را اندوهگین می کرد ، زنان و کودکان را گرد

می آورد و دعا می کرد و آنان آمین می گفتند .

55 - و فرمود :

نشد که چهار نفر را بر یک امر گرد آیند و خدا را بخوانند و مگر این که با اجابت پراکنده شوند .

56 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

چهل نفر بر یک امر گرد نیایند مگر این که خدای تعالی (دعای) ایشان را بپذیرد و روا کند ، تا بدانجا که اگر به از میان برداشتن کوهی دعا کنند ، آن را از جا برکنند .

57 - و فرمود :

زود اجابت شونده ترین دعاها ، دعای غائب برای غائب است .

58 - و فرمود :

سه دعا مستجاب است ، دعای حج گذار برای خانواده به جامانده خود ، و دعای بیمار ، پس او را آزار ندهید و به ستوه نیاورید و دعای ستمدیده .

59 - همو فرمود :

سه دعاست که مستجاب است ، و در آن شکی نیست ؛ دعای ستمدیده ، و دعای مسافر ، و دعای پدر بر فرزندش .

60 - و فرمود :

به هنگام رقت (دلسوختن) دعا را غنیمت شمارید که رقت ، رحمت است .

61 - و از اوست که فرمود :

خدای سبحان را آن گونه بخوانید که به اجابت یقین دارید ، و بدانید که خداوند دعایی را که از دل غافل برآید اجابت نکند .

62 - و در دعای ایشان (علیهم السلام) ، چنین آمده است :

اللّٰهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِی قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِی عِنْدَکَ وَ حَجَبَتْ دُعَائِی عَنْکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْتَجِبْ لِی یَا رَبِّ بِهِمْ دُعَائِی بارخدایا ،

اگر گناهانم آبرویم را نزد تو برده است و دعایم را از تو در پرده داشته است ، تو بر محمد و آل محمد درود فرست و بدیشان دعایم را روا کن ، ای پروردگارم .

63 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کس دو رکعت نماز بگذارد و بداند که در آن دو رکعت چه می گوید ، از نماز که فارغ آید ، هر گناهی که بین او و خدای تعالی است ، آمرزیده است .

64 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

زبانهایتان را به استغفار خو دهید ، که خدای تعالی استغفار را برای آمرزیدن شما ، به شما آموخت .

65 - و امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود :

شگفتا از کسی که هلاک می شود و نجات با اوست .

گفته شد : آن چیست ؟

فرمود : استغفار .

66 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ، فرمود :

خدای تبارک و تعالی فرمود : ای فرزند آدم ، مرا نخواندی و به من امید نداشتی تا آنچه را از تو سر زده بود بیامرزم . اگر با گناهانی برابر با سطح زمین نزدم بیایی و به من شرک نورزی ، من آمرزشی برابر با آن بیاورم ، و اگر چندان گناه کنی که گناهانت به پهنه آسمان برسد و پس از آن از من آمرزش طلبی ، تو را بیامرزم .

67 - امام صادق (علیه السلام) فرمود :

دعا از آسمان ، در پرده می ماند و بالا نمی رود و تا این که نیایشگر بر پیامبر و آل او درود

فرستد .

68 - محمد بن حسین بن کثیر خزاز از پدرش نقل کرد که او گفت :

امام صادق (علیه السلام) را دیدم که زیر جامه هایش ، (زیر) جامعه ای زبر و ستیر پوشیده بود و روی آن جامه ای پشمین و روی آن جامه ، پیرآهنی ستبر در بر کرده بود . گفتم : مردم جامه پشمین را خوش ندارند .

فرمود : چنین نیست ، پدرم محمد بن علی امام باقر (علیه السلام) چنین جامه ای می پوشید ، و جدم علی بن حسین (علیه السلام) نیز آن را می پوشید؛ آنان وقتی نماز می ایستادند زبرترین جامه هایشان را می پوشیدند .

و او (علیه السلام) هنگامی که می خواست نماز بگزارد به مکانی سخت می رفت و در آنجا نماز می گزارد و بر زمین سجده می کرد . روزی به ((جبان)) که کوهی در مدینه است ، رفت و بر تخته سنگی سخت و سوخته ایستاد و شروع به نماز کرد و بسیار گریست . چندان که چون سر از سجده برداشت از کثرت اشک ، گویی در آب فرو رفته است .

69 - زهری گفت :

به او (علیه السلام) گفتم : برترین اعمال کدام است ؟

فرمود : آن که به آن درآیند و از آن بگذرند .

گفتم آن چیست ؟

فرمود : گشودن قرآن و ختم آن ؛ هر زمان که قاری ، قرائت آن را آغاز کند؛ تا به آخر پیش رود .

70 - و فرمود :

نهایت پرستش بنی آدم سجده کردن است .

و برترین اوقات تلاوت قرآن ماه رمضان است . و آنچه از

اخبار برمی آید این است که قرائت قرآن با فضیلت تر از همه دعاهاست .

71 - که او (علیه السلام) فرمود :

خدای سبحان می فرماید : هر کس به قرائت قرآن پردازد و از خواهش و مسئلتم باز ماند ، من ثواب شاکران را به او عطا کنم .

72 - و در شرع است که ،

دعا پس از نمازهایی واجب مستجاب است .

73 - روایت است که ،

دستی که در آن انگشتری باشد بازگردانده نمی شود .

74 - امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود :

انگشتری عقیق به دست کنید که برای شما فرخنده است و از بلا ایمن می مانید .

قسمت دوم

75 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

دعای چهار کس اجابت نمی شود :

دعای مردی که در خانه اش نشسته است و می گوید ، پروردگارا ، روزیم ده . (خداوند) به او می گوید : مگر تو را به طلب امر نکردم ؟

و مردی که زنی دارد و به او نفرین می کند . به او می گوید : مگر کار او را به دست تو نسپردم ؟

و مردی که مالی داشته و آن را تباه کرده است و می گوید ، پروردگارا ، روزیم رسان . به او می گوید : مگر تو را به میانه روی و سامان دهی مال امر نکردم ؟

آن گاه این آیه را قرائت فرمود : وَ الّذِینَ إِذَا أنفَقُوا لَمْ یُسرِفُوا وَ لَمْ یَقْتُرُوا وَ کانَ بَینَ ذَلِک قَوَاماً (6) و کسانی که چون انفاق کنند به گزاف زیاده ، روی نکنند ، و تنگ نگیرند و میان این دو روش را برگزینند .

و

مردی که مالی داشته و بی گرفتن شاهدی ، آن را وام داده است . به او می گوید : مگر تو را به گرفتن شاهد امر نکردم ؟

76 - آن وقت که دعا در آن رد نشود ، بین ظهر تا عصر شماست .

77 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

هنگام برگشتن سایه ها و وزیدن بادها ، حاجتهای خود را از خدا بخواهید که آن گاه ، گاه توبه کنندگان است .

78 - و امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود :

خدای تعالی از بندگان مومنش بسیار نیاز آوران و نیایش کنان را دوست دارد؛ پس ، از هنگام سحر تا دمیدن خورشید دعا کنید که آن ساعتی که در آن درهای آسمان گشوده می شوند و بادها می وزند و روزی های قسمت می دهند و حاجتهای بزرگ برآورده می گردند .

79 - و امام حسین (علیه السلام) فرمود :

آنچه این امت کنند ، هر بامداد به خدای عزوجل عرضه می شود .

80 - و پیامبر (علیه السلام) فرمود :

خداوند می فرماید : ای فرزند آدم ، پس از بامداد ساعتی مرا یاد کن و پس از عصر ساعتی ، تا من آنچه را نگران و اندیشناک کرده است برایت کفایت کنم .

81 - و فرمود :

ساعتی در شب است که هر بنده مسلمانی به آن برخورد و آن را دریابد و در آن ساعت از خدا خیر دنیا و آخرت را بخواهد ، خدای سبحان به او عطا می کند . و آن ساعت در همه شبهاست .

82 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

سه

وقت است که دعا در آن از خدای تعالی پوشیده نمی ماند :

پس از نماز واجب ، و هنگام بارش باران ، و هنگام ظهور معجزه ای از جانب خدای تعالی در زمین .

83 - و فرمود :

بنده دعایی می کند و خداوند بر آوردن حاجت او را تا روز جمعه پس می اندازد .

84 - همو فرمود :

روز جمعه بهتر روزهاست و نزد خداوند از روز فطر و قربان والاتر است ، و در آن ساعتی است که کسی در آن از خدای عزوجل چیزی نخواهد مگر این که به او عطا کند و به شرط آن که حرام نخواهد .

85 - امیرالمومنین (علیه السلام) ، در خطبه روز جمعه خود فرمود :

آگاه باشید که خدا این روز را برای شما عید کرده است ، و آن مهتر روزهای شما و برترین عیدهای شماست ، و خدای تعالی شما را امر کرده است که در آن به سوی ذکر او (نماز جمعه) بروید . و پس رغبت شما در آن بسیار و نیتتان خالص باشد . و در آن روز بسیار به درگاه خدای سبحان گریه و زاری کنید و رحمت و غفران او را درخواست کنید؛ که خدای تعالی در آن روز دعای هر مومن را اجابت کند و هر که را از عبادتش کبر ورزد به آتش درآورد . خدای تعالی فرمود : ادْعُونی أَستَجِب لَکمْ إِنَّ الَّذِینَ یَستَکْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتی سیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ (7) مرا بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم ، کسانی که از پرستش من کبر می ورزند زود باشد که با خواری در آتش دوزخ

روند .

و بدانید که خدای سبحان در آن روز ساعتی فرخنده دارد که بنده مومن در آن ساعت ، هر چه از خدا خواهد به او عطا کند .

86 - عبدالله بن سنان گفت :

از امام صادق (علیه السلام) از آن ساعت روز جمعه که دعا در آن اجابت می شود ، پرسیدم ، فرمود :

از آن هنگام که امام از خطبه اش فارغ می شود تا هنگامی که صفها راست می شود . و ساعت دیگر ، از آخر روز تا غروب خورشید است .

87 - روایت است که ،

آن ساعت ، وقتی است که نیمی از قرص خورشید ناپدید شده و نیم دیگر باقی باشد .

و فاطمه زهرا (علیها السلام) ، در این وقت دعا می کردم ، پس دعا در این هنگام اجابت می شود .

88 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

دعای بین اذان و اقامه رد نمی شود .

89 - معلی بن خنیس از امام صادق (علیه السلام) چنین روایت کرد که ،

هر کس که روز جمعه را دریافت در آن روز به چیزی جز عبادت نپردازد ، که در آن روز بندگان آمرزیده می شوند ، و رحمت بر آنان نازل می شود .

90 - و فرمود :

جمعه حقی واجب دارد ، پس مباد که در آن چیزی از عبادت خدای تعالی و تقرب به او ، با عمل صالح ، و ترک جمله حرامها را ضایع کنی ، یا در آنها کوتاهی کنی ، که خدای تعالی حسنات را در آن دو چندان می کند و گناهان را پاک

می کند و درجات را بالا می برد ، و شب آن مثل روز آن است . اگر توانستی شب آن را با دعا و نماز زنده نگاه داری چنین کن ! که خدای تعالی حسنات در آن دو چندان می کند و گناهان را پاک می کند . و رحمت و مغفرت فراگیر است و او کریم است .

91 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

(نماز) جمعه ، حج مسکینان است .

92 - و از کعب است که ،

خدای تعالی از ساعتها ، ساعتهای نماز را برگزید ، و از روزها جمعه را برگزید ، و از شبها شب قدر را برگزید ، و از ماهها ماه رمضان را برگزید .

نماز آن چه را بین نمازی تا نماز دیگر است پاک می کند ، و (نماز) جمعه آن چه را بین جمعه ای تا جمعه دیگر است پاک می کند (و حسنات را) سه برابر می کند ، و (روزه) ماه رمضان آن چه را بین رمضانی تا رمضان دیگر است پاک می کند ، و حج نیز به همچنین . پس بنده می میرد در حالی که بین دو حسنه است . حسنه ای که در انتظار آن است و حسنه ای که آن را به جا آورده است . و در نزد خدای تعالی عمل کردن در هیچ یک از روزها دوست داشتنی تر از دهه ذی الحجه نیست و هیچ شبی با فضیلت تر از شبهای آن نیست .

93 - روایت است که خدای تعالی در زمانهای پیشین ، به پیامبری از پیامبران وحی

کرد که هر فردی از امت تو سه دعای مستجاب دارد . مردی این وحی خبر یافت و به خانه رفت و با همسرش در میان گذاشت . زن پای فشرد که یک دعا برابر من بگذار ، و مرد پذیرفت .

زن گفت : از خدا بخواه که مرا زیباترین زنان این زمان کند .

مرد دعا کرد و چنین شد . و زن چون دید که شاهان و جوانان پرناز و نعمت و برخوردار به او رغبت فراوان دارند به شوی خود که پیرمردی تهیدست بود ، بی میل شد و به بدرفتاری و درشتی با او پرداخت ، و مرد با او مدارا می کرد ولی تاب نافرمانی و ناسازگاری او را نداشت ، از خدا خواست تا او را به سگی بدل کند . زن سگ شد . فرزندان گرد آمدند و گفتند : پدر ، مردم از این که مادر ما سگ شده است ، نکوهشمان می کنند و گریه سر دادند و از پدر خواستند که دعا کند تا او را آن چنان که بود ، برگرداند . مرد خدای تعالی را خواند و خداوند او را به حالت نخست بازگرداند ، و هر سه دعا این گونه به هدر رفت .

94 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

مؤ من زیرک است ، هوشیار است ، دوراندیش و محکم کار است .

95 - ربیعه بن کعب گفت :

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود : هفت سال مرا خدمت کردی ، حاجتی از من نمی طلبی ؟

گفتم ، ای

رسول خدا ، مرا مهلتی ده تا فکر کنم . بامداد که شد نزد او آمدم . به من فرمود : ربیعه ، حاجتت را بخواه .

گفتم : از خدا بخواه تا مرا با تو به بهشت برد .

فرمود : چه کسی این را به تو آموخت ؟

گفتم ، ای رسول خدا ، کسی به من نیاموخت لیک با خود اندیشیدم و گفتم ، اگر مالی از او بخواهم به زوال می انجامد و اگر عمری دراز و فرزندانی بخواهم ، سرانجام آنها مرگ است .

ربیعه گفت : رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) زمانی سر به زیر افکند ، سپس فرمود : چنین می کنم ، تو نیز مرا (در این کار) با سجده بسیار ، یاری کن .

96 - ربیعه گفت :

شنیدم او می فرمود : بنده ای نیست که هر روز هفت بار بگوید :

أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ أَعُوذُ بِهِ مِنَ النَّار از خدا بهشت می خواهم و از آتش به او پناه می بریم . مگر این که آتش می گوید : پروردگارا ، از من پناهش ده .

97 - و شنیدم او می فرمود :

به هر کس پنج چیز داده شد عذری در ترک کار آخرت ندارد :

زنی درستکار که او را در کار دنیا و آخرتش یاری دهد ، و پسرانی نیکوکار ، و معیشتی در شهر خود ، و حسن خلقی که بدان با مردم مدارا کند و محبت اهل بیت من .

98 - گفت :

و شنیدم که می فرمود : بر تو باد که از آن چه در دست مردم است نومید باشی

که این غنایی حاضر است ، و به آن چه مردم دارند آزمند نباشی که آن فقری حاضر است . و چون نمازگزاردی چونان کسی گزار که نماز بدرود می گزارد . و از هر آن چه که از آن پوزش بخواهی دوری کن .

99 - و شنیدم که می فرمود :

دیری نپاید که پس از من فتنه ای درگیرد ، چون درگرفت ، ملازم علی بن ابی طالب (علیه السلام) باشید و او را رها کنید .

100 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

هنگامی که از پیامبر (علیه السلام) ، چیزی درخواست می شد اگر می خواست بکند ، می فرمود : آری . و اگر نمی خواست ، سکوت می کرد و نه ، نمی گفت .

عربی نزد او آمد و چیزی خواست ، پاسخی نداد ، بار دیگر خواست ، سکوت کرد . بار سوم خواست و او همچنان خاموش ماند . آن گاه با رویی گشاده و لحنی خودمانی فرمود : اعرابی چه می خواهی ؟

ما به او غبطه خوردیم و گفتیم ، اکنون است که او بهشت بخواهد .

اعرابی گفت : شتری راهوار با جهاز و بار و توشه آن می خواهم .

او فرمود : ارزانیت باد .

آن گاه فرمود : بین خواسته این اعرابی با خواسته آن پیرزن بنی اسرائیل چه قدر فاصله است ! ! وقتی به موسی (علیه السلام) امر شد که از دریا بگذرد ، او رفت تا به انتهایی دریا رسید ، ولی هر چه اسبها را می راندند و می زدند باز می گشتند . موسی گفت : پروردگارا !

لنگی کار از چیست ؟

فرمود : موسی ، تو اکنون نزدیک قبر یوسف هستی ، استخوانهای او را با خود ببر . و این در حالی بود که قبر با خاک یکسان شده بود .

موسی از قوم خود پرسید : کسی از شما داند که قبر یوسف کجاست ؟

گفتند : شاید پیرزن فرتوت بنی اسرائیل بداند .

موسی به او فرمود : می دانی ؟

گفت : آری .

فرمود : نشانم بده .

گفت : نه به خدا سوگند ، تا خواسته ام را ندهی ، نشانت ندهم .

فرمود : باشد .

زن گفت : از تو می خواهم که در آن پایه ای که در بهشتت داری با تو باشم .

فرمود : بهشت بخواه .

گفت : نه به خدا سوگند ، تنها با تو بودن را می خواهم .

موسی همچنان خواسته او را رد کرد ، تا این که خدا به او وحی کرد که ای موسی ، خواسته اش را به او عطا کن . موسی به او عطا کرد و زن قبر را به او نشان داد و موسی استخوانها را بیرون آورد و از دریا گذشت .

101 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

با شکیبایی انتظار گشایش دشواریها را کشیدن عبادت است .

102 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

ای بسا که اجابت دعای بنده به دنبال افتد تا اجر درخواستگر بیشتر شود و عطای آرزومند فراوان تر گردد .

103 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

زمستان بود و ابراهیم (علیه السلام) در پی یافتن جایی برای گاوها و گوسفندهایش بیرون رفت . آوای شهادت

لا اِلَهَ إِلا اللَّه را شنید و به دنبال صدا رفت تا به صاحب آن رسید . گفت : ای بنده خدا تو کیستی ؟ من مدتهاست که در این سرزمینم و کسی را جز تو ندیدم که خدا را به یکتایی ستاید .

گفت : کشتی ما غرق شد و من با تخته ای نجات یافتم و اکنون در جزیره ای ساکنم .

فرمود : معاشت از چیست ؟

گفت : در تابستان میوه ها را برای زمستان جمع می کنم .

فرمود : برویم تا جایت را نشانم دهی .

گفت : تو نتوانی ، که بین ما و آنجا آب دریاست .

فرمود : تو چه می کنی ؟

گفت : روی آب می روم تا برسم .

فرمود : امید دارم آن کس که تو را یاری داد مرا نیز یاری دهد .

گفت : پس راه بیفت .

مرد می رفت و ابراهیم در پی او ، تا به آب رسیدند و پا بر سطح آب گذاردند . مرد هر دم با شگفتی به ابراهیم می نگریست و ابراهیم نیز از او در شگفت بود ، تا از آب گذشتند و مرد ابراهیم را به غاری برد و گفت : جای من اینجاست .

فرمود : چه خوب است تو دعا کنی و من آمین بگویم .

گفت : من از پروردگارم شرم دارم . تو دعا کن من آمین می گویم .

فرمود : شرم از چه ؟

گفت : زمانی من به آن جا که مرا دیدی رفته بودم ، جوانی دیدم ، زیباترین انسانها ، دو سوی رخسارش دو ورق طلا را می ماند ، با گیسوانی افشان و گاوها و

گوسفندهایی (روشن و چشم نواز) چنان که گویی روغن مال شده اند . به او گفتم : کیستی ؟

گفت : اسماعیل پسر ابراهیم خلیل الرحمانم .

اکنون سه ماه است که از خدا خواسته ام ابراهیم را به من بنماید و تاکنون او را به من نشان نداده است .

فرمود : من ابراهیم خلیل الرحمان هستم . و یکدیگر را در آغوش گرفتند .

امام صادق (علیه السلام) فرمود : این دو نخستین کسان در روی زمین بودند که دست در گردن هم انداختند و یکدیگر را در آغوش گرفتند .

104 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

سه نفر از مردمان که پیش از شما می زیستند ، در پی یافتن جایی برای خانواده خود بیرون رفتند ، در راه گرفتار باران شدند و به درون کوهی پناه بردند . سنگی بر در غار افتاد و راه را بر آنان بست . به یکدیگر گفتند : جای پای ما از بین رفته و سنگ راه را بر ما بسته است و کسی جز خدای تعالی از مکان ما با خبر نیست . بیایید خدای سبحان را به خالص ترین کارهایی که کرده ایم و بدانها امید داریم ، بخوانیم .

یکی گفت : بارخدایا ، تو می دانی که من زنی را خوش داشتم و او را به خود خواندم ، زن سرباز زد . وعده اجرتی به او دادم ، پذیرفت . وقتی می خواستم با او جمع شوم ، او از خشیت تو به سختی لرزید و گفت : من از بیچارگی به خواسته تو تن دادم . و من

او را رها کردم ، اگر می دانی که من این کار را به امید رحمت و بیم از عذاب تو کردم . راه را بر ما بگشا .

یک سوم سنگ کنار رفت .

دیگری گفت : بارخدایا تو می دانی که من پدر و مادری داشتم و برای ایشان شیر می دوشیدم ، شبی شیر آوردم . خواب بودند . ایستادم تا سپیده دمید و خود بیدار شدند و شیر را نوشید بار خدایا ، اگر تو می دانی که این کار را امید رحمت تو کردم ، بر ما گشایشی فرما .

یک سوم دیگر گفت سنگ کنار رفت .

سومی گفت : بارخدایا ، تو می دانی که من روزی کارگری را به خدمت گرفتم و او تا نیمه روز کار کرد و من مزد او را دادم . او خشمگین شد و اجرت را نگرفت ، و من آن اجرت را در کار تجارت گاو و گوسفند و جز آن به کار بستم و چون بار دیگر در طلب اجرت بازگشت ، گفتم ، همه اینها مال توست ، بگیر . اگر می خواستم جز اجرتش چیزی به او نمی دادم . بارخدایا ، اگر ، تو می دانی که من این کار را به امید رحمت و بیم از عذاب تو کردم ، راه ما را بگشا .

و سنگ به کلی کنار رفت و آن سه بیرون آمدند و رفتند .

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با بیان این خبر چنین رساند که عمل صالح ، علاوه بر این که برای آخرت ثوابی اندوخته است ، صاحب آن در دنیا

نیز از آن بهره مند است ، همچنین این فایده را رساند که کسی که در دفع ضررها و آسیبها به پروردگارش پناه می برد ، سزاوار است که به ذکر کارهای نیکش توسل جوید . که امید اجابت در آن نزدیک تر است .

کوتاه ، ملتمسانه1

105 - امام صادق (علیه السلام) فرمود :

بیمار شدم ، پدرم نزد من آمد و فرمود : پسرم ، ده بار بگو یا اللّهُ بنده ای این را نگوید مگر این که که خدا بگوید . لبیک (صدایت را شنیدم ، چه می خواهی ؟) . و هر کسی بگوید یا رَبّی یا اللّهُ تا از نفس بماند ، جواب آید که ، لبیک ، حاجتت چیست ؟ و هر کس ده بار بگوید : یا اللّهُ به او گفته می شود که لبیک ، چه می خواهی ؟

106 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

روز بدر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را در سجده دیدم که می فرمود : یا حیّ یا قَیّوم و در این حال بود تا خدای تعالی پیروزی را نصیب او کرد .

107 - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

ذکر یا ذَا الْجَلالِ وَ الاکرام را همواره بگویید .

108 - و بر مردی گذر کرد که می گفت یا اَرْحَمَ الْرّاحِمِین

فرمود : آن چه می خواهی طلب کن ، که خدای سبحان سوی تو نظر کرده است .

109 - امام صادق (علیه السلام) فرمود :

خداوند فرشته ای اسماعیل نام دارد که در آسمان دنیا ساکن است ، هر گاه بنده

هفت بار بگوید یا اَرْحَمَ الْرّاحِمِین اسماعیل به او می گوید : یا اَرْحَمَ الْرّاحِمِین صدایت را شنید ، حاجتت را بخواه .

110 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

هر کس صد آیه از قرآن را ، از هر جای قرآن که باشد ، بخواند ، آن گاه هفت بار بگوید یا اَللّهُ اگر بر (شکافتن) صخره ای دعا کند ، آن را بشکافد ، اگر خدای خواهد .

111 - امام رضا (علیه السلام) فرمود :

برخی امور اندوه مرا برانگیخته بود ، ابوجعفر ، امام باقر (علیه السلام) ، (به خوابم) آمد و فرمود : فرزندم ، خدا را بخوان و یا رَؤ وفُ یا رَحیمُ را بسیار بگو .

112 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کسی سه بار بگوید یَا مَنْ یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ وَ لَا یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ أَحَدٌ غَیْرُه دعایش اجابت شود . و این دعایی رد ناشدنی است .

و از کوتاه ترین و رساترین دعاها این است که بگویدَ یَا اللَّهُ الَّذِی لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ افْعَلْ بِی کَذَا وَ کَذَا (و به جای کَذا وَکَذا خواسته ات را می طلبی)

پدرم (علیه السلام) این دعا را (که می آید) نهان می داشت و کسی را از آن آگاه نمی کرد . دعا این است أَعُوذُ بِدِرْعِ اللَّهِ الْحَصِینَهِ الَّتِی لَا تُرَامُ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ مِنْ کَذَا وَ کَذَا و کلمات فرج را بگویید . (کلمات فرج : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الحَلیمُ الکَریم لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ العَلی العَظیم سُبْحَانَ اللَّهِ رَبّ

السَماوات السَّبع وَ رَبِّ الارَضِينَ السّبع وَ ما فيهِنَّ وَ ما بَيَهُنَّ وَ رَبِّ العَرشِ العَظيم وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبّ العَالَمينَ)

113 - در قصه معراج پيامبر (صلى الله عليه و آله و سلم) چنين آمده است كه ،

او بر ابراهيم خليل الرحمان (عليه السلام) گذر كرد . ابراهيم از پشت سر او را آواز داد و گفت : اى محمد ، امتت را از جانب من سلام رسان و به ايشان خبر ده كه آب بهشت گواراست و خاك آن پاكيزه و هموارە سپيد است . و كاشته هاى آن سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّه است ، پس امتت را امر كن تا اين نهالها را بسيار بكارند .

114 - و امام رضا (عليه السلام) فرمود :

مردى ورقى يافت و آن را نزد رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) آورد . پيامبر ندا داد : نماز جماعت برپا ميشود . هيچ مرد و زنى از آمدن تخلف نكرد و او بالاى منبر رفت و آن نوشته را خواند . مكتوبى از يوشع بن نون ، جانشين موسى (عليه السلام) بود ، و در آن نوشته بود :

بسم الله الرحمن الرحيم ، پروردگار شما به شما رئوف و مهربان است ، آگاه باشيد كه بهترين بندگان خدا كسى است كه پرهيزكار و پاكيزه و ناشناخته باشد ، و بدترين بندگان خدا كسى است كه انگشت نما باشد . پس هر كه دوست دارد با پيمانه پر ثواب بردارد و حقوقى را

که خدای سبحان به او بخشیده است به تمام دریابد ، هر روز بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ کَمَا یَنْبَغِی لِلَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّه کَمَا یَنْبَغِی لِلَّهِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ وَ جَمِیعِ الْمُرْسَلِینَ وَ النَّبِیِّینَ حَتَّی یَرْضَی اللَّه

و از منبر به زیر آمد . مردم پای فشردند تا فایده های بیشتری از این دعا بدانند . او اندکی درنگ کرد ، آن گاه بر منبر رفت و فرمود : هر کس دوست دارد که ثنای او از ثناگویان کوشا بالاتر باشد ، این دعا را هر روز بخواند؛ اگر حاجتی دارد برآورده شود ، و اگر دشمن دارد سرنگون می شود و اگر قرضی دارد ادا می گردد و اگر اندوهی دارد زدوده می شود و کلام او در آسمانهای هفتگانه را می شکافد تا در لوح محفوظ نگاشته شود .

115 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

جبرائیل (علیه السلام) مرا از جانب پروردگارم امر کرد که قرآن را در قیام بخوانم و در رکوع حمدش کنم و در سجود تسبیحش گویم و نشسته بخوانمش .

116 - سوید بن غفله گفت :

امیرالمؤ منین (علیه السلام) در تنگی و فشار زندگی افتاده بود ، فاطمه (علیه السلام) شبانه نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و در کوبید .

فرمود : ام ایمن برخیز و بگو که نفس محبوبم را می شنوم . ام ایمن در را گشود و فاطمه (علیه السلام) وارد شد . پیامبر (صلی الله علیه و آله و

سلم) فرمود :

وقتی نزد ما آمده ای که پیش از این نمی آمدی ؟

فاطمه (علیه السلام) گفت : ای رسول خدا ، طعام فرشتگان نزد پروردگارشان چیست ؟

فرمود : حمد گفتن .

گفت : طعام ما چیست ؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : سوگند به آن کس که جان من در دست اوست ، یک ماه است که آتشی (برای طبخ) در خانه آل محمد افروخته نشده است . برگزین ، بگویم تا پنج ماده بز به تو بدهند یا پنج سخن به تو بیاموزم که جبرئیل مرا آموخت ؟

گفت : ای رسول خدا ، آن پنج سخن را می خوانم ، چیست ؟

فرمود ؟ یَا رَبَّ الْأَوَّلِینَ وَ الْاٰخِرِینَ َو یا خیر الْأَوَّلِینَ وَ الْاٰخِرِین و یَا ذَا الْقُوَّهِ الْمَتِینَ وَ یَا رَاحِمَ الْمَسَاکِینِ وَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِین

و فاطمه بازگشت . امیرالمؤ منین علی (علیه السلام) چون او را دید فرمود :

پدر و مادرم به فدایت ای فاطمه ، چه خبر داری ؟

گفت : برای دنیا رفتم ، با آخرت بازگشتم .

علی (علیه السلام) فرمود : روزهایت همه خیر است ، روزهایت همه خیر است . (خیر ایامک) و اگر عبارت ، (خیر امامک) باشد ترجمه آن می شود : همیشه با خیر رو به رو می شوی و به استقبال خیر می روی)

117 - امام حسن مجتبی (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ، نقل کرد که او فرمود :

جبرائیل (علیه السلام) هفت سخن برای من آورد ، همان سخنها که خدای

تعالی فرمود : وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهِیمَ رَبُّهُ بِکلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ (8) و چون ابراهیم را پروردگارش با سخنانی آزمود و او آنها را به انجام رسانید .

آن سخنان اینهاست : یَا اللَّهُ یَا رَحْمَانُ یَا رَبِّ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ یَا نُورَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ یَا قَرِیبُ یَا مُجِیب

118 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) به براء بن عازب فرمود :

تو را به چیزی راهنمایی کنم که اگر به کارش بندی به حق ولی الله باشی ؟

گفت : آری ، ای ولی خدا .

فرمود : پس از هر نماز خدا را ده بار تسبیح و ده بار تحمید و ده با تکبیر می گویی ، و ده بار می گویی لا اله الا الله . خداوند هزار بلا را از تو می گرداند که کمترین آنها بلای برگشتن از دین است ، و هزار منزلت را برای آخرت تو ذخیره می کند که کمترین آنها مجاورت با پیامبر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است .

119 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

از ملتمسانه ترین دعاها آن است که بنده بگوید ما شاءَ اللّهُ و از فراگیرترین دعاها آن است که بنده استغفار کند .

120 - محمد بن ریان گفت :

به امام هادی (علیه السلام) نامه ای نوشتم و در آن ، از او خواستم تا برای سختی ها و بلاها و دشواری ها و نگرانی ها و برآورده شدن حاجتهای دنیوی و اخروی ، دعایی به من بیاموزد و سفارش ویژه کند ، چنان که پدران او ، خصوصی به دوستانشان سفارش می کردند .

او برایم نوشت

: از استغفار دست برمدار .

121 - اسماعیل بن سهل گفت :

به امام رضا (علیه السلام) نوشتم : دعایی به من بیاموز که چون آن را بگویم در دنیا و آخرت با شما باشم .

نوشت : انّا اَنزَلْناهُ را بسیار تلاوت کن و لبهایت را با استغفار تر و تازه کن (همواره استغفار بر زبانت باشد) .

122 - مردی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت :

ای رسول خدا ، دعایی هست که رد نشود ؟

فرمود : آری ، اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْأَعْلَی الْأَجَلِّ الْأَعْظَم را تکرار کن ، آنگاه حاجتت را بخواه .

123 - و فرمود :

بنده ای نیست که دستهایش را پس از نماز بگشاید و بگوید : اللَّهُمُ إِلَهی وَ إِلَهَ إِبْرَاهِیمَ وَ اسماعیل و إِسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ یوسف و إِلَهَ جَبْرَئِیلَ وَ مِیکَائِیلَ وَ إِسْرَافِیلَ أَسْأَلُکَ أَنْ تَسْتَجِیبَ لی دَعْوَتِی فَإِنِّی مُضْطَرٌّ وَ تَعْصِمَنِی فِی دِینِی فَإِنِّی مُبْتَلَی وَ تَنَالَنِی بِرَحْمَتِکَ فَإِنِّی مُذْنِبٌ وَ تَنْفِیَ عَنِّی الْفَقْرَ فَإِنِّی مِسْکِین مگر این که بر خدا حق است که دستهایش را نومید باز نگرداند .

124 - و امام هادی (علیه السلام) فرمود :

من بسیاری از اوقات با این دعا خدای تعالی را می خوانم و از خدای عزوجل خواسته ام کسی را که در مزار من بدان دعا کند ، نومید کند . دعا این است :

یَا عُدَّتِی عِنْدَ الْعُدَدِ وَ یَا رَجَائِی وَ الْمُعْتَمَدُ وَ یَا کَهْفِی وَ السَّنَدُ وَ یَا وَاحِدُ یَا أَحَدُ وَ یَا قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ خَلْقِکَ وَ لَمْ تَجْعَلْ فِی خَلْقِکَ

مِثْلَهُمْ أَحَداً صَلِّ عَلَى جَمَاعَتِهِمْ وَ افْعَلْ بِی کیت و کیت

و به جای کیت کیت حاجتش را بخواهد .

125 - و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس به اندیشه ای غم انگیز یا مشقتی ، یا بلا و اندوهی مبتلا شد ، بگوید : اللَّه اللَّهُ اللَّهُ رَبِّی لَا أُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً تَوَکَّلْتُ عَلَى الْحَیِّ الَّذِی لَا ینام و لاَ یَمُوت

126 - و این دعا از جمله دعاهای فرج است :

یَا مَنْ یَکْفِی مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَ لَا یَکْفِی مِنْهُ شَیْءٌ اکْفِنِی مَا أَهَمَّنِی ای که از همه چیز بسنده ای و چیزی از تو بسنده نباشد ، تو خود ، آن چه را اندیشناکم کرده است (به عهده گیر) و بسنده باش .

127 - سماعه بن مهران گفت :

امام کاظم (علیه السلام) فرمود : هرگاه حاجتی به درگاه خدا داشتی بگو : اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَکَ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ وَ قَدْراً مِنَ الْقَدْرِ فَبِحَقِّ ذَلِکَ الشَّأْنِ وَ بِحَقِّ ذَلِکَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا (و به جای کذا و کذا حاجتت را به زبان می آوری .) فَإِنَّهُ إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَهِ لَمْ یَبْقَ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِیٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا مُؤْمِنٌ مُمْتَحَنٌ إِلَّا وَ هُوَ یَحْتَاجُ إِلَیْهِمَا فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ

128 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

چون امری تو را پریشان کرد و تاب و قرار از کفت ربود ، بر زمین سجده کن و بگو :

یَا مُذِلَّ کُلِّ جَبَّارٍ یَا مُعِزَّ کُلِّ ذَلِیلٍ قَدْ

وَ حَقِّکَ بَلَغَ مَجْهُودِی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فَرِّجْ عَنِّی

129 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

چون به گرداب گرفتاری افتادی بگو : بِسمِ اللّهِ الرَحمنِ الرَحیمِ ، وَلاَ حَولَ وَ لا قُوَّةَ الّا بِاللّهِ که خداوند هر بلایی را که بخواهد ، بدان واپس زند .

130 - و فرمود :

درهای معصیت را با استعاذه اَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّیطَانِ الرَجِیمِ ببندید ، و درهای اطاعت را با تسمیه بِسمِ اللّهِ الرَحمنِ الرَحیمِ بگشایید .

131 - و فرمود :

دعایی که آغاز آن بِسمِ اللّهِ الرَحمنِ الرَحیمِ باشد ، رد نمی شود .

132 - همو فرمود :

چون کسی خشم آورد ، بگوید اَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّیطَانِ الرَجِیمِ خشم از او برود .

کوتاه ، ملتمسانه2

133 - مردی گفت :

ای رسول خدا ، مرا سفارشی فرما .

فرمود : سفارشت می کنم که خشمگین مشوی . و فرمود هر گاه خشمگین شدید ، وضو بسازید .

134 - امام باقر (علیه السلام) فرمود :

حزن یعقوب (علیه السلام) ، شدت یافت دستهایش را به آسمان بلند کرد و گفت : یَا حَسَنَ الصُّحْبَهِ یَا کَرِیمَ الْمَعُونَهِ یَا خَیْراً کُلُّهُ ائْتِنِی بِرَوْحٍ مِنْکَ وَ فَرَجٍ مِنْ عِنْدِکَ جبرائیل فرود آمد و گفت : یعقوب ، تو را دعایی آموزم که خداوند بینایی و دو فرزندت را به تو بازگرداند ؟

گفت : آری .

فرمود : بگو يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَ حَيْثُ هُوَ وَ قُدْرَتَهُ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ ائْتِنِی بِرَوْحٍ مِنْکَ

وَ فَرَجٍ مِنْ عِنْدِکَ

135 - عبدالله بن موسی بن جعفر گفت :

وقتی که برادران یوسف آن ناروا را در حق او کردند ، و یوسف عزیز مصر شد ، یعقوب در حالی که نمی دانست او یوسف است ، به او این نامه را نوشت :

بسم الله الرحمن الرحیم ، از یعقوب اسرائیل الله ، فرزند اسحاق ذبیح الله فرزند ابراهیم خلیل الله ، به عزیز آل فرعون .

سلام علیک . در آغاز نامه ام خدایی را می ستایم . که معبودی جز او نیست و پس از آن می گویم که ، اسباب بلاها بر ما شوریده اند و آزمند گشته اند؛ جدم ابراهیم خلیل در راه طاعت پروردگارش به آتش افکنده شد؛ خدا آتش را برای او سرود و سلامت کرد . و به او فرمان داد تا پدرم را ذبح کند؛ به جای ذبح او ، فدیه ای فرستاد . و من پسری داشتم که او را از جمله مردمان دوست تر می داشتم ، از کفم رفت ، و حزن من بر او ، نور دیدگانم را برد . او برادری مادری داشت که هر گاه به یادش می افتادم او را در آغوش می فشردم و غمم اندکی فرو می نشست ، اینک او نزد شما در بند است . به شما می گویم که من دزدی نکرده ام و فرزند دزد دنیا نیاورده ام .

چون یوسف نامه را خواند ، گریست و به او نوشت :

بسم الله الرحمن الرحیم ، شکیبایی کن چنان که آنان کردند ، ظفر می یابی چنان که آنان یافتند .

نامه که به دست یعقوب

رسید گفت : به خدا سوگند ، این سخن شاهان و فرعونان نیست بلکه این سخن پیامبران و پیامبرزادگان است .

و اینجا بود که گفت : يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسّسوا مِن يُوسفَ وَ أَخِيهِ (9) پسرانم ، بروید و یوسف و برادرش را بجویید .

136 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

تسبیح نصف میزان است و حمد ، آن را پر می کند و تکبیر میان آسمان و زمین را پر می کند .

137 - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود :

پدرم در روز شهادتش و هنگامی که خونها در جوش بود ، مرا به سینه فشرد و فرمود : پسرم ، دعایی را که فاطمه (علیها السلام) به من آموخت و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او آموخت و جبرائیل به رسول خدا آموخت ، تا در حاجتها و امور مهم و اندیشه برانگیز و غمها و پیشامدهای سخت بخواند ، از من به خاطر بسپار . فرمود : دعا کن بِحَقِّ يس وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَ بِحَقِّ طه وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ يَا مُنَفِّسُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفَرِّجُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا (و به جای کذا و کذا آنچه را می خواهی به زبان آور .)

138 - روایت است که امام زین العابدین (علیه السلام) مردی را دید که بر در خانه

کسی نشسته است . به او فرمود :

تو را چه بر در خانه این مرد خوشگذران متکبر نشانده است ؟

گفت : گرفتاری .

فرمود : برخیز تا تو را به دری بهتر از در او و پروردگاری که برای تو بهتر از اوست . راهنمایی کنم . و دست او را گرفت تا به مسجد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیدند . فرمودند : رو به قبله کن و دو رکعت نماز بگزار ، آن گاه دستهایت را به درگاه خدای عزوجل بگشا و خدا را ثناگو و به رسول او (صلی الله علیه و آله و سلم) درود فرست و پس از آن با آیات آخر سوره حشر و شش آیه از اول سوره حدید و دو آیه که در آل عمران است ، خدا را بخوان و از خدای سبحان درخواست کن که هر چه بخواهی عطایت کند .

آیات آخر سوره حشر : (10)

139 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

جبرائیل (علیه السلام) مرا گفت : آن کلمات را که موسی (علیه السلام) هنگام شکافته شدن دریا گفت به تو بیاموزم ؟

گفتم : آری .

گفت : بگو : اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ وَ إِلَیْکَ الْمُشْتَکَی وَ بِکَ الْمُسْتَغَاثُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ

140 - و فرمود :

هر گاه به کسی غم و اندوهی رسد و بگوید : اللَّهُمَّ إِنِّی عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ وَ ابْنُ أَمَتِکَ نَاصِیَتِی بِیَدِکَ مَاضٍ فِیَّ حُکْمُکَ عَدْلٌ فِیَّ قَضَاؤُکَ أَسْأَلُکَ بِکُلِّ اسْمٍ سَمَّیْتَ بِهِ نَفْسَکَ اوَ أَنْزَلْتَهُ فِی

كِتَابِکَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِکَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِیعَ قَلْبِی وَ نُورَ بَصَرِی وَ جَلَاءَ حُزْنِی وَ ذَهَابَ هَمِّی خداوند غم او را ببرد و به جای آن گشایشی نازل کند .

141 - و فرمود :

گناهانی هستند که هیچ نماز و روزه ای آنها را پاک و جبران نمی کند .

گفته شد : ای رسول خدا ، پس همه چیز آنها را پاک نمی کند ؟

فرمود : غمهایی که در طلب معیشت می خورند .

142 - روایت است که :

داود (علیه السلام) گفت : معبود من ، مرا امر کردی که روی و بدن و پایم را با آب پاکیزه کنم ، قلبم را با چه پاک کنم ؟

فرمود : با غمها و غصه ها .

143 - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود :

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در جمع گروهی از خویشان خود حاضر شد و فرمود سخنی به شما بگویم که برایتان از دنیا و آخرت نیکوتر باشد ، و هر گاه غمین و اندوهگین شدید خدای عزوجل را بدان بخوانید تا برای شما گشایشی پدید آورد ؟

گفتند : آری ، ای رسول خدا ! !

فرمود : بگویید : اللَّه اللَّهُ اللَّه رَبُّنَا لَا نُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً آن گاه او را بخوانید و هر چه در نظر دارید ، بخواهید .

124 - ثمالی گفت :

به امام علی بن الحسین (علیه السلام) گفتم : دعایی به من آموز .

فرمود : ای ثابت ، بگو : اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِأَنَّ لَکَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِیعُ

السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ ذُو الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا آن گاه فرمود : رسول خدَا (صلی اللَه علیه و آله و سلم) فرمود : این دعایی است که چون خدا را بدان خوانند ، اجابت کند و چون بدان درخواست شود ، عطا کند .

145 - امام حسن عسکری (علیه السلام) از پدرش نقل کرد که او فرمود :

مردی نزد محمد بن علی بن موسی امام جواد (علیه السلام) آمد و گفت : ای فرزند رسول خدا ، پدرم مالی داشت و از دنیا رفت و من نمی دانم مال او کجاست . نانخور بسیار دارم و از دوستان شمایم ، یاریم ده .

امام (علیه السلام) فرمود نماز عشاء را که خواندی صد بار بر محمد و آل محمد درود فرست ، پدر به خوابت می آید و جای مال را نشانت می دهد . مرد چنین کرد ، پدر به خوابش آمد و به او خبر داد ، و مرد رفت و مال را برداشت .

146 - و از امامان (علیه السلام) روایت است که فرمودند :

چون امری تو را محزون کرد دو رکعت نماز بگزار ، در رکعت نخست حمد و آیه الکرسی و در رکعت دوم حمد و إنا أنزلناه ، بخوان ، آن گاه قرآن را بردار و روی سر بگیر و بگو اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مَا أَرْسَلْتَهُ إِلَی خَلْقِکَ وَ بِحَقِّ کُلِّ آیَهٍ هِیَ لَکَ فِی الْقُرْآنِ وَ بِحَقِّ کُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَهٍ مَدَحْتَهُمَا فِی الْقُرْآنِ وَ بِحَقِّکَ عَلَیْکَ وَ لَا أَحَدَ أَعْرَفُ بِحَقِّکَ مِنْکَ و ده بار بگو یَا

سَيِّدِی يَا اللَّه و ده بار و بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و ده بار بِحَقِّ عَلِیٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْه آن گاه می گويی اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ نَبِيِّکَ الْمُصْطَفَی وَ بِحَقِّ وَلِيِّکَ وَ وَصِیِّ رَسُولِکَ الْمُرْتَضَی وَ بِحَقِّ الزَّهْرَاءِ مَرْيَمَ الْكُبْرَی سَيِّدَهِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سِبْطَیْ نَبِیِّ الْهُدَی وَ رَضِيعَیْ ثَدْیِ التُّقَی وَ بِحَقِّ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ قُرَّهِ عَيْنِ النَّاظِرِينَ وَ بِحَقِّ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ الْخَلَفِ مِنْ آلِ يس وَ بِحَقِّ الرَّاضِی مِنَ الْمَرْضِيِّينَ وَ بِحَقِّ الْخَيِّرِ مِنَ الْخَيِّرِينَ وَ بِحَقِّ الصَّابِرِ مِنَ الصَّابِرِينَ وَ بِحَقِّ التَّقِیِّ وَ السَّجَّادِ الْأَصْغَرِ وَ بِبُكَائِهِ لَيْلَهَ الْمُقَامِ بِالسَّهَرِ وَ بِحَقِّ النَّفْسِ الزَّكِيَّهِ وَ الرُّوحِ الطَّيِّبَهِ سَمِیِّ نَبِيِّکَ وَ الْمُظْهِرِ لِدِينِکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّهِمْ وَ حُرْمَتِهِمْ عَلَيْکَ إِلَّا قَضَيْتَ بِهِمْ حَوَائِجِی و آن چه را می خواهی بيان کن .

147 - پيامبر (صلی الله عليه و آله و سلم) فرمود :

جبرائيل (عليه السلام) ، اين مناجات را برای طلب حاجت ، از جانب خدای تبارک و تعالی به من داد : اللَّهُمَّ جَدِيرٌ مَنْ أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ أَنْ يَدْعُوَکَ وَ مَنْ وَعَدْتَهُ بِالِاسْتِجَابَهِ أَنْ يَرْجُوَکَ وَ لِیَ اللَّهُمَّ حَاجَهٌ قَدْ عَجَزَتْ عَنْهَا حِيلَتِی وَ كَلَّتْ مِنْهَا طَاقَتِی وَ ضَعُفَتْ عَنْ مَرَامِهَا قُوَّتِی وَ سَوَّلَتْ لِی نَفْسِیَ الْأَمَّارَهُ بِالسُّوءِ وَ عَدُوِّی الْغَرُورُ الَّذِی أَنَا مِنْهُ وَ مِنْهَا مَبْلُوٌّ أَنْ أَرْغَبَ إِلَی ضَعِيفٍ مِثْلِی وَ مَنْ هُوَ فِی النُّكُولِ شَكْلِی حَتَّی تَدَارَكْتَنِی رَحْمَتُکَ وَ بَادَرَتْنِی بِالتَّوْفِيقِ رَأْفَتُکَ وَ رَدَدْتَ عَلَیَّ عَقْلِی بِتَطَوُّلِکَ وَ أَلْهَمْتَنِی رُشْدِی بِتَفَضُّلِکَ وَ أَجْلَيْتَ بِالرَّجَاءِ لَکَ قَلْبِی وَ أَزَلْتَ خُدْعَهَ عَدُوِّی عَنْ لُبِّی وَ صَحَّحْتَ فِی التَّأَمُّلِ

فِکْرِی وَ شَرَحْتَ بِالرَّجَاءِ لِإِسْعَافِکَ صَدْرِی وَ صَوَّرْتَ لِیَ الْفَوْزَ بِبُلُوغِ مَا رَجَوْتُهُ وَ الْوُصُولِ إِلَی مَا أَمَّلْتُهُ فَوَقَفْتُ اللَّهُمَّ رَبِّ بَیْنَ ذَلِکَ سَائِلًا لَکَ مِمَّا دَعَا إِلَیْکَ وَاثِقاً بِکَ مُتَوَکِّلًا عَلَیْکَ فِی قَضَاءِ حَاجَتِی وَ تَحْقِیقِ أُمْنِیَّتِی وَ تَصْدِیقِ رَغْبَتِی فَأَعِذْنِی اللَّهُمَّ رَبِّ بِکَرَمِکَ مِنَ الْخَیْبَهِ وَ الْقُنُوطِ وَ الْأَنَاهِ وَ التَّثْبِیطِ بِهَنِیءِ إِجَابَتِکَ وَ سَابِغِ مَوْهِبَتِکَ إِنَّکَ وَلِیٌّ وَ بِالْمَنَائِحِ الْجَزِیلَهِ مَلِیٌّ وَ أَنْتَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَ بِکُلِّ شَیْءٍ مُحِیطٌ

148 - و این دعا از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است که فرمود : یَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِیلَ وَ سَتَرَ الْقَبِیحَ یَا مَنْ لَمْ یَهْتِکِ السِّتْرَ وَ لَمْ یُؤَاخِذْ بِالْجَرِیرَهِ یَا عَظِیمَ الْعَفْوِ یَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَهِ یَا بَاسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَهِ یَا صَاحِبَ کُلِّ نَجْوَی وَ مُنْتَهَی کُلِّ شَکْوَی یَا مُقِیلَ الْعَثَرَاتِ یَا کَرِیمَ الصَّفْحِ یَا عَظِیمَ الْمَنِّ یَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا یَا رَبَّاهْ یَا سَیِّدَاهْ یَا أَمَلَاهْ یَا غَایَهَ رَغْبَتِاه أَسْأَلُکَ بِکَ یَا اللَّهُ أَلَّا تُشَوِّهَ خَلْقِی بِالنَّارِ وَ أَنْ تَقْضِیَ لِی حَوَائِجَ آخِرَتِی وَ دُنْیَایَ وَ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا و بر محمد و آل محمد درود می فرستی و آن چه در نظر داری می خواهی .

149 - روایت است که ،

هر بنده پیکری در عرش دارد ، چون به عبادت پردازد ، فرشتگان پیکر او را می بینند ، و چون به معصیت پردازد ، خداوند برخی از فرشتگانش را امر می کند که با بالهایشان او را بپوشاند تا فرشتگان نبینند . و معنای سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که خطاب

به خدا عرضه می داشت : ((يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ . . . ای کسی که زیبایی را نمایاندی و زشتی را پوشاندی)) همین است .

150 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) وقتی آن چه را در بیت المال بود قسمت می کرد ، می فرمود تا آن جا را بروبند ، سپس در آن نماز می گزارد و دعا می کرد و در دعایش می فرمود : اَللّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ ذَنْبٍ يُحْبِطُ الْعَمَلَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ ذَنْبٍ يُعَجِّلُ النِّقَمَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ ذَنْبٍ يغير النعم و أَعُوذُ بِک من ذنب يمنع الرزق و أَعُوذُ بِک من ذنب يَمْنَعُ الدُّعَاءَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ ذَنْبٍ يمنع التوبه و أَعُوذُ بِک من ذنب يَهْتِکُ الْعِصْمَةَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ ذَنْبٍ يُورِثُ النَّدَمَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ ذَنْبٍ يَحْبِس الْقِسَمَ

151 - ابن کوا گفت :

شنیدم که امیرالمؤ منین (علیه السلام) می گوید : ((اَعوذُ بِاللّهِ مِنَ الذُّنوبِ الَّتی تُعَجِّلُ الْفَناءَ به خدا پناه می برم از گناهانی که نیستی را شتاب می بخشند))

گفتم : ای امیرمومنان ، مگر گناهانی هستند که نیستی را شتاب بخشند ؟

فرمود : آری ، قطع رحم ؛ بسا خویشان پرهیزکاری که از یکدیگر ببرند و خداوند ایشان را محروم کند ، و خویشان بدکاری که به یاری و غمخواری هم برخیزند و خداوند روزیشان دهد .

152 - روایت است که ،

وقتی امام علی بن الحسین (علیه السلام) را نزد یزید علیه اللعنه بردند ، خواست گردن او را بزند . او را در برابر خود ایستاند و با او به سخن پرداخت

تا پاسخی دهد و سخنی گوید که بدان قتلش را روا دارد . و علی بن حسین (علیه السلام) پاسخ مناسب به او می داد و در حال سخن گفتن تسبیح کوچکی را که در دست داشت با انگشتانش می گرداند .

یزید ، که آنچه سزای اوست بر او باد ، گفت : من با تو سخن می گویم ، و تو پاسخم را می دهی ، و با انگشتهایت تسبیح می گردانی ، چگونه این روا باشد ؟ ! فرمود : پدرم از جدم (صلی الله علیه و آله و سلم) برایم حدیث کرد ، که او چون نماز صبح را می گزارد و از آن فارغ می شد ، سخن نمی گفت تا تسبیحی در دست بگیرد و بگوید : اللَّهُمَّ إِنِّی أَصْبَحْتُ أُسَبِّحُکَ وَ أُحَمِّدُکَ وَ أُهَلِّلُکَ وَ أُکَبِّرُکَ وَ أُمَجِّدُکَ بِعَدَدِ مَا أُدِیرُ بِهِ سُبْحَتِی بار خدایا ، در این بامداد تو را به شمار تسبیحی که می گردانم ، تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر می گویم . و تسبیح را در دست می گرفت و آن را می گردانند و سخنی را که می خواست ، می گفت ، بی آن که زبان به تسبیح گشاید . و می فرمود : این گرداندن برایم (ذکر) به حساب می آید ، و نگاهدارنده و دور کننده بلا (از من) باشد ، تا به بستر روم . و چون در بستر می آرمید ، همان کلام را می گفت و تسبیح را زیر سر می گذارد . و آن ذکر ، از آن ساعت ، تا وقت

دیگر برایش به حساب می آمد . من با اقتدا به جدم (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین کردم .

یزید که نفرین بر او باد گفت : با هیچ یک از شما سخنی نمی گویم مگر اینکه پاسخی ظفرمندانه به من می دهد . و از او درگذشت و صله ای داد و گفت آزادش کنند .

153 - امام باقر (علیه السلام) فرمود :

دانشوری که از دانش خود بهره مند است از هفتاد هزار عابد برتر است .

154 - و فرمود :

فقیه پژوهشگر و دانای این دین ، بر شیطان سخت تر از عبادت هفتاد هزار عابد است .

155 - و فرمود :

سخن ما دلها را زنده می کند .

156 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

سخن ما را نقل کنید ، مانعی نیست ، خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده نگه دارد .

157 - و فرمود :

عالمان ، وارثان پیامبرانند ، و پیامبران درهم و دیناری از خود به جای نگذاشتند ، بلکه تنها سخنانی به جا گذاشتند کسی که اندکی از آنها را فراگیرد (و بدان ملتزم شود) بهره فراوان برده است ، پس به دانش خود بنگرید و که آن را از چه کسی فرا می گیرید .

158 - و این سفارش از ذوالقرنین است که ،

دانش را از کسی که خود از آن سودی نبرده است نیاموز ، زیرا کسی که از علم خود بهره مند نیست ، تو را نیز بهره ای نرساند .

159 - از امیرالمؤ منین (علیه السلام) روایت است که فرمود :

من از وقتی که

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روز خیبر آب دهان در چشمم ریخت ، به چشم درد مبتلا نشدم .

160 - ابن عمر گفت :

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روز خیبر ، پرچم را به یکی از یاران خود داد ، شکست خورده بازگشت . به دیگری داد ، او یاران خود را به هراس افکند و گریخت و پرچم را بازگرداند . پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : فردا پرچم را به مردی می دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول نیز او را دوست دارند ، تا خداوند فتح و فیروزی به او ندهد ، باز نگردد .

بامداد شد ، پیامبر فرمود : علی را فراخوانید .

گفتند : چشم او رنجور است .

فرمود : او را بخوانید .

او آمد ، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آب دهانی به چشمان او زد و فرمود ((اللّهُمَّ ادْفَعْ عَنْهُ الحَرَّ وَ الْبَرْدَ بار خدایا گرما و سرما را از او دور کن .)) آن گاه پرچم را به او داد . علی (علیه السلام) رفت و تا خیبر را نگشود بازنگشت . هنگامی که به دژ بالای کوه نزدیک شد ، یهودیان پیش آمدند و او را هدف تیر و سنگ کردند علی (علیه السلام) بر آنان تاخت تا به دژ رسید ، پا خم کرد و خشمگین در آستانه در فرود آمد و آن را از جا برکند و چهل ذراع به پس پشت خود پرتاب کرد

. پس از آن چهل مرد کوشیدند تا آن را حمل کنند ، نتوانستند .

161 - از ابن عباس روایت است که گفت :

در زمان عمر مردی بود که در ناحیه آذربایجان کره اسبهایی داشت که سرکشی می کردند و سواری نمی دادند . او شکایت این دشواری به عمر آورد . عمر گفت : برو و خدا را به فریادرسی بخوان . و بر پاره ورقی نوشت : از عمر به شیطانها و جنیان سرکش . این چهارپایان را برای او رام کنید . مرد ورق را گرفت و رفت . و من برای او بسیار غمین شدم . امیرالمؤ منین (علیه السلام) را دیدم و به او خبر دادم . فرمود : بی شک او نامراد باز می گردد . تشویش من فرو نشست . آن سال برای من دیر پا شده بود ، که مرد را پیشانی شکسته دیدم . شکستگی چنان عمیق بود که دست در آن جای می گرفت . پیش دستی کردم و گفتم : چه خبر ؟

گفت : من آن جا رفتم و ورق را انداختم ، گروهی از جنیان به من حمله ور شدند و یکی از آنان با نیزه به صورتم زد و من بر زمین افتادم و برادرم که همراهم بود مرا با خود برد و من مدام در کار درمان بودم تا اکنون بهبود یافته ام . و نزد عمر رفت و او را از آن چه روی داده بود با خبر کرد . عمر با درشتی بر او بانگ زد و گفت : دروغ می گویی ، نامه ام را نبرده ای

.

با او نزد امیرالمؤ منین (علیه السلام) رفتیم ، او تبسمی کرد و فرمود : نگفتم ؟ ! آن گاه رو به مرد کرد و فرمود : چون بازگشتی به محل نگهداری آنها برو و بگو : اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ عَلَی عِلْمٍ عَلَی الْعَالَمِینَ فَذَلِّلْ لِی صُعُوبَتَهَا وَ حُزُونَتَهَا وَ اکْفِنِی شَرَّهَا فَإِنَّکَ الْکَافِی الْمُعَافِی وَ الْغَالِبُ الْقَاهِر

مرد رفت و سال بعد با مقداری از بهای آنها بازگشت . خداوند مال او را فزونی بخشید و اکنون هر سه ساله به حج می رود .

ابن عباس گفت : امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود : هر کس چیزی ، چون مال یا همسر و فرزند یا پادشاهی از پادشاهان برایش رمیده و دشوار شد ، با این دعا به درگاه خدا گریه و زاری کند ، به خواست خدا از آن چه بیم دارد کفایتش می کند .

162 - ابن بابویه ، خداوند از خوشنود باد ، با اسناد خود از صالح بن میثم اسدی روایت کرده است ، که او گفت :

به دیدار زنی از بنی والیه رفتم که پیشانیش از سجده بسیار سوخته و در هم رفته بود . گفت : برادرزاده ، دمی گوش فرا ده تا داستان خود را برایت بگویم . من بسیار به دیدار ابوعبدالله امام حسین (علیه السلام) می رفتم ، تا این که بین دو چشمم پیسی ای پیدا شد و این بر من گران آمد و دیگر از خانه بیرون نرفتم .

امام (علیه السلام) از حال من پرسید ، که حبابه والیه چه شد

؟ گفتند : در پیشانیش سپیدی ظاهر گشته . او بر خاسته و نزد من آمد و فرمود : حبابه ، تو را چه از دیدارم بازداشته است ؟

گفتم : ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) این چنین گشتم . و روبند از رویم برداشتم امام (علیه السلام) آب دهانی روی آن زد و فرمود : ای حبابه ، خدا را شکری تازه کن که آن را از تو زدود . و من به سجده افتادم و بر سر خاک ساییدم . فرمود : حبابه ، سر بردار و در آینه بنگر . من سر برداشتم و در آینه نگریستم ، از آن سپیدی هیچ ندیدم و خدا را ستودم و سپاس گفتم .

او به من نظر کرد و فرمود : حبابه ، ما و شیعیان ما بر فطرت (یکتا پرستی و پاکی هستیم) و دیگر مردمان از آن بی بهره اند .

163 - و مناسب مقام این حدیث ابن بابویه است که گفت :

محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی برایم گفت که من با جماعتی که علی بن عیسی نیز در میان آنان بود ، در محضر شیخ ابوالقاسم بن روح ، که خداوند از او خوشنود باد ، بودم ، که مردی برخاست و به او گفت : می خواهم چیزی از تو بپرسم .

گفت : هر چه در اندیشه داری بپرس .

مرد گفت : به من بگو ، آیا حسین بن علی (علیه السلام) دوست خدا بود ؟

گفت : آری .

پرسید : آیا قاتل او دشمن خدا بود ؟

گفت : آری .

مرد گفت

: رواست که خدا دشمن خود را بر دوستش چیره کند ؟ !

شیخ ابوالقاسم گفت : آن چه را به تو می گویم به درستی بفهم . بدان که خدای تعالی با مردم به گونه ای که به مشاهده چشمها در آید ، نمی آمیزد و با ایشان لب به سخن نمی گشاید ، بلکه او که قدر و عظمتش والاست ، پیامبرانی از جنس و صنف انسان و بشری همانند آنان برایشان می فرستد ، و اگر پیامبرانی جز از صنف و شکل خودشان می فرستاد از او می رمیدند و چیزی از او نمی پذیرفتند .

پس چون پیامبرانی از جنس خود مردم به میانشان آمدند و مانند ایشان طعام می خوردند و در بازارها می رفتند ، به ایشان گفتند : شما که مانند مائید ؟ چیزی از شما نمی پذیریم تا معجزه ای آورید که ما از مانند آن ناتوان باشیم ، تا بدانیم که آن ویژه شماست و ما از آن ناتوانیم .

پس خدای عزوجل برای ایشان معجزاتی قرار دارد که خلق از آنها ناتوان بودند ، برخی از ایشان پس از عذر آوردن و راه بهانه بر مردم بستن و بیم دادن طوفانی آورد تا همه سرکشان و طاغیان را غرق کرد . و برخی دیگر را در آتش انداختند ، آتش برای او سرد و بی گزند شد . و دیگری از سنگ صاف و سخت شتری ماده بیرون آورد و از پستانش شیر جاری ساخت . و دریا برای یکی از ایشان شکافته شد و از درون سنگ چشمه ها برایش جاری گردید و عصای خشک او برای

او اژدهایی شد که تا آن چه را به دروغ ساخته بودند ، ببلعد و از ایشان ، یکی مردمان گنگ و پیسی گرفته را شفا می داد و مردگان را به اذن خدا زنده می کرد و به آنان خبر می داد که چه می خورند و خانه هایشان چه اندوخته اند . و برای دیگری از ایشان ماه شکافته شد و حیوانهای زبان بسته ای چون شتر و گرگ و جز آنها ، با او سخن گفتند .

ولی با وجود چنین معجزاتی که مردم امتهای ایشان از مثل آنها ناتوان بودند ، تقدیر خدای ، جل جلاله ، و لطف او به بندگانش و حکمت او چنین اقتضا می کرد که پیامبران را با وجود این معجزات ، زمانی غالب و زمانی مغلوب و مقهور گذارد . اگر همواره ایشان را قاهر و غالب می گرداند و گرفتار بلا و محنت نمی کرد و نمی آزمود ، مردم آنان را به جای خدای عزوجل معبود خود می گرفتند ، و صبر ایشان بر بلا و محنت و آزمونهای سخت معلوم نمی گردید .

از این رو خداوند احوال ایشان را در این امور چون احوال دیگران قرار داد ، تا در این حال بلا و محنت صابر باشند و در حال سلامتی و چیرگی بر دشمنان شاکر باشند و در همه حال فروتن باشند و در شک و حیرت نباشند ، تا او را بپرستند و پیامبران او را فرمان برند ، و حجت خدا را بر کسانی که درباره ایشان زیاده گویی و دعوی پروردگاری دارند ، یا بر کسانی که با آنان

دشمنی و ناسازگاری و سر کشی می کنند و آن چه را پیامبران و رسولان علیهم الصلاه و السلام آورده اند ، نمی پذیرند ، ثابت باشد؛ تا هر کس هلاک می شود با وجود برهان روشن و سرتافتن از آن هلاک شود و هر کس زنده و رستگار می شود با برهان روشن (و گردن نهادن بدان) زنده شود .

آنگاه ابوالقاسم ، که خداوند از او خوشنود باد ، گفت : این سخنان که گفتم از شخص من نیست ، بلکه ریشه دار است و از امام حجت (علیه السلام) شنیده شده است . و من در اینجا گفتم تا اگر کسی خواست نسبت به آن چه در گذشته رخ داده یا در آینده رخ می دهد ، عیب و ایرادی بگیرد ، ایرادرش را دفع کنم و راه نارواگویی را بر او ببندم .

164 - از امام باقر (علیه السلام) روایت است که فرمود :

مادرم پای دیواری نشسته بود که دیوار شکاف برداشت و ما صدایی از آن شنیدیم . مادرم با دست اشاره ای کرد که نه . به حق مصطفی سوگند خداوند به تو اجازه سقوط نداده است . و دیوار معلق ماند تا مادرم درگذشت . و پدرم صد دینار برای او صدقه داد .

امام صادق (علیه السلام) روزی از او یاد کرد و فرمود :

او زنی صدیقه بود ، و در خاندان امام حسین (علیه السلام) چنین زنی نظیر نداشت .

165 - جمیل بن دراج گفت :

نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که زنی وارد شد و گفت : پسرم را مرده در

خانه ترک کردم و به اینجا آمدم تا به فریادم برسی .

امام (علیه السلام) به او فرمود : شاید نمرده باشد . به خانه ات برو و غسل کن و دو رکعت نماز بگزار و خدا را بخوان و بگو : ((یَا مَنْ وَهَبَهُ لِی وَ لَمْ یَکُ شَیْئاً جَدِّدْ هِبَتَهُ لِی ای کسی که این فرزند را در حالی که هیچ نبوده به من بخشیدی ، او را از نو به من ببخش .)) آنگاه او را بجنبان ، و به کسی مگو . زن رفت و چنان کرد؛ پسر را جنباند و پسر یک باره گریه سر داد .

166 - عبدالله بن مغیره گفت :

عبد صالح امام موسی بن جعفر (علیه السلام) زنی را در ((منا)) دید که می گریست ، و کودکانش گرد او می گریستند ، چرا که ماده گاوشان مرده بود .

امام نزدیک رفت و فرمود : ای کنیز خدا ، چرا می گریی ؟

زن گفت : ای بنده خدا ، کودکان یتیمی دارم ، ماده گاوی داشتیم که گذران زندگی من و کودکانم از آن بود که مرد و از دست ما رفت و اکنون بی چاره مانده ایم .

فرمود : کنیزک خدا ، می خواهی آن را برایت زنده کنم ؟

به زن الهام شد که بگوید آری . و امام (علیه السلام) به کناری رفت و دو رکعت نماز گزارد ، و پس از آن دستهایش را بالا آورد و دست راستش را گرداند و لبهایش را به نجوایی جنباند . آن گاه برخاست و کنار گاوی رفت و سیخکی یا نوک پایی ،

به گاو زد . گاو برخاست و سر پا ایستاد . زن که مردن گاو را دیده بود . فریاد برآورد و گفت : به پروردگار کعبه سوگند ، که او عیسی بن مریم است .

مردم در آن میان گرد آمدند ، و امام (علیه السلام) راه خود را پیش گرفت و رفت .

167 - محمد بن فضل گفت :

امام ابوالحسن کاظم (علیه السلام) در عرفات ایستاده بود و دعا می کرد که یک باره سر خم کرد ، چنان که نزدیک بود پیشانی او به پیش پایش برسد . سبب را پرسیدند . فرمودند : مدتی بود که من بر اینان (برمکیان) نفرین . می کردم که با پدرم چه ها کردند . (نفرینم کارساز شد) و خداوند امروز آن ، را پذیرفت و (به هدف رساند) .

چون بازگشتیم ، دیری نپایید که احوال برمکیان دگرگون شد .

168 - ابن بابویه از احمد بن اسحاق ، وکیل قمی که خداوند از هر دوشان خوشنود باد ، روایت کرده که او گفت :

به محضر امام ابومحمد حسن عسکری (علیه السلام) درآمدم و گفتم : فدایت شوم ، چیزی از درون غمگینم می کند و من می خواستم سبب آن را از پدرتان بپرسم موفق نشدم .

فرمود : چیست ؟

گفتم : سرورم ، برای ما از پدران شما (علیه السلام) روایت کرده اند که خواب پیامبران (علیه السلام) بر قفاست و خواب مومنان بر پهلوی راست و خواب منافقان به پهلوی چپ و خواب شیطان به روست .

فرمود : این چنین است .

گفتم : سرورم ، من هر چه می

کوشم به پهلوی راست بخوابم نمی توانم ، و بر این دست خوابم نمی برد .

او اندکی خاموش ماند ، آنگاه فرمود : به من نزدیک شو ، و من نزدیک رفتم .

فرمود : احمد دستت را زیر پیراهنت ببر . و من بردم . او نیز دستش را از زیر جامه بیرون آورد و به زیر جامه من آورد و سه بار با دست راست ، پهلوی چپ و با دست چپ ، پهلوی راستم را دست کشید .

احمد گفت : از آن زمان ، دیگر نمی توانم به پهلوی چپ بخوابم .

169 - از پیامبر (علیه السلام) روایت کرده است که فرمود :

جبرائیل (علیه السلام) از جانب خدا ، این مناجات را برای شکرگزاری از خداوند به من داد :

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَرَدِّ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَ مُلِمَّاتِ الضَّرَّاءِ وَ کَشْفِ نَوَائِبِ اللَّأْوَاءِ وَ تَوَالِی سُبُوغِ النَّعْمَاءِ وَ لَکَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلَی هَنِی ءِ عَطَائِکَ وَ مَحْمُودِ بَلَائِکَ وَ جَلِیلِ آلَائِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی إِحْسَانِکَ الْکَثِیرِ وَ خَیْرِکَ الْغَزِیرِ وَ تَکْلِیفِکَ الْیَسِیرِ وَ دَفْعِکَ الْعَسِیرِ وَ لَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ عَلَی تَثْمِیرِکَ قَلِیلَ الشُّکْرِ وَ إِعْطَائِکَ وَافِرَ الْأَجْرِ وَ حَطِّکَ مُثْقِلَ الْوِزْرِ وَ قَبُولِکَ ضِیقَ الْعُذْرِ وَ وَضْعِکَ بَاهِظَ الْإِصْرِ وَ تَسْهِیلِکَ مَوْضِعَ الْوَعْرِ وَ مَنْعِکَ مُفْظِعَ الْأَمْرِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی الْبَلَاءِ الْمَصْرُوفِ وَ وَافِرِ الْمَعْرُوفِ وَ دَفْعِ الْمَخُوفِ وَ إِدْلَالِ الْعَسُوفِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی قِلَّهِ التَّکْلِیفِ وَ کَثْرَهِ التَّخْفِیفِ وَ تَقْوِیَهِ الضَّعِیفِ وَ إِغَاثَهِ اللَّهِیفِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی سَعَهِ إِمْهَالِکَ وَ دَوَامِ إِفْضَالِکَ وَ صَرْفِ مِحَالِکَ وَ حَمِیدِ فِعَالِکَ وَ تَوَالِی نَوَالِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی

تَأْخِيرِ مُعَاجَلَهِ الْعِقَابِ وَ تَرْكِ مُغَافَصَهِ الْعَذَابِ وَ تَسْهِيلِ طُرُقِ الْمَآبِ وَ إِنْزَالِ غَيْثِ السَّحَابِ إِنَّکَ الْمَنَّانُ الْوَهَّابُ

170 - و امام زين العابدين (عليه السلام) هنگام اجابت دعايش ، اين دعاها را می خواند :

اللَّهُمَّ قَدْ أَكْدَى الطَّلَبُ وَ أَعْيَتِ الْحِيَلُ إِلَّا عِنْدَکَ وَ ضَاقَتِ الْمَذَاهِبُ وَ امْتَنَعَتِ الْمَطَالِبُ وَ عَسُرَتْ الرَّغَائِبُ وَ انْقَطَعَتِ الطُّرُقُ إِلَّا إِلَيْکَ وَ تَصَرَّمَتِ الْآمَالُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْکَ وَ خَابَتِ الثِّقَهُ وَ أَخْلَفَ الظَّنُّ إِلَّا بِکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْکَ مُنْهَجَهً وَ مَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْکَ مُفَتَّحَهً وَ أَعْلَمُ إِنَّکَ لِمَنْ دَعَاکَ لَمَوْضِعُ إِجَابَهٍ وَ لِلصَّارِخِ إِلَيْکَ لَمَرْصَدُ إِغَاثَهٍ وَ إِنَّ الْقَاصِدَ لَکَ لَقَرِيبُ الْمَسَافَهِ مِنْکَ وَ مُنَاجَاهَ الْعَبْدِ إِيَّاکَ غَيْرُ مَحْجُوبَهٍ عَنِ اسْتِمَاعِکَ وَ إِنَّ فِی اللَّهْفِ إِلَی جُودِکَ وَ الرِّضَا بِعِدَتِکَ وَ الِاسْتِرَاحَهِ إِلَی ضَمَانِکَ عِوَضاً عَنْ مَنْعِ الْبَاخِلِينَ وَ مَنْدُوحَهً عَمَّا قِبَلَ الْمُسْتَأْثِرِينَ وَ دَرَکاً مِنْ خَيْرِ الْوَارِثِينَ فَاغْفِرْ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَا مَضَی مِنْ ذُنُوبِی وَ اعْصِمْنِی فِيمَا بَقِیَ مِنْ عُمُرِی وَ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ رَحْمَتِکَ وَ جُودِکَ الَّتِی لَا تُغْلِقُهَا عَنْ أَحِبَّائِکَ وَ أَصْفِيَائِکَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

171 - و از ايشان (عليهم السلام) ، روايت است كه ،

همچنين مستحب است هنگام اجابت دعا ، نماز شكر خوانده شود ، كه پيامبر (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمود : چون خداوند نعمتى به تو داد ، دو ركعت نماز بگزار ، در ركعت نخست فاتحه الكتاب و قل هو الله احد ، و در ركعت دوم فاتحه الكتاب و قل يا ايها الكافرون را بخوان ، و در ركوع و سجود ركعت نخست هفت بار مى گويى

: الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْراً شُكْراً وَ حَمْدا حَمْدا و در رکوع و سجود رکعت دوم می گویی : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی اسْتَجَابَ دُعَائِی وَ أَعْطَانِی مَسْأَلَتِی و در روایتی . . . وَ قَضَی حَاجَتی

باب دوم : سلامتی و بهداشت

بخش اول - بی نیازی از طبیب

172 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

از پرخوری بپرهیزید که بدن را تباه می کند(11) و بیماری می آورد و مایه سستی و تنبلی در عبادت است .

173 - اصبغ بن نباته گفت :

شنیدم امیرالمؤ منین (علیه السلام) به فرزندش حسن (علیه السلام) می فرمود :

پسرم : چهار سخن به تو بیاموزم که با آن از طب بی نیاز شوی ؟ گفت : آری ای پدر .

فرمود : بر طعام ننشین مگر این که گرسنه باشی ، و از طعام برنخیز مگر این که هنوز اشتهای آن داشته باشی ، و (غذا را) نیک بجو ، و چون خواستی بخوابی به آبریز رو . اگر این سخنان را به کار بندی از طب بی نیاز شوی .

174 - به او (علیه السلام) گفته شد :

گویا در قرآن جز طب هر گونه علمی هست ؟

فرمود : بدانید که در قرآن آیه ای است که همه طب را در خور گرد آورده است ((کلُوا وَ اشرَبُوا وَ لا تُسرِفُوا (12) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید .))

175 - زر بن حبیش ، که خداوند از پدر و فرزند ، هر دو خشنود باد ، گفت : امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود : چهار سخن در طب است که اگر بقراط یا جالینوس می خواستند آنها را بگویند پیش از آن صد برگ

مقدمه می چیدند ، آن گاه با آن سخنان زینتش می بخشیدند . آن سخنان عبارتند از :

- از آغاز سرما بپرهیزید و در پایان با آن رو به رو شوید؛

- که سرما ، کاری را که با درختان می کند ، با بدنها می کند؛

- اول آن می سوزاند .

- و آخر آن می رویاند .

176 - و فرمود :

بقایی که در کار نیست . ولی هر کس بقا می خواهد ، صبحانه را زود و شام را دیر بخورد ، و با زنان کم همبستر شود ، و جامه را سبک کند .

گفته شد : ای ولی خدا ، سبک کردن جامه چیست ؟

فرمود : وام . (وام دار نباشد ، و اگر دارد آن را سبک کند .)

177 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس در آغاز سال بیست و یک بار در آب فرو رود ، بیماریی در آن سال به او نرسد و مگر این که بیماری مرگ باشد .

178 - و فرمود :

طعام خود را با ذکر خدا و نماز هضم کنید ، و پس از آن نخوابید که دلهایتان سخت می شود .

179 - و فرمود :

روزه بگیرید تا تندرست شوید .

180 - و فرمود :

به علاوه به سفر بروید تا تندرست شوید و غنیمت یابید .

181 - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود :

حج و عمره گزارید تا تندرست شوید و روزی هایتان فراخ گردد و ایمانتان درست شود و بار و خرجی مردم و نانخوران خود را کفایت کنید .

182 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام

) ، فرمود :

شب خیزی یا (نماز شب) تندرستی بخش است .

183 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

به شب خیزی (نماز شب) پایبند باشید که آن شیوه صالحان پیش از شما بوده است . و برخاستن در شب تقرب جستن به خداوند است ، و گناهان را پاک می کند ، و از بدیها و زشتی ها باز می دارد ، و درد و رنجوری را از بدن می راند .

184 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

نماز شب روی را زیبا و خلق را نیکو و بوی را خوش می سازد ، و روزی را فراوان و ریزان می کند و دین را ادا می کند ، و غم را می برد ، و دیدگان را جلا می بخشد . و به نماز شب پایبند باشید که آن سنت پیامبر شماست ، و دور کننده بیماری از تن های شماست .

185 - روایت است که ،

مرد چون برخیزد و به نماز شب ایستد ، خوش نفس به صبح درآید ، و اگر تا صبح بخوابد ، سنگین و سست به صبح درآید .

186 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

معده ، خانه بیماری هاست و پرهیز کردن ، اصل هر دوا (و نخستین آنهاست) و هر بدن را آن ده که بدان خو کرده است . با پرخوری سلامتی در میان نیست ، و هیچ مرضی رنج آورتر از کم خردی نیست .

187 - روایت است که ،

هر کس طعامش اندک شود ، تندرست شود و قلبش صفا یابد ، و

هر کس طعامش بسیار شود ، بدنش رنجور گردد و قلبش سخت شود .

188 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

خدای تعالی به موسی بن عمران (علیه السلام) وحی کرد که ، می دانی برای چه تو را از میان خلقم برگزیدم و برای سخن گفتن ویژه کردم ؟

گفت : نه پروردگارا .

خدای عزوجل به او وحی کرد : من زمین را نگریستم کسی را در فروتنی برتر از تو نیافتم . موسی به سجده افتاده و گونه هایش را به تذلل و خواری برای پروردگارش به خاک ساییید .

خدای تعالی به او وحی کرد که ، سر بردار و دستهایت را به سجده گاهت سای و روی و هر جای دیگر بدنت که می رسد مال ، که من تو را از هر درد و بیماری در امان داشتم .

189 - و از ایشان (علیه السلام) روایت است که فرمودند :

ناخنهایت را بچین و از انگشت کوچک دست چپ شروع به انگشت کوچک دست راست ختم کن . و آبخور سبیلت را هر زمانی که خواستی بگیر و بگو : بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّه وَ عَلَی مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ که هر کس چنین کند ، خداوند در ازای هر ناخن چیده و هر موی بریده ثواب آزاد کردن بنده ای را بنویسد ، بیمار نشود مگر بیماریی که در آن بمیرد .

190 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

چیدن ناخنها روز جمعه ، از جذام و برص و کوری ایمنی می بخشد ، و اگر ناخنها به چیدن نرسیده اند ، آنها را اندکی بسای .

191 - و

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر مسلمانی که چهل سال در اسلام عمر کند ، خداوند سه گونه بلا را که جذام و پیسی و جنون باشند ، از او بگرداند .

192 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

سرمه کشیدن به هنگام خواب امان از آب چشم است .

193 - و فرمود :

مرد چون روزه بگیرد و چشمهایش از جا بروند و چون با شیرینی روزه گشاید و به جای خود بازگردند .

194 - و فرمود :

روزه گشودن ، با آب ، گناهان دل را می شوید .

195 - و فرمود :

روزه داری که در آغاز روزه خود را با بوی خوش ، خوشبو کند ، عقلش را از دست ندهد .

196 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

اگر پنج چیز را دیدید از آنها به خدا پناه ببرید :

اگر زشتکاری ، آن گونه که فاش مرتکب آن شوند ، در میان مردمی آشکار گردید ، و در میان آنها طاعون و دردهایی را که در گذشتگان ایشان نبود ، آشکار می شود . و اگر پیمانه و ترازو را کم و سبک گیرند ، به خشکسالی و تنگی معیشت و ستم سلطان گرفتار شوند .

و چون زکات ندهند ، از باران آسمان محروم گردند ، و اگر چهارپایان نبودند برای ایشان هرگز بارانی نمی بارید .

و اگر پیمان خدا و پیمان رسولش (صلی الله علیه و آله و سلم) را شکنند ، خداوند دشمنشان را بر ایشان سلطه دهد و برخی نعمتها را که دارند از

آنان گرفته شود .

و

اگر به غیر آن چه خدای سبحان نازل کرده است حکم کنند ، خداوند درشتی و درگیری را میان خودشان درافکند .

197 - و فرمود :

وقتی چهار چیز برای طعام جمع شد و کامل می شود :

حلال باشد ، دستهای زیادی در آن برود ، با نام خدا شروع شود و با حمد خدا پایان یابد .

198 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

هیچ گاه طعام برای من سنگین و ناگوار نشد .

گفته شد : چگونه ای ولی خدا ؟

فرمود : هر لقمه که به سوی دهانم بردم با آن نام خدای سبحان آوردم .

199 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

دراز کشیدن پس از سیری ، بدن را فربه و غذا را هضم می کند و بیماری را بیرون می برد . (13)

200 - و فرمود :

شستن سر با ختمی امان از سر درد و دوری از فقر است ، و سر را از شوره پاک می کند .

201 - روایت است که ، چیزی را که زیانش را می دانی مخور .

و هوی و هوست را بر راحتی بدنت رجحان مده .

پرهیز کردن ، میانه روی در همه چیز است .

و اصل طب خودداری کردن است ؛ و آن ، نگاه داشتن لبها و مدارا کردن با دستهاست .

و درد ماندگار و بی درمان ، خوردن طعام پس از طعام است .

تا تندرستی ، دارو مخور ، و چون جنبش بیماری را حس کردی پیش از آنکه در تو شتاب گیرد با بازدارنده ای از آن پیش گیری کن .

202 - و امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود :

شگفتا

از کسی که از بیم بیماری ، از غذا پرهیز می کند ، و چگونه از بیم آتش از گناه پرهیز نمی کند .

بخش دوم : سلامتی با ذکر دعا و نماز

سلامتی با ذکر دعا و نماز

203 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : هر کس به صبح درآید و چهار چیز را به یاد نیاورد ، بیم دارد که نعمت از کفش برود :

نخست آن که بگوید : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی عَرَّفَنِی نَفْسَهُ وَ لَمْ یَتْرُکْنِی عُمْیَانَ الْقَلْب ستایش خدای را که به من شناساند و کوردل رهایم نکرد .

و دوم آن که بگوید : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَنِی مِنْ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ (ص) ، ستایش خدای را که مرا از امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار داد .

و سوم آن که بگوید : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ رِزْقِی فِی یَدَیْهِ وَ لَمْ یَجْعَلْ رِزْقِی فِی أَیْدِی النَّاس ستایش خدای را که روزی مرا خود به دست گرفت و در دست مردم نگذاشت .

و چهارم آنکه بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی سَتَرَ ذُنُوبِی وَ لَمْ یَفْضَحْنِی بَیْنَ الْناس ستایش خدای را که عیبها و گناهانم را پوشاند و میان مردم رسوایم نکرد .

ستایش خدای را که عیبها و گناهانم را پوشاند و میان مردم رسوایم نکرد .

204 - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس ، هنگام بامداد بگوید : بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی لَا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَیْءٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیم به نام خداوندی که با نام او چیزی در زمین و آسمان آسیب نرساند و او

شنوا و داناست . تا شامگاه ، هیچ بلایی به او نرسد ، هر کس شامگاه آن را بگوید ، تا بامداد هیچ بلایی ناگهانی به او نرسد .

205 - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) چون نماز صبح را می گزارد می فرمود :

اللَّهُمَّ مَتِّعْنِی بِسَمْعِی وَ بَصَرِی وَ اجْعَلْهُمَا الْوَارِثَیْنِ مِنِّی وَ أَرِنِی ثَارِی فِی عَدُوِّی

بار خدایا مرا از شنوایی و بیناییم بهره مند گردان . و آن دو را وارث و بهرمند از من ساز ، و کین کشی از دشمنم را به من بنما)) .

206 - از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که فرمود :

جبرائیل از جانب خدای تبارک و تعالی این مناجات را در استعاذه (پناه جستن) به من داد :

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ مُلِمَّاتِ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَ أَهْوَالِ عَزَائِمِ الضَّرَّاءِ فَأَعِذْنِی رَبِّ مِنْ صَرْعَهِ الْبَأْسَاءِ وَ احْجُبْنِی عَنْ سَطَوَاتِ الْبَلَاءِ وَ نَجِّنِی مِنْ مُفَاجَاهِ النِّقَمِ وَ احْرُسْنِی مِنْ زَوَالِ النِّعَمِ وَ مِنْ زَلَلِ الْقَدَمِ وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ فِی حِمَی عِزِّکَ وَ حِیَاطَهِ حِرْزِکَ مِنْ مُبَاغَتَهِ الدَّوَائِرِ وَ مُعَاجَلَهِ الْبَوَائِرِ اللَّهُمَّ وَ أَرْضُ الْبَلَاءِ فَاخْسِفْهَا وَ جِبَالُ السَّوْءِ فَانْسِفْهَا وَ کَرْبُ الدَّهْرِ فَاکْشِفْهَا وَ عَلَائِقُ الْأُمُورِ فَاصْرِفْهَا وَ أَوْرِدْنِی حِیَاضَ السَّلَامَهِ وَ احْمِلْنِی عَلَی مَطَایَا الْکَرَامَهِ وَ اصْحَبْنِی إِقَالَهَ الْعَثْرَهِ وَ اشْمَلْنِی سَتْرَ الْعَوْرَهِ وَ جُدْ عَلَیَّ رَبِّ بِآلَائِکَ وَ کَشْفِ بَلَائِکَ وَ دَفْعِ ضَرَّائِکَ وَ ادْفَعْ عَنِّی کَلَاکِلَ عَذَابِکَ وَ اصْرِفْ عَنِّی أَلِیمَ عِقَابِکَ وَ أَعِذْنِی مِنْ بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَ أَنْقِذْنِی مِنْ سُوءِ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ وَ احْرُسْنِی مِنْ جَمِیعِ الْمَحْذُورِ وَ اصْدَعْ صَفَاهَ الْبَلَاءِ عَنْ أَمْرِی وَ

اشْلُلْ يَدَهُ عَنِّی مَدَی عُمُرِی إِنَّکَ الرَّبُّ الْمَجِیدُ الْمُبْدِئُ الْمُعِیدُ الْفَعَّالُ لِمَا یُرِیدُ

207 - روایت است که :

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، به ((قبیصه هلالی)) آموخت که پس از نماز صبح ده بار بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِیمِ وَ بِحَمْدِهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیم پاک و منزه است خدای بزرگ و او را می ستایم ، و هیچ اراده و نیرویی نیست که از معصیت بازدارد و بر طاعت توانا کند مگر به نیرو و خواست خداوند .

(که هر کس این را بگوید) خداوند شر دنیا را از او بازگرداند .

و به او فرمود : برای آخرت بگو : اللَّهُمَّ اهْدِنِی مِنْ عِنْدِکَ وَ أَفِضْ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ وَ انْشُرْ عَلَیَّ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ أَنْزِلْ عَلَیَّ مِنْ بَرَکَاتِکَ بار خدایا مرا از بر خود راه بنما و از فضل و عنایت بهره مند گردان و رحمتت را بر من گسترده ساز و برکاتت را بر من فرود آر .

208 - و امام کاظم (علیه السلام) فرمود :

گفتن لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ الّا بِاللّهِ بلاهای گوناگون را دفع می کند .

209 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

چون غمها پیاپی به تو روی آورد ، بگو : لا حَولَ وَلا قُوَّهَ اِلّا بِاللّهِ .

210 - داود بن رزین گفت :

شنیدم که امام ابوالحسن کاظم (علیه السلام) می فرمود : اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْعَافِیَهَ وَ أَسْأَلُکَ جَمِیلَ الْعَافِیَهِ وَ أَسْأَلُکَ شُکْرَ الْعَافِیَهِ وَ أَسْأَلُکَ شُکْرَ شُکْرِ الْعَافِیَهِ بار خدایا من از تو عافیت می خواهم و زیبا عافیتی می خواهم

و شکر عافیت را می خواهم و شکر شکرگزاری عافیت می خواهم .

211 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دعا می کرد و می فرمود :

((اَسْاَلُکَ تَمَامَ الْعَافِیَهِ تمام عافیت را از تو می خواهم)) . آن گاه فرمود :

تمام عافیت ، رسیدن به بهشت و رهایی از آتش است .

212 - کسی که هنگام خواب آیه الکرسی را بخواند از فلج (فروهشته شدن نیمی از بدن) بیم ندارد .

213 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا خواند و فرمود : ای علی ، چون به بستر رفتی استغفار کن و بر من درود فرست و بگو : سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیم و قُل هُوَ اللّهُ اَحَد را بسیار بخوان که آن نور قرآن است و آیه الکرسی را بخوان که در هر حرف آن هزار برکت و هزار رحمت است .

214 - و فرمود :

هر کس آیه الکرسی را پس از هر نماز واجب بخواند نمازش پذیرفته شود و در امان خدا باشد و خدا حفظش کند .

215 - از پیرمردی کهن سال روایت است که گفت :

برای پدرم فرزندی زنده نمی ماند تا در سنین پیری او ، من به دنیا آمدم و او شادمان شد . هفت ساله بودم که از دنیا رفت و عمویم سرپرستی مرا به عهده گرفت . روزی عمویم مرا با خود نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم

) برد و به او گفت : ای رسول خدا ، برادرم از دنیا رفته است و این پسر از او مانده است ، شما به من تعویذی (دعای حفظ) بیاموزید که با آن در پناهش دارم . فرمود : چرا به سراغ سوره های ((قل)) دار نمی روی : قُلْ يَأَيهَا الْكفِرُونَ ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ، قُلْ أَعُوذُ بِرَب الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَب النَّاسِ و در روایتی قُلْ أُوحِىَ إِلىَّ

پیر کهنسال گفت : من تا به امروز بدان سوره ها پناه می جویم و تاکنون آسیبی به مال و فرزندم نرسیده است و بیمار و فقیر نگشته ام و به سنی رسیده ام که می بینید .

216 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای حسن و حسین (علیه السلام) دعای حفظ می خواند و می فرمود : أُعِيذُكُمَا بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ .

217 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

گفتن : بِسمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ را در هر بامداد و شامگاه ، فرو مگذار که این ذکر هر شر و بدی را باز می گرداند . و هر بامداد و شامگاه بگو : اللَّهُمَّ إِنِّى أَصْبَحْتُ فِى نِعْمَةٍ مِنْکَ وَ عَافِيَةٍ وَ سَتْرٍ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَتْمِمْ عَلَىَّ نِعْمَتَکَ وَ عَافِيَتَکَ وَ سِتْرَکَ .

218 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس پیوسته استغفار کند برای هر غم او گشایشی آورد و از هر تنگنایی راه خروجی برای او گذارد ، و از جایی که به گمانش نرسد ،

روزیش رساند .

219 - و علی بن نصر جهضمی گفت :

خلیل بن احمد ، که خداوند از او خشنود باد ، را در خواب دیدم . در خواب گفتم من کسی را داناتر از خلیل نمی دانم . و به او گفتم : خدا با تو چه کرد ؟

گفت : آن چه را بدان پایبند بودیم ، چیزی نبود و یافت نشد که برتر از سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيم باشد .

220 روایت است که ،

هر کس می خواهد دعایش اجابت شود قُلِ اللَّهُمَّ مَلِک الْمُلْکِ تُؤْتی الْمُلْک مَن تَشاءُ وَ تَنزِعُ الْمُلْک مِمَّن تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَن تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَن تَشاءُ بِيَدِک الْخَيرُ إِنَّک عَلی کلِّ شیْءٍ قَدِيرٌ (14) را بخواند .

221 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

پس از فراغت از نماز واجب بگو : سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَر که این (ذکرها) مرگ ناگواری و بلایی را که در آن روز از آسمان بر بنده می رسد ، می رانند ، و باقیات (ماندگار) اینها هستند .

نمازهای پیامبر و امامان

222 - نمازهای پیامبر و امامان

نماز پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ،

دو رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و پانزده بار اءِنّا اءَنْزَلنَاهُ (سوره قدر) در قیام ، و پانزده بار در رکوع ، و پانزده بار پس از راست شدن از رکوع و پانزده بار در سجود ، و پانزده بار پس از سر

برداشتن از سجده ، و پانزده بار در سجده دوم و پانزده بار پس از سر برداشتن از سجده دوم ، می خوانی و رکعت دوم را مانند رکعت نخست می خوانی .

نماز امیرالمؤ منین (علیه السلام) :

چهار رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و پنجاه بار قل هو اللّه احد (سوره) توحید خوانده می شود .

نماز فاطمه زهرا (علیهاالسلام) :

دو رکعت است ، در رکعت نخست یک بار حمد و صد بار انا انزلناه و در رکعت دوم یک بار حمد و صد بار قل هو اللّه احد خوانده می شود .

نماز امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) :

دو رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و بیست و پنج بار قل هو اللّه احد خوانده می شود .

نماز امام زین العابدین (علیه السلام) :

دو رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و صد بار آیه الکرسی خوانده می شود .

نماز امام باقر (علیه السلام) :

دو رکعت است ، در هر رکعت یک بار فاتحه الکتاب و صد بار شهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلَهَ إِلا هُوَ وَ الْمَلَئکَهُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائمَا بِالْقِسطِ لا إِلَهَ إِلا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَکيمُ (15) خوانده می شود .

نماز امام صادق (علیه السلام) :

چهار رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و صد بار سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَر خوانده می شود .

نماز امام کاظم (علیه السلام) ، :

دو رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و دوازده بار قل هو

اللّه احد خوانده می شود .

نماز امام رضا (علیه السلام) :

شش رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و ده بار هَل اَتی عَلَی الاِنسانِ . . . (سوره انسان) خوانده می شود .

نماز امام محمد تقی (علیه السلام) :

چهار رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و چهار بار قل هو اللّه احد خوانده می شود .

نماز امام علی نقی (علیه السلام) :

دو رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و هفتاد بار قل هو اللّه احد خوانده می شود .

نماز امام حسن عسکری (علیه السلام) :

دو رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و صد بار قل هو اللّه احد خوانده می شود .

نماز امام مهدی (علیه السلام) :

دو رکعت است ؛ در هر رکعت یک بار حمد و صد بار إِیَّاک نَعْبُدُ وَ إِیَّاک نَستَعِینُ خوانده می شود .

و (نمازگزار) پس از هر یک از این نمازها صد بار بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درود می فرستد و آن گاه حاجتش را از خدا می خواهد .

223 - از امام صادق (علیه السلام) روایت است که ،

هر کس که یک بار ، با نیت پاک و قلب صاف بر پیامبر و آل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درود فرستد ، خدای سبحان صد حاجت او را برآورده کند؛ سی حاجت دنیوی و هفتاد حاجت اخروی .

224 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس از سر حب و شوق من در هر

روز سه بار و در هر شب سه بار ، بر من درود فرستد ، و بر خدای عزوجل حق است که گناهان او را در آن شب و روز ببخشاید .

225 - ابن عباس گفت :

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود : در خواب عمویم حمزه بن عبدالمطلب و برادرم جعفر بن ابیطالب را دیدم که در برابرشان سینی ای از میوه سدر بود ، لختی از آن خوردند ، میوه سدر به انگور بدل گشت ، از آن نیز زمانی خوردند ، انگور برایشان رطب شد و چندی از آن خوردند . من نزد آن دو رفتم و گفتم : پدرم به فدایتان باد از اعمال کدام را برتر یافتید ؟

گفتند : پدران و مادران ما به فدایت باد ، ما برترین اعمال را درود بر تو و سیراب کردن تشنگان و حب علی بن ابیطالب (علیه السلام) یافتیم .

تسبیح پیامبر و امامان

226 - تسبیح محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در آغازین روز هر ماه : سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ رِضَاهُ سُبْحَانَ اللَّهُ عَدَدَ كَلِمَاتِه سُبْحَانَ اللَّه عَدَدَ خَلْقِه سُبْحَانَ اللَّه زِنَةَ عَرْشِه سُبْحَانَ الله مِلْءَ سَمَاوَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ مِلْءَ أَرْضِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ مِثْلَ ذَلِکَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِکَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِکَ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِثْلَ ذَلِکَ

227 - تسبیح علی (علیه السلام) در دومین روز هر ماه :

سُبْحَانَ مَنْ تَعَالَى جَدُّهُ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ إِلَى غَيْرِ غَايَةٍ يَدُومُ بَقَاؤُهُ سُبْحَانَ مَنِ اسْتَنَارَ بِنُورِ حِجَابِهِ دُونَ سَمَائِهِ سُبْحَانَ مَنْ قَامَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ بِلَا عَمَدٍ سُبْحَانَ مَنْ تَعَظَّمَ

بِالْكِبْرِيَاءِ وَ النُّورِ سَنَاؤُهُ سُبْحَانَ مَنْ تَوَحَّدَ بِالْوَحْدَانِيَّهِ فَلَا إِلَهَ سِوَاهُ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهَاءَ وَ الْفَخْرُ رِدَاؤُهُ سُبْحَانَ مَنِ اسْتَوَى عَلَى عَرْشِهِ بِوَحْدَانِيَّتِهِ

228 - تسبیح فاطمه (علیها السلام) در سومین روز هر ماه :

سُبْحَانَ مَنِ اسْتَتَارَ بِالْحَوَلِ وَ الْقُوَّهِ سُبْحَانَ مَنِ احْتَجَبَ فِی سَبْعِ سَمَاوَاتٍ فَلَا عَيْنٌ تَرَاهُ سُبْحَانَ مَنْ أَذَلَّ الْخَلَائِقَ بِالْمَوْتِ وَ أَعَزَّ نَفْسَهُ بِالْحَيَاهِ سُبْحَانَ مَنْ يَبْقَى وَ يَفْنَى كُلُّ شَیْءٍ سِوَاهُ سُبْحَانَ مَنِ اسْتَخْلَصَ الْحَمْدَ لِنَفْسِهِ وَ ارْتَضَاهُ سُبْحَانَ الْحَیِّ الْعَلِيمِ سُبْحَانَ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ الْعَلِیِّ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ

229 - تسبیح حسن بن علی (علیه السلام) در چهارمین روز هر ماه :

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُطَّلِعٌ عَلَى خَوَازِنِ الْقُلُوبِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُحْصِی عَدَدِ الذُّنُوبِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَهٌ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ سُبْحَانَ الْمُطَّلِعِ عَلَى السَّرَائِرِ عَالِمِ الْخَفِيَّاتِ سُبْحَانَ مَنْ لا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقالُ ذَرَّهٍ فِی الْأَرْضِ وَ ل ا فِی السَّماءِ سُبْحَانَ مَنِ السَّرَائِرُ عِنْدَهُ عَلَانِيَهٌ وَ الْبَوَاطِنُ عِنْدَهُ ظَوَاهِرُ سُبْحَانَ اللَّهِ بِحَمْدِهِ

230 - تسبیح حسین بن علی (علیه السلام) در روز پنجم :

سُبْحَانَ الرَّفِيعِ الْأَعْلَى سُبْحَانَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَ لَا يَكُونُ هَكَذَا غَيْرُهُ وَ لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قُدْرَتَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَوَّلُهُ عِلْمٌ لَا يُوصَفُ وَ آخِرُهُ عِلْمٌ لَا يَبِيدُ سُبْحَانَ مَنْ عَلَا فَوْقَ الْبَرِيَّاتِ بِالْإِلَهِيَّهِ فَلَا عَيْنٌ تُدْرِكُهُ وَ لَا عَقْلٌ يُمَثِّلُهُ وَ لَا وَهْمٌ يُصَوِّرُهُ وَ لَا لِسَانٌ يَصِفُهُ بِغَايَهِ مَا لَهُ الْوَصْفُ سُبْحَانَ مَنْ عَلَا فِی الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ قَضَى الْمَوْتَ عَلَى الْعِبَادِ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقَادِرِ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ الْبَاقِی الدَّائِمِ

231 - تسبیح علی بن الحسین (علیه السلام) در روز

ششم :

سُبْحَانَ مَنْ أَشْرَقَ نُورُهُ كُلَّ ظُلْمَهٍ سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ بِقُدْرَتِهِ كُلَّ قُدْرَهٍ سُبْحَانَ مَنِ احْتَجَبَ عَنِ الْعِبَادِ وَ لَا شَیْءٌ یَحْجُبُهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ

232 - تسبیح محمد بن علی (امام باقر) (ع) در روز هفتم :

سُبْحَانَ الْخَالِقِ الْبَارِئِ سُبْحَانَ الْقَادِرِ الْمُقْتَدِرِ سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَارِثِ سُبْحَانَ مَنْ خَضَعَتْ لَهُ الْأَشْیَاءُ سُبْحَانَ مَنْ یُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ الْمَلائِکَهُ مِنْ خِیفَتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِیمِ وَ بِحَمْدِهِ

233 - تسبیح جعفر بن محمد (امام صادق) علیه السلام در روز هشتم :

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ عَظِیمٌ لَا یُرَامُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا یَلْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَافِظٌ لَا یَنْسَی سُبْحَانَ مَنْ هُوَ عَالِمٌ لَا یَسْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُحِیطٌ بِخَلْقِهِ لَا یَغِیبُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُحْجَبٌ لَا یُرَی سُبْحَانَ مَنِ اسْتَتَرَ بِالضِّیَاءِ فَلَا شَیْءٌ یُدْرِکُهُ سُبْحَانَ مَنِ النُّورُ مَنَارُهُ وَ الضِّیَاءُ بَهَاؤُهُ وَ الْبَهْجَهُ جَمَالُهُ وَ الْجَلَالُ عِزُّهُ وَ الْعِزَّهُ قُدْرَتُهُ وَ الْقُدْرَهُ صِفَتُهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ

234 - تسبیح موسی بن جعفر (امام کاظم) علیه السلام در روز نهم :

سُبْحَانَ مَنْ مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا یَغْشَی الْأَمَدُ نُورَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَشْرَقَ کُلُّ ظُلْمَهٍ بِضَوْئِهِ سُبْحَانَ مَنْ یَدِینُ لِدِینِهِ کُلُّ دَیِّنٍ سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ کُلَّ شَیْءٍ بِقُدْرَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَیْسَ لِخَالِقِیَّتِهِ حَدٌّ وَ لَا لِقَادِرِیَّتِهِ نَفَادٌ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِیمِ وَ بِحَمْدِه

235 - تسبیح علی بن موسی (امام رضا) علیه السلام در روز دهم و یازدهم :

سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ سُبْحَانَ خَالِقِ الظُّلْمَهِ سُبْحَانَ خَالِقِ الْمِیَاهِ سُبْحَانَ خَالِقِ السَّمَاوَاتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الْأَرَضِینَ سُبْحَانَ خَالِقِ الرِّیَاحِ وَ النَّبَاتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الْحَیَاهِ وَ الْمَوْتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الثَّرَی وَ الْفَلَوَاتِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ

236 - تسبیح محمد بن علی

امام جواد (علیه السلام) در روز دوازدهم و سیزدهم :

سُبْحَانَ مَنْ لَا یَعْتَدِی عَلَی أَهْلِ مَمْلَکَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا یُؤَاخِذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ

237 - تسبیح علی بن محمد النقی امام هادی (علیه السلام) در روز چهاردهم و پانزدهم :

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا یَسْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا یَلْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ غَنِیٌّ لَا یَفْتَقِرُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ

238 - تسبیح حسن بن علی امام عسکری (علیه السلام) در روز شانزدهم و هفدهم :

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ فِی عُلُوِّهِ دَانٍ وَ فِی دُنُوِّهِ عَالٍ وَ فِی إِشْرَاقِهِ مُنِیرٌ وَ فِی سُلْطَانِهِ قَوِیٌّ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ

239 - تسبیح صاحب الزمان امام مهدی (علیه السلام) در روز هجدهم تا آخر ماه :

سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَا نَفْسِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ کَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ زِنَةَ عَرْشِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِکَ

نمازهای هفته

240 - از پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) :

نماز شب شنبه :

چهار رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و سه بار آیه الکرسی و یک بار قل هو اللّه احد می خواند و چون سلام داد سه بار آیه الکرسی را می خواند .

نماز شب یکشنبه :

چهار رکعت است ، در هر رکعت یک بار فاتحه الکتاب و یک بار آیه الکرسی و یک بار سَبّحِ اسْمِ رَبِّکَ (سوره اعلی) و یک بار قل هو اللّه احد را می

خواند .

نماز شب دوشنبه :

چهار رکعت است ، ؛ در هر رکعت هفت بار فاتحه الکتاب و یک بار انا انزلناه را می خواند و پس از هر رکعت

آن سلام می دهد ، و دو رکعت دیگر را آغاز می کند و چون از نماز فارغ شد صد بار می گوید : اللهم صل علی محمد و آل محمد و صد بار هم می گوید : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی جَبْرَئِیل .

نماز شب سه شنبه :

دو رکعت است ، در هر رکعت هر یک از فاتحه الکتاب و آیه الکرسی و قل هوالله احد و شهد الله انه . . . را یک بار می خواند .

نماز شب چهارشنبه :

دو رکعت است ، در هر رکعت فاتحه الکتاب و آیه الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه را یک به یک می خواند .

نماز شب پنجشنبه :

دو رکعت است که بین نماز مغرب و عشاء خوانده می شود ، در هر رکعت یک بار فاتحه الکتاب ، و هر یک از آیه الکرسی و قل یا ایهاالذین الکافرون (سوره کافرون) و قل هو الله احد (سوره توحید) و قل اعوذ برب الفلق (سوره فلق) و قل اعوذ برب الناس (سوره ناس) را پنج بار بخواند و چون سلام داد پانزده بار از خدا آمرزش بخواهد اَسْتَغْفِرَاللّٰهَ رَبّی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ بگوید .

نماز شب جمعه :

یازده رکعت با یک سلام است ، فاتحه الکتاب و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس ، را یک به یک بخواند و چون از نماز فارغ آمد به سجده رود و هفت بار بگوید : لاَ حَولَ وَ لاَ قُوَّهَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلیِّ الْعَظیمِ .

مرحوم مجلسی در بحارالانوار این نماز را ده

رکعت با یک سلام ذکر کرده است .

نماز روز شنبه :

چهار رکعت است ، در هر رکعت یک بار فاتحه الکتاب و سه بار قل یا ایها الکافرون می خواند و چون از آن فارغ شد آیه الکرسی را یک بار می خواند .

نماز روز یکشنبه :

چهار رکعت است ، در هر رکعت آن فاتحه الکتاب و آخر سوره بقره لِلَّهِ مَا فی السمَوَتِ وَ مَا فی الاَرْضِ(16) را بخواند و چون از نماز فارغ شد آیه الکرسی را بخواند و بر محمدَ و آل محمد درود بفرستد و صد بار سه گانه پرستان را لعن کند .

نماز روز دوشنبه :

دو رکعت است ، در هر رکعت فاتحه الکتاب ، و آیه الکرسی و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق ، هر کدام را یک بار بخواند و چون از نماز فارغ شد ده بار از پروردگارش آمرزش طلبد (استغفرالله و اتوب الیه بگوید) و ده بار بر پیامبر و آل او درود فرستد .

نماز روز سه شنبه :

ده رکعت پس از نیم روز است ، در هر رکعت آن حمد و آیه الکرسی ، هر کدام را یک بار و قل هوالله احد را سه بار بخواند .

نماز روز چهارشنبه :

دوازده رکعت است ، در هر رکعت آن یک بار فاتحه الکتاب و هر یک از قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را ، سه بار بخواند .

نماز روز پنجشنبه :

دو رکعت بین نماز ظهر و عصر است ، در رکعت نخست فاتحه الکتاب و آیه الکرسی را

صد بار بخواند و در رکعت دوم فاتحه الکتاب را یک بار و قل هوالله احد را صد بار بخواند و چون از نماز فارغ آمد صد بار استغفار کند و صد بار بر پیامبر و آل او درود فرستد .

نماز روز جمعه :

چهار رکعت پیش از نماز جمعه یا ظهر است ، در هر رکعت آن ده بار فاتحه الکتاب و هر یک از قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایهاالکافرون و آیه الکرسی و انا انزلناه و شهدالله انه . . . در ده بار بخواند و چون از نماز فارغ آمد صد بار استغفار کند ، پس از آن صد بار بگوید : سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيم و صد بار بر پیامبر و آل او درود فرستد .

این نماز ، نماز کامل نام گرفته است و ثوابی بسیار دارد .

241 - از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که فرمود :

هر مسلمان باید در هر روز صدقه ای بدهد .

مردی گفت : چه کسی توان این را دارد ؟

فرمود : مانع از راه زدودنت صدقه است ، به عیادتت بیمار رفتنت صدقه است ، نهی از منکر کردنت صدقه است ، جواب سلام دادنت صدقه است .

242 - اسود بن اصرم گفت :

گفتم : ای رسول خدا ، مرا سفارشی فرما .

فرمود : مالک دست خود هستی ؟

گفتم : آری .

فرمود : مالک زبان خود هستی ؟

گفتم

: آری .

فرمود : دست خود را جز به خیر نگشا ، و جز سخن صواب بر زبان نیاور .

تعویذهای هفته

243 - تعویذ روز شنبه :

اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَلَائِکَهِ وَ الرُّوحِ وَ النَّبِیِّینَ وَ الْمُرْسَلِینَ وَ قَاهِرَ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِینَ کُفَّ عَنِّی بَأْسَ الْأَشْرَارِ وَ أَعْمِ أَبْصَارَهُمْ وَ قُلُوبَهُمْ وَ اجْعَلْ بَیْنِی وَ بَیْنَهُمْ حِجَاباً إِنَّکَ رَبُّنَا وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ تَوَکُّلَ عَائِذٍ بِهِ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ رَبِّی آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا وَ مِنْ شَرِّ ما سَکَنَ فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ سُوءٍ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّم

244 - تعویذ روز یکشنبه :

اللَّهُ أَکْبَرُ اللَّهُ أَکْبَرُ اسْتَوَی الرَّبُّ عَلَی الْعَرْشِ وَ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ بِحِکْمَتِهِ وَ مُدَّتِ الْبُحُورُ وَ ظَهَرَتِ النُّجُومُ بِأَمْرِهِ وَ رَسَتِ الْجِبَالُ بِإِذْنِهِ لَا یُجَاوِزُ اسْمَهُ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الَّذِی دَانَتْ لَهُ الْجِبَالُ وَ هِیَ طَائِعَهٌ وَ انْبَعَثَتْ لَهُ الْأَجْسَادُ وَ هِیَ بَالِیَهٌ وَ بِهِ أَحْتَجِبُ عَنْ ظُلْمِ کُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ عَادٍ وَ جَبَّارٍ وَ حَاسِدٍ وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی جَعَلَ بَیْنَ الْبَحْرَیْنِ حاجِزاً وَ أَحْتَجِبُ بِاللَّهِ الَّذِی جَعَلَ فِی السَّماءِ بُرُوجاً وَ جَعَلَ فِیها سِراجاً وَ قَمَراً مُنِیراً وَ زَیَّنَهَا لِلنَّاظِرِینَ وَ حِفْظاً مِنْ کُلِّ شَیْطَانٍ رَجِیمٍ وَ جَعَلَ فِی الْأَرْضِ رَوَاسِیَ جِبالًا أَوْتَاداً أَنْ یُوصَلَ إِلَیَّ سُوءٌ أَوْ فَاحِشَهٌ أَوْ بَلِیَّهٌ حم حم ((حم تَنْزِیلٌ مِنَ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ(17))) حم حم ((حم عسق کَذلِکَ یُوحِی إِلَیْکَ وَ إِلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکَ اللَّهُ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ(18))) وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِه

245 - تعویذ روز دوشنبه :

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ أُعِیذُ نَفْسِی بِرَبِّیَ الْأَکْبَرِ مِمَّا

يَخْفَى وَ مَا يَظْهَرُ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ أُنْثَى وَ ذَكَرٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا وَارَتِ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَهِ وَ الرُّوحِ أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْجِنُّ إِنْ كُنْتُمْ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ وَ أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْإِنْسُ إِلَى اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ وَ أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْجِنُّ وَ الْإِنْسُ إِلَى الَّذِي خَتَمْتُهُ بِخَاتَمِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ خَاتَمِ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ خَاتَمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ ع وَ خَاتَمِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ النَّبِيِّينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِمْ أَخِّرْ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ كُلَّمَا يَغْدُو وَ يَرُوحُ مِنْ ذِي حَيٍّ أَوْ عَقْرَبٍ أَوْ سَاحِرٍ أَوْ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ أَخَذْتُ عَنْهُ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى وَ مَا رَأَتْ عَيْنُ نَائِمٍ أَوْ يَقْظَانَ بِإِذْنِ اللَّهِ اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ لَا سُلْطَانَ لَكُمْ عَلَى اللَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً

246 - تعویذ روز سه شنبه :

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسِي بِاللَّهِ الْأَكْبَرِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ الْقَائِمَاتِ بِلَا عَمَدٍ وَ بِالَّذِي خَلَقَهَا فِي يَوْمَيْنِ وَ قَضَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَ خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا وَ جَعَلَ فِيهَا جِبالًا أَوْتَاداً وَ جَعَلَهَا فِجَاجاً سُبُلًا وَ أَنْشَأَ السَّحَابَ الثِّقَالَ وَ سَخَّرَهُ وَ أَجْرَى الْفُلْكَ وَ سَخَّرَ الْبَحْرَ وَ جَعَلَ فِي الْأَرْضِ رَواسِيَ وَ أَنْهاراً مِنْ شَرِّ مَا يَكُونُ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ تَعْقِدُ عَلَيْهِ الْقُلُوبُ وَ تَرَاهُ الْعُيُونُ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ كَفَانَا اللَّهُ كَفَانَا اللَّهُ كَفَانَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً

247 - تعویذ روز چهارشنبه :

بِسْمِ

اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسِی بِالله الاحَدِ الصَّمَدِ مِنْ شَرِّ النَّفّاثاتِ فِی الْعُقَدِ وَ مِنْ شَرِّ ابْنِ فتره [أَبِی قِتْرَهٍ] وَ مَا وَلَدَ . أَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الْأَعْلَى مِنْ شَرِّ مَا رَأَتْ عَيْنِی وَ مَا لَمْ تَرَهُ أَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْفَرْدِ الْكَبِيرِ الْأَعْلَى مِنْ شَرِّ مَنْ أَرَادَنِی بِأَمْرٍ عَسِيرٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی فِی جِوَارِکَ وَ حِصْنِکَ الْحَصِينِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ الْقَهَّارِ السَّلَامِ الْمُؤْمِنِ الْمُهَيْمِنِ الْغَفَّارِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَهِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ هُوَ اللَّهُ هُوَ اللَّهُ هُوَ اللَّهُ لَا شَرِيکَ لَهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً دَائِما

248 - تعویذ روز پنجشنبه :

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسِی بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَ الْمَغارِبِ مِنْ كُلِّ شَيْطانٍ مارِدٍ وَ قَائِمٍ وَ قَاعِدٍ وَ عَدُوٍّ وَ حَاسِدٍ وَ مُعَانِدٍ ((وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّماءِ ماءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلى قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدامَ))(19) ((ارْكُضْ بِرِجْلِکَ هذا مُغْتَسَلٌ بارِدٌ وَ شَرابٌ))(20) ((وَ أَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً طَهُوراً لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتاً وَ نُسْقِيَهُ مِمّا خَلَقْنا أَنْعاماً وَ أَناسِيَّ كَثِيراً))(21) ((الْآنَ خَفَّفَ اللّهُ عَنْكُمْ))(22) ((ذلِکَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَهٌ))(23) ((يُرِيدُ اللّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ))(24) ((فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ))(25) لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً

249 - تعویذ روز جمعه :

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَلَائِكَهِ وَ الرُّوحِ وَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ قَاهِرَ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَ

الْأَرَضِينَ وَ خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَالِكَهُ كُفَّ عَنِّی بَأْسَ أَعْدَائِنَا وَ مَنْ أَرَادَ بِنَا سُوءاً مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ أَعْمِ أَبْصَارَهُمْ وَ قُلُوبَهُمْ وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ حِجَاباً وَ حَرَساً وَ مَدْفَعاً إِنَّکَ رَبُّنَا وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْهِ أَنَبْنَا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ رَبَّنَا وَ عَافِنَا مِنْ شَرِّ كُلِّ سُوءٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها وَ مِنْ شَرِّ ما سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سُوءٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِی شَرٍّ رَبَّ الْعَالَمِينَ وَ إِلَهَ الْمُرْسَلِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ وَ خُصَّ مُحَمَّداً وَ آلَهُ بِأَتَمِّ ذَلِکَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أُومِنُ وَ بِاللَّهِ أَعُوذُ وَ بِاللَّهِ أَعْتَصِمُ وَ بِاللَّهِ أَسْتَجِيرُ وَ بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ مَنَعَتِهِ أَمْتَنِعُ مِنْ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ مِنْ مَرَجِلِهِمْ وَ خَيْلِهِمْ وَ رَكْضِهِمْ وَ عَطْفِهِمْ وَ رَجْعَتِهِمْ وَ كَيْدِهِمْ وَ شَرِّهِمْ وَ شَرِّ مَا يَأْتُونَ بِهِ تَحْتَ اللَّيْلِ وَ تَحْتَ النَّهَارِ مِنَ الْبُعْدِ وَ الْقُرْبِ وَ مِنْ شَرِّ الْغَائِبِ وَ الْحَاضِرِ وَ الشَّاهِدِ وَ الزَّائِرِ أَحْيَاءً وَ أَمْوَاتاً أَعْمَى وَ بَصِيراً وَ مِنْ شَرِّ الْعَامَّهِ وَ الْخَاصَّهِ وَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَ وَسْوَسَتِهَا وَ مِنْ شَرِّ الدَّنَاهِشِ وَ الْحِسِّ وَ اللَّمْسِ وَ اللَّبْسِ وَ مِنْ عَيْنِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ بِالِاسْمِ الَّذِی اهْتَزَّ لَهُ عَرْشُ بِلْقِيسَ وَ أُعِيذُ دِينِی وَ جَمِيعَ مَا تَحُوطُهُ عِنَايَتِی مِنْ شَرِّ كُلِّ صُورَهٍ وَ خَيَالٍ أَوْ بَيَاضٍ أَوْ سَوَادٍ أَوْ تِمْثَالٍ أَوْ مُعَاهَدٍ أَوْ غَيْرِ مُعَاهَدٍ مِمَّنْ سَكَنَ الْهَوَاءَ وَ السَّحَابَ وَ الظُّلُمَاتِ وَ

النُّورَ وَ الظِّلَّ وَ الْحَرُورَ وَ الْبَرَّ وَ الْبُحُورَ وَ السَّهْلَ وَ الْوُعُورَ وَ الْخَرَابَ وَ الْعُمْرَانَ وَ الْأَكَامَ وَ الْآجَامَ وَ الْمَغَايِضَ وَ الْكَنَائِسَ وَ النَّوَاوِيسَ وَ الْفَلَوَاتِ وَ الْجَبَّاتِ مِنَ الصَّادِرِينَ وَ الْوَارِدِينَ مِمَّنْ يَبْدُو بِاللَّيْلِ وَ يَنْتَشِرُ بِالنَّهَارِ وَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ وَ الْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ وَ الْمُرِيبِينَ وَ الْأَسَامِرَهِ وَ الْأَفَاتِرَهِ وَ الْفَرَاعِنَهِ وَ الْأَبَالِسَهِ وَ مِنْ جُنُودِهِمْ وَ أَزْوَاجِهِمْ وَ عَشَائِرِهِمْ وَ قَبَائِلِهِمْ وَ مِنْ هَمْزِهِمْ وَ لَمْزِهِمْ وَ نَفْثِهِمْ وَ وِقَاعِهِمْ وَ أَخْذِهِمْ وَ سِحْرِهِمْ وَ ضَرْبِهِمْ وَ عَبَثِهِمْ وَ لَمْحِهِمْ وَ احْتِيَالِهِمْ وَ أَخْلَاقِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِی شَرٍّ مِنَ السَّحَرَهِ وَ الْغِيلَانِ وَ أُمِّ الصِّبْيَانِ وَ مَا وَلَدُوا وَ مَا وَرَدُوا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِی شَرٍّ دَاخِلٍ وَ خَارِجٍ وَ عَارِضٍ وَ مُتَعَرِّضٍ وَ سَاكِنٍ وَ مُتَحَرِّكٍ وَ ضَرَبَانِ عِرْقٍ وَ صُدَاعٍ وَ شَقِيقَهٍ وَ أُمِّ مِلْدَمٍ وَ الْحُمَّى وَ الْمُثَلَّثَهِ وَ الرِّبْعِ وَ الْغِبِّ وَ النَّافِضَهِ وَ الصَّالِبَهِ وَ الدَّاخِلَهِ وَ الْخَارِجَهِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً

این حرز را عبدالعظیم حسنی ، که درودش باد ، از امام ابوجعفر محمد بن علی امام جواد (علیه السلام) روایت کرده است . عبدالعظیم گفت : امام (علیه السلام) ، این حرز را برای فرزندش ، ابوالحسن هادی (علیه السلام) ، که کودکی در گهواره بود ، نوشته بود و با آن در پناهش می داشت .

اعمال ماه نو

250 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) ماه نو را که می دید می فرمود :

اللَّهُمَّ إِنَّ النَّاسَ إِذَا

نَظَرُوا إِلَى الْهِلَالِ نَظَرَ بَعْضُهُمْ فِی وُجُوهِ بَعْضٍ وَ رَجَا بَعْضُهُمْ بَرَکَهَ بَعْضٍ اللَّهُمَّ إِنِّی أَنْظُرُ إِلَی وَجْهِکَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ وَ وَجْهِ نَبِیِّکَ وَ وَجْهِ أَوْلِیَائِکَ أَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّکَ ص فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِی مَا أُحِبُّ أَنْ تُعْطِیَنِیهِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ اصْرِفْ عَنِّی مَا أُحِبُّ أَنْ تَصْرِفَهُ عَنِّی فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ أَحْیِنَا عَلَی طَاعَتِکَ وَ طَاعَهِ أَوْلِیَائِکَ وَ طَاعَهِ وَلِیِّکَ صَلَوَاتُکَ وَ رَحْمَتُکَ عَلَیْهِمْ وَ التَّسْلِیمِ لِأَمْرِکَ وَ تَوَفَّنَا عَلَیْهِ وَ لَا تَسْلُبْنَاهُ وَ تَفَضَّلْ عَلَیْنَا بِرَحْمَتِک

آنگاه ده بار می فرمود : مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیم و ده بار می فرمود : اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

سپس پشت به هلال می کرد و می فرمود : رَبِّی وَ رَبُّکَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ ثَبِّتْنَا عَلَی السَّلَامِ وَ الْإِسْلَامِ وَ الْأَمْنِ وَ الْإِیمَانِ وَ دَفْعِ الْأَسْقَامِ وَ الْمُسَارَعَهِ فِیمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَی مِنْ طَاعَتِنَا لَک

251 - و امام ابوجعفر (جواد) (علیه السلام) در نخستین روز ماه نو دو رکعت نماز می گزارد ، در رکعت نخست یک بار حمد ، و برای هر روز تا آخر ماه ، یک بار قل هو الله احد می خواند ، و در رکعت دوم حمد و انا انزلناه را مانند رکعت نخست می خواند و هر چه میسورش بود صدقه می داد و با این کار سلامتی آن ماه را می خرید .

252 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

زبانت را نگه دار که آن صدقه ای است که با زبانت می دهی .

253 -

حواریون به عیسی (علیه السلام) گفتند :

ما را سفارشی کن .

فرمود : موسی (علیه السلام) به قوم خود گفت : به خداوند سوگند دروغ یاد نکنید ، و من به شما امر می کنم به خدا سوگند یاد نکنید ، راست باشد یا دروغ .

254 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

صدقه ، هفتاد در شر را می بندد .

255 - از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند : کدام صدقه فضیلت بیشتر دارد ؟

فرمود : این که تو در حال تندرستی و آزمندی و آرزومندی به بقا و بیم از فقر صدقه دهی ؛ و آن قدر درنگ مکن که جانت به حلقوم برسد تا آنگاه که بگویی ، به فلانی چه بدهید و به فلانی چه قدر بدهید ، (آن فلان در حال تندرستی بود و این مال) همان دم از آن او بود .

256 - و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کار خوبی صدقه است و هر چه که انسان با آن آبرویش را نگه دارد ، برای او صدقه به حساب می آید .

257 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

برداشتن خاشاکی از روی برادرت ده ثواب دارد ، و لبخند تو به روی او ثواب دارد . و نیکوکاران نخستین کسانی اند که به بهشت می روند .

258 - و فرمود :

خدای عزوجل در میان خلقتش بندگانی دارد که دیگر بندگان به وقت نیاز به ایشان پناه می برند ، اینان ، امان یافتگان روز رستاخیزند .

259 - حنان بن سدیر از پدرش

نقل کرد که او گفت :

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود : هر روز بنده ای آزاد توانی کرد ؟

گفتم : مالم به این کار نمی رسد .

فرمود : هر روز مومنی را سیر کنی ؛ که طعام دادن به مومن از آزاد کردن بنده با فضلیت تر است .

آن چه در طول زمان عمل می شود؛

260 - و ایشان (علیه السلام) فرمودند :

بنده در روز جمعه هشت رکعت نماز می گزارد ، چهار رکعت آن به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) . چهار رکعت دیگر را به فاطمه زهرا (علیه السلام) هدیه می کند .

و روز شنبه چهار رکعت نماز می گزارد و آن را به امیرالمؤ منین (علیه السلام) هدیه می فرستد .

و روز یکشنبه ، چهار رکعت به امام حسن (علیه السلام) .

و روز دوشنبه ، چهار رکعت به امام حسین (علیه السلام) .

و روز سه شنبه ، چهار رکعت به امام زین العابدین (علیه السلام) .

و روز چهارشنبه ، چهار رکعت به امام باقر (علیه السلام) .

و روز پنجشنبه ، چهار رکعت به امام صادق (علیه السلام) .

و روز جمعه هشت رکعت به امام موسی بن جعفر (علیه السلام) .

و روز یکشنبه ، چهار رکعت به امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) .

و روز دوشنبه ، چهار رکعت به امام هادی (علیه السلام) .

و روز چهارشنبه ، چهار رکعت به امام حسن عسکری (علیه السلام) .

و روز پنجشنبه چهار رکعت به صاحب الزمان (علیه السلام) هدیه می کند .
و پس از هر دو رکعت از آن

نمازها ، این دعا را می خواند : اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْکَ السَّلَامُ وَ إِلَیْکَ یَعُودُ السَّلَامُ حَیِّنَا رَبَّنَا مِنْکَ بِالسَّلَامِ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرَّکَعَاتِ هَدِیَّةٌ مِنِّی إِلَی وَلِیِّکَ فُلَانٍ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ بَلِّغْهُ إِیَّاهَا وَ أَعْطِنِی أَفْضَلَ أَمَلِی وَ رَجَائِی فِیکَ وَ فِی رَسُولِکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ فِیهِ . . . و هر چه می خواهی می طلبی .

261 - ابوالحسن عبدی گفت :

امام صادق (علیه السلام) فرمود : هر کس قل هوالله احد و انا انزلناه و آیه الکرسی را در هر رکعت از نماز مستحب خود بخواند ، خداوند او را به بزرگترین اعمال آدمیان فیروزی داده است و درب آن را به رویش گشوده است .

262 - و امام کاظم (علیه السلام) فرمود :

یکی از اجداد شنید که مردی ((ام القرآن)) (سوره حمد) را می خواند : فرمود : شکر کرد و اجر یافت . پس از آن شنید که قل هو الله احد می خواند . فرمود : ایمان آورد و ایمن شد . و در پی آن شنید . انا انزلناه می خواند . فرمود : راست گفت و آمرزیده شد .

سپس شنید که آیه الکرسی می خواند . فرمود : به به ! دوری و رهاییش از آتش نازل شد .

263 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کسی در هر روز ، پیش از زوال ، چهار رکعت نماز بگزارد ، و در هر رکعت آن فاتحه الکتاب و بیست و پنج بار انا انزلناه بخواند ، بیمار نشود مگر بیماری مرگ .

264 - و امیرالمؤ

منین (علیه السلام) فرمود :

هر کس هنگام زوال خورشید چهار رکعت نماز بگزارد ، و در هر رکعت آن فاتحه الکتاب و آیه الکرسی را بخواند ، خداوند او و خانواده و مال ، و آخرت و دنیای او را حفظ می کند .

265 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس همسر یا مال یا فرزندی در نظرش جلوه کرد و گفت : مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّه از آن برخوردار شود . و به این سخن خدای تعالی نمی نگری که فرمود : وَ لَوْ لا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَکَ قُلْتَ ما شاءَ اللّهُ لا قُوَّةَ إِلاّبِاللّ ِهِ (26) چرا آن گاه که به باغت رفتی ، نگفتی همه چیز به خواست خداست و نیرویی جز به (خواست) خدا نیست .

266 - ابن مسکان گفت :

امام صادق (علیه السلام) فرمود : اموال و نوامیس خود را با تلاوت سوره نور حفظ کنید . و زنانتان را با آن ، در دژ عفت قرار دهید؛ که هر کس هر روز یا هر شب به خواندن آن مداومت کند ، کسی از خانواده اش مرتکب زنا نشود تا بمیرد ، و چون مرد هفتاد هزار فرشته او را تا قبرش همراهی کنند و برای او دعا کنند و از خدا آمرزش خواهند تا در قبر نهاده شود .

267 - عبدالله بن سنان گفت :

امام صادق (علیه السلام) فرمود : وقتی عمر حکومت را به دست گرفت و در منبر مکه به سخن پرداخت و گفت : دو کار ، حلال خدا و رسول اند

ولی اگر از شما سر زند کیفرتان می دهم و از آن کار بازتان می دارم ؛ یکی متعه زنان و دیگری متعه حج . و از منبر فرود آمد . گروهی گرد او آمدند و زبان به اعتراض گشودند . گفت : من در این کار ، جانب شما را داشتم ؛ به مکه نگریستم و دیدم که خشک و بی آب و علف است و گذران زندگی در آن سخت است ، گفتم اگر مردی با عمره تمتع به حج شود ، در سال تنها یک بار بازار برای ایشان برپا می شود و لیکن اگر یک بار برای عمره بیایند و یک بار حج ، در سال دو بازار برپا می شود و این مایه معیشت مردم است .

اما متعه زنان ، چه کسی دلش رضا می دهد که خواهر یا دختر یا عمه و خاله او را مرد ناشناسی که اصل و نسبش نامعلوم است ، سه روزه به همسری بگیرد و پس از سه روز راه خود را پیش بگیرد و برود ، و زن ، فرزندی بزاید که نمی دانند منسوب به کیست ! ؟ مردم کف زنان می رفتند و می گفتند : او سخن درستی می گوید .

امام صادق (علیه السلام) : اگر نهی او نبود؛ جز تیره دلان نگونبخت کسی زنا نمی کرد .

268 - امام صادق (علیه السلام) فرمود :

پدرم با مردی زمینی به شراکت داشت و خواست آن را قسمت کند . مرد ستاره نگر بود ، ساعتی را در نظر گرفت که در آن خجستگی باشد . لیک چون زمین را

قسمت کردند ، قطعه بهتر نصیب پدرم شد ، و مرد ستاره شناس در شگفت ماند .

پدرم به او گفت : از چه در شگفتی ؟

گفت : شگفتیم از این است که با در نظر داشتن ساعت سعد نصیبم این شد .

پدرم فرمود : من عملی به تو نشان دهم که از آن چه کردی نکوتر باشد؛ هر بامداد صدقه ای بده تا نحوست آن روز از تو برود و هر شامگاه صدقه ای بده تا نحوست آن شب از تو برود .

269 - او (علیه السلام) درباره علم نجوم فرمود :

ما دانش باز شناختن مومن از کافر را داریم .

270 - عبدالملک بن اعین گفت :

به امام صادق (علیه السلام) گفتم : من به این علم (نظر به سعد و نحس ستارگان کردن) مبتلا شده ام و هر گاه بخواهم در پی کاری و حاجتی بروم به طالع می نگرم ، اگر شر دیدم می نشینم و نمی روم و اگر طالع خیر را دیدم در پی آن حاجت می روم .

امام (علیه السلام) به من فرمود : از تو درخواستی دارم به جای می آوری ؟

گفتم : آری .

فرمود : کتابهایت را بسوزان .

بخش سوم : سلامتی و شکر آن

قسمت اول

271 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

دو نعمت است که بسیاری از مردم غافل از آنند و به جای بهره ، از آن در زیانند : سلامتی و آسایش .

مقصود او (صلی الله علیه و آله و سلم) این است که برترین نعمت ها عافیت و رفاه است ، زیرا انسان تا در رفاه نباشد آسوده نیست .

و عافیت همان سلامتی است . و کسی که سالم و مرفه باشد نعمتی بس عظیم دارد . و هشدارمان داد که این دو نعمت از جانب خداوند نعمت بخش ، جل جلاله ، باید شکرگزاری به درگاه او را در پی داشته باشد ، نه این که موجب لجاجت و پافشاری در معصیت او شود . پس خدا را بر این نعمتها شاکر باشید و از کسانی مباشید که نعمت منعم را ناسپاسی می کنند و هنگام سلامتی و رفاه سر به سرکشی برمی دارند .

272 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

سلامتی سرمایه است و سستی تلف کردن (آن سرمایه) است . آگاه باشید که فراخی مال از جمله نعمتهاست و برتر از فراخی مال تندرستی است و برتر از تندرستی تقوای قلب است .

273 - و فرمود : سلامتی با رستگاری است (سلامتی در رستکاری و درستکاری است .)

274 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار ، جوانیت را پیش از پیری ، و سلامتی ات را پیش از بیماری ، و بی نیازیت را پیش از نیازمندی ، و آسودگیت را پیش از گرفتاری ؛ و زندگیت را پیش از مرگ .

275 - و فرمود :

بهین چیزی که بنده از خدا خواهد همان عافیت است .

276 - و عیسی (علیه السلام) فرمود :

مردم دو دسته اند و به دو حالند ، گروهی در عافیت و گروهی گرفتارند؛ پس به گرفتار رحم کنید و خدا را بر عافیت حمد کنید .

277 - در حکمت

آل داود چنین آمده است :

عافیت دارایی پنهان است .

278 - و امام رضا (علیه السلام) فرمود :

امام علی بن حسین (علیه السلام) مردی را دید که گرد کعبه می گردد و می گوید : خدایا از تو صبر می طلبم . علی بن حسین (علیه السلام) دست بر شانه او زد و فرمود : بلا خواستی ؛ بگو : خدایا ، از تو عافیت و شکر عافیت می طلبم .

279 - روایت است که ،

پیامبر به عیادت بیماری رفت و به او فرمود : چه شده است و قصه ات چیست ؟

گفت : نماز مغرب را با شما قامت بسته بودم و شما سوره قارعه را خواندی ، و من گفتم ، بار خدایا ، اگر گناهی نزد تو دارم که می خواهی در آخرت مرا بدان کیفر دهی ، کیفرم را در این دنیا پیش انداز . و پس از آن که این گونه شدم که می بینی .

فرمود : چه بد گفتی . چرا نگفتی : رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الْاٰخِرَهِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ (27) پروردگارا به ما در دنیا حسنه ای (بی نیازی و سلامتی) عطا فرمای و در آخرت حسنه ای (آمرزش و رحمت) بخشای ، و ما را از عذاب آتش نگه دار .

آن گاه پیامبر او را دعا کرد و تا سلامتیش را باز یافت .

280 - و فرمود :

حسنه در دنیا بی نیازی و عافیت است و در آخرت آمرزش و رحمت .

281 - روایت است که ،

سلیمان (علیه السلام) روزی بر ساحل دریایی نشسته بود

، مورچه ای را می دید که دانه گندمی را به طرف دریا می برد . سلیمان چشم از مورچه برنداشت که تا به آب رسید . در این هنگام قورباغه ای سر از آب بیرون کرد و دهان گشود و مورچه در دهانش رفت و قورباغه در دریا فرو رفت و مدتی مدید زیر دریا بود و سلیمان (علیه السلام) با شگفتی در این کار می اندیشید ، که قورباغه سر از آب بیرون کرد و دهان گشود و مورچه بیرون آمد ، بی دانه گندم . سلیمان مورچه را فراخواند و از حال و کار او پرسید و پرسید ، کجا بودی ؟

گفت : ای پیامبر خدا ، در ته این دریا سنگی میان تهی است و درون آن کرمی کور است که خدای تعالی او را در آن جا آفریده است . کرم توان بیرون آمدن و غذا جستن را ندارد . خداوند مرا برای روزیش گمارده است ، و من قوت و غذای او را با خود می برم ، و خدای پاک و بلند مرتبه این قورباغه را در اختیارم گذارده است تا مرا در دهان خود گذارد و ببرد تا آب آسیبی به من نرساند؛ قورباغه دهانش را بر روزنه ریز سنگ می گذارد و من به درون سنگ می روم و چون روزیش را رساندم از روزنه به دهان قورباغه باز می گردم تا از دریا بیرونم آورد .

سلیمان گفت : از آن کرم تسبیحی شنیدی ؟

گفت : آری . می گفت : ای کسی که مرا در درون صخره ، زیر این دریای آب از یاد

نبردی و از روزی خود محروم نساختی ، بندگان مؤ منت را به فضل خود از یاد مبر .

282 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

خداوند روزی مؤ منان را از جایی که به گمانشان نرسد ، قرار داد و این ، از آن روست که بنده چون جهت روزیش را نداند دعایش بسیار شود .

283 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

خانه هایتان را از تار عنکبوت پاک کنید ، که واگذاردن آن در خانه فقر می آورد .

284 - مردی نزد امام صادق (علیه السلام) از فقر شکایت کرد .

او فرمود : هر گاه بانگ اذان را شنیدی به آهنگ مؤ ذنان اذان بگو .

285 - و او از یکی از اجداد خود نقل می کرد که فرمود :

هر کس از خدا فضل و عطایش را نطلبد فقیر شود .

286 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

خدا را یاد کنید که او به یاد کسی است که یادش کند ، و از او فضل و رحمتش را بخواهید که او دعای هیچ مؤ من نیایشگری را نومید و ناکام نگذارد .

287 - دعایی برای طلب روزی :

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ الْوَاسِعِ الْفَاضِلِ الْمُفْضِلِ رِزْقاً وَاسِعاً حَلَالاً طَیِّباً بَلَاغاً لِلْآخِرَهِ وَ الدُّنْیَا هَنِیئاً مَرِیئاً صَبّاً صَبّاً مِنْ غَیْرِ مَنٍّ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا سَعَهً مِنْ فَضْلِکَ وَ طَیِّباً مِنْ رِزْقِکَ وَ حَلَالاً مِنْ وَاسِعِکَ تُغْنِینِی بِهِ مِنْ فَضْلِکَ أَسْأَلُ وَ مِنْ عَطِیَّتِکَ أَسْأَلُ وَ مِنْ یَدِکَ الْمَلْأَی أَسْأَلُ وَ مِنْ خَیْرِکَ أَسْأَلُ یَا مَنْ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

288 - و امام صادق (علیه السلام

) فرمود :

هر کس در هر روز صد بار لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبِین بگوید ، خداوند او را از فقر نگه دارد و از وحشت (و تنهایی) قبر انس دهد و جلب غنا کند و در بهشت کوبد .

289 - و فرمود :

مرد دروغی می گوید و به واسطه آن از نماز شب می ماند و با محروم ماندن از نماز شب از روزی محروم می شود .

290 - مردی به امیرالمؤ منین (علیه السلام) گفت :

من از نماز شب محروم مانده ام .

فرمود : گناهانت تو را در بند کرده است .

291 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

بالاترین ریاء دروغ گفتن است .

292 - عبدالله بن حوراء گفت :

به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گفتم : مؤ من زنا می کند ؟

فرمود : گاهی چنین می شود .

گفتم : مؤ من دزدی می کند ؟

فرمود : گاهی چنین می شود .

گفتم ای رسول خدا ، مومن دروغ می گوید ؟

فرمود : نه ، خدای تعالی فرمود : إِنَّما یَفْتَرِی الْکَذِبَ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُون تنها کسانی دروغ پردازی می کنند که ایمان ندارند . (28)

293 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

غمها ، بیماری دلها هستند ، چنان که دردها و مرضها بیماری تن ها هستند ، پس هر که را حزن و بلایی رسید بگوید : اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا مُفَجِّرَ الْأَنْهَارِ وَ مُطْعِمَ الثِّمَارِ یَا مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ ظُلْمَهُ اللَّیْلِ وَ ضَوْءُ النَّهَارِ وَ مَا عَلَی الْأَرْضِ وَ قَعْرِ الْبِحَارِ افْتَحْ لَنَا فِی هَذِهِ السَّاعَهِ وَ

سَهِّلْ لَنَا صَالِحَ الْأَسْبَابِ وَ يَسِّرْ لَنَا التَّوْبَةَ يَا تَوَّابُ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ يَا سَمِيعُ يَا وَهَّاب

294 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس درویش نمایی کند ، درویش شود .

295 - از امام رضا (علیه السلام) درباره مال بنی امیه پرسیدند :

فرمود : مگر بنی امیه مالی داشت ؟ !

296 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

از انسان بی بخت و نصیب برایم چیزی نخرید که در معاشرت (و داد و ستدش) برکتی نیست ، و جز با کسی که در خیر و برکت نشو و نما کرده است با دیگری معاشرت (و داد و ستد) مکنید .

297 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

(زمانهایی) بر کسانی از شما بگذرد که در آن گناهی برایتان نوشته نشود ، و آن هنگامی است که گرفتار (و در اندیشه) گذران زندگی هستید .

298 - و فرمود :

خداوند هر قلب حزینی را دوست دارد .

299 - از او پرسیدند :

خدا کجاست ؟

فرمود : نزد شکسته دلان .

300 - رسول خدا را غم گرفته بود ، جبرئیل او را به شستن سر با سدر امر کرد .

301 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

وقتی غمها بر تو شوریده و فرود آمدند ، لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلّا بِاللّه بگو .

302 - و فرمود :

هر کسی غمی در خود یافت و ندانست که از چیست ، سر خود را بشوید .

303 - و فرمود :

غم ، گناهان مسلمانان را از بین می برد .

304 -

و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

هیچ مردی سرمه ای چون سرمه حزن (غم پیدا در چهره) نکشیده است .

305 - و فرمود :

من از آن گناه که پس از آن مهلتی یابم تا دو رکعت نماز گزارم ، اندیشه ندارم .

306 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

وقتی گناهان مؤ من زیاد شد و برای او عملی نبود تا جبرانش کند ، خداوند او را به حزن مبتلا می کند ، تا گناهانش را بدان پاک کند

307 - و فرمود :

سه چیز است که اگر روزی کسی شود خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او گرد آورده است : رضا دادن به قضا ، و صبر بر بلا ، دعا در سختی و رفاه .

308 - به امیرالمؤ منین (علیه السلام) گفته شد :

چگونه اید ای امیرمومنان ؟

فرمود : چگونه است حال کسی که بقایش رو به فناست و در پی سلامتی اش بیماری است و (جان او) از جان پناهش گرفته می شود .

309 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

سلامتی خود دردی بسنده است . (کافی است که سلامتی خود دردی باشد .)

310 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

در هر جرعه ای نفس گیر شدن (آبی) است و در هر لقمه ای گلوگیر شدن (نانی) است .

311 - و فرمود : مردمی اجلی دارند که به کاستی می رود و عملی دارند که نگاه داشته می شود .

312 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود

:

از چهار چیز بدتان نیاید که برای چهار چیز مفید است :

زکام را بد ندارید که امان از جذام است .

و دمل را بد ندارید که امان از پیسی است .

و قی و درد چشم را بر ندارید که امان از کوری است .

و سرفه را بر ندارید که امان از فلج است .

313 - و فرمود :

هر انسانی در سرش رگی از جذام دارد و خداوند زکام را بر می انگیزد تا آن را ذوب کنند ، پس چون کسی آن را در خود یافت واگذاردش و درمانش نکند و تا خداوند خود درمانش کند .

314 - او فرمود :

کسی از شما به واسطه سختی و فشاری که به او رسیده است آرزوی مرگ نکند .

315 - و فرمود :

آرزوی مرگ نکنید ، که هراس آگاه شدن و دیدن عالم پس از مرگ سخت است . و از سعادت مرد است که عمرش دراز باشد و خداوند بازگشت به سرای جاوید بهشت را روزیش کند .

316 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

برای باقی مانده عمر مومن بهایی نتوان گذارد؛ با آن آنچه را از دست رفته است می یابد و آنچه را مرده است زنده می کند .

317 - و درباره این کلام خدای تعالی ((وَ لا تَنْسَ نَصِیبَکَ مِنَ الدُّنْیا (29) ونصیبت را از دنیا فراموش مکن .)) فرمود :

یعنی سلامتی و نیرو و فرصت و جوانی و نشاط و ثروتت را از یاد مبر که با آنها آخرت را بجویی .

318 - به امام زین العابدین (علیه السلام) گفته شد :

بهترین کار و بهترین حالی که

نیکوست بنده در آن حال بمیرد چیست ؟

فرمود : این که از ساختمان ها و خانه ها و قصرهای بهشتیش فارغ آمده باشد . پرسیدند : چگونه ؟

فرمود : از گناهانش توبه کرده باشد و به کارهای خیر برپا و پابر جا باشد ، (اگر چنین بود آن گاه) محبوب و گرامی به دیدار خدا می رود .

319 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر که بمیرد و درهم و دیناری از خود بجا نگذارد ، بی نیازتر از او کسی نباشد که به بهشت درآید .

320 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

به بستر رفتی بیندیش که به اندرونت چه راه داده ای و در آن روز چه کسب کرده ای ، و به یادآور که تو می میری و معادی داری .

321 - و فرمود :

راس هر طاعت خدا رضا دادن به آن چیزی است که خدا با بنده کرده است ، پسند او باشد یا نباشد .

322 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

خدای عزوجل به ایوب (علیه السلام) وحی کرد : می دانی هنگامی که بلاگیر شدی نزد من چه گناهی داشتی ؟

گفت : نه .

فرمود : نزد فرعون رفتی و با او دو کلمه چاپلوسی کردی .

323 - از بزرگی درباره یوسف (علیه السلام) پرسیدند ، که برادران او را در چاه انداختند و فروختند ، و هیچ بلایی به آنان نرسید و هر چه بلا بود به یوسف رسید؛ به زندان افتاد و به بلاهای دیگر دچار شد ، حکمت چه بود

؟ گفت : آنان شایسته بلا نبودند و یوسف شایستگی آن را داشت ، هر بدنی لایق بلای او نیست .

324 - ابن عباس گفت :

یوسف سه ساله در منزل پادشاه و زلیخا ماند تا بالغ شد و زلیخا او را به کامجویی خواند . به ما چنین خبر رسیده است ، و خداوند به درستی و نادرستی این خبر آگاه تر است ، که زلیخا هفت سال سرپا به خدمتکاری او پرداخت و یوسف سر به زیر داشت و از بیم پرودرگارش گوشه چشم به او نمی نگریست .

روزی زلیخا به او گفت : چشم بگشا و به من بنگر .

گفت : بیم دارم کور شوم .

- : چقدر چشمانت زیباست !

- : چشمانم نخستین عضوهای منند که در قبر از صورتم می افتند .

- : چه خوشبویی !

- : اگر مرا سه روز پس از مرگم ببوئی ، از من می گریزی .

- : چرا به من نزدیک نمی شوی ؟

- : به امید نزدیک شدن به پروردگارم .

- : برخیز و در این بستر پرنیان ، کامم را روا کن .

- : می ترسم نصیب بهشتم از دست برود .

- : تو را به دست شکنجه گران می سپارم .

- : چه باک که پروردگارم مرا بسنده است .

قسمت دوم

325 - روایت است که :

روزی امام کاظم (علیه السلام) نزد رشید ، که آن چه سزای اوست بر او باد ، آمد . هارون گفت : به خدا سوگند تو را می کشم .

فرمود : چنین مکن که صلاح تو در این کار نیست . که من از پدرم و او

از پدرانش ، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنید که فرمود : بنده صله رحم می کند و در حالی که بیش از سه سال از عمر او باقی نمانده است ، خداوند آن سه سال را سی سال می کند؛ و دیگری از خویشان می برد و در حالی که سی سال از عمرش باقی است ، خداوند آن سی سال را سه سال می کند .

رشید گفت : شما را به خدا سوگند ، این را از پدرت شنیدی ؟

فرمود : آری .

هارون دستور داد صد هزار درهم به امام (علیه السلام) بدهند و او را به منزلش بازگرداند .

326 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

صله رحم عمر را زیاد می کند .

327 - حنان بن سدیر ، خداوند از او خوشنود باد ، گفت :

نزد امام صادق (علیه السلام) بودیم ، ((میسر)) نیز با ما بود و سخن از صله خویشاوندان شد .

امام (علیه السلام) فرمود : میسر ، نه یک بار و دو بار و بارها اجل تو فرا رسید و هر بار خداوند اجل تو را به واسطه این که با خویشانت پیوند داری ، پس انداخت . اگر می خواهی عمرت زیاد شود به پدر و مادرت نیکی کن .

328 - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود :

مردی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت : هیچ ناروا و زشتی نمانده است که من نکرده باشم ، مرا توبه ای هست ؟

فرمود : از

پدر و مادرت کسی زنده است ؟

گفت : پدرم .

فرمود : به او نیکی کن . امید بخشودنت هست .

مرد بازگشت . و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : کاش مادرش زنده بود .

329 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

ای بسا مرد در حیات پدر و مادر ، عاق ایشان باشد نافرمانیشان کند و رانده ایشان گردد . و پس از مرگ پدر و مادر ، برای آنان کارهای خیر کند و نماز بخواند و قرضشان را ادا کند ، و پیوسته در این کارها باشد تا نیکوکار نوشته شود . و بسا فرزندی که در حیات پدر و مادر در حق آنان نیکوکار باشد و چون مردند قرضشان را ادا نکند و به هیچ راه خیری بدیشان نیکویی نکند و پیوسته در چنین حال باشد تا عاق نوشته شود .

330 - و فرمود :

صله رحم حساب روز قیامت را آسان می کند و عمر را دراز می کند و جلو مرگ های ناگوار را می گیرد . و صدقه شب غضب پرودگار را خاموش می کند .

331 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر که از درازی عمر و فراخی روزیش شادمان می شود و به پدر و مادر خود رسیدگی کند که رسیدگی به پدر و مادر طاعت خداست . و با خویشاوند خود پیوند داشته باشد و به ایشان رسیدگی کند .

332 - و فرمود :

نیکی به پدر و مادر و صله رحم حساب را آسان می کنند . آن گاه این آیه را تلاوت فرمود : وَ

الَّذِينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ اللّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ يَخافُونَ سُوءَ الْحِسابِ (30) و آنان که آن چه را خدا به پیوستنش فرمان داده ، می پیوندند و از پروردگارش می ترسند و از سختی حساب بیم دارند (این خردمندانند که سرای ستوده آخرت از آن ایشان است .)

آنگاه فرمود : با خویشان خود پیوند کنید اگر چه با سلام دادنی باشد .

333 - و امام باقر (علیه السلام) فرمود :

سه چیز است که با داشتن ثواب اخروی این آثار دنیوی را داراست .)

حج ، فقر را دور می کند .

و صدقه ، بلا را می راند .

و نیکوکاری ، عمر را زیاد می کند .

334 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کس زبانش را راستگو باشد عملش پاک شود ، و هر کس نیشت نیکو باشد ، عمرش زیاد شود ، و هر کس با خانواده اش خوشرفتار باشد ، روزیش زیاد شود .

335 - به امام زین العابدین (علیه السلام) گفته شد

چگونه به بامداد درآمدی ؟

فرمود : در بامداد با هشت جوینده و خواهنده :

خدای تعالی ، واجبات را از من می خواهد ، و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ، سنت را ، و خانواده ، قوت و غذا را ، و نفس ، شهوت را ، و شیطان ، معصیت را ، و دو فرشته نگاهبان ، نوشت و نگاهداشت کردار و گفتار را ، و ملک الموت (علیه السلام) ، روح را تو قبر ، جسد را؛ من بین این امورم و جملگی مرا

می جویند .

336 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

آدم (علیه السلام) سخت بیمار شد و در آن بیماری وحشتی به او دست داد تبه جبرائیل (علیه السلام) شکایت برد .

گفت : چوبی از بادام تلخ ببر و آن را به سینه ات بچسبان .

او چنین کرد و وحشت از او رفت .

337 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

هر کس سفری رود و عصایی از بادام تلخ همراه داشته باشد و این آیه ها وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسىَ رَبىِّ أَن يَهْدِيَنىِ سَوَاءَ السَّبِيلِ(22)

وَ لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَ وَجَدَ مِن دُونِهِمُ امْرَأَتَينِْ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِى حَتىَ يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَ أَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ(23)

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلىَّ إِلىَ الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنىِّ لِمَا أَنزَلْتَ إِلىَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ(24)

فجَاءَتْهُ إِحْدَئهُمَا تَمْشىِ عَلىَ اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبىِ يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَ قَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تخَفْ نجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّلِمِينَ(25)

قَالَتْ إِحْدَئهُمَا يَأَبَتِ اسْتَْجِرْهُ إِنَّ خَيرْ مَنِ اسْتَْجَرْتَ الْقَوِىُّ الْأَمِينُ(26)

قَالَ إِنىِّ أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتىَّ هَتَينِْ عَلىَ أَن تَأْجُرَنىِ ثَمَنىَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِندِكَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنىِ إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّلِحِينَ(27)

قَالَ ذَالِكَ بَيْنىِ وَ بَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَينِْ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلىَّ وَ اللَّهُ عَلىَ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ(28) را تلاوت کند ، خداوند او را از هر حیوان درنده و دزد تجاوز کننده و جانور گزنده ، ایمن می دارد .

338 - اسحاق بن عمار ، خداوند از او خوشنود باد ، گفت :

به امام

صادق (علیه السلام) گفتم : من از عقرب می ترسم .

فرمود : به بنات نعش ، ستارگان سه گانه اش نگاه کن ، در کنار ستاره میانی آن ستاره کوچکی است ، که عرب آن را ((سُها)) می خواند و ما ((اِءَسْلَم)) می نامیم . به آن چشم بدوز و سه بار بگو : اللّهُمَّ رَبَّ أَسْلَمَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ سَلِّمْنَا

اسحاق گفت : در مدت عمرم جز یک بار آن را ترک نکردم ، همان یک بار عقرب گزیدم .

339 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

عقربی پیامبر را در قیام نماز گزید . او فرمود : نفرین خدا بر عقرب باد ، اگر بنا بود کسی را واگذارد این نمازگزار را وامی داشت . آن گاه آبی خواست و بر آن حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را خواند و چند جرعه از آن نوشید ، سپس نمکی خواست و با آب آمیخت و محل گزیدن را با آن مالید تا آرام گرفت .

340 - نوح (علیه السلام) هنگامی که به کشتی نشست از بردن عقرب سرباز زد؛ عقرب گفت : با تو عهد می بندم که هر کس بگوید : سَلامٌ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی نُوحٍ فِی الْعالَمِینَ او را نگزم .

341 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هنگام آسودگی ، با خدا آشنا شو تا در سختی تو را بشناسد .

و اگر چیزی خواستی از خدا بخواه ، و اگر یاری می طلبی از خدا طلب

.

342 - و ثمالی گفت :

شنیدم امام زین العابدین (علیه السلام) به فرزندش می فرمود :

هر گاه به کسی از ما مصیبتی رسد یا بلایی بر او نازل شود ، وضویی کامل بسازد و دو رکعت یا چهار رکعت نماز بگزارد و در آخر آن بگوید : يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى يَا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَى يَا شَافِيَ كُلِّ بَلَاءٍ وَ يَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَ يَا كَاشِفَ مَا يَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ يَا نَجِيَّ مُوسَى يَا مُصْطَفِيَ مُحَمَّدٍ يَا خَلِيلَ إِبْرَاهِيمَ أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ وَ قَلَّتْ حِيلَتُهُ دُعَاءَ الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ الْفَقِيرِ الَّذِي لَا يَجِدُ لِكَشْفِ مَا هُوَ فِيهِ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِين

کسی با این دعا خدا را نخواند مگر این که خداوند گرفتاری او را به خواست خود یکسو کند .

343 - و هنگامی که چیزی او را اندوهگین می کرد ، دو جامه از زبرترین و ستبرترین جامه هایش را می پوشید ، و در آخر شب دو رکعت نماز می گزارد و در سجده آخر نماز ، صد بار تسبیح و صد بار تحمید و صد بار تهلیل و صد بار تکبیر خدا را می گفت و در همان حال ، به گناهان اعتراف می کرد ، سپس دعا می کرد . و در سجودش دو زانو را به زمین می رساند .

344 - از امام جواد (علیه السلام) درباره این کلام خدای تعالی ((وَ ثِيابَكَ فَطَهِّرْ (31) و جامه ات را پاک کن)) پرسیدند . فرمود : یعنی آن را بالا بزن . آنگاه فرمود : جامه ات از قوزک پایت نگذرد ،

که فروهشتن جامه شیوه بنی امیه است .

345 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) خود ، جامه فرودین و پیراهن برین را بالا می زد . مردی را دید که جامه اش بر زمین کشیده می شد . فرمود : فلانی ، کوتاهش کن ، که این کار برای نگهداری جامه نیکوتر است و دوامش را بیشتر می کند و پاکیزه اش می دارد .

346 - و ابوحمزه ثمالی گفت :

امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود : از خانه بیرون آمدم و بر این دیوار تکیه داشتم که دیدم مردی سراسر سفید پوش به من می نگرد .

گفت : ای علی بن حسین ، چرا گرفته و حزینی ؟ اگر برای دنیاست که آن روزپی مهیاست که خوب و بد از آن می خورند .

گفتم : سخن آن است که تو می گویی ولی حزن من برای دنیا نیست .

- : اگر حزن تو برای آخرت است ، آن وعده ای است که پادشاهی چیره در آن حکم می راند .

- : حزن من برای آخرت نیست ، اما سخن چنان است که تو می گویی .

- : پس حزن تو بر چیست ای علی بن حسین ؟

- : از فتنه ابن زبیر بیم دارم .

- : خندید و گفت : علی بن حسین ، آیا کسی را دیده ای که از خدا بترسد و او نجاتش ندهد ؟

- : نه .

- : کسی را دیده ای که از خدا درخواست کند و او عطایش ندهد ؟

- : نه .

- ای علی بن حسین ، کسی را دیده ای که بر خدا توکل

کند و او کفایتش نکند ؟

- : نه .

(گفت و گو به این جا که رسید) نظر کردم ، کسی را ندیدم .

347 - و او (علیه السلام) فرمود :

کلماتی است که با گفتن آنها از هیچ شیطان و سلطان و حیوان درنده و دزد و بلای نابهنگام شبانه ، بیم ندارم : آیه الکرسی و آیه سخره که در سوره اعراف است إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَىَ الْعَرْشِ يُغْشِي الَّيْلَ النهَّارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَلَمِينَ (32) و ده آیه از اول صافات و سه آیه از الرحمن يَامَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الانس إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُواْ مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَانفُذُواْ لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ(33)

فَبِأَىِّ ءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ(34)

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَ نحُاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ (33) و آخر سوره حشر ، و سُبْحَانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ(180)

وَ سَلَامٌ عَلىَ الْمُرْسَلِينَ(181)

وَ الحْمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (34)

348 - و این دعا از اوست :

يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ ، وَ يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ ، وَ يَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاهٌ لِلْمُطِيعِينَ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِکَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ ، وَ أَلْسِنَتَنَا بِشُكْرِکَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ ، وَ جَوَارِحَنَا بِطَاعَتِکَ عَنْ كُلِّ طَاعَهٍ . (2) فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغاً مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَهٍ لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَهٌ ، وَ لَا تَلْحَقُنَا فِيهِ سَأْمَهٌ ، حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَّابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَهٍ خَالِيَهٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا ، وَ يَتَوَلَّى كُتَّابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ

بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا (3) وَ إِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا ، وَ تَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا ، وَ اسْتَحْضَرَتْنَا دَعْوَتُکَ الَّتِی لَا بُدَّ مِنْهَا وَ مِنْ إِجَابَتِهَا ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِی عَلَيْنَا كَتَبَهُ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَی ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ ، وَ لَا مَعْصِيَةٍ اقْتَرَفْنَاهَا . (4) وَ لَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْراً سَتَرْتَهُ عَلَی رُءُوسِ الْأَشْهَادِ ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِکَ . (5) إِنَّکَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاکَ ، وَ مُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاکَ .

349 - و این دعا از امیرالمؤ منین (علیه السلام) است :

اللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِی بِالْيَسَارِ وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِی بِالْإِقْتَارِ فَأَسْتَرْزِقَ طَالِبِی رِزْقِکَ وَ أَسْتَعْطِفَ شِرَارَ خَلْقِکَ وَ أُبْتَلَی بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِی وَ أُفْتَتَنَ بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِی وَ أَنْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِکَ وَلِیُّ الْإِعْطَاءِ وَ الْمَنْعِ إِنَّکَ عَلی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِی أَوَّلَ كَرِيمَةٍ تَنْتَزِعُهَا مِنْ كَرَائِمِی وَ أَوَّلَ وَدِيعَةٍ تَرْتَجِعُهَا مِنْ وَدَائِعِ نِعَمِکَ عِنْدِی

350 - و امام صادق (علیه السلام) این دعا را فرمود :

أَعُوذُ بِدِرْعِکَ الْحَصِينَهِ الَّتِی لَا تُرَامُ أَنْ تُمِيتَنِی غَمّاً أَوْ هَمّاً أَوْ مُتَرَدِّياً أَوْ هَدْماً أَوْ رَدْماً أَوْ غَرَقاً أَوْ حَرَقاً أَوْ عَطَشاً أَوْ شَرَقاً أَوْ صَبْراً أَوْ تَرَدِّياً أَوْ أَكِيلَ سَبُعٍ أَوْ فِی أَرْضِ غُرْبَهٍ أَوْ مِيتَهَ سَوْءٍ وَ أَمِتْنِی عَلَی فِرَاشِی فِی عَافِيَهٍ أَوْ فِی الصَّفِّ الَّذِی نَعَتَّ أَهْلَهُ فِی كِتَابِکَ فَقُلْتَ (كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ) (35) عَلَی طَاعَتِکَ وَ طَاعَهِ رَسُولِکَ

351 - و این دعا از ایشان (علیهم السلام) نقل است :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ الصَّادِقَ المصدق محمدا ص قَالَ إِنَّکَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِی شَیْءٍ أَنَا

فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِی فِی قَبْضِ رُوحِ عَبْدِیَ الْمُؤْمِنِ یَکْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَکْرَهُ مَسَاءَتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لِوَلِیِّکَ الْفَرَجَ وَ الْعَافِیَهَ وَ النَّصْرَ وَ لَا تَسُؤْنِی فِی نَفْسِی وَ لَا فِی أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِی برحمتک یا أ رحم الراحمین

فرمودند : هر کس این دعا را پس از هر نماز بخواند ، چندان بزید که از زیستن ملول گردد .

352 - داود (علیه السلام) چون شامگاه می شد سه بار می گفت : اللَّهُمَّ خَلِّصْنِی مِنْ کُلِّ مُصِیبَهٍ نَزَلَتِ اللَّیْلَهَ مِنَ السَّمَاءِ و بامداد که می شد (نیز) آن را سه بار می گفت : البته در بامداد به جای ((الیله)) امشب . ((الیوم)) امروز می گفت .

353 - و او فرمود :

اللَّهُمَّ لَا مَرَضٌ یُضْنِینِی وَ لَا صِحَّهٌ تُنْسِینِی وَ لَکِنْ بَیْنَ ذَلِکَ بار خدایا نه چنان بیمار شوم که به بسترم اندازد و نه چندان در سلامتی بزیم که غافلم کند ، بلکه مرا در حالتی بین این دو نگه دار .

354 - ابوجارود گفت :

به امام باقر (علیه السلام) گفتم : مردی نابینا و کهنسالم و راهی دراز تا رسیدن به محضر شما دارم ، دستورالعملی خواهم تا بدان خدای را پرستم و بدان بگروم و حجت آورم و تمسک جویم و آن را به مردم قوم خود رسانم .

سخنم امام را خوش آمد . جا به جا شد و راست بنشست و فرمود :

ابوجارود ، آنچه گفتی ، بار دیگر بگو .

و من بار دیگر گفتم .

فرمود : آری ای ابوجارود ، گواهی دادن به این که معبودی جز خدای یکتا نیست ، و

محمد بنده و فرستاده اوست ، و به پای داشتن نماز و دادن زکات و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا ، و دوستی با دوست ما و دشمنی با دشمن . ، و فرمانبری از فرمان ما ، و انتظار کشیدن برای قائم ما ، و پرهیزکاری و کوشش (در این راه) .

355 - زید بن اسلم روایت کرد که :

عابدی در بنی اسرائیل از خدای تبارک و تعالی درخواستی کرد و گفت : پروردگارا نزد تو چه حالی دارم ؟ اگر خیر است به حیاتم بیفزا و اگر شر است پیش از مرگم رضایتت را می طلبم .

پیام آوری آمد و گفت : تو را خیری نزد خدا نیست .

گفت : پروردگارا ، پس عملم چه شد ؟

گفت : هر زمان که تو عملی برای من کردی خبرش را به مردم دادی ، و از آن کردارها ثمری جز خوشنود کردن خویش برایت نماند .

این امر بر او دشوار آمد و غنیمتش کرد . خداوند بار دیگر آن فرستاده را نزد او فرستاد و گفت : خدای تبارک و تعالی می گوید : از هم اکنون ، برای آینده ات ، خویشتن را با صدقه ای که از هر رگت بیرون می کشی از من باز خر؛ که آدمی زاده سیصد و شصت رگ (در بدن) دارد؛ از هر رگت ، هر روز صدقه ای بیرون کش .

گفت : پروردگارا ، چه کس توان چنین کاری را دارد ؟

خدای تعالی گفت : من جز آن چه توانی به تو تکلیف نکنم .

- : پروردگارا چه کنم ؟

- : هر روز

سیصد و شصت بار بگو سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّه هر کلمه آن ، صدقه ای است از هر یک از رگهایت .

او چون این بشارت را شنید ، گفت : پروردگارا ، بیشترم ده .

گفت : تو (عمل و اخلاص عمل) بیشتر کن ، بیشترت دهم .

بخش چهارم : خوردن و آشامیدن

قسمت اول

356 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چون غذا می خورد از پیش روی خود می خورد ، و چون می نوشید از سمت راستش می نوشید .

357 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

تکیه داده غذا مخور و به روی افتادن (و خوردن) از تکیه دادن بتر است .

358 - امام حسن (علیه السلام) فرمود :

سفره دوازده آداب دارد که دانستن آنها بر هر مسلمان بایسته است :

چهار واجب و چهار مستحب و چهار دیگر ادب است .

واجب آن شناختن (رازق) ، و رضا دادن (به روزی او) ، و بسم الله گفتن ، و شکرگزاردن است .

و مستحب آن : وضو ساختن پیش از غذا و نشستن بر جانب چپ ، و با سه انگشت خوردن ، و لیسیدن انگشتهایت است .

و آن چه ادب است : خوردن از نزدیک خود ، و کوچک گرفتن لقمه ، و نیک جویدن ، و کم نگریستن به روی مردم است .

359 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) قدری خرمای ((دقل)) (پست ترین گونه خرما) خورد و روی آن آب نوشید و دست بر شکم زد و فرمود : هر که

را شکم در آتش اندازد ، خداوند (از رحمت خود) دورش کند . آن گاه این شعر را مثل آورد :

تو هر چه خواسته های شکم و شهوتت را برآوری (سیر نشوند و فزونتر خواهند) و تا نهایت پستی پیش روند و به غایت نکوهش رسند .

360 - نشد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پشت به پشتی دهد و غذا خورد ، جز یک بار که پس از آن نشست و فرمود : خدایا من بنده و رسول توام .

361 - و فرمود :

هر کس لقمه افتاده ای را بیابد و بردارد و دستی بر آن بکشد ، و اگر شستنی است آن را بشوید و بخورد؛ در درونش جای نگیرد مگر این که خداوند از آتش رهائیش بخشد .

362 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ابوایوب انصاری ، را دید که ریزه های سفره را برمیچیند . فرمود : مبارکت باد ، بر تو مبارک باد ، در تو مبارک باد .

ابوایوب گفت : ای رسول خدا ، برای دیگران چگونه است ؟

فرمود : آری ، هر کس آن چه تو خوردی بخورد ، مبارک باد ، تو را دارد . آن گاه فرمود : هر که چنین کند ، از جنون و جذام و پیسی و آب زرد شکم و ابلهی نگهش دارد .

363 - و فرمود :

آن چه از سفره می ریزد مهریه حورالعین است .

364 - و فرمود :

خوردن در بازار فرومایگی است .

365 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

در حال قدم زدن غذا نخور جز به ناچاری

.

366 - و فرمود :

خداوند زیاد خوردن را خوش ندارد و دشمن دارد .

367 - و فرمود :

زیاد خوردن مکروه است .

368 - و فرمود :

با شکم پر غذا خوردن پیسی می آورد .

369 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

گرده های نان را کوچک بگیرید که با هر گرده برکتی است .

370 - و فرمود :

هر کس تکه نانی را بیابد و آن را بخورد ، هفتصد حسنه دارد ، و هر کس آن را در جای آلوده ای بیابد و بشوید و بردارد ، هفتاد هزار حسنه دارد .

371 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر گاه خواستی در پی حاجتی روی (و دست به کاری زنی) تکه نانی با نمک بخور ، که برای تو نیروبخش تر است و حاجت را زودتر بر آورده می کند . و اگر حاجتی خواهی به آن روی آر (و سوی آن رو) و به آن پشت مکن .

372 - و فرمود :

نماز صبح را که گزاردی پاره نانی خور تا بوی دهانت خوش شود و حرارتت آرام گیرد و دندانهایت پابرجا ماند و لثه ات محکم شود و روزیت را بدان جلب کنی و خلق و خویت را نیکو سازی .

373 - و امام رضا (علیه السلام) به غلام خود فرمود :

برای ما گوشت جلو (دست و سینه و گردن) را بخر و (گوشت) عقب (ران) را نخر؛ که به چراگاه نزدیک تر و از پلیدی (و فضولات) دورتر است .

374 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر گاه

به منزل رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گوشت می آوردند ، می فرمود : پاره های گوشت را کوچک بگیرید و آبش را زیاد کنید و میان همسایگان قسمت کنید که این کار پخت آن را زودتر و برکت آن را بیشتر می کند .

375 - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

چون ترید آب گوشت خوردید از کناره های آن بخورید که برکت در بالای آن است .

376 - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) رطب را با دست راست می خورد و هسته آن را در دست چپ می گذارد و روی زمین نمی انداخت . گوسفندی آمد و او ، هسته ها را جلویش گرفت ، گوسفند هسته را از دست چپ خورد و او رطب را با دست راست می خورد تا تمام شد .

377 - و فرمود :

خدایا ، در باران نرم و ترید ، برای امتم برکت نه .

378 - و فرمود :

هر کس دعوتی را نپذیرد خدا و رسولش را نافرمانی کرده است . و او پذیرفتن دعوت کسی را که ثروتمندان در میهمانیش حاضر بودند و فقیران نبودند ، خوش نداشت .

379 - و فرمود :

هر کس طعام شیرینی به برادرش بدهد خداوند تلخی موقف قیامت را از او ببرد .

380 - و او فرمود :

هر گاه کسی از شما به میهمانی ای خوانده شد ، فرزند خود را به دنبال نبرد ، که اگر چنین کند حرام خورده است و غاصبانه رفته است .

381 - و امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود :

طعام

خوردن ، غذای بدن و طعام دادن ، غذای روح است .

382 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کس گرسنه ای را سیر کند و خداوند برای او رودی در بهشت جاری کند .

383 - و فرمود :

سلیمان (علیه السلام) به میهمانان خود گوشت با آرد سپید می داد و به خانواده خود آرد سبوس دار و خود ، آرد جو نبیخته می خورد .

384 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

وضو ، پیش از غذا فقر را می برد و پس از غذا جنون را می راند .

385 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

شستن دستها پیش از غذا و پیش از آن ، روزی را زیاد می کند و چشم را جلا می دهد و فقر را می برد .

386 - و فرمود :

هر کس پیش از غذا وضو بگیرد در فراخی بزید و از بلای تن در عافیت باشد .

387 - و فرمود :

هر کس دستش را پیش از غذا و پس از بشوید ، اول و تا آخر غذا برایش با برکت شود .

388 - و او فرمود :

هر کس از فزونی یافتن خبر خانه اش شادمان می شود ، وقت غذا وضو بسازد .

389 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

چون دستهایت را از غذا شستی ، پیش از آن که آنها را با دستمال خشک کنی ، به صورتت بکش و بگو اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الرتبه وَ الْمَحَبَّهَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْمَقْتِ وَ الْبِغْضَه

390 - و فرمود :

شستن ظروف و رفتن جلوی خانه جلب

روزی می کند .

391 - پیرمردی از اهل مدینه گفت :

به امام صادق (علیه السلام) گفتم : با یک نفس آب نوشیدن رواست ؟

فرمود : مگر لذت جز این است ؟

گفتم : می گویند این ، نوشیدن شتران تشنه است .

فرمود : نوشیدن شتران ، نوشیدن کسی است که نام خدا را بر آن نبرد .

392 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر که ایستاده آب بنوشد و مرضی بدو رسد ، هرگز شفا نمی یابد .

393 - مردی ایستاده آب می نوشید ، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) او را دید و فرمود : خوش داری که گربه با تو بنوشد ؟

گفت : نه .

فرمود : بسا بتر از آن با تو بنوشد و آن شیطان است .

(سنت است که ، (آب نوش) ،

از جای شکسته (جام) آب ننوشد ،

و با سه نفس بنوشد .

و نوشیدن را با نام خدا آغاز کند .

و چون فارغ شد حمد خدا گوید .

و در جام آب نفس نکشد .)

394 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

آروغ (باد گلو) نعمتی از نعمتهای خداست ، چون یکی از شما آروغ زد خدا را حمد کند و صدای آروغش را بلند نکند .

395 - و امام حسن (علیه السلام) فرمود :

شگفتا از کسی که در خوراک خود می اندیشید و در دانش خود نمی اندیشید ، شکم خود را از آن چه آزارش می دهد دور نگه می دارد و در سینه اش مایه هلاکت خود را می نهد .

396 - امام

حسین (علیه السلام) فرمود :

با برادرم حسن و برادرم محمد بن حنفیه و عبدالله بن عباس و قثم و فضل ، بر یک سفره بودیم که ملخی روی سفره نشست ، ابن عباس آنرا گرفت و به حسن (علیه السلام) گفت : آقا ، می دانی روی بال این ملخ چه نوشته است ؟

فرمود : پدرم از جدم (صلی الله علیه و آله و سلم) شنید که او فرمود :

بر بال ملخ نوشته است أَنَا اللّهُ لا إِلهَ إِلاّ أَنَا رَبُّ الْجَرَادَهِ وَ رَازِقُهَا إِذَا شِئْتُ بَعَثْتُهَا لِقَوْمٍ رِزْقاً وَ إِذَا شِئْتُ بَعَثْتُهَا عَلَى قَوْمٍ بَلَاء من آن خدایم که معبودی جز من نیست ، پروردگار ملخ و روزی ده اویم ، اگر بخواهم آن را روزی مردمی کنم یا برای قومی بلا فرستم .

ابن عباس برخاست و سر امام حسن (علیه السلام) را بوسید و گفت :

این از علم مکنون (سر به مهر) است .

397 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

قدر نمک را بدانید که شفای هفتاد بیماری در آن است ، که نخستین آنها جذام و پیسی و جنون اند .

398 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

هر کس خوردن طعام را با نمک آغاز کند خداوند هفتاد بیماری را از او ببرد .

399 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

ای علی ، خوردن غذا را ، با نمک آغاز کن و با نمک پایان ده که در آن شفای هفتاد بیماری است .

400 - و فرمود : خدا و فرشتگان بر سفره ای

که روی آن نمک و سرکه باشد درود می فرستند .

401 - بزیع بن عمر بن بزیع گفت :

به محضر امام باقر (علیه السلام) رسیدم ، دیدم او در کاسه ای سیاه ، که در وسط آن با رنگی زرد قل هو الله احد نوشته بود ، سرکه و روغن زیتون می خورد .

فرمود : بزیع بیا ، و من نزدیک رفتم ، و با او خوردم وقتی نان تمام شد سه جرعه از آن آب مایع سرکه و روغن سر کشید ، سپس آن را به من داد و من بقیه را سر کشیدم .

402 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

سرکه زیتون از طعام پیامبران است .

403 - سرکه خورش خوبی است ، صفرا را میشکند و قلب را زنده می کند و لثه را سخت می سازد و کرمهای شکم را می کشد .

404 - و فرمود :

(نان) خورش کردن سرکه ، شهوت زنا را می برد .

405 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

سرکه انگور بخورید که کرمها را می کشد و از روغن زیتون استفاده کنید ، آن را بخورید و بر تن بمالید ، که هر کس آن را بخورد و بر تن مالد شیطان تا چهل روز به او نزدیک نشود .

406 - و فرمود :

روغن زیتون بخورید که آن صفرا را یک سو کند و بلغم را ببرد و عصب را سخت سازد و خلق را نیکو و نفس را خوشبو کند و غم را بزداید .

407 - ابوعمرو قاضی گفت :

پدرم ، یوسف بیمار شد .

شبی گفت : در خواب شنیدم کسی می گوید ((لا)) بخور و ((لا)) بنوش ، خوب می شوی . کسی را در پی ابوعلی خیاط فرستادیم و تعبیر از او خواستیم . او گفت : شگفت تر از این نشنیدم ، خوابها با قرآن و حدیث تعبیر می شوند ، مهلتم دهید تا بیندیشم .

فردا که شد آمد و گفت : دیشب به این آیه گذشتم شَجَرَةٍ مُبارَکَةٍ زَیْتُونَةٍ لاشَرْقِیَّةٍ وَ ل ا غَرْبِیَّه (36) نگرستم ، دیدم که ((لا)) در آن دو بار آمده است . آن ، درخت زیتون است ، به او روغن زیتون بنوشانید و طعام زیتون بخورانید .

و ما چنین کردیم ، همین سلامتیش را سبب شد .

408 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

انگور را دانه دانه بخور ، لذیذتر و گواراتر است .

409 - و فرمود :

خرما را ناشتا بخورید ، کرمهای شکم را می کشد .

410 - و فرمود :

وقتی غذا می پزید کدو (ی حلوایی) در آن زیاد بریزید که قلب محزون را شاد می کند .

411 - و او فرمود :

کدو بخورید؛ که مغز افزاست .

412 - و فرمود :

عدس بخورید که مبارک و پاکیزه است و نازک دلی می آورد و اشک را بسیار می کند ، و هفتاد هزار پیامبر از جمله عیسی (علیه السلام) برای آن برکت خواسته اند .

413 - و فرمود :

هر کس کدو با عدس بخورد ، قلبش به هنگام ذکر خدا رقیق شود و در مغزش افزوده گردد .

414 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

گیاه شیرین بیان

هفتاد گونه از گونه های بلا را دور می کند .

415 - مفضل بن عمر گفت :

بامدادی بود که به محضر امام صادق (علیه السلام) آمدم و او بر سفره طعام بود .

فرمود : مفضل ، پیش بیا و صبحانه بخور .

گفتم : آقا ، صبحانه خورده ام .

فرمود : برنج است .

گفتم : سرورم ، من خورده ام .

فرمود : بیا تا حدیثی برایت روایت کنم . پیش رفتم و نشستم . فرمود : پدرم از پدرانش ، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برایم حدیث کرد که او فرمود : نخستین دانه ای که به یگانگی خدای سبحان و نبوت من و وصایت برادرم علی ، به بهشتی بودن امت یکتاپرست من اعتراف کرد ، برنج بود .

آن گاه فرمود : بیشتر بخور ، تا آگاه ترت کنم و من بیشتر خوردم .

فرمود : هر چه از زمین بروید در آن درد و درمان است جز برنج که در آن درمان است و دردی نیست .

آن گاه فرمود : تو بیشتر بخور تا بیشتر آگاهت کنم . و من بیشتر خوردم .

فرمود : پدرم از پدرانش از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برایم حدیث کرده که فرمود : برنج گرسنه را سیر می کنند و سیر را گواراست .

416 - و (علیه السلام) فرمود :

خوش ترین طعام نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آش انار بود .

417 - و فرمود : ترید (نان خیس شده در آبگوشت) طعام عرب است .

418 - و رسول خدا (صلی

الله علیه و آله و سلم) فرمود :

روزی به کسی که طعام می دهد از کارد در کوهان شتر زودتر می رسد .

419 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

به مسکینان برس و سیرشان کن ، که خدای تعالی فرماید : وَ ما یُبْدِئُ الْباطِلُ وَ ما یُعِید (37) (با آمدن حق که قرآن است) باطل نه تازه کاری تواند کند و نه کار گذشته خود را تواند از سر گیرد . (38)

قسمت دوم

420 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

اگر در چیزی شفا باشد در نیشتر حجامتگر یا در نوشیدن عسل است .

421 - و فرمود :

چون خون کسی جوشان شد و بر او غلبه کرد ، حجامت کند .

422 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

سه چیز حافظه را زیاد می کند و بلغم را می برد : خواندن قرآن ، و عسل ، و کندر .

423 - و او (علیه السلام) فرمود :

بوی خوش ، (شادی بخش و) افسون بر است ، مرکب ، (نشاط آور و) افسون بر است ، سبزه ، (فرح انگیز و) افسون بر است .

424 - و فرمود :

طلحه به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد . رسول خدا بهی در دست داشت ، آن را به سوی او اندخت و فرمود : بگیر ای ابومحمد ، که قلب را نیرو و آرامش می بخشد .

425 - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

به زنان باردارتان به بخورانید که اخلاق فرزندانتان را نیکو

می کند .

426 - و فرمود :

در عسل برکت نهاده شده است ، و در آن شفای دردهاست و هفتاد پیامبر برای آن برکت خواسته اند .

427 - ریان گفت :

به امام صادق (علیه السلام) گفت : برایتان حلوا درست کنم ؟

فرمود : اگر برای من درست می کنید با روغن درست کنید .

428 - و فرمود :

روغن تابستان بهتر از روغن زمستان است .

430 - فرمود :

پنیر خوب لقمه ای است ، دهان را خوشبو و غذای پیش از خود را هضم می کند ، و گواراگر غذای بعد است .

431 - و فرمود :

شیر گاو دواست .

432 - روایت است :

شیر شتر ، درمان هر بیماری و آفت است .

433 - عبدالله بن سنان گفت :

امام صادق (علیه السلام) فرمود : پیامبری از پیامبران از ضعف به خداوند شکایت کرد . جواب آمد که ، گوشت را با شیر بپز . فرمود : این دو بدن را سخت و نیرومند می کنند .

گفتم : این ، همان آش دوغ است ؟

فرمود : نه ، گوشت با شیر دوشیده .

434 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

گوشت بخورید که گوشت می رویاند ، و هر کس چهل روز ترک گوشت کند ، بد خلق شود .

435 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سخن از گوشت و پیه به میان آمد . و فرمود : پاره ای از آن در اندرون جا نگیرد مگر این که جای خود شفا رویاند و مرضی را از جای خود

ببرد .

436 - لذیذترین گوشت ، گوشت جوجه ای است که بال گشوده یا نزدیک به بال گشودن باشد .

437 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

آتش کینه ها را با گوشت و ترید خاموش کنید .

438 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مردی فربه را دید ، به او فرمود :

چه می خوری ؟

گفت : در سرزمین من گندم نیست و من گوشت و شیر می خورم .

فرمود : دو گوشت را با هم جمع کردی .

439 - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

کدو بخور ، که هر کس کدو بخورد خلقش نیکو شود و رویش شکفته و شاداب گردد . و آن طعام من و طعام پیامبران پیش از من بوده است .

الف) گوشت را سر سفره با کارد نبر که این کار عجمهاست ، آن را به دندان بگیر که گواراتر و لذیذتر است .

ب) ریزه های سفره ات را بخور که فقر را از تو دور می کند ، و آن ، مهریه حوالعین است ، و کسی که آن را بخورد قلبش از علم و حلم و ایمان و نور پر شود .

ج) و خلال کن که با دشنام (باد سرخ و زشت گونه ها و سر انگشتان) را می برد .

د) با ، نی و چوب درخت مورد و چوب درخت انار خلال نکن .

440 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

در چوبک دهان شویه تان سعد بگذارید . (و دهانتان را با آن

بشوید) که دهان را خوشبو و نیروی جماع را افزون می کند .

(در متن ((اشناکم : چوبک دهان شویه تان)) آمده است ، و ظاهر آن است که ((اءسنانکم : دندانهایتان)) باشد ، و بنابر این ترجمه آن چنین می شود : دندانهایتان را با سعد بشوید که . . .

441 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در خود حرارتی یافت ، خرفه ای را دندان زد و از آن راحتی یافت و فرمود : بار خدایا ، برکتش ده . در آن شفای نود و نه بیماری است ، هر کجا که خواهی بروی .

442 - و فاطمه زهرا (علیه السلام) این سبزی را دوست داشت ، از این رو به او نسبت دادند و گفتند بلقه الزهراء سبزی زهرا چنان که شقایق را به نعمان نسبت دادند پس از آن بنی امیه نامش را دیگر کردند و گفتند بلقه الحمقاء سبزی نادان سپس برخی از دانشوران ایشان از این نام دفاع کردند و گفتند : حمقاء صفت این سبزی است چرا که در گذرگاه مردم و جای سم ستوران می روید و لگدمال می شود و نشو و نما می کند .

443 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس سداب (39) بخورد از درد و دمل و سینه پهلو ایمن به خواب می رود . و هر کس کاسنی بخورد و پس از آن بخوابد ، سحر و اندوه در او اثر نکند و تا با صبح هیچ جنبنده ای ، مار و عقربی ، به او نزدیک

نشود؛ کاسنی بخورید و آن را نتکانید زیرا هر روز روی آن قطره های از بهشت می چکد .

444 - از صالح مردی روایت است که گفت :

زمانی برخاستن برای نماز شب مرا دشوار شد و این ، اندوهگین کرد . امام زمان (علیه السلام) را در خواب دیدم ، به من فرمود : آب کاسنی بنوش ، خداوند برخاستن را آسانت می کند . و من از آن دو بسیار نوشیدم ، آسانم شد .

445 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

روغن بنفشه به خود بمالید که در تابستان خنک و در زمستان گرم است .

446 - و فرمود :

برتری روغن بنفشه بر روغنهای دیگر مانند برتری اسلام بر دینهای دیگر است .

447 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

چون خواستی روغنی را برای مالیدن به خود برگیری ، اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الرتبه (الزِّینَه) وَ الدِّینَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّیْنِ وَ الشَّنَآن

448 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

انار بخورید ، هر دانه از آن که در معده افتد ، قلب را روشن کند و زبان شیطان را تا چهل روز بند آورد .

(و اگر به جای ((اءخرست : زبانش را بند آورد ((اءخرجت)) باشد ، ترجمه اش این می شود : و شیطان را تا چهل روز بیرون می کند .)

449 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

انار با پیه اش بخورید ، معده را می پیراید .

450 - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود :

ابن عباس هر گاه انار می

خورد کسی را در آن با خود شریک نمی کرد و می گفت : هر اناری دانه ایاز دانه های بهشت دارد .

451 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) را ، تب گرفته بود . رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به بالینش آمد و او را به خوردن سنجد امر کرد .

452 - رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) در خانه جابر ، خدایش از او خوشنود باد ، بود . خوراک بادنجان برای ایشان آوردند ، و او شروع به خوردن کرد .

جابر گفت : بادنجان حرارت دارد .

فرمود : جابر چنین نیست . این نخستین گیاهی است که به خدا ایمان آورد . بریانش کنید و بپزید و به آن روغن زیتون و ماست بزنید که حکمت افزاست .

453 - از امیرالمؤ منین (علیه السلام) درباره این کلام خدای تعالی لَتُسئَلُنَّ یَوْمَئذٍ عَنِ النَّعِیمِ (40) و به یقین در آن روز از نعیم می پرسندتان)) پرسیدند .

فرمود : آن نعمتت خرمای تازه و آب خنک است .

454 - روایت است که ابوحنفیه از امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه لَتُسئَلُنَّ یَوْمَئذٍ عَنِ النَّعِیمِ و آنچه در تفسیرش گذشت (خرمای تازه و آب خنک) . پرسید .

امام (علیه السلام) فرمود : اگر خداوند روز قیامت تو را در برابر خود ، سرپا نگه دارد تا از هر لقمه ای که خورده ای و هر جرعه ای که نوشیدن بپرسد ، وقوف تو در پیشگاه خداوند به درازا می کشد .

گفت : پس شما آن نعیم را چه می دانی ؟

فرمود

: آن نعیم ما اهل بیت هستیم که خداوند به بندگان داده است ، که اگر پس از آن پراکندگی به واسطه ما همبستگی یافتند ، به خداوند دلهای ناسازگارشان را به وجود ما با یکدیگر انس و الفت داد ، و هم به واسطه ما آنان را از شرک و گناهان رهانید ، و با هم برادرشان کرد ، و به وسیله ما هدایتشان ، این ، آن نعمتی است که گسسته نمی شود ، و خداوند از حق این نعمت که به ایشان داده است پرسش می کند؛ و آن پیامبر و خاندان او هستند .

455 - در روایت است که :

گوشت پخته بره فربه را بخور ، نه گوشت که نمک سود و نه گوشت شتر و گاو .

456 - میوه را به هنگام آمدن فصلش بخور . و بهترین میوه ها ، انار و بالنگ است . و خوش ترین گلها ، گل سرخ و بنفشه است ، و بهترین سبزی ها ، کاسنی و کاهوست و ، بهترین و گواراترین ، آبها ، آب رودهای بزرگ است ؛ خنک ترین و زلالترین آنها .

457 - ابن عباس ، خداوند از او خوشنود باد ، گفت :

خداوند آبهای شیرین را پیش از روز قیامت بالا می برد ، جز زمزم که آب آن تب و سر درد را از بین می برد؛ و نگاه کردن در آن ، چشم را جلا می دهد . و هر کس آن را برای شفا بنوشد ، شفایش دهد . و هر کس برای گرسنگی بنوشد . خداوند سیرش کند .

458 - و امام صادق

(علیه السلام) فرمود :

تگرگ خوردنی نیست ، چرا که خداوند فرمود : ((یُصِیب بِهِ مَن یَشاءُ (41) هر کس را بخواهد بدان گزند رساند .

459 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : هر کس این سبزی های بودار ، سیر و پیاز را بخورد ، در مجلس ما حاضر نشود ، که فرشتگان از آنچه مسلمانان را می آزارد ، آزرده می شوند .

460 - و هر کس تره صحرایی بخورد و بخوابد ، دو فرشته همراهش از او کناره گیرند تا به صبح درآید . (42)

461 - و فرمود :

هر کس تره تیزک سبزی شاهی بخورد و بخوابد . رگ جذام در بینی اش با او در ستیز باشد . (43)

462 - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

ای علی ، نه چیز فراموشی می آورد : خوردن سیر ترش و گشنیز و پنیر و پس مانده موش ، و بول کردن در آب راکد ، و خواندن سنگ قبر ، و راه رفتن از بین دو زن ، و شپش افکندن ، و در گودی پشت زیر گردن حجامت کردن .

علی ، از سه چیز بیم جنون می رود : غائط کردن میان قبرها ، و راه رفتن در یک کفش ، و تنها خفتن مرد .

علی ، هر کس شکمش آب زرد آورد ، آیه الکرسی را بنویسد و آبش را بنوشد و به خواست خدا خوب شود . قُلِ ادْعُواْ اللَّهَ أَوِ ادْعُواْ الرَّحْمَانَ أَيًّا مَّا تَدْعُواْ فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الحُسْنىَ وَ لَا تجْهَرْ بِصَلَاتِکَ وَ لَا تخُافِتْ بهَِا

وَ ابْتَغِ بَينْ ذَالِکَ سَبِيلاً

وَ قُلِ الحَْمْدُ لِلَّهِ الَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيکٌ فىِ الْمُلْکِ وَ لَمْ يَكُن لَّهُ وَلىٌِّ مِّنَ الذُّلِّ وَ كَبرِّهُ تَكْبِيرَا

(44) لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقُلْ حَسْبىَِ اللَّهُ لَا إِلَاهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (45) برای امت من امان از سرقت است .

علی ، مسواک زدن ، ده فایده دارد : سنت است ، و ثواب دارد ، دهان را پاکیزه می کند و چشم را جلا می دهد و پروردگار تبارک و تعالی را خوشنود می کند ، و بینی شیطان را به خاک می مالد ، و اشتهای غذا می آورد ، و بلغم را می برد ، و حافظه را زیاد می کند ، و حسنات را دو چندان می کند ، و فرشتگان شاد می شوند .

463 - و فرمود :

راه قرآن را پاکیزه کنید .

گفته شد : ای رسول خدا ، راه قرآن کدام است ؟

فرمود : دهانهایتان .

گفتند : با چه پاکیزه کنیم ؟

فرمود : با مسواک زدن .

464 - و فرمود :

مسواک را به پهنا بزنید و به درازا نکشید .

465 - و فرمودند :

شستن دندانها را با انگشت شست و انگشت اشاره هنگام وضو ، (نیز) مسواک زدن است .

دعای مسواک زدن :

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی حَلَاوَةَ نِعْمَتِکَ وَ أَذِقْنِی بَرْدَ رَوْحِکَ وَ أَطْلِقْ لِسَانِی بِمُنَاجَاتِکَ وَ قَرِّبْنِی مِنْکَ مَجْلِساً وَ ارْفَعْ ذِکْرِی فِی الْأَوَّلِینَ اللَّهُمَّ یَا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَ یَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَی حَوِّلْنَا مِمَّا تَکْرَهُ إِلَی مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَی وَ

إِنْ كَانَتِ الْقُلُوبُ قَاسِيَةً وَ إِنْ كَانَتِ الْأَعْيُنُ جَامِدَةً وَ إِنْ كُنَّا أَوْلَى بِالْعَذَابِ فَأَنْتَ أَوْلَى بِالْمَغْفِرَهِ اللَّهُمَّ أَحْيِنِی فِی عَافِيَهٍ وَ أَمِتْنِی فِی عَافِيَه

466 - فضل بن شاذان ، خدایش از او خوشنود باد ، گفت :

شنیدم امام رضا (علیه السلام) می فرمود وقتی سر امام حسین (علیه السلام) را به ششام بردند ، یزید که نفرین خدا بر او باد دستور داد تا آن سر مقدس را آوردند . و در تشتی پائین تخت گذاردند و صفحه شطرنج را گستردند و یزید نفرین شده ، به بازی شطرنج نشست و به حسین و پدر و جدش صلوات الله علیهم اجمعینت بدو ناروا می گفت و ریشخندشان می کرد . و چون قمار را از همبازی خود برد ، جام آبجو را به دست گرفت و سه بار سر کشید و باقیمانده را کنار تشت ریخت . پس هر کس شیعه ماست ، آبجو ننوشد و بازی شطرنج نکند ، و چون نگاهش به آبجو و شطرنج افتاد ، حسین (علیه السلام) را به یاد آورد و یزید و آل زیاد را لعن کند . خدای عزوجل بدین کار ، گناهان او را پاک کند ، اگر چه به شمار ستارگان باشد .

467 - امام زین العابدین (علیه السلام) نماز صبح را که می گزارد آن قدر در مصلای خود می نشست تا خورشید بدمد ، آن گاه برمی خاست و نمازی طولانی می گزارد و پس از آن در خواب کوتاهی می کرد و بیدار می شد و مسواک می زد ، پس از آن می فرمود تا صبحانه

بیاورند .

468 - مختار ، سر عمر بن سعد را برای امام زین العابدین (علیه السلام) فرستاد و پیغام داد : به کسی نگو چه داری تا سفره را بگستراند .

چون سفره را نهادند ، امام (علیه السلام) داخل شد و به سجده افتاد و بسیار گریست ، آنگاه نشست و فرمود : ستایش آن خدای را که پیش از وفاتم ، انتقامم را گرفت .

باب سوم : بیماری و بهره های آن

بخش یکم : نماز بیمار ، ادب بیماری ، و دعا به هنگام بیماری

قسمت اول

469 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

بیمار ، چهار بهره از بیماری می برد قلم تکلیف از او برداشته شود . خداوند فرشته ای را امر کند تا هر عملی را که هنگام سلامتی کرده است برایش بنویسد . هر عضوی از عضوهای بیمار از آن بهره مند گردد و گناهان از آن عضوها بیرون شوند . اگر بمیرد آمرزیده میرد و اگر زنده بماند آمرزیده بزید .

470 - و فرمود :

مسلمان وقتی از پیری سست و ناتوان شد ، خداوند فرشته ای را امر می کند تا آنچه را در جوانی و نشاط و نیرومندیش می کرده است در این حال برای او بنویسد . و چنین است زمانی که بیمار شود؛ خداوند فرشته ای را امر می کند تا در بیماری او ، او هر عمل خیری را که هنگام سلامتی اش می کرده است برایش بنویسد .

471 - و فرمود :

چهار چیز از گنجهای بهشتند : پنهان داشتن فقر و پنهان داشتن صدقه و پنهان داشتن مصیبت و پنهان داشتن درد .

472 - روایت است که موسی (علیه السلام) گفت :

پروردگارا مرا عملی نما که چون آن

کنم رضای تو به دست آرم .

خداوند به او وحی کرد : ای پسر عمران ، رضای من در چیزی است که ناپسند توست ، و تو تاب آن نیاوری .

موسی (علیه السلام) به سجده افتاد و گریست و گفت : تو مرا ویژه سخن خود کردی و پیش از من با هیچ بشری سخن نگفتی ، حال مرا عملی نشان ندهی که بدان رضای تو جویم ؟ !

وحی آمد که ، رضای من در رضای تو به قضای من است .

473 - امام زین العابدین (علیه السلام) را از زهد پرسیدند :

فرمود : زهد ده جزء است : برترین درجات زهد پائین ترین درجات پرهیزکاری است و بالاترین پرهیزکاری است و بالاترین درجات یقین است و برترین درجات یقین کمترین درجات رضاست ؛ بدان که زهد کامل در آیه ای از کتاب خدا آمده است لِّكَيْلَا تَأْسَوْاْ عَلىَ مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُواْ بِمَا ءَاتَئكُمْ (46) تا هرگز بر آنچه از دستتان رفته است افسوس نخورید و به آنچه شما را داده است دلشاد نگردید .

مرد گفت : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ

فرمود : و من می گویم لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمین . هر گاه کسی از شما لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ گفت ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمین بگوید ، چرا که خدای تبارک و تعالی فرمود : فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ (47) پس او را با اخلاص بخوانید ، که جزا دادن ویژه اوست . و ستایش خدایی راست که پروردگار عالمیان است)) .

474 - امام باقر

(علیه السلام) فرمود :

مردم در گذشته بی سبب می مردند . زمان ابراهیم (علیه السلام) که رسید ، گفت : پروردگارا مرگ را سببی گذار تا مرده بدان اجر یابد .

475 - ابن عباس ، خدایش از او خوشنود باد ، گفت :

روزی ایوب (علیه السلام) به او گفت : چه خوب است که خدا را بخوانی و تا شفایت دهد .

فرمود : هفتاد سال در نعمت بودیم ، بیا تا به مانند آن در بلا شکیبا باشیم . از این گفت و گو اندکی بیش نگذشت که ایوب عافیت یافت .

476 - ابن مبارک گفت :

به مردی مجوس گفتم : ایمان نمی آوری ؟

گفت : نه .

گفتم : چرا ؟

گفت : زیرا مومنان چهار خوی و مرام دارند که من خوش ندارم ؛ سخن می گویند و عمل نمی کنند .

گفتم : آن خویها چیست ؟

گفت : جملگی می گویند ، فقیران امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پانصد سال پیش از اغنیا به بهشت می روند ، و من هیچ یک از آنان را ندیدم که فقر خواهد ، بلکه از آن می گریزند .

و می گویند ، گناهان بیمار پاک و آمرزیده می شود ، و من کسی را از آنان را ندیدم که بیماری خواهد ، بلکه از آن شکوه می کنند و می گریزند .

و پندارند که خداوند روزی ده بندگاه است ، و شب و روز در پی روزیند و آرام نمی گیرند .

و چنین دانند که مرگ حق و عدل است ، و چون یکی از آنان بمیرند ناله شان به

آسمان می رود .

روایت است که گفت و گوی این مرد مجوسی با امام صادق (علیه السلام) بود و به دست او اسلام آورد و وفات یافت .

477 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

در شگفتم از مومن و ناشکیبی او از بیماری ؛ اگر او بداند که در بیماری چه دارد ، دوست می دارد که پیوسته در بیماری سر کند تا پروردگارش عزوجل را دیدار کند .

478 - و ابن عباس خداوند از او خوشنود باد گفت :

چون خداوند می دانست که کردارهای نیک بندگان با گناهانشان برابری نکند و آنها را فرانگیرد ، و بیماری را برای آنان آفرید و تا گناهانیشان را بدان پاک کند .

479 - از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدند :

کدامین مردم در بلای سخت ترند ؟

فرمود : پیامبران و پس از ایشان ، صالحان و پس از ایشان هر کس که بدیشان ماند و مانندتر باشد .

480 - و فرمود :

چون خداوند بنده ای را دوست بدارد . گرفتارش کند ، و اگر بسیار دوست بدارد ، او را ویژه کند .

گفتند : چگونه ویژه خود کند ؟

فرمود : برایش مال و فرزندی نگذارد .

481 - و فرمود :

از نیکویی های نهفته و ارزشمند ، نهان داشتن مصیبتها و بیماریها و صدقه هاست .

482 - و فرمود :

ما زندگی صبورانه را بهترین شیوه زندگی یافتیم .

483 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

بی تابی ، رنج آورتر از شکیبایی است .

484 - و فرمود :

به شما بگویم که برترین و امید بخش ترین

آیه در کتاب خدای عزوجل کدام است ؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را برای ما فرمود : وَ ما أَصابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِما كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِير (48) هر مصیبتی شما را رسد سببش کردارهای خودتان است ، و خدا از بسیاری از آنها گذرد .)) ای علی ، اکنون برایت تفسیرش کنم ، هر بیماری و عذاب و بلا که در دنیا به مردم رسد ، دستاورد خودشان است ، و خدای عزوجل کریم تر از آن است که در آخرت بار دیگر آنان را عذاب کند . و آنچه را در دنیا از آن چشم پوشیده است ، خدای تبارک و تعالی حلیم تر و کریم تر از آن است که در عفو باز نگرد و در آخرت از آن نگذرد .

485 - خدای عزوجل می فرماید : من اگر بنده ای از بندگان مومنم را در بستر به بلایی دچار کنم و او به عیادت کنندگانش شکایت نکند ، گوشتی بهتر از آن گوشت که دارد و خونی بهتر از آن خون که دارد برایش جایگزین کنم . و اگر جان او را بگیرم به سوی رحمت من رهسپار است و اگر به او عافیت دهم ، عافیت دهم در حالی که گناهی ندارد .

گفتند : ای رسول خدا ، چه گوشتی بهتر از گوشت خود اوست ؟

فرمود : گوشتی که گناهی ندارد و خونی بهتر از آن خون که گناهی ندارد .

486 - ابوذر بیمار شد و من نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رفتم و

گفتم : ای رسول خدا ، ابوذر بیمار است . فرمود : به عیادتش می رویم . و ما جملگی به عیادتش رفتیم . چون نشستیم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمود : ابوذر ، شب را چگونه به صبح آوردی ؟

گفت : در آتش و سوزش تب به صبح آوردم .

فرمود : در گلزاری از گلزارهای بهشت به صبح درآمدی . در آب حیات فرو رفتی و خداوند گناهان گذشته ات را بخشود . پس مژده باد تو را ای ابوذر .

487 - امام باقر (علیه السلام) فرمود :

امام علی بن حسین (علیه السلام) فرمود : سخت بیمار شده بودم ، پدرم به من فرمود : چه میل داری ؟

گفتم : میل دارم از کسانی باشم که به پروردگارم جز آنچه او برایم تدبیر کند ، سفارشی نکنم .

فرمود : آفرین ! ابراهیم خلیل (علیه السلام) را مانستی آنجا که جبرائیل (علیه السلام) به او گفت : حاجتی داری ؟ گفت : من به پروردگارم سفارشی نکنم ، خدایم مرا بسنده است ، و چه خوب وکیلی است .

488 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

امیرالمومنین (علیه السلام) بیمار شد . گروهی به عیادت او رفتند و از او پرسیدند :

ای امیرمومنان ، چگونه به صبح درآمدی ؟

فرمود : با شر به صبح درآمدم .

گفتند : سبحان الله ! شما و چنین سخنی ؟ !

فرمود : خدای تعالی می فرماید : وَ نَبْلُوکُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَیْرِ فِتْنَةً وَ إِلَیْنا تُرْجَعُون (49) و شما را از راه آزمایش به شر و

خیر بیازماییم و به سوی ما بازگردانده می شوید .

خیر ، سلامتی و بی نیازی است و شر و بیماری و نیازمندی است که برای آزمایش است .

489 - و امام رضا (علیه السلام) فرمود :

هشت چیز است که جز به قضا و قدر خدا نباشد : خواب و بیداری ، و قوت و ضعف ، و صحت و بیماری ، و مرگ و زندگی .

490 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

خدای عز و جل می فرماید : هر کس از قضای من راضی نیست و نعمت مرا آورده است . و هر کس از مصیبتی که به او رسیده است شکوه کند ، از خدای عز و جل شکوه کرده است . خدای عز و جل به عزیز وحی کرد : ای عزیز ، چون در معصیتی افتادی به کوچکی آن منکر ، بنگر که چه کس را نافرمانی کرده ای . و چون روزیی از سوی من به تو رسید به اندک بودنش منگر ، بنگر چه کس آن را به تو بخشیده است . و چون بلایی بر تو فرود آمد به خلق من شکایت مبر ، چنان که من وقتی بدیها و رسوایی هایت به سویم می آید ، از تو ، به فرشتگانم ، شکایت نکنم .

491 - و امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود :

هر کس مصیبتهای کوچک را بزرگ شمارد خداوند به مصیبتهای بزرگ مبتلایش کند .

492 - و فرمود :

تا بیماریت با تو سر سازش و مدارا دارد و با آن مدارا کن .

493 - به ابودردا گفتند :

از چه

بیماری ، نالانی ؟

- گناهانم .

- چه میل داری ؟

- بهشت .

- طبیب بر بالینت بخوانیم ؟

- طبیب بیمارم کرد .

494 - ابوعبیده گفت :

عمر نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت : ما سخنانی از یهود می شنویم که به شگفتمان می آورد و آنها را نیکو می شماریم . اجازه می دهید که برخی از آنها را بنویسم ؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : آیا شما نیز چون یهود و نصاری سرگشته گشته اید ؟ ! من برای شما دین و آینی روشن و پاک آوردم ، اگر موسی زنده بود جز پیروی از من راهی نداشت .

ابوعبیده گفت : معنی سخن او این است که ، آیا شما در اسلام حیرانید و دین خود را نمی شناسید که از یهود و نصاری آن را فراگیرید ؟ گویا از سخن عمر ناخرسند بود .

قسمت دوم

495 - دانشوری اسلام شناس نزد فضل بن یحیی آمد و فضل تب دار بود و بختیشوع طبیب بر بالینش حاضر بود و می گفت : سزاوار است که از تب یک روزه ، یا یک شبه یک سال پرهیز شود .

مرد دانشور گفت : این مرد سخن درستی می گوید .

فضل گفت : چه زود تصدیقش کردی !

گفت : من چنین نکردم بلکه شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : ((یک روز تب ، کفاره گناهان یک سال است)) اگر اثر در بدن تا یک سال نمی ماند کفاره گناهان یک سال نمی شد .

فضل از این رو به

آن عالم خرده گرفت که عالمان اسلام ، خلیفه و وزیران او را که مسیحیان را به جهت تبحر در پزشکی می داشتند ، نکوهش می کردند .

496 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

تب بهره هر مومن از آتش است . تب از جوشش شعله های آتش دوزخ است . تب پیشاهنگ مرگ است .

497 - از امام زین العابدین (علیه السلام) درباره طاعون پرسیدند ، که آیا از مبتلای به آن بیزاری جوییم و او معذب است ؟

فرمود : اگر خدای را نافرمان است طاعون زده باشد یا نباشد از او بیزاری جو ، و اگر فرمانبردار خدای عزوجل است طاعون از آن چیزهاست که بدان گناهانش پاک می شود . خدای عزوجل قومی را بدان عذاب و قومی را دیگر را رحمت می کند ، و قدرت او برای آنچه بخواهد شامل و فراگیر است ، نمی بینید که او خورشید را برای بندگانش روشنایی و پزاننده میوه ها و رساننده روزی ها قرار داد ، و قومی رآ بدان عذاب می کند و در روز قیامت به سبب گناهانش به حرارت آن گرفتار می کند و در دنیا به سبب بدکرداریشان بدان گزند می رساند .

498 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

اگر سه چیز در این آدمی زاده نبود ، هیچ چیزی سر او را به زیر نمی آورد : بیماری و مرگ و فقر ، و با این که جمله اینها در اوست ، او بسیار جفتک انداز است .

499 - و فرمود : مومن به

هیچ رنجوری و ناخوشی و گزند و غم و اندوه و اندیشه پریشانگر مبتلا نشود مگر این که خداوند گناهانش را بدان پاک کند . از دنیا چه چشم دارید ؟ ! جز ثروتی که سرکشی آورد و یا فقری که فراموشی زاید و یا بیماری که تباه گردد و یا پیری ای که سستی آورد و یا مرگی که آدمی را دریابد و نابود کند .

500 - و فرمود :

هر آن بنده که بینایی دو چشم را از دست بدهد و بر آن بشکیبد و به حساب و رضای خدا گذارد ، بهشتی باشد .

501 - و فرمود :

خداوند هر انسان پلید و سخت و سرکشی که گزندی به جسم و مال او نرسیده است را دشمن می دارد .

502 - و او فرمود :

بسا مردی که مرتبتی نزد خداوند دارد که به دانش خود بدان نرسد تا این که به بلائی در جسمش مبتلا شود و بدان مرتبت رسد .

503 - و فرمود :

خدای عزوجل می فرماید : من چون به بنده ای از بندگانم مصیبتی در بدن یا مال یا فرزندانش رسانم و او با صبری و ستودنی با آن روبرو شود ، روز قیامت از او شرم کنم که میزانی برایش گذارم تا نیک و بد عملش را بسنجم یا دفتر عملی برایش گشایم .

504 - و فرمود :

مومن چون بیمار شود خداوند او را از گناهانش پاک کند چنان که کوره آهنگری آهن را پاک کند .

505 - و فرمود :

چهار کس عمل از سر گیرند : بیمار چون بهبودی یابد ، و مشرک چون اسلام آورد ، و حج

گذار چون از مناسک فارغ آید ، و نمازگزار جمعه چون با ایمان و به قصد کسب رضای خدا ، از نماز بازگردد .

506 - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس یک روز در مکه بیمار شود : خداوند به قدری که او شصت سال عبادت کند ، برایش عمل صالح بنویسد . و هر کس ساعتی بر گرمای مکه صبر کند ، خداوند آتش را به مسافت صد سال از او دور کند و بهشت را به مسافت صد سال به او نزدیک کند .

دعای بیمار

507 - از امام صادق (علیه السلام) :

اللَّهُمَّ إِنِّی أَدْعُوکَ دُعَاءَ الْعَلِیلِ الذَّلِیلِ الْفَقِیرِ دُعَاءَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَ قَلَّتْ حِیلَتُهُ وَ ضَعُفَ عَمَلُهُ وَ أَلَحَّ الْبَلَاءُ عَلَیْهِ دُعَاءَ مَکْرُوبٍ إِنْ لَمْ تُدْرِکْهُ هَلَکَ وَ إِنْ لَمْ تُسْعِدْهُ فَلَا حِیلَةَ لَهُ فَلَا تُحِطْ بِهِ مَکْرَکَ وَ لَا تُبَیِّتْ عَلَیَّ غَضَبَکَ وَ لَا تَضْطَرَّنِی إِلَی الْیَأْسِ مِنْ رَوْحِکَ وَ الْقُنُوطِ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ هَذَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ أَخُو نَبِیِّکَ وَ وَصِیُّ نَبِیِّکَ أَتَوَجَّهُ بِهِ إِلَیْکَ فَإِنَّکَ جَعَلْتَهُ مَفْزَعاً لِخَلْقِکَ وَ اسْتَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا سَبَقَ وَ مَا هُوَ کَائِنٌ فَاکْشِفْ بِهِ ضُرِّی وَ خَلِّصْنِی مِنْ هَذِهِ الْبَلِیَّهِ إِلَی مَا عَوَّدْتَنِی مِنْ رَحْمَتِکَ یَا هُوَ یَا هُوَ یَا هُوَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْک

508 - و او (علیه السلام) می فرمود :

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ أَدَباً وَ لَا تَجْعَلْهُ غَضَبا بار خدایا (این بیماری را) برای ادب کردن (و صیقل دادن نفس من) قرار ده و غضب قرار مده .

509 - و امام زین العابدین (علیه السلام) هر گاه بیمار می شد این دعا را

می خواند :

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِیهِ مِنْ سَلَامَهِ بَدَنِی ، وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا أَحْدَثْتَ بِی مِنْ عِلَّهٍ فِی جَسَدِی فَمَا أَدْرِی ، یَا إِلَهِی ، أَیُّ الْحَالَیْنِ أَحَقُّ بِالشُّکْرِ لَکَ ، وَ أَیُّ الْوَقْتَیْنِ أَوْلَی بِالْحَمْدِ لَکَ أَ وَقْتُ الصِّحَّهِ الَّتِی هَنَّأْتَنِی فِیهَا طَیِّبَاتِ رِزْقِکَ ، وَ نَشَّطْتَنِی بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِکَ وَ فَضْلِکَ ، وَ قَوَّیْتَنِی مَعَهَا عَلَی مَا وَفَّقْتَنِی لَهُ مِنْ طَاعَتِکَ أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا ، وَ النِّعَمِ الَّتِی أَتْحَفْتَنِی بِهَا ، تَخْفِیفاً لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَیَّ ظَهْرِی مِنَ الْخَطِیئَاتِ ، وَ تَطْهِیراً لِمَا انْغَمَسْتُ فِیهِ مِنَ السَّیِّئَاتِ ، وَ تَنْبِیهاً لِتَنَاوُلِ التَّوْبَهِ ، وَ تَذْکِیراً لِمَحْوِ الْحَوْبَهِ بِقَدِیمِ النِّعْمَهِ وَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا کَتَبَ لِیَ الْکَاتِبَانِ مِنْ زَکِیِّ الْأَعْمَالِ ، مَا لَا قَلْبٌ فَکَّرَ فِیهِ ، وَ لَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ ، وَ لَا جَارِحَهٌ تَکَلَّفَتْهُ ، بَلْ إِفْضَالاً مِنْکَ عَلَیَّ ، وَ إِحْسَاناً مِنْ صَنِیعِکَ إِلَیَّ . اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ حَبِّبْ إِلَیَّ مَا رَضِیتَ لِی ، وَ یَسِّرْ لِی مَا أَحْلَلْتَ بِی ، وَ طَهِّرْنِی مِنْ دَنَسِ مَا أَسْلَفْتُ ، وَ امْحُ عَنِّی شَرَّ مَا قَدَّمْتُ ، وَ أَوْجِدْنِی حَلَاوَهَ الْعَافِیَهِ ، وَ أَذِقْنِی بَرْدَ السَّلَامَهِ ، وَ اجْعَلْ مَخْرَجِی عَنْ عِلَّتِی إِلَی عَفْوِکَ ، وَ مُتَحَوَّلِی عَنْ صَرْعَتِی إِلَی تَجَاوُزِکَ ، وَ خَلَاصِی مِنْ کَرْبِی إِلَی رَوْحِکَ ، وَ سَلَامَتِی مِنْ هَذِهِ الشِّدَّهِ إِلَی فَرَجِکَ إِنَّکَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ ، الْمُتَطَوِّلُ بِالِامْتِنَانِ ، الْوَهَّابُ الْکَرِیمُ ، خَیرُ مَعینٍ وَ مُستَعَانٍ .

510 - دعایی دیگر از او (علیه السلام) :

رَبِّ انک قد حَسَّنْتَ خَلْقِی وَ عَظَّمْتَ

عَافِيَتِی وَ وَسَّعْتَ عَلَیَّ فِی رِزْقِک وَ لَمْ تَزَلْ تَنْقُلُنِی مِنْ نِعْمَهٍ إِلَی کَرَامَهٍ وَ مِنْ کَرَامَهٍ إِلَی رضی تُجَدِّدُ لِی ذَلِکَ فِی لَیْلِی وَ نَهَارِی لَا أَعْرِفُ غَیْرَ مَا أَنَا فِیهِ مِن عِافیتک یا مولای حَتَّی ظَنَنْتُ أَنَّ ذَلِکَ وَاجِبٌ عَلَیْکَ لِی وَ أَنَّهُ لَا یَنْبَغِی لِی أَنْ أَکُونَ فِی غَیْرِ مَرْتِبَتِی لِأَنِّی لَمْ أذق طعم الْبَلَاءِ فَأَجِدَ لَذَّهَ الرضاءِ وَ لَمْ یُذِلَّنِی الْفَقْرُ فَأَعْرِفَ لذه الغنی فَضْلَ الْأَمْنِ و لم یلهنی الخوف فأ عرف فضل الا من یا إ لَهِی فَأَصْبَحْتُ وَ أَمْسَیْتُ فِی غَفْلَهٍ مِمَّا فِیهِ غَیْرِی مِمَّنْ هُوَ دُونِی نکرْتُ وَ لَمْ أَشْکُرْنعمائک وَ لَمْ أَشُکَّ فی أَنَّ الَّذِی أَنَا فِیهِ دَائِمٌ غَیْرُ زَائِلٍ عَنِّی و لَا أَحَدِّثُ نَفْسِی بِانْتِقَالِ عَافِیَهٍ وَ لا حْلولِ فَقْرٍ وَ لَا خَوْفٍ وَ لَا حُزْنٍ فِی عَاجِلِ دُنْیَایَ وَ فِی آجِلِ آخِرَتِی فَحالَ ذَلِکَ بَیْنِی وَ بَیْنَ التَّضَرُّعِ إِلَیْکَ فِی دَوَامِ ذَلِکَ لِی مَعَ مَا أَمَرْتَنِی بِهِ مِنْ شُکْرِکَ وَ وَعَدْتَنِی عَلَیْهِ مِنَ الْمَزِیدِ مِنْ لَدَیْکَ فَسَهَوْتُ وَ لَهَوْتُ وَ غَفَلْتُ وَ أَشَرْتُ وَ بَطِرْتُ وَ تَهَاوَنْتُ حَتَّی جَاءَ التَّغْییرُ مَکَانَ الْعَافِیَهِ بِحُلُولِ الْبَلَاءِ وَ نَزَلَ الضُّرُّ مَنْزِلَ الصِّحَّهِ بِأَنْوَاعِ الْأَذَی وَ أَقْبَلَ الْفَقْرُ بِإِزَاله الْغِنَی فَعَرَفْتُ مَا کُنْتُ فِیهِ لِلَّذِی صِرْتُ إِلَیْهِ فَسَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ مَنْ لَا یَسْتَوْجِبُ أَنْ تُسْمَعَ لَهُ دَعْوَهٌ لِعَظِیمِ مَا کُنْتُ فِیهِ مِنَ الْغَفْلَهِ وَ طَلَبْتُ طَلِبَهَ مَنْ لَا یَسْتَحِقُّ نَجَاحَ الطَّلِبَهِ لِلَّذِی کُنْتُ فِیهِ مِنَ اللَّهْوِ وَ الْغرَهِ وَ تَضَرَّعْتُ تَضَرُّعَ مَنْ لَا یَسْتَوْجِبُ الرَّحْمَهَ لِلذی کُنْتُ فِیهِ مِنَ الزَّهْوِ وَ الِاسْتِطَالَهِ فَرکنتُ الی مَا إِلَیْهِ صَیَّرْتَنِی وَ إِن کَانَ الضُّرُّ قَدْ مَسَّنِی وَ الْفَقْرُ قَدْ أَذَلَّنِی وَ الْبَلَاءُ قَدْ

جائنی فَإِنْ یَکُ ذَلِکَ یا إلهی مِنْ سَخَطٍ علی فَأَعُوذُ بِحِلْمِکَ مِنْ سَخَطِکَ یا مولای وَ إِنْ کُنْتَ أَرَدْتَ أَنْ تَبْلُوَنِی فَقَدْ عَرَفْتَ ضَعْفِی وَ قِلَّةَ حِیلَتِی إِذْ قُلْتَ : إِنَّ الْإِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَ إِذا مَسَّهُ الْخَیْرُ مَنُوعاً (50) وَ قُلْتَ : فَأَمَّا الْإِنْسانُ إِذا مَا ابْتَلاهُ رَبُّهُ فَأَکْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَیَقُولُ رَبِّی أَکْرَمَنِ وَ أَمَّا إِذا مَا ابْتَلاهُ فَقَدَرَ عَلَیْهِ رِزْقَهُ فَیَقُولُ رَبِّی أَهانَنِ (51) وَ قُلْت : إِنَّ الْإِنْسانَ لَیَطْغی أَنْ رَآهُ اسْتَغْنی (52) وَ قُلْت : وَ إِذا مَسَّ الْإِنْسانَ الضُّرُّ دَعانا لِجَنْبِهِ أَوْ قاعِداً أَوْ قائِماً فَلَمّا کَشَفْنا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ کَأَنْ لَمْ یَدْعُنا إِلی ضُرٍّ مَسَّهُ

(53) وَ قُلْت : وَ إِذا مَسَّ الْإِنْسانَ ضُرٌّ دَعا رَبَّهُ مُنِیباً إِلَیْهِ ثُمَّ إِذا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِیَ ما کانَ یَدْعُوا إِلَیْهِ مِنْ قَبْلُ (54) وَ قُلْتَ : وَ یَدْعُ الْإِنْسانُ بِالشَّرِّ دُعاءَهُ بِالْخَیْرِ وَ کانَ الْإِنْسانُ عَجُولًا (55) وَ قُلْت : وَ إِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْانسَنَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا (56) صَدَقْتَ و بررت یَا مَوْلَایَ فهَذِهِ صِفَاتِی الَّتِی أَعْرِفُهَا مِنْ نَفْسِی وَ قَدْ مَضت بقدرتک فِیَّ غیر انَ وَعَدْتَنِی مِنْکَ وَعْداً حَسَناً أَنْ أَدْعُوَکَ فَتَسْتَجِیبَ لِی فَأَنَا أَدْعُوکَ کَمَا أَمَرْتَنِی فَاسْتَجِبْ لِی کَمَا وَعَدْتَنِی وَ اردد علی نِعْمَتِکَ وَ انْقُلْنِی مِمَّا أَنَا فِیهِ إِلَی مَا هُوَ أَکبر مِنْهُ حَتَّی ابْلُغَ منه رِضَاکَ وَ أَنَالَ بِهِ مَا عِنْدَکَ فِیمَا أَعْدَدْتَهُ به لِأَوْلِیَائِکَ الصّالِحِینَ انک سمیع الدعاء قریب مْجیبِ و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین الا خیار

511 - و از جمله دعاهای او (علیه السلام) به هنگام یاد کردن مرگ :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ

آلِهِ ، وَ اكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ حَتَّى لَا نُؤَمِّلَ اسْتِتْمَامَ سَاعَهٍ بَعْدَ سَاعَهٍ ، وَ لَا اسْتِيفَاءَ يَوْمٍ بَعْدَ يَوْمٍ ، وَ لَا اتِّصَالَ نَفَسٍ بِنَفَسٍ ، وَ لَا لُحُوقَ قَدَمٍ بِقَدَمٍ (2) وَ سَلِّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ ، وَ آمِنَّا مِنْ شُرُورِهِ ، وَ انْصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَصْباً ، وَ لَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا اياه غِبّاً (3) وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ ، وَ نَحْرِصُ لَهُ عَلَى وَشْكِ اللَّحَاقِ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَأنَسَنَا الَّذِى نَأْنَسُ بِهِ ، وَ مَأْلَفَنَا الَّذِى نَشْتَاقُ إِلَيْهِ ، وَ حَامَّتَنَا الَّتِى نُحِبُّ الدُّنُوَّ مِنْهَا (4) فَإِذَا أَوْرَدْتَهُ عَلَيْنَا وَ أَنْزَلْتَهُ بِنَا فَأَسْعِدْنَا بِهِ زَائِراً ، وَ آنِسْنَا بِهِ قَادِماً ، وَ لَا تُشْقِنَا بِضِيَافَتِهِ ، وَ لَا تُخْزِنَا بِزِيَارَتِهِ ، وَ اجْعَلْهُ بَاباً مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ ، وَ مِفْتَاحاً مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ (5) أَمِنَّا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ ، طَائِعِينَ غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ ، تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِينَ وَ لَا مُصِرِّينَ ، يَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ ، وَ مصْلِحَ عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ و يا قابل توبه التوابين

512 - و از جمله دعاهای بیمار :

اللَّهُمَّ اجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَائِبٍ نَنْتَظِرُهُ وَ الْقَبْرَ خَيْرَ مَنْزِلٍ نَعْمُرُهُ وَ اجْعَلْ مَا بَعْدَهُ خَيْراً لَنَا مِنْهُ اللَّهُمَّ أَصْلِحْنِى قَبْلَ الْمَوْتِ وَ ارْحَمْنِى عِنْدَ الْمَوْتِ وَ اغْفِرْ لِى بَعْدَ الْمَوْتِ

بار خدایا مرگ را خوبترین غایبی قرار ده که چشم به راه آنیم و قبر را نیکوترین منزلی ساز که آبادش می کنیم و آنچه را پس از آن است برای ما بهتر از آن ساز . بارخدایا پیش از مرگ درستم کن و هنگام مرگ رحمتم کن

و پس از مرگ ببخشایم .

513 - روایت است که ،

علی بن سالم جعفی به امام باقر (علیه السلام) گفت : برایم دعا کن .

فرمود اللَّهُمَّ أَحْيِهِ مَحْيَانَا وَ أَمِتْهُ مَمَاتَنَا وَ اسْلُكْ بِهِ سَبِيلَنَا بار خدایا ، حیاتی چون حیات ما به او ببخش و چون مرگ ما بمیرانش و او را رونده راه ما گردان)) . و او به شهادت رسید .

514 - و امام موسی بن جعفر (علیه السلام) این دعا را در سجده خود بسیار می خواند و پیاپی می گفت اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَاب بار خدایا از تو هنگام مرگ خیالی آسوده می خواهم و هنگام حسابرسی عفو تو را می طلبم .

515 - و از جمله دعاهای امام زین العابدین (علیه السلام) این دعاست :

إِلَهِی وَ سَیِّدِی ارْحَمْنِی مَصْرُوعاً عَلَی الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِی أَیْدِی أَحِبَّتِی وَ ارْحَمْنِی مَطْرُوحاً عَلَی الْمُغْتَسَلِ یُغَسِّلُنِی صَالِحُ جِیرانِی وَ ارْحَمْنِی مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرِبَاءُ أَطْرَافَ جِنَازَتِی وَ ارْحَمْ فِی ذَلِکَ الْبَیْتِ الْمُظْلِمِ وَحْشَتِی وَ غُرْبَتِی معبود و سرور من ، آن گاه که در بستر افتاده ام و دستهای دوستدارانم مرا می گردانند ، به من رحم کن . و آن گاه که مرا در جای شست و شو افکنده اند و همسایه ای درستکار از همسایگانم ، مرا می شوید ، به من رحم کن . و آن گاه که نزدیکانم چهار سوی تابوتم را گرفته اند و مرا می ریزند به من رحم کن . و در آن خانه تاریک ، به وحشت و تنهایی و غربتم رحم کن .

516 - و مناجاتی

از امیرالمؤ منین (علیه السلام) :

إِلَهِی کَأَنِّی بِنَفْسِی قَدْ أُضْجِعَتْ فِی حُفْرَتِهَا وَ انْصَرَفَ عَنْهَا الْمُشَیِّعُونَ مِنْ جِیرَتِهَا وَ بَکَی الْغَرِیبُ عَلَیْهَا لِغُرْبَتِهَا وَ جَادَ عَلَیْهَا الْمُشْفِقُونَ مِنْ جِیرَتِهَا وَ نَادَاهَا مِنْ شَفِیرِ الْقَبْرِ ذُو مَوَدَّتِهَا وَ رَحِمَهَا الْمُعَادِی لَهَا فِی الْحَیَاهِ عِنْدَ صَرْعَتِهَا وَ لَمْ یَخْفَ عَلَی النَّاظِرِینَ ضُرُّ فَاقَتِهَا وَ لَا عَلَی مَنْ رَآهَا قَدْ تَوَسَّدَتِ الثَّرَی وَ عَجَزَ حِیلَتُهَا فَقُلْتُ مَلَائِکَتِی فَرِیدٌ نَأَی عَنْهُ الْأَقْرَبُونَ وَ بَعِیدٌ جَفَاهُ الْأَهْلُونَ نَزَلَ بِی قَرِیباً وَ أَصْبَحَ فِی اللَّحْدِ غَرِیباً وَ قَدْ کَانَ لِی فِی دَارِ الدُّنْیَا دَاعِیاً وَ لِنَظَرِی لَهُ فِی هَذَا الْیَوْمِ رَاجِیاً فَتُحْسِنُ عِنْدَ ذَلِکَ ضِیَافَتِی وَ تَکُونُ أَشْفَقَ عَلَیَّ مِنْ أَهْلِی وَ قَرَابَتِی

بخش دوم : دعا و صدقه و درمان با تربت سیدالشهداء (علیه السلام)

قسمت اول

517 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

درمان کنید ، آن کس که بیماری دارد همو دارو دارد .

518 - و فرمود :

خداوند بیماریی نفرستاد مگر این که برای آن درمانی فرستاد .

519 - و فرمود :

خدای بی انباز با صدقه ، هر بیماری ، و طاعون زدگی یا غده و دمل کشنده و سوختن و غرق شدن و ویرانی و جنون و تا هفتاد گونه شر را برشمرد را دور می کند .

520 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

صدقه دارویی کارگر است .

521 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

خداوند با صدقه هفتاد مرگ بد و ناگوار را پس می زند .

522 - بیاع هروی ، معاذ بن مسلم گفت :

نزد امام صادق (علیه السلام) بودم ، سخن از درد به میان آمد ، فرمود : بیمارانتان را با صدقه

درمان کنید ، چه می شود که هر کس از شما غذای یک روزش را صدقه دهد ؟ به فرشته مرگ دستور نامه ای داده شود تا جان بنده ای را بگیرد ، و او صدقه ای می دهد ، به فرشته مرگ پیغام می رسد ، که دستور را بازگردان .

523 - داود بن زربی گفت :

در مدینه سخت بیمار شدم و خبر بیماریم به امام صادق (علیه السلام) رسید ، به من نوشت : خبر بیماریت را دریافت کردم ، صاعی (چهار مد ، برابر با سه کیلوگرم) گندم بخر و بر قفا دراز بکش و روی سینه ات بپاش ، هر گونه که پخش شد و بگو اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی إِذَا سَأَلَکَ بِهِ الْمُضْطَرُّ کَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ مَکَّنْتَ لَهُ فِی الْأَرْضِ وَ جَعَلْتَهُ خَلِیفَتَکَ عَلَی خَلْقِکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَافِیَنِی مِنْ عِلَّتِی هذه آن گاه بر خیز و بنشین و گندمها را از پیرامون خود جمع کن و همان دعا را بخوان و آن را به چهار مد (هر مد به اندازه پری دو کف است است ، نزدیک به ده سیر) قسمت کن ، هر مد برای یک مسکین و آن دعا را بخوان .

داود گفت : این کار را کردم چنان شد که گویا از پایبند رسته ام .

524 - عکرمه گفت :

پادشاهی از بنی اسرائیل در میان مردم خود آواز داد که ، هر کسی از هر شهری از شهرهای این سرزمین ، صدقه دهد ، دستش را می برد و او را از سرزمینش

می راند . زنی دو گرده نان صدقه داد . پادشاه شنید و دستش را برید و از شهر بیرونش کرد . زن به همراه کودک خردسال خود بیرون رفت تا به رودی رسید ، کنار آن رود رفت تا آبی بنوشد ، کودک در آب افتاد و زن سرگشته مانده که ناگاه مرد را دید . مردان به او گفتند : چه می گویی (و چه حالی می شوی) اگر خدای دست و فرزندت را به تو بازگرداند ؟

گفت : مگر این کار ممکن است ؟ !

مردان دست به دعا برداشتند و برایش دعا کردند و خداست دست و فرزندش را به او بازگرداند .

زن گفت : شما را به خدا سوگند ، شما کیستید ؟

گفتند : ما آن دو گرده نان توایم .

525 - روایت است که سائلی از زنی کمک خواست و زن لقمه ای که در دهان داشت چیزی مهیا نداشت . آن را بیرون آورد و به سائل داد . او را کودکی در گهواره بود ، اندکی بیش نگذشت که گرگی آمد و کودک را ربود . زن اندکی گرگ را پی کرد . گرگ بی هیچ گزندی کودک را رها کرد . و در این زن آوازی شنید که می گفت : لقمه ای به لقمه ای .

526 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

دعایی به شما بیاموزم تا با آن به هیچ طبیب و دارو نیازمند نشوید ؟

گفتند : آری ای رسول خدا .

فرمود : هر کس آب باران را بگیرد و هفتاد بار فاتحه الکتاب و هفتاد بار

قل اعوذ برب الفلق و هفتاد بار قل اعوذ برب الناس بر آن بخواند و هفتاد بار بر پیامبر و آل او درود فرستد و هفتاد بار تسبیح بگوید و از آن آب هفت روز پیاپی صبح و شام بنوشد ، (به هیچ طبیب و دارو نیازمند نشود) .

527 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

آب باران را بنوشید که بدن را پاکیزه می کند و بیماری ها را می راند؛ خدای تعالی فرمود وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّماءِ ماءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلى قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدامَ (57) و از آسمان بر شما آبی ریزاند تا شما را بدان پاک کند و پلیدی به شیطان جنابت را از شما بزداید و دلهایتان را محکم سازد و گامهایتان را بدان استوار دارد .

528 - مرد نزد امیرالمؤ منین (علیه السلام) آمد و گفت :

درد شکم است .

فرمود : همسر داری ؟

گفت : آری .

فرمود : از او بخواه تا یک درم از مال مهریه اش را با خرسندی به تو ببخشد و با آن عسلی بخر و آب باران روی آن بریز و بیاشام .

مرد چنین کرد ، شفا یافت ، و از امیرالمؤ منین (علیه السلام) پرسید :

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره چیزی شنیده ای ؟

فرمودن نه ، ولی شنیدم که خدای تعالی در کتاب خود می گوید((فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْساً فَكُلُوهُ هَنِيئاً مَرِيئاً (58) پس اگر همسران شما به میل خود چیزی از مهریه را برای شما واگذاشتند

، آن را حلال و گوارا بخورید :)) و فرمود ((يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ فِيهِ شِفاءٌ لِلنَّاس (59) از درون زنبور عسل ، شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می آید ، در آن شفایی برای مردم است)) . و فرمود : ((وَ نَزَّلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً مُبارَکا (60) و از آسمان آبی با برکت ریزاندیم .)) گفتم وقتی برکت و شفا و حلال یک جا شوند ، در آن امید بهبودی دارم و به خواست خدا شفا می یابی .

529 - در روایتی است که

مردی از بیماری لاعلاجی نزد امام صادق (علیه السلام) شکوه کرد . امام (علیه السلام) فرمود : از همسرت بخواه تا درهمی از مهریه اش را به تو ببخشد و با آن عسلی بخر و با آب باران بیامیز و با آن آیاتی از قرآن را بنویس و بنوش .

مرد چنین کرد و خدا آن بیماری را از او برد ، و به امام صادق (علیه السلام) خبر داد . امام این آیات را تلاوت کرد : ((فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَیْءٍ مِنْهُ نَفْساً فَكُلُوهُ هَنِيئاً مَرِيئاً)) و ((يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ فِيهِ شِفاءٌ لِلنَّاس)) و ((وَ نَزَّلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً مُبارَکا)) و پس از آن وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِين (61) و ما از قرآن ، آنچه را که برای مومنان شفا و رحمت است نازل می کنیم .

530 - و هر گاه باران بر امیرالمؤ منین (علیه السلام) می بارید ، آن را به پیش

سر خود می کشید و می فرمود : برکتی است از آسمان که هیچ دست و دلوی به آن نرسیده است .

531 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

اگر بیماری قدر و مقام ابوعبدالله حسین بن علی (علیه السلام) را بداند و برای خود از گل تربت قبر حسین (علیه السلام) به قدر سرانگشتی بردارد ، برای او دارو و درمان باشد .

532 - و فرمود :

کام کودکانتان را با تربت حسین (علیه السلام) بردارید که امان و زنهار است .

533 - و از او (علیه السلام) درباره درباره گل ارمنی پرسیده شد ، که آیا رواست برای شکستگی و شکم درد و به کارش بندند ؟

فرمود : رواست ، لیک آن ، از گل ذوالقرنین است و گل قبر حسین بن علی (علیه السلام) به از آن است .

534 - روایت است که مردی به امام صادق (علیه السلام) گفت : شنیده ام شما می گویی تربت حسین (علیه السلام) از آن داروهاست که به تنهایی کارگر است و به مرضی نرسد مگر این که آن را درهم شکند .

فرمود : چنین است . یا فرمود : مگر چه شده است ؟

گفتم : من خوردم و از آن بهره ای نبردم .

فرمود : برداشتن تربت حسین (علیه السلام) دعایی دارد ، کسی که آن را بردارد و دعا را نخواند و بخورد ، از آن بهره مند نگردد .

گفتم : چه بگوییم .

فرمود : پیش از هر چیز آن را ببوس و روی دو چشمت بگذار و بیش از یک خود از آن مخور

، که هر کس بیش از آن بخورد گویا از گوشت و خون ما خورده است . و چون آن را برداشتی بگو اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ الْمَلَکِ الَّذِی قَبَضَهَا وَ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ النَّبِیِّ الَّذِی خَزَنَهَا وَ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذِی حَلَّ فِیهَا أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَهَا شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ أَمَاناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَ حِفْظاً مِنْ کُلِّ سُوءٍ این را که گفتی تربت را در چیزی ببند و ((انا انزلناه فی الیله القدر (سوره قدر) را بر آن بخوان .

آن دعا که برای گرفتن تربت گذشت ، اجازت خواستن بر آن است و خواندن انا انزلناه مهر کردن آن است .

535 - و فرمود :

گل قبر حسین (علیه السلام) شفای هر بیماری است . و چون آن را خوردی بگو بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً وَاسِعاً وَ عِلْماً نَافِعاً وَ شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ رَبَّ التُّرْبَهِ الْمُبَارَکَهِ وَ رَبَّ الْوَصِیِّ الَّذِی وَارَتْهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ هَذَا الطِّینَ شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ أَمَاناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ

قسمت دوم

536 - در روایت سدیر است که او فرمود :

هر کس از قبر حسین (علیه السلام) بخورد و قصد شفا جستن نکند گویا که از گوشت ما خورده است . پس هر گاه کسی از شما بدان نیازمند شد تا به به قصد شفاجویی آن را بخورد ، بگوید بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ التُّرْبَهِ الْمُبَارَکَهِ الطَّاهِرَهِ وَ رَبَّ النُّورِ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ وَ رَبَّ الْجَسَدِ الَّذِی سَکَنَ فِیهِ وَ رَبَّ

الْمَلَائِكَهِ الْمُوَكَّلِينَ بِهِ اجْعَلْهُ لِی شِفَاءً مِنْ دَاءِ كَذَا وَ كَذَا (و به جای كذا و كذا بیماریش را نام برد .) و پس از آن جرعه ای آب بنوشد و بگوید اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً وَاسِعاً وَ عِلْماً نَافِعاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ خداوند بدان ، هر بیماری و غم و اندوه را كه در خود می یابد به خواست خود می راند .

537 - و ابن سنان از امام صادق (علیه السلام) روایت كرد كه فرمود : هر كسی از شما قدری از گل قبر امام حسین (علیه السلام) را برگرفت بگوید اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَلَكِ الَّذِی تَنَاوَلَ وَ الرَّسُولُ الَّذِی نَزَلَ وَ الْوَصِیِّ الَّذِی ضُمِّنَ فِیهِ أَنْ تَجْعَلَهُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ و آن بیماری را نام برد .

538 - و فرمود :

سجده كردن بر تربت ابوعبدالله حسین (علیه السلام) حجابهای هفتگانه را می درد .

539 - و او (علیه السلام) انبان زرد ابریشمی داشت كه در آن تربت ابوعبدالله (علیه السلام) بود ، چون وقت نماز می رسید آن را روی سجاده اش می پاشید و بر آن سجده می كرد .

540 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

قرآن ، خود دواست .

541 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود : نشد كه حمد را هفتاد بار بر دری بخوانم و آرام نگیرد .

524 - و فرمود :

اگر حمد را هفتاد بار بر مرده ای بخوانم و روح در او بازگردد ، جای شگفتی نیست .

543 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

حسین (علیه

السلام) بیمار شد . و فاطمه (علیه السلام) او را در آغوش گرفت و نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آورد و گفت : ای رسول خدا ، از خدا بخواه تا فرزندت را شفا دهد .

او فرمود : دخترم ، خداوند او را به تو بخشیده است و همو تواناست که شفایش دهد .

جبرئیل فرود آمد و گفت : ای محمد ، خداوند که عظمت و جلالش والاست ، هر سوره را که به تو نازل کرد ((فاء)) دارد و هر ((فائی)) از آفت است جز حمد که در آن ((فاء)) نیست ، کاسه ای آب بخواه و در آن چهل بار حمد بخوان ، سپس آن را روی او بریز؛ خداوند شفایش می دهد .

پیامبر چنین کرد ، به اذن خدا عافیت یافت .

544 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود : خواندن حمد شفای هر مرض است جز مرگ .

545 - و فرمود : هر که بیمار شد در گریبان خود هفت بار حمد بخواند ، اگر عافیت نیافت هفتاد بار بخواند ، من ضامن سلامتی او هستم .

و هر کس در پی عافیت است در سجده دوم دو رکعت نخست نماز شب بگوید یَا عَلِیُّ یَا عَظِیمُ یَا رَحْمَانُ یَا رَحِیمُ یَا سَمِیعَ الدَّعَوَاتِ یَا مُعْطِیَ الْخَیْرَاتِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِی مِنْ خَیْرِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ اصْرِفْ عَنِّی مِنْ شَرِّ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ اذْهَبْ عَنِّی هَذَا الْوَجَعِ (و آن بیماری را نام ببرد) فَإِنَّهُ قَدْ غَاظَنِی وَ أَحْزَنَنِی . و

در دعا پافشاری کند ، که خداوند به خواست خود عافیت را زود به او بازگرداند .

546 - هشام بن ابراهیم از بیماری و بی فرزندی نزد امام رضا (علیه السلام) شکایت کرد . امام (علیه السلام) او را امر فرمود تا به آوای بلند در مزل اذان بگوید .

او گفت : من چنین کردم ، خداوند بیماریم را برد و فرزندانم بسیار شدند .

547 - مروان عبدی گفت :

به امام کاظم (علیه السلام) نامه ای نوشتم و در آن از دردی که داشتم شکایت کردم . او نوشت : بگو یَا مَنْ لَا یُضَامُ وَ لَا یُرَامُ یَا مَنْ بِهِ تُوَاصَلُ الْأَرْحَامُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَافِنِی مِنْ وَجَعِی هَذَا

548 - و امام صادق (علیه السلام) هنگام بیماری فرمود :

اللَّهُمَّ إِنَّکَ غَیَّرْتَ أَقْوَاماً فَقُلْتَ قُلِ ادْعُوا الَّذِینَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلایَمْلِکُونَ کَشْفَ الضُّرِّ عَنْکُمْ وَ ل ا تَحْوِیلًا (62) فَیَا مَنْ لَا یَمْلِکُ کَشْفَ ضُرِّی وَ لَا تَحْوِیلَهُ عَنِّی أَحَدٌ غَیْرُهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اکْشِفْ ضُرِّی وَ حَوِّلْهُ إِلَی مَنْ یَدْعُو مَعَکَ إِلَهاً آخَرَ لَا إِلَهَ غَیْرُکَ

549 - و از ایشان (علیه السلام) روایت است :

هر کس بیماریی دارد ، پس از نمازهای واجب هفت بار بر سجده گاهش دست بساید و روی آن عضو رنجور بکشد و بگوید : یَا مَنْ کَبَسَ الْأَرْضَ عَلَی الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِی کَذَا وَ کَذَا وَ ارْزُقْنِی کَذَا وَ کَذَا وَ عَافِنِی مِنْ کَذَا وَ کَذَا به جای کذا و

کذا روزی و سلامتی و هر چه را بخواهد ، به زبان آورد و طلب کند) .

550 - ابواالوفاء شیرازی گفت :

در کرمان اسیر ابن الیاس بودم و غل و زنجیر بر دست و پا داشتم ، و خبر یافتم که او قصد کشتنم را دارد ، امام علی بن الحسین (علیه السلام) را در درگاه خداوند شفیع خود کردم ، چشمانم را خواب گرفته بود و در خواب دیدم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمود : به من و دختر و فرزندم برای چیزی از امور دنیا توسل مجو ، بلکه آخرت و فضل و بخشش که در آن ، از خدا امید داری ، به ایشان توسل جو . لیک برادرم ابوالحسن علی (علیه السلام) از کسی که به تو ستم کرده است انتقام می گیرد .

گفتم : ای رسول خدا ، مگر به فاطمه (علیه السلام) ستم نشد و او صبر کرد ؟ و میراث به جای مانده تو غصب نشد و او دم برنیاورد ؟ چگونه او از کسی که به من ستم کرده است انتقام می کشد ؟ !

فرمود : آن سفارش و امری بود که من به او کردم و برای او جز قیام به آن روا نبود ، و او حق آن را گزارد ، لیک اکنون ، وای بر کسی که به دوستان او دست درازی کند .

توسل به علی بن الحسین (علیه السلام) برای نجات از پادشاهان و آزار و گزند شیطانهاست . و توسل به امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه

السلام) برای آخرت است . و با توسل به موسی بن جعفر (علیه السلام) سلامتی بجو .

و به علی بن موسی الرضا (علیه السلام) برای نجات در سفرهای خشکی و دریایی توسل بجو .

و با توسل به امام جواد (علیه السلام) نزول روزی را از خدای تعالی طلب کن .

و به امام هادی (علیه السلام) برای ادای مستحبات و نیکویی به برادران توسل جو .

و امام حسن عسکری را برای آخرت واسطه ساز .

و اما امام حجت ، آن گاه که شمشیر به حلقت رسید - و با دست به حلق اشاره فرمود - او را به یاری طلب که به فریادت می رسد؛ او فریاد رس و دادرس کسی است که به فریادرسی خواندش .

گفتم ((يَا مَوْلَایَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَنَا مُسْتَغِيثٌ بِکَ مولای من ، ای صاحب زمان ، من به شما پناه آورده ام و شما را به فریادرسی می خوانم)) . ناگاه شخصی را دیدم ، سوار بر اسب و با سلاحی از نور ، از آسمان فرود آمد . گفتم : مولای من ، شر کسی را که آزارم می دهد از من باز دار و کفایتم کن .

فرمود : کفایت شدی ، من از خدای عزوجل نجاتت را خواستم و او دعایم را پذیرفت .

بامداد که شد ، ابن الیاس مرا فراخواند و زنجیر از من گشود . و پیشکشی به من داد و گفت : به چه کس پناه جستی ؟

گفتم : به فریادرس پناه جویان پناه جستم ، و او از پروردگارش عزوجل رهائیم را خواست . و ستایش خدای

راست که پروردگار عالمیان است .

551 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) بیمار شد ، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمود : علی ، بگو اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ تَعْجِیلَ عَافِیَتِکَ اوَ صَبْراً عَلَی بَلِیَّتِکَاوَ خُرُوجاً إِلَی رَحْمَتِکَ

552 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کس بگوید لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَهً وَ لَا وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنْ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیرا خداوند بیماری و فقر را از او ببرد .

553 - سلمه بن ابی سلمه گفت :

امیرالمؤ منین (علیه السلام) بیمار شد . سلمان و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عیادت او آمدند . پیامبر به او فرمود : ای علی ، بلاکش ترین مردم پیامبران و کسانی اند که به ایشان مانندتر و نزدیک ترند . مژده باد تو را ای علی ، که افزون بر ثوابی که داری ، تب ، بهره تو از عذاب خداست ، می خواهی خداوند بیماریت را ببرد ؟

گفت : آری ای رسول خدا .

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : بگو رَبِّ ارْحَم جِلْدِیَ الرَّقِیقَ وَ عَظْمِیَ الدَّقِیقَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ فَوْرَهِ الْحَرِیقِ یَا أُمَّ مِلْدَمٍ فَإِنْ کُنْتِ آمَنْتِ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَلَا تَأْکُلِی اللَّحْمَ وَ لَا تَشْرَبِی الدَّمَ وَ انْتَقِلِی إِلَی مَنْ یَزْعُمُ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهاً آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ شَهِدْتُ بِهِ

وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُه

امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود : من گفتم و سلامتی ام را باز یافتم .

بخش سوم - یک درد یک دعا

قسمت اول

554 - معاویه بن عمار گفت :

نزد امام صادق (علیه السلام) از درد نیمه سر شکایت کردم . فرمود : نماز واجب را که گزاردی ، انگشت اشاره راستت را بین دو چشم بگذار و هفت بار بگو ((یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ اشْفِنِی)) و آن را نخست بر ابروی راست و سپس بر ابروی چپ بسای و بگو ((یَا مَنَّانُ اشْفِنِی)) آن گاه کف دست راستت را روی سر بگذار و بگو یَا مَنْ سَکَنَ لَهُ مَا فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ سَکِّنْ مَا بِی

555 - و امام باقر (علیه السلام) فرمود :

هر گاه به سردرد دچار شدی دستت را بر فرق سر بگذار و بگو لَوْ کانَ مَعَهُ آلِهَهٌ کَما یَقُولُونَ إِذاً لَابْتَغَوْا إِلی ذِی الْعَرْشِ سَبِیلاً (63) وَ إِذا ذُکِرَ اللّهُ وَحْدَه (64) رَأَیْتَ الَّذِینَ کَفَرُوا یَصُدُّونَ عَنْکَ صُدُوداً (65)

556 - امام باقر (علیه السلام) فرمود :

نابینائی به مجلس امام باقر (علیه السلام) گذر کرد . پیامبر به او فرمود : می خواهی خداوند بینایيت را به تو بازگرداند ؟

گفت : در دنیا چیزی برای من دوست تر از این نیست که خدا بینایی ام را به من بازگرداند .

رسول خدا به او فرمود : وضویی کامل بساز و دو رکعت نماز بگزار و بگو اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ وَ أَدْعُوکَ وَ أَرْغَبُ إِلَیْکَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ یَا مُحَمَّدُ إِنِّی أَتَوَجَّهُ

بِکَ إِلَی اللَّهِسبحانه رَبِّکَ وَ رَبِّی لِیَرُدَّ بِکَ عَلَیَّ بَصَرِی

هنوز پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از جای خود برنخواسته بود و جامه از تن نگشوده بود که مرد نابینا با چشمانی که خدا بینایش کرده بود ، بازگشت .

557 - اعمش گفت :

به حج بیرون شدم ، در بیابان مردی نابینای عربی را دیدم که می گفت : بار خدایا ، تو را می خوانم به آن گنبدی که فضایی گسترده و ساقه های بلند و شاخه های آویزان و میوه ای شیرین و بالایی گرد هم و برگهایی فراگیر و رستنگاهی پاک دارد .

گریه گلویم را گرفت ، و نزد او رفتم و گفتم : ای اعرابی ، نیکو دعا کردی بگو آن گنبد که فضایی گسترده دارد کدام است ؟

گفت : محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) .

مقصود تو از ساقه های بلند کیست ؟

مقصودم فاطمه (علیه السلام) است .

و آن که شاخه هایش آویزان است ؟

علی ، وصی رسول خداست .

و میوه اش شیرین است ؟

حسن و حسین (علیه السلام) است .

و بالایش گرد هم و بسامان است است ؟

خداوند نسل و فرزندان فاطمه (علیه السلام) را بر آتش حرام کرده است .

و برگش فراگیر است ؟

به برکت امیرالمؤ منین علی بن ابیطالب (علیه السلام) چنین است .

اعمش گفت : دو دینار به او دادم و به راه خودم رفتم و حج گزاردم و بازگشتم . وقتی به آن بیابان رسیدم ، او را با چشمانی گشوده و بینا یافتم ، چنان که گویی هیچ گاه نابینا نبوده است .

گفتم :

اعرابی ، بر تو چه گذشت ؟

گفت : من پیوسته آن دعا را می خواندم تا آوازدهنده ای چنین آوازم داد : اگر در دوستی پیامبر و اهل بیتت پیامبرت صادقی ، دست روی چشمت بگذار . من دست روی چشمانم گذاردم و برداشتم ، خداوند بیناییم را به من بازگرداند . به راست و چپ خود نگریستم ، کسی را ندیدم . فریاد برآوردم : ای آوازدهنده ، تو را به خدا سوگند ، بگو تو کیستی ؟

و شنیدم که او می گفت : من خضرم ، علی بن ابیطالب (علیه السلام) را دوست دارم ، دوستی او خیر دنیا و آخرت است .

558 - محمد بن خثعمی از پدرش چنین نقل کرد :

بسیاری اوقات از چشم درد در رنج بودم . به امام صادق (علیه السلام) شکوه بردم . به من فرمود : دعایی برای دنیا و آخرت و چشم دردت به تو بیاموزم ؟

گفتم : آری .

فرمود : پس از نماز صبح و نماز مغرب بگو : اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْکَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلِ النُّورَ فِی بَصَرِی وَ الْبَصِیرَةَ فِی دِینِی وَ الْیَقِینَ فِی قَلْبِی وَ الْإِخْلَاصَ فِی عَمَلِی وَ السَّلَامَةَ فِی نَفْسِی وَ السَّعَةَ فِی رِزْقِی وَ الشُّکْرَ لَکَ أَبَداً مَا أَبْقَیْتَنِی

559 - و فرمود :

هر کس قرآن را از روی مصحف بخواند از بینائیش بهره مند گردد ، و بر پدر و مادرش آسان گرفته شود . چیزی بر شیطان سخت تر از قرائت قرآن با نظر در مصحف نیست .

560 - یکی از یاران امام صادق (علیه

السلام) گفت :

نزد او شکوه از سنگینی گوش کردم فرمود : تو را به تسبیح فاطمه (علیه السلام) سفارش می کنم .

561 - و امام رضا (علیه السلام) فرمود :

در گردن کنیزی از ما ، غده هایی سخت و چرکین برآمد ، ناشناسی نزدم آمد و گفت : ای علی ، به او بگو تا یَا رَءُوفُ یَا رَحِیمُ یَا رَبِّ یَا سَیِّدِی را بگوید تو بارها بگوید . کنیز این را گفت و غده ها از بین رفت .

562 - و ایشان (علیه السلام) فرمودند :

هر کس عطسه کند و بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ عَلَی کُلِّ حَالٍ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ النبی وَ آلِ مُحَمَّد از درد دندان و گوش ، هرگز ننالد .

563 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کس عطسه کند سپس دست روی استخوان نی بینی گذارد و بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ کَثِیراً کَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیَ مُحَمَّدٍ نَبیِّ وَ آلِهِ و سلم

پرنده ای زیر عرش تا روز قیامت از خدا برای او آمرزش طلبد .

564 - و فرمود :

هر گاه کسی از شما در آبریز عطسه کرد ، پیش خود خدا را حمد گوید ، و عطسه زننده تا هفت روز از مرگ ایمن است .

565 - در روایتی از صاحب الزمان (علیه السلام) است که ، عطسه زننده تا سه روز از مرگ در امان است .

566 - امام صادق (علیه السلام) بد می داشت که مرد ایستاده شلوار بپوشد و می فرمود : این کار غم و غصه و ترس و آب زرد

می آورد . و خودت نشسته شلوار می پوشید و می فرمود ((اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِی وَ آمِنْ رَوْعَتِی . خدایا آنچه را از آن شرم دارم بپوشان ، و هراسم را آرام بخش .))

567 - ابوحمزه گفت :

زانویم را درد گرفت : به امام باقر (علیه السلام) شکایت بردم ، فرمود : نماز که گزاردی بگو یَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَی وَ یَا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَ یَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ ارْحَمْ ضَعْفِی وَ قِلَّةَ حِیلَتِی وَ عَافِنِی مِنْ وَجَعِی

من گفتم و عافیت یافتم .

568 - عثمان بن عیسی گفت :

مردی به امام ابوالحسن کاظم (علیه السلام) شکوه آورد و گفت : إسهال خون گرفته ام و آرام نمی گیرد . نماز شب را که گزاردی بگو اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ مِنْ خَیْرٍ فَهُوَ مِنْکَ لَا حَمْدَ لِی فِیهِ وَ مَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَّرْتَنِیهِ لَا عُذْرَ لِی فِیهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَتَّکِلَ عَلَی مَا لَا حَمْدَ لِی فِیهِ وَ آمَنَ مِمَّا لَا عُذْرَ لِی فِیهِ

569 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر گاه کسی از شما دردی در پهلوی خود یافت ، دستش را سه بار بر آن بکشد و هر بار بگوید : أَعُوذُ بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلَی مَا یَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ فِی خَاصِرَتِی

570 - علی بن نعمان گفت :

به امام رضا (علیه السلام) گفتم ، پسری دارم که زگیل دانه های آن برآمده و سفت و بی درد است دارد و این مرا غمگین کرده است .

فرمود : برای هر زگیل ، هفت دانه جو برگیر و بر

هر دانه جو هفت بار اول سوره واقعه تا هَباءً مُنْبَثًّا (66) و وَ يَسْلُونَکَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنسِفُهَا رَبىِّ نَسْفًا فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَّا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَ لَا أَمْتًا را بخوان ، آن گاه جوها را دانه دانه بردار و بر زگيل بمال و در پارچه ای نو بگذار و سنگی به پارچه ببند و در مستراح انداز .

او گفت : من چنين کردم ، به خدا سوگند روز هفتم يا هشتم نگريستم ، چون کف دستم ، صاف شده بود .

خوب است اين درمان در آخر ماه قمری باشد ، به خواست خدا از بين می رود .

571 - روايت است چون زايمان بر زنی سخت شد (اين آيات) را روی کاغذی بنويسند و به شکم او ببندند :

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (67)

سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (68)

كَأَنهَّمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُواْ إِلَّا سَاعَةً مِّن نهَّارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُون (69)

كَأَنهَّمْ يَوْمَ يَرَوْنهَا لَمْ يَلْبَثُواْ إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضحُئهَا (70)

وَ يُهَيئِّ لَكمُ مِّنْ أَمْرِكمُ مِّرْفَقًا (71)

وَ مَن يَتَّقِ اللَّهَ يجْعَل لَّهُ مخْرَجًا (72)

572 - و روايت است که :

وقتی زايمان بر زنی سخت شد ، سوره انا انزلناه را نزد او بسيار بخوانند ، اگر شتاب نيافت ، مرد پايش را بين دو کتف زن بگذارد و سوره مريم (عليه السلام) را بخواند .

573 - حکيمه گفت :

شب ميلاد مهدی صاحب الزمان (عليه السلام) که شد مادرش هنگام دميدن سپيده وحشت زده از جا پريد ، من او را در آغوش گرفتم و بسم

الله بر او گفتم . ابو محمد

(علیه السلام) با صدای بلند فرمود : انا انزلناء - بر او بخوان .

574 - روایت است

برای درد دندان بر تکه ای نان نوشته شد بِسْمِ اللَّه الرحمن الرحیمْ بِسْمِ اللَّه الباقیْ بِسْمِ اللَّه الواقیْ بِسْمِ اللَّه الراقی و روی دیگر آن نوشته شود بِسْمِ اللَّه الرحمن الرحیم حَسبی اَللهُ وَ کَفَی سَمِعَ اللهُ لِمَن دَعا لَیسَ وَراءَ اَللهِ مُنْتَهَی

575 - کسی به امام حسن عسکری (علیه السلام) نامه ای نوشت و از بادی ام صبیانی که کودکش را رنجه کرده بود و شکوه کرد . او پاسخ نوشت : این حرز را در کاغذی بنویس و بر او بیاویز بِسْمِ اللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ الْحَلِیمِ الْکَرِیمِ الْقَدِیمِ الَّذِی لَا یَزُولُ أَعُوذُ بِعِزَّهِ الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ مِنْ شَرِّ کُلِّ حَیٍّ یَمُوتُ

576 - علی بن ابراهیم بن محمد طالقانی گفت :

متوکل دملی درآورد و از آن بیمار و مشرف به مرگ شد ، و کسی جرات کشیدن آهن گداخته بر او نداشت . مادرش نذر کرد که اگر او تندرست شود ، مال کلانی از اموال خود را برای امام هادی (علیه السلام) بفرستد . فتح بن خاقان به متوکل گفت : خوب است کسی را در پی این مرد (امام (علیه السلام)) فرستی و پرسشی کنی ، شاید او خاصیت چیزی را بداند که خداوند بدان ، تو را فرجی پدید آورد .

گفت : بفرستید .

فرستاده بازگشت و گفت : امام ابوالحسن (علیه السلام) فرمود : پشکلهای خشکیده و به هم چسبیده گوسفند را بگیرید و با گلاب درآمیزید و بر دمل گذارید ، و به اذن خدا سودمند است

.

حاضران این سخن را به سخره گرفتند . فتح به آنان گفت : تجربه این سخن چه زیانی دارد ، به خدا سوگند من امید اثر دارم . پشکلها را آوردند و با گلاب آمیختند و روی دمل گذارند ، دمل سرگشود و هر چه در آن بود بیرون ریخت . و به مادر متوکل مژده سلامتیش را دادند ، او ده هزار دینار با مهرر خود برای امام (علیه السلام) فرستاد ، و متوکل از بیماریش برخاست . مدتی گذشت ، بطحانی ، از امام ابوالحسن (علیه السلام) نزد متوکل سعایت کرد و گفت : او در منزل مال و سلاح دارد . متوکل به سعید حاجب گفت : که شبانگاه بی خبر به منزل امام درآید و هر چه دارد با خود نزد او آورد . ابراهیم بن محمد گفت : سعید حاجب به من گفت : من شبانگاه به خانه امام رفتم . نردبانی داشتم ، با آن به بام شدم . می خواستم در تاریکی شب از پله ها فرود آیم ، در تاریکی ماندم و ندانستم چگونه به درون خانه برسم که یک باره امام (علیه السلام) مرا از خانه آواز داد : همانجا بایست تا برایت شمع بیاورند . شمعی برایم آوردند . و من فرود آمدم . او را دیدم که جبه ای پشمین بر دوش و کلاهی بر سر داشت . و در برابرش جانمازی بر حصیر گسترده بودم . و او رو سوی قبله داشت . به من فرمود : درون اتاقها شو . و من رفتم و جست و جو کردم ،

جز کیسه ای که مهر مادر متوکل را داشت به کیسه مهر شده ای ، دیگر چیزی نیافتم . امام (علیه السلام) به من فرمود : جانمازم را بگرد . رفتم و سجاده را بالا زدم ، شمشیری در نیام یافتم ، آن را نیز داشتم و نزد متوکل بردم . متوکل چون مهر مادر را بر کیسه دید کسی را در پی او فرستاد . مادر آمد ، و از کیسه پرسید . خدمتگزاری که آنجا بود برایم گفت : مادر متوکل گفت : وقتی بیمار بودی نذر کردم که اگر سلامتیت را بازیافتی ده هزار دینار از مالم را خدمت او ببرم و بردم . متوکل دستور داد ، کیسه ده هزار دیناری دیگری به آن ضمیمه کنند و به من گفت : اینها را نزد امام ابوالحسن (علیه السلام) ببر . من بردم و از او شرم کردم و گفتم : آقای من ، برایم بس دشوار بود که بی اجازه شما به منزلتان درآیم ، لیک من مامور بودم . او فرمود : وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (73) و کسانی که ستم کردند به زودی خواهند دانست که به چه جایی بازخواهند گشت .

قسمت دوم

577 - امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند :

هر بنده که در بنده ای بلائی ببند و سه بار بی آن که او بشنود ، بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی عَافَانِی مِمَّا ابْتَلَاکَ بِهِ وَ فَضَّلَنِی عَلَیْکَ وَ عَلَی کَثِیرٍ مِمَّنْ خَلَقَ ستایش خدای را که مرا از بلائی که دچارت کرد ، تندرست داشت که اگر می خواست نیز مبتلا می

کرد و مرا بر بسیاری از آفریدگانش برتری دارد . آن بلا به او نرسد .

578 - امام صادق (علیه السلام) با جماعتی زیر ناودان (خانه کعبه) بود و که پیرمردی آمد و سلام کرد و گفت : ای پسر رسول خدا ، من ، شما اهل بیت را دوست دارم و از دشمن شما بیزارم و به بلائی سخت گرفتارم و از آن به این خانه پناه آورم و به پرده های آن آویختم و اکنون به شما روی آوردم و امید دارم که این ، موجب عافیتم شود . آن گاه گریست و پیش آمد و سرخم کرد تا سر و پای امام را بوسه دهد . امام صادق (علیه السلام) از او کناره گرفت و بر او رقت آورد و گریست و به یاران فرمود : او برادر شماست و به شما پناه آورده است دستهایتان را به دعا بردارید . و امام (علیه السلام) خود دستهایتان را بالا آورده ، ما نیز بالا بردیم . آن گاه فرمود : اللَّهُمَّ إِنَّکَ خَلَقْتَ هَذِهِ النَّفْسَ مِنْ طِینَهٍ أَخْلَصْتَهَا وَ جَعَلْتَ مِنْهَا أَوْلِیَاءَکَ وَ أَوْلِیَاءَ أَوْلِیَائِکَ وَ إِنْ شِئْتَ أَنْ تُنَحِّیَ عَنْهَا الْآفَاتِ فَعَلْتَ اللَّهُمَّ وَ قَدْ تَعَوَّذْنَا بِبَیْتِکَ الْحَرَامِ الَّذِی یَأْمَنُ بِهِ کُلُّ شَیْءٍ وَ قَدْ تَعَوَّذَ بِنَا وَ أَنَا أَسْأَلُکَ یَا مَنِ احْتَجَبَ بِنُورِهِ عَنْ خَلْقِهِ أَسْأَلُکَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ یَا غَایَهَ کُلِّ مَحْزُونٍ وَ مَلْهُوفٍ وَ مَکْرُوبٍ وَ مُضْطَرٍّ مُبْتَلًی أَنْ تُؤْمِنَهُ بِأَمَانِنَا مِمَّا یَجِدُ وَ أَنْ تَمْحُوَ مِنْ طِینَتِهِ مَا قُدِّرَ عَلَیْهَا مِنَ الْبَلَاءِ وَ أَنْ تُفَرِّجَ کُرْبَتَهُ یَا

أَرْحَمَ الرَّاحِمِين چون از دعا فارغ آمد ، مرد رفت ، و هنوز به درب مسجد نرسیده بود که بازگشت و گریه سر داد و گفت : ((اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْث يجْعَلُ رِسالَتَهُ (74) خدا داناتر است که رسالت خود را کجا گذارد .)) به خدا سوگند ، هنوز به در مسجد نرسیده بودم که از آن درد و بیماری هیچ در خود نیافتم . این سخن را گفت و به راه خود رفت .

579 - شیخ ابوجعفر نیشابوری ، خدایش از او خشنود باد ، برایم گفت :

یک سال برای زیارت مولایمان ابوعبدالله حسین (علیه السلام) همراه جماعتی بیرون شدیم . ده ، سه فرسنگ به شهادتگاه مانده مردی از همراهان ما فلج شد و چون پاره گوشتی از پا افتاد . او ملتمسانه ما را به خدا سبحان سوگند می داد که در آنجا رهایش نکنیم و او را به مزار ببریم . ما او را به اسبی بستیم و به مراقبت و نگاهداری او پرداختیم . به شهادتگاه ، بر ساکنانش سلام و درود باد ، که رسیدیم او را روی جامه ای گذاردیم و دو مرد ، دو سوی جامه را گرفتند و او را روی قبر گذاردند . مرد دعا و زاری می کرد و خدا را به حق حسین (علیه السلام) سوگند می داد که سلامتیش را بدو باز بخشد . جامه که روی زمین نهاده شده مرد نشست و برخاست و به راه افتاد ، چنان که گویا از بند رسته است .

580 - هر گاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم

) به سر درد یا دردی جز آن مبتلا می شد ، دست می گشود و فاتحه الکتاب و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را می خواند و دستهایش را به صورت می کشید ، درد از او می رفت .

581 - زراره گفت :

امام صادق (علیه السلام) فرمود : قرآن را در سه شب از ماه رمضان برمی داری و می گشائی و پیش رویت می گذاری و می گویی : اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِکِتَابِکَ الْمُنْزَلِ وَ مَا فِیهِ وَ فِیهِ اسْمُکَ الْأَعْظَمُ الْأَکْبَرُ وَ أَسْمَاؤُکَ الْحُسْنَی وَ مَا یُخَافُ وَ یُرْجَی أَنْ تَجْعَلَنِی مِنْ عُتَقَائِکَ مِنَ النَّار . آن گاه برای حاجتی که داری دعا می کنی .

582 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

شب بیست و سوم ماه رمضان ، همان لیله جُهَنی (75) است . و در آن شب است که ((هر امر حتم و استواری جدا و ممتاز و بیان می گردد)) (76) در آن شب بلاها و مرگها و اجلها و روزی ها و سرنوشتها و هر آنچه که خدای عزوجل در آن شب تا مثل آن شب از سال بعد پیش می آورد ، ثبت می شود . پس خوشا به حال آن بنده که شب را به رکوع و سجود زنده نگه می دارد و گناهانش را پیش چشمانش مجسم کند ، و بر آنها بگرید؛ اگر چنین کند امید دارم که به خواست خدا نومید و ناکام نماند . خداوند فرشته ای را در هر روز از ماه رمضان امر می کند تا در آسمان آواز دهد؛ بندگانم ، مژده

باد شما را ، من گناهان گذشته تان را بخشیدم و در شب قدر برخی از شما را شفیع برخی دیگر کردم ، جز آن کس که به مسکری (مستی آوری) روزه گشاید ، یا نسبت به برادر مسلمان خود در سینه کینه نهفته دارد .

583 - روایت است که ،

خدای عزوجل در شب بیست و پنجم ماه رمضان هر بدی و زشتی و هر گونه بلا را از روزه داران ماه رمضان باز می گرداند ، و به گوشها و چشمهایتان نور می بخشد ، و بهشت در روز و شب آن زینت می شود .

584 - ابن بابویه ، خداوند از او خوشنود باد ، با اسناد خود از طریف ، ابونصر خادم روایت کرد که او گفت : به حضور صاحب الزمان (علیه السلام) رسیدم ، فرمود : من خاتم اوصیاء هستم ، خداوند به واسطه بلا را از خاندان و شیعیانممم دور می کند .

585 - روایت است که ،

فاطمه زهرا (علیه السلام) این کلمات را به سلمان فارسی ، خداوند از او خوشنود باد ، آموخت و فرمود : هر کس به دعا کردن با این کلمات مواظبت کند تب نگیردش : بِسْمِ اللَّهِ النُّورِ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النُّورِ بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلَى نُورٍ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَ أَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ فِی کِتابٍ مَسْطُورٍ فِی رَقٍّ مَنْشُورٍ بِقَدَرِ مَقْدُورٍ عَلَى نَبِیٍّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هُوَ بِالْعِزِّ مَذْکُورٌ وَ بِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ مَشْکُورٌ وَ صَلَّى

اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِين

586 - و رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) از تب و انواع درد به خدا پناه می برد و می فرمود : اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَ مِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ

587 - یحیی بن بکر حضرمی روایت می کرد که ،

امام موسی کاظم (علیه السلام) برای فرونشستن تب چهار روز یک بار تب مالاریا فرمود که ، تا روی دست راست تب گرفته بِسْمِ اللَّهِ جبرئیل و روی دست چپ او بِسْمِ اللَّهِ مِیکَائِیل و بر پای راست او بِسْمِ اللَّهِ إِسْرَافِیل و بر پای چپ او بِسْمِ اللَّهِ لا یَرَوْنَ فِیها شَمْساً وَ لازَمْهَرِیرا (77) و بین دو کتف اوبِسْمِ اللَّهِ الْعَزِیزِ الْجَبَّار نوشته شود .

588 - حسن بن طریف گفت :

به امام ابومحمد حسن عسکری (علیه السلام) نامه ای نوشتم تا درباره حضرت قائم (علیه السلام) از او بپرسم که وقتی قیام کند ، بین مردم به چه حکم می کند ، ؟ و می خواستم چیزی برای زدودن تب چهار روز یک بار بپرسم ، از یاد بردم . پاسخ آمد که ، از امام پرسیدی ، وقتی امام قیام کند ، به علم خود حکم می کند ، چنان که داود (علیه السلام) کرد ، و از شاهد و بینه نمی پرسد . و می خواستی از تب چهار روز یک بار ، بپرسی ، فراموش کردی . روی ورقی این را بنویس و بر تب دار بیاویز یَا نَارُ کُونی بَرْداً وَ سَلَاماً عَلی إِبْرَاهِیمَ (78) من این نوشتم و بر

بیمار تب دار آویختم ، خوب و تندرست شد .

589 - روایت است که ،

ابوحنیفه از امام صادق (علیه السلام) پرسید : چگونه سلیمان از میان پرندگان جویای هدهد شد ؟ فرمود : هدهد ، آب را در دل زمین می بیند ، چنان که شما روغن را در ظرف بلورین می بینید .

ابوحنیفه خندید و گفت : آب را در دل زمین می بیند و دام را روی زمین نمی بیند ، تا گردنش را بگیرد ؟ !

فرمود : نمی دانی که وقتی سرنوشت رقم خورد و فرود آید ، دیده پوشیده می ماند .

590 - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود :

عیب ها و آفت ها در فقرا نهاده شد تا آنها را نپوشاند ، اگر در اغنیا بود پوشیده می ماند .

591 - محمد بن فهم گفت :

با مامون در سرزمین روم بودم ، و او در آستانه دژی بود تا آن را بگشاید . جنگ بین دو سپاه در گرفته بود که مامون دچار درد شد و دستور داد تا دست از جنگ بکشند . اسقف بزرگ مسیحیان از این امر آگاه شد و گفت : چه شد که دست از جنگ کشیدید ؟ گفتند : سر دردی مامون را گرفته است . او کلاهی سوی ما انداخت و گفت : به او بگویید این کلاه را سر کند ، سر دردش آرام می گیرد . مامون کلاه را بر سر گذارد . سرش آرام گرفت و گفت تا کلاه را بگشایند .

چون گشودند ، در آن قطعه پوستی نازک یافتند که روی آن نوشته بود سُبْحَانَ یَا

مَنْ لَا يَنْسَى مَنْ نَسِيَهُ وَ لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ كَمْ مِنْ نِعْمَهٍ لِلَّهِ عَلَى عَبْدٍ شَاكِرٍ وَ غَيْرِ شَاكِرٍ فِى عِرْقٍ سَاكِنٍ وَ غَيْرِ سَاكِن (79)

592 - روایت است که نجاشی از پدرانش کلاهی از چهار صد سال پیش از خود به ارث برده بود که روی هر دردی می گذارند ، آرام می گرفت ، کلاه را گشودند ، در آن این دعا بود : بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ شَهِدَ اللّهُ أَنَّهُ لاإِل ه َ إِلاّ هُوَ وَ الْمَلائِكَهُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلَهَ إِلاّ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (80) اللَّهُ نُورٌ وَ حِكْمَهٌ وَ حَوْلٌ وَ قُوَّهٌ وَ قُدْرَهٌ وَ سُلْطَانٌ وَ بُرْهَانٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ آدَمُ صَفِىُّ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ الْعَرَبِىُّ رَسُولُ اللَّهِ وَ حَبِيبُهُ وَ خِيَرَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ اسْكُنْ يَا جَمِيعَ الْأَوْجَاعِ وَ الْأَسْقَامِ وَ الْأَمْرَاضِ وَ جَمِيعَ الْعِلَلِ وَ جَمِيعَ الْحُمَّيَاتِ سَكَّنْتُکَ بِالَّذِى سَكَنَ لَهُ مَا فِى اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ

593 - و برای تب دعا را روی کاغذی بنویسند و به بازو ببندند .

بَرَاءَهٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ وَ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ إِلَى أُمِّ مِلْدَمٍ الَّتِى تَمَصُّ الدَّمَ وَ تَنْهَشُ الْعَظْمَ وَ تُرِقُّ الْجِلْدَ وَ تَأْكُلُ اللَّحْمَ أَنْ كُونِى عَلَى صَاحِبِ كِتَابِى هَذَا بَرْداً وَ سَلَاماً كَمَا كَانَتِ النَّارُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ أَرادُوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْناهُمُ الْأَخْسَرِينَ (81) وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنادى فِى الظُّلُماتِ أَنْ لا

إِلهَ إِلاّ أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمِینَ (82) وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِینَ

594 - همچنین برای تب این آیات روی سه حبه قند نوشته شود :

یُرِیدُ اللّهُ أَنْ یُخَفِّفَ عَنْکُمْ وَ خُلِقَ الْإِنْسانُ ضَعِیفا (83)

الْآنَ خَفَّفَ اللّهُ عَنْکُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فِیکُمْ ضَعْفا (84)

ذَلِکَ تَخْفِیفٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ رَحْمَه (85)

595 - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود :

خداوند در میان خلقش بندگان خالصی دارد که او را با سر نابش پرستیدند و او ، آنان را به سر خود رساند . ایشان کسانی اند که فرشتگان دفتر اعمالشان را نانبشته می برند ، و چون به او رسید ، از آن سر نابی که در نهان با او داشته اند ، پر می کند و به آنان می گوید .

دوستانم ، اگر بیماری از بندگان ناتوانم نزد شما آمد ، درمانش کنید . و اگر نعمت از یاد برده ای به دیدارتان آمد ، و به یادش آورید . اگر کسی سوی من بار سفر بسته است ، زاد راهش دهید . و چون کسی از سر انکار و ناباوری از شما دور شد ، به او بفهمانید و هر کس به شما نزدیک شد ، با او انس بگیرید .

ای دوستانم ، خطاب و عتابم برای شماست ، و از شما وفا طلبیدم . دوست ندارم جباران را به خدمت بگیرم و با رنگ به رنگان دوستی خالصانه کنم . هر کس با شما دشمنی کند ، او را در هم شکنم . و هر کس کینه شما را در سینه گیرد ، بر او خشم گیرم .

بخش چهارم : واجب و مستحب بیمار

قسمت اول

596 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

بیمار اگر توانست ایستاده نماز می گزارد و اگر نتوانست نشسته می گذارد . و اگر نتوانست به سجده رود ، با سر اشاره می کند و رو به قبله می نشیند . و اگر نتوانست نشسته نماز گزارد به پهلوی راست ، می گزارد و اگر به پهلوی راست نتوانست ، به قفا دراز می کشد . و پا رو به قبله می کند .

597 - و از ایشان (علیه السلام) روایت است که فرمودند :

بیمار تا عقلش به جاست ، نماز بر او واجب است ،

598 - احکامی برگرفته از اخبار :

اگر نماز گزار به نیروی خود نتوانست بایستد به دیوار یا عصایی تیکه می دهد و ایستاده نماز می گزارد . و اگر نتوانست ، نشسته نماز می گزارد و هنگام رکوع می ایستد و به رکوع می رود و اگر نتوانست ، نشسته به رکوع می رود .

نماز گزار هنگامی که نشسته نماز می گزارد اگر نتوانست به سجده رود ، سجاده اش را بالا می آورد ، سر بر آن می ساید . و اگر نتوانست نماز گزارد به پهلوی راست می گزارد و به سجده می رود ، و اگر نتوانست به سجده رود اشاره ای می کند . و اگر نتوانست پهلوی راست را به زمین گذارد ، به قفا دراز می کشد و با اشاره نماز می گزارد؛ نماز را با تکبیر آغاز کند و قرائت نماز را بخواند و چون خواست به رکوع رود چشمانش را ببندد و به جای سر برداشتن از

رکوع چشمانش را بگشاید ، و چون خواست سجده کند به جای سر بر زمین نهادن چشمانش را ببندد و برای سر برداشتن از سجده ، چشمانش را بگشاید ، و چون خواست سجده دوم را گزارد ، چشمانش را ببندد و با گشودن چشمانش سر از سجده بردارد . و بر این روش است نماز او . . . و بیمار وقتی نشسته نماز می گزارد ، در حال قرائت متربع (چهارزانو) بنشیند و چون خواست به رکوع رود ، دو زانو نشیند ، و اگر نتوانست ، هر گونه که می تواند بنشیند .

و آن کس که شکم روش دارد ، هنگام نماز اگر حدثی باطل کننده نماز از او سر زد ، بار دیگر وضو بسازد ، و باقیمانده نمازش را بخواند . و کسی که بولش بی اراده روان است پس از آن که استبراء کرد ، به همین روش نماز گزارد .

و حد آن بیماری که نماز نشسته را روا می کند آن است که انسان از حال خویش دریابد که نمی تواند ایستاده نماز بگزارد .

و بیماری که روزه برای او زیان دارد ، خوردن بر او واجب است و اگر روزه بگیرد ، به حساب نیاید و کفایت نکند .

نمازگزار در هیچ حالی نباید برای وضویش کمک بگیرد ، ولی اگر برای او ممکن نباشد ، برای او آب ریخته می شود ، و اگر نتوانست خود وضو بگیرد ، دیگری او را وضو می دهد .

مجروح و دمل دار و شکسته استخوان و آبله دار ، اگر از ریختن آب بر خود بیمناک هستند ، واجب است

که هنگام حاضر شدن برای نماز تیمم کنند . و اگر تیمم دار ، از نیسان حدثی طهارت شکن آورد ، واجب است در همان وقت ، تیمم تازه کند و به هر نماز که رسیده بود ، دنباله اش را پی گیرد؛ در صورتی که سخن نگفته باشد و پشت به قبله نکرده باشد .

و مستحب است که انسان در سلامتی و بیماری ، با وضو باشد؛ چرا که وضودار اگر مرگش برسد ، شهید است .

599 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس با وضو بخوابد اگر آن شب مرگ او را دریابد؛ نزد خداوند شهید به حساب می آید .

600 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کس ((یس)) را بخواند و در آن روز بمیرد؛ خداوند او را به بهشت درآورد ، و برای غسل او سی هزار فرشته حاضر شوند و برایش استغفار کنند و با طلب آمرزش برای او تا قبر همراهیش کنند ، و چون او را در گودی قبر گذارند ، در درون قبرش باشند و خدا را عبادت کنند و ثواب عبادتشان برای اوست ، و تا جایی که دیدش رسد قبر او را بگسترند و از فشار قبر ایمن گردد .

601 - ای علی ، یس بخوان که در خواندنش ده برکت است : هر گرسنه که آن را بخواند سیر شود . و هر تشنه بخواند ، سیراب گردد . و هر برهنه بخواند پوشانده شود . و هر بیمار بخواند ، تندرست شود . و چون بی زنی بخواند همسر یابد . و

اگر بیمناکی بخوابد ، آرامش یابد . و هر محبوسی بخواند آزاد شود . و هر مسافری بخواند . در سفر یاری شود . و هر که گمشده ای دارد و آن را بخواند ، خداوند گمشده اش را به او باز گرداند . و هر وامداری آن را بخواند ، وامش ادا شود . و نزد هر مرده که بخوانند در آن ساعت خداوند بیمهای پس از مرگ را بر او سبک گرداند .

602 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کس هفتاد بار بگوید یَا أَسْمَعَ السَّامِعِینَ وَ یَا أَبْصَرَ الْمُبْصِرِینَ وَ یَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِینَ وَ یَا أَحْکَمَ الْحَاکِمِین من در دنیا و آخرتش ضامنم که هنگام مرگ خداوند را با بشارتی دیدار کند ، و در برابر هر کلمه (آن) خانه ای در بهشت دارد .

603 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

مرا بسیار درود فرستید ، که درود بر من در قبر نور است ، و بر صراط نور است ، و در بهشت نور است .

604 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر که را بیماری یا پیشامدی ناگوار رسد ، و در آن بیماری یا پیاشمد ، قل هو الله احد ، نخواند و در آن گرفتاری که به او رسیده است بمیرد ، از دوزخیان است .

605 - و فرمود :

هر کس به خدا و روز آخرت ایمان دارد ، پس از نماز واجب ، خواندن قل هو الله احد ، را فرو نگذارد؛ که هر کس آن را بخواند خداوند برای خیر دنیا و آخرت را

گرد آورد و او و پدر و مادر و فرزندانشان آمرزیده شوند .

606 - و او از پدرانش (علیه السلام) روایت کرد که ،

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر سعد بن معاذ ، خداوند از او خوشنود باد ، نماز گزارد و فرمود : هفتاد هزار فرشته که جبرائیل نیز در میانشان بود ، آمدند و بر او نماز گزاردند . گفتم ای جبرئیل ، به چه کار او سزاوار آن شد تا شما بر او نماز گزارید ؟

گفت : به خدا خواندن قل هو الله احد ، ایستاده و نشسته و سواره و پیاده و در آمد و شد .

607 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

پدرم (علیه السلام) می فرمود : قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَد ثلث قرآن است و قُلْ یَا أَیُّهَا الْکَافِرُون ربع قرآن است .

608 - و روایت است کهت هر چیز اوجی دارد و اوج قرآن آیه الکرسی است .

609 - و امام باقر (علیه السلام) فرمود :

من از آن (آیه الکرسی) برای بر شدن مرتبت مدد می گیرم .

610 - و فرمود :

هر کس قرآن را ایستاده در نماز بخواند ، در برابر هر حرف صد ثواب برایش نوشته شود . و هر کس نشسته در نماز بخواند ، در برابر هر حرف پنجاه ثواب برایش نوشته شود . و هر کس در غیر نماز بخواند ، در برابر هر حرف ، ده ثواب برایش نوشته شود .

611 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

هر کس هنگام خواب آیه الکرسی را بخواند از فلج بیم ندارد ،

و هر کس آن را پس از هر نماز بخواند ، هیچ گزنده زهر داری به او آسیب نرساند .

612 - و فرمود :

چون از چیزی بیم داشتی ، صد آیه از قرآن ، از هر جا که خواستی ، بخوان . آن گاه سه بار بگو اللّٰهُمَّ اکْشِفْ عَنِّی الْبَلَاءَ بار خدایا ، این بلا از من بزدا .

613 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس أَلْهاکُمُ التَّکاثُر را هنگام خواب بخواند از عذاب قبر در امان ماند و خداوند شر نکیر و منکر را از او بسنده کند .

614 - و فرمود :

جبرائیل نزد من آمد وگفت : ای محمد ، امتت را به فضیلت های أَلْهاکُمُ التَّکاثُر . . . مژده بده ؛ هر کس از امت تو آن را هنگام خواب با نیت راست بخواند ، هفتاد هزار ثواب برایش نوشته شود ، و هفتاد هزار گناه از و پاک شود . و هفتاد هزار درجه برای او بالا برده شود ، و در میان خانواده و همسایگان و آشنایانش شفاعت داده شود ، و خداوند شر نکیر و منک را از او بسنده کند .

615 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

هر کس هر یک از قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدِ و إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْر را در شب یا روز ، صد بار بخواند (این دو سوره) در قبر او نوری بتابند (و آن را روشن کنند) ، و از قبر بیرون آید در حالی که این دو (سوره) پیشاروی او و دیگری پشت سرش باشد ، تا

به عطا و رحمت خداوندی ، او را به بهشت رسانند .

616 - و فرمود :

اگر سخن نمی گفتید (و ناباورانه با ثواب این سوره ها رو به رو نمی شدید . یا) اگر بر این بشارت تکیه نمی کردید (و دست از عمل نمی شستید .) ثواب خدا را در این ده سوره ، که پانصد آیه است ، برایتان گفتم :

((تنزیل)) و ((سجده)) و ((یس)) و ((حم دخان)) ، ((اقتربت الساعه)) و ((واقعه)) و ((تبارک الذی بیده الملک)) و ((مرسلات)) و ((عم یتسائلون)) و ((اذا الشمس کورت)) و ((فجر))

617 - و از ایشان (علیه السلام) روایت است که :

هر کس از نماز شب غافل ماند ، ده رکعت نماز با این ده سوره بگزارد؛ در هر رکعت حمد و یکی از این سوره ها را بخواند؛ که هر کسی نمازی چنین گزارد؛ از نماز شب غافل نشود .

618 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کس سوره ((الرحمن)) را بخواند و هر باری که به فَبِأَیِّ آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبان (86) رسید ، بگوید لَا بِشَیْءٍ مِنْ آلَائِکَ رَبِّ أُکَذِّبُ . اگر شب بخواند و بمیرد شهید مرده است ، و اگر روزه بخواند و بمیرد ، شهید مرده است .

619 - و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس با مدارا و نرمی (بزید و با این خلق) بمیرد ، شهید مرده است .

620 - لقمان (علیه السلام) به فرزندش فرمود :

پسرم در توشه (دان) راهت ، دارو (نیز)

بگذار تا هم خود از آن بهره مند گردی و هم همراهانت ، و با همسفران سازگار باش مگر در معصیت خدا .

621 - و امام صادق (علیه السلام) ف:

حق مسافر آن است که چون بیمار شد ، همراهانش تا سه روز برای او بایستند .

622 - و فرمود :

شایسته است مومن نمیرد تا که قرآن را بیاموزد یا در آموختن آن باشد .

623 - و فرمود :

دین خدا را ، پیش از آن که دستگیره هایش گسسته شود ، با رغبت در انس گرفتن با دانش و دانشوران ، نگاهداری کنید .

عبدالرحمن بن حجاج گفت : ای فرزند رسول خدا ، چگونه دستاویزهای علم گسسته می شوند ؟

فرمود : چون عالم بمیرد ، دستگیرهایش از هم گسیخته می گردد و مردم چون گوسفندی بی چوپان می شوند که چراگاهش را گم کرده است و راه به منزلگاه خود نمی برد .

624 - و فرمود :

دانش ، گنج پیامبران است .

625 - و او فرمود :

بسیار نگریستن و اندیشیدن در علم ، خرد را شکوفا می کند .

626 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

نیکو مردی است آن کس که در دین فقیه (و دانا) باشد ، اگر به او نیاز شد ، بهره رساند ، و اگر نیاز نشد ، خود بهره مند گردد .

627 - مفضل بن عمر گفت :

به امام صادق (علیه السلام) گفتم : انسان رستگار با چه نشان شناخته می شود ؟

فرمود : آن کس که کردار او با گفتارش همساز باشد ، و کسی که کردار و گفتارش همساز نباشد ،

تنها امانتگاه دانش است .

بخش پنجم - عیادت بیمار و وصیت او

628 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس بیماری را عیادت کند ، گویی که بر نخل بهشت است و ثواب می چیند .

629 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کس بیماری را برای خوشنودی خدا عیادت کند ، آنچه بیمار برای عیادت کننده ، درخواست کند ، خداوند برآورده کند .

630 - و از مناجاتهای موسی (علیه السلام) با خداوند این بود که گفت :

پروردگارا ، ثواب عیادت کننده بیمار چه باشد ؟

فرمود : فرشته ای را بر او گمارم در قبر تا روز رستخیزش او را عیادت کند .

631 - حسن بن محبوب گفت :

شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود : هر مؤ منی که بامدادان برادر مومن خود را در بیماریش عیادت کند ، هفتاد هزار فرشته او را همراهی کنند و چون نزدش نشیند ، رحمت او را فراگیرد و فرشتگان برای او استغفار کنند . و چون شامگاهان او را عیادت کند همین ثواب را دارد تا به صبح درآید .

632 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

مؤ من از جانب خدای تعالی هفت حق واجب بر مومن دارد :

- در حضورش او را بزرگ دارد .

- مهر او را در سینه دارد .

- در مال خود او را سهیم داند .
- غیبتش را حرام شمرد .
- در بیماریش به عیادت او رود .
- جنازه اش را تا گورستان همراهی کند .
- و پس از مرگش جز خیر درباره او نگوید

.

633 - ابودرداء به سلمان فارسی ، خداوند از هر دوشان خوشنود باد ، گفت : چون مرگ کسی از شما فرا رسد ، به او مژده دهید تا خوش گمان به خداوند ، پروردگارش را دیدار کند ، و در حال تندرستی او را بیم دهید .

634 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس نزد بیماری آید و هفت بار بگوید أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَکَ از خدای عظیم ، همان پروردگار عرش عظیم ، می خواهم که شفایت دهد . اگر اجل او نرسیده باشد شفا می یابد .

635 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) به یکی از یاران خود که بیمار شده بود ، فرمود : خداوند این درد و رنجت را سبب ریختن گناهانت کند؛ چرا که در بیماری اجری نیست ، لیک گناهان را چون برگ ریز درختان ، به زیر می ریزد . اجر در سخن گفتن با زبان و کار کردن با دستها و پاهاست . خدای سبحان با نیت راست و باطن درست هر کس از بندگانش را که خواهد به بهشت می برد .

636 - و او (علیه السلام) فرمود :

از جمله کارهائی که گناهان بزرگ را پاک می کند ، فریاد رسی دلسوختگان و اندوه زدائی از غمزدگان است .

637 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

ای سلمان ، در بیماریت سه ویژگی است : به یاد خدا هستی ، و دعایت در آن متسجاب است ، و بیماری ، جمله گناهانت را به زیر می ریزد .

638

- و فرمود :

ای علی ، ناله بیمار تسبیح است ، و فریاد او تهلیل (لا اله الا الله) است ، و خواب او در بستر عیادت است و پهلو به پهلو شدن ، چنان است که گویا با دشمن خدا می جنگد ، و به میان مردم که رفت ، بی گناه می رود .

639 - و او فرمودد :

بیماری که بهبود می یابد و تندرست می شود ، در صفا و خوش رنگی چون تگرگی است که از آسمان می افتد .

قسمت دوم

640 - و فرمود :

ای علی ، بر زنان نماز جمعه و عیادت بیمار و همراهی جنازه نیست .

641 - و به ابوذر ، خداوند از او خوشنود باد ، فرمود :

با مسکینان همنشین ، و بیمار که شدند به عیادتشان رو ، و چون مردند بر آنان نماز گزار . و با اخلاص چنین کن .

642 - و فرمود :

چون کسی عطسه برادرش را بی پاسخ گذارد (و او را یرحمک الله ، نگوید) روز قیامت آن جواب را از او بخواهد .

643 - مفضل گفت :

امام باقر (علیه السلام) ما را بدرود گفت و فرمود :

ای خیثمه ، سلام ما را به دوستانمان برسان و به ایشان بگو ، من آنان را به ترس از خدا سفارش می کنم . و به این که ، غنی ایشان به فقیرشان و توانای ایشان به ناتوانشان و شکیبای ایشان به نادان (ناشکیبایشان) یاری می کند . و زنده ایشان به جنازه مرده شان حاضر شود ، و در خانه هایشان به دیدار هم روند ، که دیدار

آنان با هم ، مایه حیات امر ماست ، ؛ و خدا رحمت کند کسی را که امر ما اهل بیت را زنده کند .

644 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

خدای تبارک و تعالی فرمود :

ای بندگان صادق من ، از عبادت من بهره مند گردید که شما با عبادتم از نعمتهای بهشتی بهره مند می شوید .

645 - و فرمود :

صاعی (سه کیلوگرم) رطب برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید . او به زن خدمتکار فرمود : بنگر در خانه ، کاسه بزرگ یا سینی ای هست . زن به اندرون رفت و باز آمد و گفت : کاسه و سینی نیافتم . فرمود : زمین را بروب و در آنجا بریز ، سوگند به آن کس که جانم در دست اوست ، اگر دنیا نزد خدا به بال پشه ای می ارزید ، از آن هیچ به کافر نمی داد .

646 - معلی بن خنیس گفت :

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم : حق مومن بر مومن چیست ؟

فرمود : من دلسوز توام ، ترسم که بدانی و به کار نبندی و هدر دهی و پاس نداری .

گفتم : لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ هیچ قدرتی و نیرویی جز به خدا نیست .

فرمود : مؤ من هفت حق واجب بر مومن دارد ، و هر حقی که بر عهده اوست بر برادر او نیز واجب است ، و اگر حقی از این حقوق را تباه کند ، از ولایت خدا بیرون رفته است و طاعت او را ترک کرده است

و نصیبی از آن ولایت ندارد .

آسان ترین حق از آن حقوق این است که آنچه را برای خود می پسندی برای او بپسندی و آنچه را برای خود نمی پسندی برای او نپسندی .

دوم آن که ، با جان و مال و زبان و دست و پایت او را یاری کن .

و سوم آن که (خوشنودی و خشم او را در نظر داری .) و در پی خوشنودی او باشی و از خشم او دوری کنی .

و چهارم آن که ، چشم و رهنما و آیینه او باشی .

و پنجم آن که ، تو سیر نباشی و او گرسنه باشد ، و سیراب نباشی و او تشنه باشد ، و پوشیده نباشی و او برهنه باشد .

و ششم آن که ، اگر تو خادمی داری و او ندارد ، و زنی دارد که به کار تو می پردازد و او زنی ندارد که به کارش بپردازد ، خادمت را بفرستی تا لباسهای او را بشوید و برای او غذا درست کند و بسترش را بگسترد .

و هفتم آن که ، سوگندش را بپذیری و در بیماریش او را عیادت کنی و جنازه اش حاضر شوی و اگر حاجتی دارد برای برآوردنش بشتابی و وادارش نکنی تا از تو درخواست کند .

اگر چنین کردی دوستی خود را به دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند داده ای (87) .

647 - و او فرمود :

مومن برای مومن برکت است .

648 - و فرمود :

همه چیز در برابر مومن فرو تن است و همه چیز (او را بزرگ می دارد و) از او

می هراسد .

649 - آن گاه فرمود :

اگر مومن ، مخلص باشد ، خداوند همه چیز را حتی جانوران (و خزندگان) زمین و درندگان ، و پرندگان آسمان را از او می ترساند .

650 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

برای عیادت بیمار تا یک میل (88) راه بپیما ، و برای تشییع جنازه تا دو میل راه بپیما ، و شش میل راه بپیما تا به فریاد دلسوخته ای برسی . و استغفار کن . که نجات بخش است .

651 - و او فرمود :

پنج ویژگی است که اگر مسلمان بر یکی از آنها بمیرد ، همان نزد خدای عزوجل ضامن است که او را به بهشت برد :

- مردی که برای جهاد بیرون رود و در راه بمیرد ، نزد خدای عزوجل ضامن است .

- مردی که جنازه ای را همراهی کند ، اگر در راه بمیرد ، نزد خداوند ضامن است .

- و مردی که وضویی کامل بسازد و برای نماز به سوی مسجد رود ، اگر در راه بمیرد نزد خداوند ضامن است .

- و مردی که برای یاری و بزرگداشت ، امام ، سوی او رهسپرد و در این راه بمیرد ، نزد خداوند ضامن است .

- و مردی که نیت آن دارد که غیبت مسلمانی را نکند ، اگر بر این نیت بمیرد ، نزد خدای عزوجل ضامن است .

652 - و فرمود :

هر کس سه نفر را افطار دهد ، آمرزیده شود . و هر کس بمیرد و سه همسایه داشته باشد که جملگی از او راضی باشند ، آمرزیده شود

.

653 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) چون بیماری را می دید که بهبود یافته است می فرمود :

پاکی از گناهانت مبارکت باد .

654 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

مستحب است که بیمار با دست خود به سائل صدقه دهد و از او بخواهد تا برایش دعا کند ؟

655 - و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

بیماران را عیادت کنید و به دنبال جنازه ها روید ، شما را به یاد آخرت می اندازند . و بیمار را دعا کن و بگو : اللَّهُمَّ اشْفِهِ بِشِفَائِکَ وَ دَاوِهِ بِدَوَائِکَ وَ عَافِهِ مِنْ بَلَائِکَ

656 - همچنین بیمار را دعا می کنی و می گویی :

أُعِیذُکَ بِالرَّسُولِ الْحَقِّ النَّاطِقِ بِکَلِمَهِ الصِّدْقِ مِنْ عِنْدِ الْخَالِقِ مِنْ کُلِّ دَاءٍ تَرَاهُ وَ رَأَیْتَ وَ مِنْ کُلِّ عِرْقٍ سَاکِنٍ وَ ضَارِبٍ وَ مِنْ کُلِّ جَاءٍ وَ ذَاهِبٍ اسْکُنْ أَسْکَنْتُکَ بِاللَّهِ الْعَظِیمِ أَصْبَحْتَ فِی حِمَی اللَّهِ الَّذِی لَا یُسْتَبَاحُ وَ فِی کَنَفِ اللَّهِ الَّذِی لَا یُرَامُ وَ فِی جِوَارِ اللَّهِ الَّذِی لَا یُسْتَضَامُ وَ فِی نِعْمَهِ اللَّهِ الَّتِی لَا تَزُولُ وَ فِی سَلَامَهِ اللَّهِ الَّتِی لَا تَحُولُ وَ فِی ذِمَّهِ اللَّهِ الَّتِی لَا تُخْفَرُ وَ فِی مَنْعِ اللَّهِ الَّذِی لَا یُرَامُ وَ فِی حِرْزِ اللَّهِ الَّذِی لَا یُدْرَکُ وَ فِی عَطَائِهِ الَّذِی لَا یُحَدُّ وَ فِی قَضَائِهِ الَّذِی لَا یُرَدُّ وَ فِی مَنْعِهِ الَّذِی لَا یُعَدُّ وَ فِی جُنْدِ اللَّهِ الَّذِی لَا یُهْزَمُ وَ فِی عَوْنِ اللَّهِ الَّذِی لَا یُخْذَلُ

657 - جابر ، خداوند از او خوشنود باد ، گفت :

بیمار شدم ، و امیرالمؤ منین علی (علیه السلام) به عیادتم

آمد و چون نشست فرمود :

جابر ، این دنیا به چهار کس برپاست :

به عالمی که علمش را به کار گیرد ،

و به جاهلی که از آموختن سرباز نزنت ،

و به توانگری که به مال خود سخی باشد ،

و به فقیری که آخرتش را به دنیایش نفروشد؛

اگر عالم ، علمش را به کار نگیرد ، و جاهل از آموختن سرباز زند ، و توانگر به مال خود بخل ورزد ، و فقیر آخرتش را به دنیایش بفروشد ، پس وای بر آنان ، و هلاک باشند ایشان .

جابر ، کسی نعمتهای خدا بر او بسیار شد نیازهای مردم نیز به او بسیار شود ، پس اگر به آنچه خدا بر او واجب کرده است عمل کند ، دوام و بقای آن نعمت را پیوسته و پایدار کرده است ، و اگر حق آن نعمت را نگزارد ، آن را در معرض زوال و نیستی گذارده است .

658 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس به بیمار طعامی را که میل دارد بدهد ، خداوند از میوه های بهشتی به او خوراند .

659 - و امام باقر (علیه السلام) به جابر ، خداوند از او خوشنود باد ، فرمود :

از دشمن ما در هیچ حاجتی یاری مجو ، و از او طعام مخواه ، و جرعه آبی از او مطلب .

660 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

بنده ای را روز قیامت بیاورند و به او بگویند : به یاد آور ، تو را هیچ حسنه هست ؟

او گوید : حسنه ای ندارم ، جز این

که بنده تو ، فلانی ، گذارش به من افتاد و از من آبی خواست تا بدان وضو سازد و نماز گزارد ، و من به او دادم . پس آن بنده مؤ من را فراخوانند (و از او بپرسند .) او گوید : آری ای پروردگارم . و پروردگار ، جل ثناوه ، می گوید : تو را آمرزیدم ، بنده ام را به بهشت برید .

661 - و او (علیه السلام) فرمود :

هر کسی در پی حاجت برادر مؤ من خود برود و حاجت او را برآورده کند و با این کار رضای خدا را طلب کند ، خداوند بدین کار برایش ثوابی برابر با ثواب حج و عمره مقبول و روزه دو ماه از ماههای حرام و اعتکاف آن ماهها در مسجدالحرام را بنویسد . و هر کسی در پی حاجت او رود و بر آورده نشود ، خداوند بدین کار برای او ثواب حجی مقبول نویسد ، پس در کار خیر رغبت کنید .

662 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس با وصیتی نیکو بمیرد شهید مرده است .

663 - روایت است که ،

شایسته است که انسان نخوابد مگر این که وصیت او زیر سرش باشد ، و در حال بیماری به این کار سفارش بیشتر شده است .

664 - از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که فرمود :

هر کس به هنگام مرگ وصیتی درست نکند ، این ، کاستی در عقل و مروت اوست .

گفتند : ای رسول خدا ، وصیت چگونه است ؟

فرمود :

چون وقت ، وفات او رسد و مردم نزد او گرد آیند ، بگوید :

اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَهِ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ اللَّهُمَّ إِنِّی أُعْهَدُ إِلَيْکَ أَنِّی أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِيکَ لَکَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ و أَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّکَ وَ أَنَّ السَّاعَهَ آتِيَهٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أنک تبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ وَ أَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ أَنَّ الْجَنَّهَ حَقٌّ و ان ما وَعَدت فِيهَا مِنَ النَّعِيم مِنَ الْمَأْكَلِ وَ الْمَشْرَبِ وَ النِّكَاحِ حَقٌّ وَ أَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ الْإِيمَانَ حَقٌّ وَ أَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ وَ أَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَ أَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ وَ أَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتَ وَ أَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَ إِنِّی أَعْهَدُ إِلَيْکَ فِی دَارِ الدُّنْيَا أَنِّی رَضِيتُ بِکَ رَبّاً وَ بِالْإِسْلَامِ دِيناً وَ بِمُحَمَّدٍ ص نَبِيّاً وَ بِامير المومنين عَلِی ولِيا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَاباً وَ أَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّکَ عليه و عليهم السلام أَئِمَّتِی اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِی عِنْدَ شِدَّتِی وَ رَجَائِی عِنْدَ كُرْبَتِی وَ عُدَّتِی عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتِی تَنْزِلُ بِی فأَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِی وَ إِلَهِی وَ إِلَهُ آبَائِی صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ محمد وَ لَا تَكِلْنِی إِلَی نَفْسِی طَرْفَهَ عَيْنٍ أَبَداً وَ آنِسْ فِی قَبْرِی وَحْشَتِی وَ اجْعَلْ لِی عِنْدَک عَهْداً يَوْمَ أَلْقَاکَ مَنْشُورا برحمتک يا ارحم الراحمين

بار خدایا ، ای آفریننده آسمانها و زمین ، دانای پنهان و پیدا ، بخشنده مهربان ، من نزد تو پیمان می سپارم و گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست ، یکتا هستی و شریکی نداری و ، محمد (صلی الله علیه و آله

و سلم) بنده و فرستاده توست و علی تولی توست (تو او را جانشین پیامبرت کردی) و قیامت می آید و در آن شکی نیست و تو کسانی را که تو در قبرند بر می انگیزی ، و حساب حق است و بهشت حق است و نعمتهای گوناگون بهشتی چون چون خوردن و آشامیدن و همخوابگی کردن ، که وعده داده ای حق است ، و آتش حق است ، و ایمان حق است ، و دین حق چنان است که تو صف کرده ای و اسلام چنان است که تو گذارده ای و سخن همان است که تو گفته ای ، و قرآن چنان است تو نازل کرده ای ؛ تو همان خدای حق و روشنگری . و من در این سرای دنیا سرای تو عهد می بندم ، که تو را به پروردگاری پسندیدم ، و اسلام را دین خود گرفتم ، و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به پیامبری پسندیدم ، و امیرالمؤ منین علی (علیه السلام) را به ولایت گرفتم ، و قرآن را کتاب خود ، و اهل بیت پیامبر تو ، که بر او و ایشان درود باد ، را پیشوایان خود گرفتم .

بار خدایا ، تو به هنگام سختی ها تکیه گاه استوار منی ، و هنگام غم و اندوه امید منی ، و آن هنگام که گرفتاری بر من فرود می آیند؛ تو تنها سرمایه و داشته منی ، تو صاحب نعمت منی و معبود من و معبود پدران منی ، بر محمد و آل محمد درود فرست

و مرا لحظه ای به خود وامگذار ، و در قبر ، مونس تنهائی و وحشتم باش ، و برای من نزد خود ، روزی که به دیدارت می آیم عهدی گشوده (و سرور آفرین) قرار ده ، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان .

این پیمان نامه میت است ، روزی که وصیت به نیازمندیهایش می کند ، و وصیت بر هر مسلمان ، حق است .

امام صادق (علیه السلام) فرمود : و تصدیق آن ، در این کلام ، خدای تعالی در سوره مریم (علیه السلام) است ، که فرمود : لا یَمْلِکُونَ الشَّفاعَهَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمنِ عَهْدا (89) شفاعت ندارد مگر آن کس که در نزد خدا عهدی گرفت و این (وصیت) ، همان عهد است .

و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود : تو خود ، این را یاد گیر و به اهل بیت و شیعیان خود یاد ده . و فرمود : جبرئیل (علیه السلام) آن را به من آموخت .

665 - نسخه نوشته ای که کنار جریده (چوب تر) همراه میت گذارده می شود . پیش از آن که بنویسد می گوید : بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ أَشْهَد أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ ص وَ أَنَّ الْجَنَّهَ حَقٌّ وَ أَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السّاعَهَ آتِیَهٌ لا رَیْبَ فِیها وَ أَنَّ اللّهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُور

آنگاه می نویسد : بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسَمُّونَ فِی هَذَا الْکِتَابِ أَنَّ أَخَاهُمْ فِی اللَّهِ

عَزَّ وَ جَلَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ وَ يُذْكَرُ اسْمُ الرَّجُلِ أَشْهَدَهُمْ وَ اسْتَوْدَعَهُمْ وَ أَقَرَّ عِنْدَهُمْ أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيکَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّهُ مُقِرٌّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الرُّسُلِ ع وَ أَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّ اللَّهِ وَ إِمَامُهُ وَ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ أَئِمَّتُهُ وَ أَنَّ أَوَّلَهُمُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمُ الْحُجَّةُ ع وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيها وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ وَ أَنَّ مُحَمَّداً ص رَسُولُهُ جَاءَ بِالْحَقِّ وَ أَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّ اللَّهِ وَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ مُسْتَخْلَفُهُ فِی أُمَّتِهِ مُؤَدِّياً لِأَمْرِ رَبِّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی وَ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنَيْهَا الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ابْنَا رَسُولِ اللَّهِ ص وَ سِبْطَاهُ وَ إِمَامَا الْهُدَی وَ قَائِدَا الرَّحْمَهِ وَ أَنَّ عَلِيّاً وَ مُحَمَّداً وَ جَعْفَراً وَ مُوسَی وَ عَلِيّاً وَ مُحَمَّداً وَ عَلِيّاً وَ حَسَناً وَ الْحُجَّةَ ع أَئِمَّةٌ وَ قَادَةٌ وَ دُعَاةٌ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حُجَّةٌ عَلَی عِبَادِهِ

آن گاه به شاهدان می گوید : فلانی ، تو را به خدا می سپاریم ، وعده ما با این شهادت اقرار و برادری نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد ، سلامت می گوییم و رحمت خدا و برکاتش را برایت می طلبیم .

آن گاه نوشته را می

پیچند و مهر می زنند و با مهر شاهدان و مهر میت ممهورش می کنند و با جریده دست راست میت می گذارند . و (نسخه دیگری از) آن نوشته را به خواست خدا و توفیق او ، عطر نزده ، با کافور و عود روی پیشانی او می گذارند . و درود و سلام خدا بر آقای ما محمد رسول (خدا) و بر آل او ، آن برگزیدگان آل او ، آن برگزیدگان و نیکان ، باد .

666 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

مردی باشد که هفتاد سال عمل بهشتیان را بکند لیک در وصیت خود کج رود و ستم کند و کارش با عمل دوزخیان پایان پذیرد ، و مردی باشد که هفتاد سال عمل دوزخیان را بکند و در وصیت خود عدالت ورزد و کارش با عمل بهشتیان پایان پذیرد و به بهشت رود . آن گاه قرائت فرمود وَ مَنْ یَتَعَدَّ حُدُودَ اللّ ِهِ فَأُولئِکَ هُمُ الظّالِمُون (90) و کسانی که از مرزهای خدائی درگذرند پس آنان همان ستمکارانند یا این آیه را تلاوت فرمود : وَ تِلْکَ حُدُودُ اللّه وَ مَنْ یَتَعَدَّ حُدُودَ اللّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَه (91) و آن ، مرزبندیهای خداوندی است و هر کس از مرزهای خدائی در گذرد بر خود ستم روا داشته است .

بخش اول - غم و شادی مرگ

667 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

مرگ ارمغان مومن است .

668 - و او فرمود :

مرگ کفاره مومن است (پوشاننده و پاک کننده گناهان اوست .) و چون مومن بمیرد ، در اسلام شکافی افتد که

جای آن را چیزی پرنکند ، و جاهائی از زمین که او خدای عزوجل را در آنها پرستیده است ، بر او برگریند .

669 - و فرمود :

وقتی زمانها و فاصله ها به هم نزدیک و کوتاه شوند (زمان سفرها و فاصله شهرها کوتاه شود .) یا ، وقتی زمان (ظهور منجی انسانها) نزدیک شود ، مرگ بهترینها امت مرا بر می چیند ، چنان که شما خوبترین رطب را از طبق بر می چینید .

670 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

خداوند فرشتگانی دارد که برا گرفتن جان حاملان (و حافظان) قرآن شتابان ترند تا گرفتن جان بت پرستان .

671 - و امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود :

بین ما و بهشت یا دوزخ ، جز مرگ نیست .

672 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

عیسی (علیه السلام) فرمود آن هراسی (مرگ) که نمی دانی کی تو را فرا می گیرد ، چه چیز باز دارنده توست تا پیش از آن که غافلگیرت کند ، خود را مهیای آن کنی ؟ !

673 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر چه آمدنی است نزدیک است .

674 - و امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود :

آن کس که فردا را از اجل خود شمرد ، مرگ را در جایگاه راستین خود نگذاشت . و بنده ای آرزو را دراز نکرد مگر این که لطمه بر عمل زد و کردار را بد کرد و دنیا طلبید .

675 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر بنده که یاد مرگ بسیار کند ، به

دنیا بی رغبت شود .

676 - و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

اگر به اجل و مسیر آن می نگریستید ، آرزو و فریبندگی آن را دشمن می داشتید . هر تلاشگری غایت و نهایتی دارد ، غایت هر تلاشگر مرگ است . اگر آنچه را شما از مرگ می دانید چهارپایان می دانستند ، هرگز چهارپای فربهی نمی خوردید . (هیچ چهار پای حلال گوشتی از اندیشه مرگ فربه نمی شد)

677 - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

چنان باش که گویا رهگذری ، و خویشتن را در زمره مردگان گورستان شمار . هر قدر می خواهی بزی ، تو می میری . و هر کس را می خواهی دوست بدار ، از او جدا می شوی . در شگفتم از کسی که مرگ در پی اوست و او آرزومند دنیاست .

678 - و او فرمود :

خداوند توبه بنده را تا جان به گلویش نرسیده است می پذیرد . به سوی پروردگارتان باز گردید ، پیش از آن که بمیرد . و به کارهای خوب و نیکو دست یازید و بشتابید ، پیش از آک گرفتار و سرگرم شوید . و با یاد کردن بسیار او ، پیوند خود را با او به وصل رسانید .

679 - و فرمود :

همه تشنه می میرند ، جز ذاکر خدا .

680 - و فرمود :

هر کس بر نیک ترین کردار خویش بمیرد ، و برایش امید خیر بدارید ، و هر کس بر کردار بدش بمیرد بر او بیمناک باشید ، ولی نومید مشوید .

681

- و او فرمود :

هر کس چشم به راه مرگ باشد ، از لذتها غافل شود ، و هر کس در دنیا زهد ورزد ، مصیبتها بر او آسان شوند . این دلها چون آهن ، زنگار می گیرند .

گفته شد : جلای آن به چیست ؟

فرمود : (به) یاد خدا و تلاوت قرآن .

682 - همو فرمود :

گویا که حق ، در دنیا بر کسانی جز ما واجب است ، و گویا که مرگ در دنیا برای غیر ما نوشته و حتم است ، و گویا مردگانی را که (تا گور) همراهی می کنیم مسافرانند و به زودی سوی ما باز می گردند؛ از گورهاشان باز می گردیم و میراث آنان را می خوریم ، گویی که ما پس از آنان جاودانه ایم . پند هر واعظ و عبرت هر رویداد پندآموز را از یاد برده ایم و خود را از هر بلای ناگواری ایمن می دانیم .

683 - و فرمود :

ناپسندترین زمان عذر آوردن هنگامی است که مرگ فرا رسد .

684 - و فرمود :

پس از مرگ دیگر رضایت جستنی نیست . فروپاشنده لذتها و تیره کننده شهوتها (مرگ) را بسیار یاد کنید .

685 - و امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود :

عقلتان را به کار بندید ، آیا در (رفتن) پدران گذشته تان و آثار بر جای مانده مردمان پیشین ، پند و بصیرتی نیست ؟ ! به مردگان نمی نگرید که باز نمی گردند و فرزندانتان را نمی بینید که جاوید نمی مانند ؟ ! خدای تعالی که سخن راست ، سخن اوست فرمود : وَ حَرامٌ عَلی قَرْیَهٍ

أَهْلَكْناها أَنَّهُمْ لايَرْجِعُونَ (92) . محال است که ما اهل آبادیي را هلاک کنیم و آنان بار دیگر به این دنیا باز گردند . (93) و فرمود : كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ (94) هر آدمی هر جانداری مرگ را می چشد .

686 - ورایت است که ،

چون موسی (علیه السلام) مرد ، از آسمان صدائی شنیدند که می گفت : موسی مرد ، کدام آدمی است که نمیرد .

687 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

کسی از شما نمیرد مگر این که به خداوند خوش گمان باشد . (با خوش گمانی به خداوند بمیرد .)

688 - و امام باقر (علیه السلام) فرمود :

دنیا را به مانند منزلگاهی بدان که در آن فرود آمده ای و همان روز قصد رفتن از آن را داری ، یا مانند بدان که در خواب به دست آورده ای و بیدار شده ای و چیزی از اان در دستت نیست . و وقتی به دنبال جنازه ای می روی چنان باش که گویا تو را در تابوت می برند و تو در خواست بازگشت به دنیا کرده ای و (خداوند) بازت گردانده است ؛ پس چونان کسی عمل کن که پس از مرگ را به چشم دیده است .

689 - روایت است که ،

چون وفات ابراهیم (علیه السلام) نزدیک شد گفت : (خدایا ،) چرا رسولی نزد من نفرستادی تا ساز و برگ مرگ را مهیا کنم ؟

گفت : ندانستی که سپیدی مو ، رسول من است .

690 - ابوبکر بن عیاش گفت :

نزد امام صادق (علیه السلام)

بودم که مردی آمد و گفت :

در خواب دیدم که گویا به شما می گویم ، از عمر من چه قدر مانده است ؟ و شما با دست به پنج اشاره فرمودی ، و این خواب دل مشغولم کرده است .

او (علیه السلام) فرمود : تو از چیزی پرسیدی که جز خدای عزوجل آن را نمی داند ، و آن یکی از پنج چیز است که ویژه خداست :

- إِنَّ اللّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السّاعَه دانش روز رستاخیز نزد خداست . (دانش ساعت مرگ و ساعت رستاخیز هر دو ویژه اوست .)

- وَ یُنَزِّلُ الْغَیْث و او باران را فرستد . (در هنگام و محل معین .)

- وَ یَعْلَمُ ما فِی الْأَرْحام و او داند که در زاهدان آبستان چیست . (نرینه شود یا مادینه ، زیبا شود یا زشت ، بخشنده باشد یا بخیل ، خوشبخت باشد یا بدبخت .)

- وَ ما تَدْرِی نَفْسٌ ما ذا تَکْسِبُ غَداً و هیچ آدمی نداند که فردا چه خواهد شد کرد . (خیر یا شر ، و بسا که دل بر کاری نهد و خلاف آن کند .)

- وَ ما تَدْرِی نَفْسٌ بِأَیِّ أَرْضٍ تَمُوت (95) و هیچ کس نداند که به کدام زمین خواهد مرد .

691 - همو گفت :

شنیدم او (علیه السلام) می فرمود : سُبْحَانَ مَنْ لَا یَسْتَأْنِسُ بِشَیْءٍ أَبْقَاهُ وَ لَا یَسْتَوْحِشُ مِنْ شَیْءٍ أَفْنَاهُ . پاک و منزه است آن خدائی که بد آنچه باقی گذارد ، انس نجوید و از آنچه نیست کند ، تنها نشود و به وحشت نیفتد .

و شنیدم (این آیه) را

می خواند وَ أَقْسَمُوا بِاللّهِ جَهْدَ أَیْمانِهِمْ لا یَبْعَثُ اللّهُ مَنْ یَمُوت (96) و به خدا سوگند سخت یاد کردند که خداوند هر که را مرد ، دوبار زنده نکند . و من با سخت ترین سوگند به خدا سوگند یاد می کنم که به حتم ، خداوند هر که را بمیرد ، دوباره زنده کند؛ و تو می پنداری که خدا ، اهل این دو سوگند را در یک سرا ، که آتش باشد ، گرد هم آرد ؟ !

692 - روایت است که مردی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت :

همسایه ام ، فلانی ، آزارم می دهد .

فرمود : بر آزارش شکیبا باش و دست به آزار او نگشا .

دیری نپایید که مرد آمد و گفت : ای پیامبر خدا ، همسایه ام مرد .

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : روزگار برای پند دادن و مرگ برای پراکندن ، بسنده باشند .

مجاهد در باره این کلام خدای تعالی فَما بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّماءُ وَ الْأَرْض (97) آسمان و زمین بر (هلاکت) آنا (فرعونیان) نگریستند . گفت : هر مومنی که بمیرد ، آسمان و زمنی بر او بگریند . از این سخن در شگفتید ؟ !

چرا زمین بر بنده ای که آن را با رکوع و سجودش آباد می کرد ، نگرید ؟ ! و چرا آسمان بر بنده ای که تسبیح و تکبیرش در آن ، پژواکی چون پژواک آوای زنبور عسل داشت ، نگرید ؟ !

693 - روایت است که چون مومن بمیرد ، آن سرزمین ،

سرزمینهای دیگر را آواز دهد که ، آن بنده مومن خدا مرد . پس آسمان و زمین بر او بگریند .

خداوند ، که خود داناتر است ، به آندو گوید : چه شما را بر بنده ام گریان کرده است ؟

گویند : پرودگارا ، او در هر گوشه زمین که قدم می گذاشت تو را یاد می کرد .

694 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گفت :

پروردگارا ، کدام بنده نزد تو محبوب است ؟

فرمود : آن که در فقدان نیکان چون کودکی پدر و مادر از دست داده ، بگیرد .

695 - و فرمود :

خدای تعالی فرمود : تردیدی که من در گرفتن جان بنده مومنم کردم در هیچ کار نکردم ؛ او مرگ را خوش ندارد و من دلگیر شدنش را خوش ندارم ، و او چاره ای جز مرگ ندارد .

696 - و فرمود :

هر کس در مکه بمیرد چنان است که در آسمان دنیا مرده است . و هر حج گزار یا عمره گزاری که در یکی از دو حرم مکه یا مدینه بمیرد ، بی حساب و عذاب ، خدا را دیدار کند .

در گرداگرد کعبه قبر سیصد پیامبر است . و هر پیامبر که قومش او را باور نمی کرد و نمی پذیرفت ، از میان آنان می رفت و خدا را می پرستید تا بمیرد .

697 - و او فرمود :

مرگ غریب (دور از وطن) شهادت است .

698 - و فرمود :

شرافتمندانه ترین مرگ ، مرگ شهیدان است .

699 - زید بن ارقم ، خداوند از او و پدرش خوشنود باد ، گفت

:

حسین بن علی (علیه السلام) فرمود : شیعیان ما همه صدیق و شهیدند .

گفتم : چگونه چنین است حال آن که ایشان در بسترهایشان می میرند .

فرمود: مگر کتاب خدا را نخوانده ای که می گوید : وَ الَّذِینَ آمَنُوا بِاللّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِکَ هُمُ الصِّدِّیقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ (98) . و کسانی که به خدا و رسولان او ایمان آوردند ، آنان نزد پروردگارشان صدیقان شهیدانند .

آن گاه فرمود : اگر شهادت تنها برای کشتگان شمشیر می بود ، خداوند شمار شهیدان را اندک کرده بود .

700 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

مرگ ناگهانی برای مومنان رحمت و برای کافران عذاب است .

701 - و فرمود :

هر زنی که در زایمان خود بمیرد ، روز قیامت دفتر حسابی برای او گشوده نشود .

702 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

کسی که بین زوال خورشید روز پنجشنبه تا زوال خورشید روز جمعه بمیرد ، خداوند او را از فشار قبر پناه می دهد .

703 - روایت است که ،

قبر فشاری دارد که بندبند اندام را از هم می گسلد .

704 - و امام باقر (علیه السلام) فرمود :

کسی که به خواندن (سوره) حم زخرف ، مواظبت کند ، خداوند او را در قبر ، از گزندگان زمین و فشار قبر در امان نگه دارد .

705 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کس سوره ن والقلم ، را در نماز واجب یا مستحب بخواند ، خداوند از فشار قبر پناهش دهد .

706 - و فرمود :

هر کس سوره ذاریات

را بخواند . چراغی در قبرش روشن شود که تا روز قیامت بدرخشد .

707 - و او فرمود :

هر کس به خواندن سوره حدید و (سوره) مجادله در نماز واجبی ، مواظبت کند ، چون بمیرد خداوند عذابش نکند .

708 - خداوند به موسی (علیه السلام) وحی کرد :

در تاریکی شب در پیشگاهم بایست ، قبر تو را باغی از باغهای بهشت می کنم .

709 - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود :

سخت ترین ساعتها برای فرزند آدم سه ساعت است :

ساعتی که در آن فرشته مرگ را می بیند ، و ساعتی که در آن از قبر بر می خیزد ، و ساعتی که برای حسابرسی در برابر خدای عزوجل می ایستد؛ یا به بهشت رود و یا راهی دوزخ شود .

آن گاه فرمود : ای فرزند آدم ، اگر هنگام مرگ نجات یافتی به سلامت رسته ای و گرنه هلاک گشته ای . ای فرزند آدم ، اگر در موقف رستاخیز نجات یافتی به سلامت رسته ای وگرنه هلاک گشته ای .

ای فرزند آدم ، اگر هنگامی که در قبر گذارده می شوی نجات یافتی به سلامت رسته ای وگرنه هلاک گشته ای .

و اگر هنگامی که مردم را به عبور از صراط وا می دارند نجات یافتی به سلامت رسته ای وگرنه هلاک گشته ای .

و اگر هنگام حسابرسی از مردمان در پیشگاه پروردگار عالمیان ، نجات یافتی به سلامت رسته ای و گرنه هلاک گشته ای .

سپس این آیه را تلاوت می فرمود وَ مِنْ وَرائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلی یَوْمِ یُبْعَثُون (99) و در برابر آنان برزخ است

تا روزی که رستاخیزشان رسد . فرمود : و برزخ همان قبر است ، و (هلاکیان) در آن ، زندگی سخت دارند . به خدا سوگند ، قبر باغی از باغهای بهشت است یا گودالی از گودالهای دوزخ .

710 - ابن عباس ، خداوند از او خوشنود باد ، گفت :

روی دوزخ هفت پل است ؛

- در نخستین آنها از ایمان بنده حسابرسی می شود .

- و در پل دوم از نماز او حسابرسی می شود . اگر رکوع و سجودش را کامل کند و وقتش را پاس دارد ، بگذرد و گرنه در آتش افتد .

- و در پل سوم حساب زکاتش را رسند ، اگر آن را ادا کرده باشد ، می رهد ، و گرنه در آتش می افتد .

- و در پل چهارم از روزه ماه رمضان حسابرسی می شود ، اگر روزه بنده کاستی نداشت و سالم بود ، می رهد ، و گرنه در آتش می افتد .

- و در پل پنجم حج و عمره او را به حساب گذارند ، اگر آن را گزارده بود ، می رهد ، و گرنه در آتش می افتد .

- و در پل ششم از وضو و غسل جنابت او حسابرسی می شود اگر به درستی انجام داده بود ، می رهد و گرنه در آتش می افتد .

- و در پل هفتم حق پدر و مادر و خویشان و ستمها در حقوق مردمان ، حسابرسی می شود . اگر از جمله اینها به سلامت رست ، می رهد ، وگرنه در آتش می افتد .

بخش دوم - آداب محتضر

قسمت اول

711 - امام صادق (علیه

السلام) فرمود :

وقتی یکی از خویشان امیرالمؤ منین (علیه السلام) مشرف به مرگ می شد ، به او می فرمود : بگو لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَ مَا فِیهِنَّ وَ مَا بَیْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ

و چون بیمار این را می گفت ، به او می فرمود : برو ، بیمی بر تو نیست .

712 - ابوبکر حضرمی ، گفت :

مردی از خویشانم بیمار شد و من به عیادت او رفتم و گفتم : برادرزاده ، نصیحتی به تو دارم ، می پذیری ؟

گفت : آری .

گفتم : بگو أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ و او شهادت داد .

گفتم : بگو و أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و او شهادت داد .

گفتم : از این بهره مند نمی شوی مگر این که بدان یقین داشته باشی .

گفت : یقین دارم .

گفتم : بگو و أَشْهَدُ أَنَّ عَلِیّاً وَصِیُّهُ وَ هُوَ الْخَلِیفَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَهِ مِنْ بَعْدِه

و او شهادت داد .

گفتم : تا به این شهادت یقین نداشته باشی از آن بهره ای نبری . و آن گاه امامان را یک به یک نام بردم و او پذیرفت و گفت ، که به ایشان یقین دارد . اندکی بیش نگذشت که مرد وفات یافت و خانوادش گریه و زاری سر دادند و سخت ناشکیبی کردند .

من مدتی از آنان دور بودم ، پس از چندی آمدم

و آرامش و شکیبائی در خور ستایشی در میانشان دیدم . گفتم : ای زن ، پس از ناشکیبی ، این شکیب چگونه پیدا شد ؟

گفت : به خدا سوگند ، با وفات او مصیبت سختی به ما رسید ، لیک آنچه مایه آرامش من شد ، خوابی بود که دیشب دیدم .

گفتم : چه بود ؟

گفت : او را در خواب دیدم و گفتم : چه شد ؟ تو مرده ای (و هلاک گشته ای) ؟ گفت : آری ، ولی با کلماتی که ابوبکر حضرمی به من تلقین داد ، نجات یافتم . اگر آن کلمات نبود ، هلاکتم نزدیک بود .

713 - ابوبصیر ، خداوند از او خشنود باد ، گفت :

در محضر امام باقر (علیه السلام) بودیم ، حمران نیز آنجا بود که غلامی آمد و گفت : فدایت شوم ، عکرمه در حال مرگ است . او عقیده خوارج را داشت و لیکن با امام باقر (علیه السلام) همنشینی می کرد .

امام (علیه السلام) به ما فرمود : مرا مهلتی می دهید تا پس از آن نزد شما بازگردم ؟

گفتم : آری . دیری نپایید که او بازگشت و فرمود : اگر من عکرمه را پیش از آن که جانش به در آید در می یافتم ، کلماتی به او می آموختم که از آنها بهره مند شود ، ولی او را زمانی یافتم که جان داده بود . گفتم : فدایت شوم ، آن کلمات چیست ؟

فرمود : به خدا سوگند ، آن همان باوری است که شما برآنید ، به مردگانتان هنگام مرگ ،

شهادت لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ و ولایت را تلقین می دهد .

714 - زید شحام ، خداوند از خوشنود باد ، گفت :

به حضور امام صادق (علیه السلام) رسیدم . فرمود : ای زید ، عبادت پروردگارت را از سر بگیر و توبه تازه کن .

گفتم : خبر مرگم را می دهید ؟

فرمود : آنچه ما داریم برایت نیکوتر است ، تو از شیعیان مائی . به خدا سوگند من به شما مهربانترم .

715 - ابن عباس ، خداوند از او خوشنود باد ، گفت :

چون مرگ یکی از شما فرا رسید ، مژده اش دهید ، تا به پروردگارش خوش گمان باشد و به دیدارش رود .

716 - و محمد بن علی ، امام جواد ، (علیه السلام) فرمود :

مردی از یاران امام رضا (علیه السلام) بیمار شد و او به عیادتش رفت و فرمود : چگونه ای و چه حال داری ؟ گفت : گویا از میان شما رفتم و مرگ را دیدم . مقصودش رنجی بود که از شدت بیماری به او دست داده بود .

فرمود : آن را چگونه یافتی ؟

گفت : سخت و دردناک .

فرمود : آنچه دیدی ، آغاز کار است و مرگ اندکی از حال خود را به تو نمایاند . مردم دو دسته اند :

یکی با مرگ آسوده می شود ، و دیگری با مرگش از او آسوده می شوند . پس (بار دیگر) ایمانت را به خدا و ولایت تازه کن ، تا (با مرگ) آسوده شوی .

مرد چنین کرد و آنگاه گفت : ای فرزند رسول خدا ، این فرشتگان پروردگارم

هستند که با شادباشها و ارمغانها تو را سلام می دهند . آنان در برابرت ایستاده اند ، به ایشان اجازه نشستن بده .

و امام (علیه السلام) فرمود : فرشتگان پروردگارم بنشینید . و به بیمار فرمود : از آنان بپرس که آیا دستور دارند تا در محضرم بایستند ؟

بیمار گفت : از ایشان پرسیدم . گفتند : ما بر این باوریم که اگر جمله فرشتگانی که خدا آفریده است در حضور شما آیند ، برایتان بایستند و ننشینند تا بدیشان اجازت دهی . خدای عزوجل چنین امرشان کرده است .

آن گاه مرد چشمانش را بست و گفت : السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّه این شما هستی که به همراه محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیه السلام) در برابرم ایستاده اند . مرد این را گفت و جان داد .

717 - از حارث همدانی ، خداوند از او خوشنود باد ، روایت است که گفت :

نیم روزی بود که به حضور امیرالمؤ منین (علیه السلام) رسیدم . فرمود ، تو را چه به اینجا کشانده است ؟

گفتم : به خدا سوگند مهر تو .

فرمود : اگر (در این دعوی) صادق باشی مرا در سه جا می بینی .

آن زمان که جانت به اینجا - و به حنجره خود اشاره فرمود . - رسد ، و نزد صراط و کنار حوض .

718 - و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

به هنگام مرگ بستیزید و دور افکنید .

گفته شد : چگونه بستیزیم ای رسول خدا ؟

فرمود : بگوئید قُلْ یا

أَيُّهَا الْكافِرُونَ لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُون (100) بگو : ای کافران ، من نمی پرستم آنچه شما می پرستید . سوره کافرون را بخوانید .

719 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیش از مرگش ، (این ذکر را) بسیار می گفت سُبْحَانَاللَّه وَ بِحَمْدِهِ وَ أَسْتَغْفِرالله وَ أَتُوبُ إِلَيْه .

720 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) هنگام وفات می فرمود :

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَان (101) بر نیکی و پرهیزکاری یار و همدست یکدیگر باشید و در گناه و دشمنی یار هم نباشید . آن گاه تا لحظه وفات می فرمود لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ ، لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ .

721 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

به مردگانتان لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ را تلقین دهید که هر کس آخر سخن او لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ باشد به بهشت رود .

گفته شد : ای رسول خدا ، سختیها و بیهوشی های دم مرگ ما را از این کار باز می دارد . همان دم جبرئیل (علیه السلام) آمد و گفت : ای محمد ، به ایشان بگو ، اکنون که در سلامتی به سر می برید بگوئید لا اله الا الله تا توشه ای اندوخته برای آن وقت باشد .

722 - و امام زین العابدین (علیه السلام) هنگام مرگ می فرمود :

اللَّهُمَّ ارْحَمْنِی فَإِنَّکَ کَرِیمٌ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِی فَإِنَّکَ رَحِیم خدایا رحمم کن تو کریمی خدایا رحمم کن تو رحیمی و پیوسته این را می گفت تا جان داد .

723 - هنگام مرگ کاسه آبی نزد

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که دست در آن می برد و آب به روی (مبارک) می مالید و می گفت اللَّهُمَّ أَعِنِّی عَلَی سَکَرَاتِ الْمَوْتِ بار خدایا مرا به سختی های مرگ یاری ده .

724 - و این دعا از ایشان (علیه السلام) است :

اللَّهُمَّ بَارِکْ لِی فِی الْمَوْتِ اللَّهُمَّ أَعِنِّی عَلَی الْمَوْتِ اللَّهُمَّ أَعِنِّی عَلَی سَکَرَاتِ الْمَوْتِ اللَّهُمَّ أَعِنِّی عَلَی غَمِّ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ أَعِنِّی عَلَی ضِیقِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ أَعِنِّی عَلَی ظُلْمَهِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ أَعِنِّی عَلَی وَحْشَهِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ أَعِنِّی عَلَی أَهْوَالِ یَوْمِ الْقِیَامَهِ اللَّهُمَّ بَارِکْ لِی فِی طُولِ یَوْمِ الْقِیَامَهِ اللَّهُمَّ زَوِّجْنِی مِنَ الْحُورِ الْعِینِ

725 - روایت است ، وقتی روز قیامت شود و مردمان (به حکم) پروردگار به پا ایستند ، هر یک آواز دهند و گویند : بار خدایا رحمم کن ، بار خدایا رحمم کن . و جواب آید که ، اگر در دنیا رحم کردید ، امروز به شما رحم می شود .

726 - سلیمان جعفری گفت :

امام ابوالحسن کاظم (علیه السلام) را دیدم که به پسرش قاسم می فرمود : پسرم ، برخیز و بر بالین برادرت وَ الصَّافَّاتِ صَفّاً را تا به آخر بخوان . و او خواند تا به أَ هُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمْ مَنْ خَلَقْنا (102) رسید ، آن جوان جان داد . چون پیکرش را پوشاندند و (مردمان) بیرون رفتند ، یعقوب بن جعفر رو کرد و گفت : رسم ما بر این بوده است که وقتی مرگ کسی فرا رسد نزد او یس وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیم را بخوانیم ، و شما را به

وَ الصَّافَّاتِ صَفّاً امر می فرمائی ؟ !

فرمود : فرزندم ، این سوره را نزد هیچ در گرداب مرگ افتاده ای نخوانند مگر این که خداوند زود راحتش کند .

727 - روایت است که ، نزد بیمار و میت آیه الکرسی میخوانی و می گویی : اللَّهُمَّ أَخْرِجْهُ إِلَی رِضَی مِنْکَ وَ رِضْوَانٍ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ ذَنْبَهُ جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِک . پس از آن آیه سخره إِنَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَالاَرْضَ . . تا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ (103) را می خوانی ، آن گاه سه آیه را از آخر سوره بقره لِلَّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ مَا فِی الْأَرْضِ . . . تاأَنْتَ مَوْلانا فَانْصُرْنا عَلَی الْقَوْمِ الْکافِرِین (104) را می خوانی ، و پس از آن سوره احزاب را می خوانی .

728 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

وقتی جان کندن بیمار سخت شد ، او را روی جانمازی که در آن نماز می کرد بگذار و چون مرد رو به قبله اش کن .

729 - علی بن ابی حمزه گفت :

به امام ابوالحسن کاظم (علیه السلام) گفتم ، نشستن بر بالین کسی که در آستانه مرگ است بر زن حائض رواست ؟

فرمود : مانعی نیست ، از او پرستاری کند ، لیکن چون بر بیمار خائف شدند و مرگ او را نزدیک دیدند ، از او دور شود؛ چرا که فرشتگان از این حال آزار می بینند .

730 - یونس بن یعقوب گفت :

امام صادق (علیه السلام) فرمود : هنگام تلقین دادن میت ، زن حائض و جنبان در

کنار او حاضر نشوند ، لیکن مانعی نیست که اینان غسلش دهند .

731 - و فرمود :

برای (شستن) میت آب را گرم نکنند و (گرمای) آتش را پیشاپیش برایش نیاورند .

732 - روایت است که :

درود بر پیامبر و آل او (صلی الله علیه و آله و سلم) قبر را نورانی می کند .

733 - سفیان روایت کرد که ،

چون مرده را دفن کردند و روی او خاک ریختند و مردم بازگشتند ، دو فرشته برای پرسش از او می آیند . و ابلیس بالای سرش می ایستد و وقتی فرشتگان گفتند ، پروردگارت کیست ؟ او به خود اشاره می کند و می گوید : بگو منم . از این رو پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمود أَعُوذُ بِکَ مِنْ فِتْنَه القبر خدایا از فتنه قبر به تو پناه می برم .

734 - و امام باقر (علیه السلام) فرمود :

هر مومن که مومن دیگر را غسل دهد . و وقتی او را می گرداند بگوید : اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا بَدَنُ عَبْدِکَ الْمُؤْمِنِ قَدْ أَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ وَ فَرَّقْتَ بَیْنَهُمَا فَعَفْوَکَ عَفْوَک بار خدایا این بدن بنده مومن توست و تو روحش را از کالبد آن درآوردی و بین آن دو جدائی افکندی ، پس او را ببخش ، او را ببخش . چون چنین کند ، خداوند گناهان یک سال آن مومن غسل دهنده را ببخشاید ، جز گناهان کبیره .

قسمت دوم

735 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کس مرده مومنی را غسل دهد و امانت را درباره او ادا کند ،

آمرزیده شود .

پرسیدند : چگونه امانت او را ادا کند ؟

فرمود : هر چه را بیند (پنهان دارد) و خبر ندهد .

736 - و فرمود :

کفنهای مردگان را نیکو بگیرید که زینت ایشان است .

737 - و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

به مردگان لا اله الا الله تقلین دهند که گناهان را فرو می پاشد .

گفتند : ای رسول خدا ، در سلامتی اگر بگویند چگونه است ؟

فرمود : آن (بزه را) ویران تر و ویران تر کند ، لا اله الا الله در زندگی و مرگ و رستاخیز مومن ، مونس اوست .

738 - و فرمود :

آن کس که در دنیا قنوتش طولانی تر است ، روز قیامت در موقف (حساب) راحتیش طولانی تر است .

739 - مفضل بن عمر گفت :

به امام صادق (علیه السلام) گفتم : فاطمه (علیه السلام) را که غسل داد ؟

فرمود : امیرالمؤ منین (علیه السلام) .

این امر مرا گران آمد . (که مگر عظمت فاطمه (علیه السلام) بدین پایه است ؟ ولی خدا و وصی رسول خدا غسلش دهد ؟) فرمود : گویا این گفته در سینه ات نمی گنجد ؟ !

گفتم : آری ، فدایت شوم .

فرمود : سینه تنگی مکن . او صدیقه بود و کسی جز صدیق غسلش نمی داد؛ نمی دانی که مریم (علیه السلام) را کسی جز عیسی (علیه السلام) غسل نداد .

741 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

جامه سپید نیکوترین جامه است ، آن را بپوشید و مردگانتان را در

آن کفن کنید .

742 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

کتان (پوشش) بنی اسرائیل بود و مردگانشان را در آن کفن می کردند ، و پنبه از آن امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است .

743 - و از او (علیه السلام) درباره زنی که در زایمان بمیرد پرسیدند که غسلش چگونه است ؟

فرمود : همانند غسل پاکان است ، و چنین است (غسل) زن حائض و شخص جنب .

744 - و امام ابوالحسن کاظم (علیه السلام) درباره غرق شدگان و صاعقه زدگان فرمود سه روز درنگ کنند ، مگر این که پیش از این دگرگون شود (و بو بگیرد .)

745 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

امیرالمؤ منین علی (علیه السلام) ، عمار بن یاسر و هاشم بن عتبه مرقال را در جنگ صفین غسل نداد و آن دو را در جامه هایشان دفن کرد و بر آنان نماز گزارد .

746 - و از او (علیه السلام) درباره نصرانی ای پرسیدند که همسفر مسلمانان باشد و بمیرد ، فرمود : مسلمانان غسلش ندهند و آداب و احترامی برای او نگه ندارند و دفنش نکند و بر قبرش نایستد ، اگر چه پدرش باشد .

747 - امام باقر (علیه السلام) فرمود :

وقتی عبدالله بن ابی بن سلول مرد ، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر جنازه او حاضر شد ، عمر گفت : ای رسول خدا ، مگر خداوند نمی فرماید وَ لا تُصَلِّ عَلی أَحَدٍ مِنْهُمْ ماتَ أَبَداً وَ لا تَقُمْ عَلی قَبْرِه (105)

و بر هیچ یک از آن منافقان که بمیردند نماز مگزار و بر گور او نایست .

پیامبر خاموش ماند و عمر آن سخن را دوباره تکرار کرد .

و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : وای بر تو ، تو چه می دانی من چه گفتم ؟ پروردگار تو از آنچه من گفتم نهی نکرد . من گفتم ، بار خدایا اندرونش را پر از آتش کن و گورش را پر از آتش کن و روز قیامت به آتشش رسان .

عمر با این خرده گیری نا به جا آنچه را رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خوش نداشت به زبان آورد ، فاش و آشکار کرد .

748 - ابوصباح کنانی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که او فرمود :

غلامی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وفات یافت و پیامبر امر فرمود : تا قبری برایش بکنند . بازگشتند و گفتند : ای رسول خدا ، نمی توانیم برای او گودالی بکنیم . پیامبر بار دیگر فرمود ، تا برایش قبری بکنند . آنان دیگر بار بازگشتند و گفتند : نمی توانیم برایش قبری بکنیم ، هر جا که می رویم آنجا را سفت و سخت می یابیم . پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : چرا ؟ به خدا سوگند او خلق خوشی داشت . بروید و در فلان جا برایش قبری بکنید . و آنان رفتند و کندند ، گویا در میان توده ای از ریگ می کنند .

749 - امام صادق (علیه السلام

) فرمود :

چهار (خلق) است که اگر در کسی باشد و از سر تا به پایش را گناه فرا گرفته باشد ، خداوند آن گناهان را به ثواب بدل کند؛ راستی و حیا و خلق نیک و شکر .

750 - و فرمود :

خدای تعالی به رسولان خود مکارم اخلاق داد و ایشان را بدان ممتاز کرده پس خویشتن را بیازمائید ، اگر در شما آن (خلقها) هست ، خدا را بر آن بستائید و بدانید که آن از بهره خیر است ، و اگر در شما نیست ، از خدا بخواهید و بدان نزد او رغبت جوئید .

گفته شد : آن خلقها کدامند ؟

فرمود : ده (خصلتند) : یقین ، قناعت ، صبر ، شکر ، حلم ، و خلق نیکو و غیرت و سخاوت و شجاعت و مروت .

751 - و فرمود :

خشم گرفتن کلید هر شر است .

752 - مستحب است که هنگام شنیدن وفات مومن گفته شود :

إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُون (106)

وَ إِنّا إِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُون (107)

اللَّهُمَّ اكْتُبْهُ فِی الْمُحْسِنِينَ وَ اخْلُفْهُ فِی عَقِبِهِ الْغَابِرِينَ وَ اجْعَلْ كِتَابَهُ فِی عِلِّيِّينَ اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ وَ لَا تَفْتِنَّا بَعْدَه

753 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

چون مرده را در قبر گذارند ، قبر به او می گوید : وای بر تو ای فرزند آدم ، تو را چه به من مغرور کرد ؟ ! ندانستی که من خانه تنهائی و خانه کرمها و خوره هایم ، آن هنگام که با گامهای سنگین روی من قدم می نهادی ، تو را چه به من مغرور

کرده بود ؟ !

754 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) بر جنازه ای نماز گزارد و پس از آن فرمود :

اگر تو آمرزیده ای پس زهی سعادت ما را که بر آمرزیده ای نماز گزاردیم ، و اگر ما آمرزیده ایم ، پس زهی سعادت تو را که آمرزیدگان بر تو نماز گزارند .

755 - هر گاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در پی جنازه ای می رفت ، حزن و اندوه بر او غالب می شد و در خود می رفت و با خویشتن نجوا می کرد و با دیگران سخن اندک می گفت .

756 - و فرمود :

قبرهای مردگانتان را زیارت کنید و به ایشان سلام دهید ، که آنان برای شما مایه عبرتند ، آن گاه فرمود : قبر ، نخستین منزل از منزلهای آخرت است اگر از آن برهید ، پس از آن ، آسانتر از آن است ، و اگر نرهید ، پس از آن ، دشوارتر اززِ آن است .

757 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

شایسته است که اولیای میت ، خبر مرگ او را به برادران دینی اش بدهند تا بر جنازه او حاضر شوند و بر او نماز گزارند و برایش آمرزش طلبند تا برای ایشان اجری حاصل آیید و برای مرده آمرزشی به دست آید و ولی میت نیز در این میان اجر و آمرزشی برای خود فراهم آورد .

758 - و او (علیه السلام) فرمود :

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : هر کس با جنازه ای رو به رو شود

یا آن را ببیند و بگوید اللَّهُ أَکْبَرُ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ زِدْنَا إِیمَاناً وَ تَسْلِیماً الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَهِ وَ قَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْت خدا بزرگتر از آن است که به وصف آید . این همان وعده ای است که خدا و رسولش به ما داده اند و خدا و رسول او راست گفتند . بار خدایا ایمان و تسلیم ما را افزون کن . ستایش آن خدای را که به قدرتش عزیز و غالب است و با مرگ بر بندگانش چیره گشته است فرشته ای در آسمان باقی نماند مگر این که بر آوایش رقت آورد و بر او بگرید .

759 - هر گاه امام زین العابدین (علیه السلام) می دید که جنازه ای را می آورند ، می فرمود : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْنِی مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ ستایش آن خدای را که مرا در شمار مردگان قرار نداد .

760 - عمار ساباطی گفت :

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم : کسی که جنازه را می برد ، در آن حال چه بگوید ؟

فرمود : بگوید : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آل محمد اللهمِ اغْفِرْ لِی وَ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَات .

761 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کس جنازه مومنی را همراهی کند بیست و پنج گناه کبیره از او فرو ریزد ، و اگر از چهار سو همراهی کند ، از گناهان بیرون شود .

762 - و امام رضا (علیه السلام) از پدرانش (علیه السلام) نقل کرد که ،

رسول خدا (صلی

الله علیه و آله و سلم) فرمود : شرابخوار اگر بیمار شود ، عیادتش نکنید ، و اگر شهادت داد ، نپذیرید ، و اگر نامش به میان آمد او را به پاکی نستائید ، و اگر خواستگاری کرد ، به او زن ندهید؛ و اگر سخن گفت راست ندانید . و اگر مرد بر جنازه اش حاضر نشوید . و شرابخوار خدای عزوجل را چون بت پرست دیدار می کند . شرابخواری سرآمد هر گناه است ، چنان که درخت آن از هر درختی بالا میرود . (و سرآمد درختها باشد .)

763 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

خوب است کسی که جنازه ای را همراهی می کند ننشیند تا او را در گورش نهند و چون در گور نهادند مانعی نیست که بنشیند .

764 - و امام باقر (علیه السلام) فرمود :

هر کس جنازه ای را از چهار سوی آن حمل کند خداوند چهل گناه کبیره او را ببخشاید .

765 - روایت است که مومن را چنین آزار می دهند :

نخستین ارمغان تو بهشت است و نخستین ارمغان کسی که تو را (تا کنار قبر) همراهی کند ، آمرزش است .

766 - و از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره مردی پرسیدند که (همزمان) به میمهانی و تشییع جنازه ای دعوت می شود ، کدام فضلیت بیشتر دارد و کدامین را بپذیرد ؟

فرمود : به تشییع جنازه رود که یادآور آن حضرت است و میهمانی را واگذارد که یادآور دنیای فانی است .

767 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم

) پیاده در پی جنازه ای به راه افتاد . گفته شد : ای رسول خدا چرا سواره نمی روی ؟

فرمود : خوش ندارم که من سواره روم در حالی که فرشتگان پیاده می روند .

768 - امام صادق (علیه السلام) فرمود : نخستین هدیه ای که به مومن دهند این است که کسانی که به دنبال جنازه اش بودند (و آن را همراهی کرده اند) آمرزیده شوند .

769 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

هر کس به دنبال جنازه ای رود ، برایش چهار قیراط نوشته شود : قیراطی برای همراهی کردن او ، و قیراطی برای نماز بر او ، و قیراطی برای درنگی که می کند تا از دفن او فارغ شود ، و قیراطی برای تسلی و دلداری دادن به بازماندگان او .

امام باقر (علیه السلام) فرمود : هر قیراط برابر با کوه احد است .

770 - و او (علیه السلام) فرمود :

هر کس به دنبال جنازه مسلمانی رود ، روز قیامت به او چهار شفاعت داده شود ، و هر چه گوید (و هر چه دعا کند) فرشته بگوید : به تو نیز مانند آن داده شود .

771 - زراره ، خداوند از او خوشنود باد گفت :

با امام باقر (علیه السلام) بر جنازه مردی از قریش حاضر بودیم ، ((عطاء)) نیز در آن میان بود ، که زنی شیون سر داد . عطا گفت : آرام شوی یا برگردیم ؟ زن آرام نگرفت و عطاء بازگشت . به امام (علیه السلام) گفتم : عطا برگشت .

فرمود : چرا ؟

گفتم : چنان و

چنین شد .

فرمود : با ما بیا . اگر ما با دیدن باطلی ، حقی را واگذاریم ، حق هیچ مسلمانی ادا نشود .

و چون بر جنازه نماز گزارد ، ولی میت به او گفت : رحمت خدا بر شما باد ، راه رفتن بر شما دشوار است ، شما ماجورید ، بازگردید . و امام (علیه السلام) بازنگشت .

گفتم : او اجازه بازگشت به شما داد . و من حاجتی دارم ، و می خواهم آن را از شما درخواست کنم .

فرمود : راه خود رو ، ما به اجازت او نیامده ایم و به اجازت او باز نمی گردیم ، این فضل و کمالی است که ما آن را می جوییم ؛ مرد آن اندازه اجر می برد که در پی جنازه رود .

بخش سوم - دفن و تلقین و زیارت میت

قسمت اول

772 - محمد بن عجلان ، خداوند از او و پدر ، هر دو خوشنود باد ، از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که او فرمود : وقتی میت را نزدیک قبرش بردی یک باره او را به دورن قبر نینداز ، بلکه او را دو ، سه ذراع پایین تر از قبر بنه و بگذار تا برای قبر آماده شود و با شتاب او را نیفکن . و چون او را درون قبری بردی ، سزاوارترین کس به او ، بالای سرش باشد و کفن را از رخسارش باز کند و گونه اش را روی زمین گذارد و نام خدای تعالی را بیاورد و از شیطان به او پناه جوید و فاتحه الکتاب و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل

اعوذ برب الناس و آیه الکرسی را بخواند ، آن گاه آنچه را باور دارد و می دانند بگوید و تلقینش را به او بشنواند؛ شهادت لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِیٌّ وَلِیُّ اللَّه و یک یک آنچه را باور دارد و می داند نام ببرد .

773 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر چیزی دری دارد ، و در قبر پیش پای میت است ، مستحب است که پابرهنه و سربرهنه در قبر روند .

774 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

چون به قبر نگریستی بگو اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رَوْضَةً مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ وَ لَا تَجْعَلْهَا حُفْرَةً مِنْ حُفَرِ النار . بار خدایا ، این قبر را باغی از باغهای بهشت کن و گودالی از گودالهای آتش مکن .

775 - و فرمود :

وقتی میت را در دست گرفتی بگو بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَی مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ ص اللَّهُمَّ إِلَی رَحْمَتِکَ لَا إِلَی عَذَابِک به نام خدا و یاری او و بر کیش و آیین رسول او (این بنده را به خاک می سپارم .) خدایا به سوی رحمت تو می آید نه عذاب تو . و رخسارش را روی خاک بگذار .

776 - و فرمود :

چون میت را در قبر گذاردی ، او را به پهلوی راست رو به قبله کن و گره از کفنش بگشا و رخسارش را روی خاک بگذار .

777 - و فرمود :

وقتی از قبر بیرون آمدی در حالی که دستهایت را از خاک می تکانی بگو : إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُون (108) آن گاه با

پشت دستهایت سه بار خاک روی او بپاش و بگو اللَّهُمَّ إِیمَاناً بِکَ وَ تَصْدِیقاً بِکِتَابِکَ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُه که هر کس چنین کند و این کلمات را بگوید ، خداوند به هر ذره (خاکی که می ریزد) حسنه ای برای او نویسد .

778 - اسماعیل بن عمار ، خداوند ازاو و پدر ، هر دو خوشنود باد ، گفت : شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود : چون در قبر رفتی بگو : بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَی مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ ص اللَّهُمَّ إِلَی رَحْمَتِکَ لَا إِلَی عَذَابِک آن گاه مرده را بیرون می کشی و به پهلوی راست رو به قبله می نهی و گره از کفنش می گشایی و رخسارش را روی خاک می گذاری و می گوئی أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ و حمد و قل هئ الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیه الکرسی را می خوانی و می گویی اللَّهُمَّ یَا رَبِّ عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ نَزَلَ بِکَ وَ أَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنْ کَانَ مُحْسِناً فَزِدْ فِی إِحْسَانِهِ وَ إِنْ کَانَ مُسِیئاً فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَ أَلْحِقْهُ بِنَبِیِّهِ مُحَمَّدٍ ص وَ صَالِحِ شِیعَتِهِ وَ اهْدِنَا وَ إِیَّاهُ إِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ اللَّهُمَّ عَفْوَکَ عَفْوَک آن گاه دست چپ را روی بازوی چپ او می گذاری و به تندی حرکتش می دهی و پس از آن دهانت را به گوش او نزدیک می کنی و می گوئی (یَا فُلَان) إِذَا سُئِلْتَ فَقُلِ اللَّهُ رَبِّی وَ مُحَمَّدٌ نَبِیِّی

وَ الْإِسْلَامُ دِينِی وَ الْقُرْآنُ كِتَابِی وَ عَلِیٌّ إِمَامِی فلانی اگر از تو پرسیدند بگو ، خدا پروردگار من است و محمد پیامبر من و اسلام دین من و قرآن کتاب من و علی امام من است و امامان را یک به یک تا به آخر برمی شمری . و این را سه بار برای او بازمی گوئی و پس از آن می گوئی : أَ فَهِمْتَ یَا فُلَان ؟ فلانی فهمیدی ؟ امام (علیه السلام) فرمود : او پاسخ می دهد و می گوید : آری فهمیدم . آن گاه می گوئی ثَبَّتَکَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ هَدَاکَ اللَّهُ إِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ عَرَّفَ اللَّهُ بَیْنَکَ وَ بَیْنَ أَوْلِیَائِکَ فِی مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ خداوند تو را به این سخن استوار ، پابرجا بدارد و به راه مستقیم هدایت کند و بین تو و پیشوایان تو در جایگاه رحمتش آشنائی و شناسائی دهد . سپس می گوئی اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبَیْهِ وَ اصْعَدْ بِرُوحِهِ إِلَیْکَ وَ لَقِّنْهُ مِنْکَ بُرْهَاناً اللَّهُمَّ عَفْوَکَ عَفْوَک خدایا زمین را از پهلوی او باز و گسترده ساز و روحش را به سوی خودت بالا بر و تو ، خود برهانی به او آموز (و در دهانش بگذار) ، بار خدایا ببخشایش ، ببخشای .

پس از آن ، گل و خشت می گذاری و تا بدین کاری می گوئی اللَّهُمَّ صِلْ وَحْدَتَهُ وَ آنِسْ وَحْشَتَهُ وَ آمِنْ رَوْعَتَهُ وَ أَسْکِنْ إِلَیْهِ مِنْ رَحْمَتِکَ رَحْمَةً تُغْنِیهِ بِهَا عَنْ رَحْمَهِ مَنْ سِوَاکَ فَإِنَّمَا رَحْمَتُکَ لِلظَّالِمِینَ بار خدایا به تنهای او برس ، و مونس وحشت و بی کسی او باش و هول و

هراسش را آرام بخش و از رحمتت رحمتی با او همراه کن تا از رحمت جز خود بی نیازش کنی . که رحمت تو برای ستکاران (به خویشتن) است . سپس از قبر بیرون می آیی و می گوئی إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اللَّهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِی أَعْلَی عِلِّيِّينَ وَ اخْلُفْ عَلَی عَقِبِهِ فِی الْغَابِرِينَ وَ عِنْدَکَ نَحْتَسِبُهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ ما از آن خدائیم و به سوی او باز می گردیم ، بار خدایا مرتبت او را در بالاترین جای بهشت قرار ده و خود جانشین او در میان بازماندگانش باش ، او را در جوار رحمت تو می دانیم (و اجر فقدان او را به حساب تو می گذاریم) ای پروردگار عالیمان .

779 - جابر بن یزید گفت :

امام باقر (علیه السلام) فرمود : سزاوار است که چون کسی از شما مرده خود را به زیر خاک کرد و قبر او را با زمین برابر کرد ، آنجا بماند و بگوید فُلَانَ ابْنَ فُلَانٍ أَنْتَ عَلَی الْعَهْدِ الَّذِی عَهِدْنَاکَ مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ عَلِيّاً أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِمَامُکَ . . . إِلَی آخِرِ الْأَئِمَّةِ ع ای فلان فرزند فلان تو بر همان عهد پایبندی که به تو سپردیم ؛ شهادت به این که معبودی جز الله نیست و محمد رسول خداست و علی امیرالمؤ منین امام توست . . . و امامان را تا به آخر یک یک می شماری . که چون چنین کند ، یکی از دو فرشته گوید : ما را از رفتن به قبر و

پرسش از او بسنده کرد و به او تلقین داد . و فرشتگان باز می گردند و به قبر نمی روند .

780 - روایت است که ،

امیرالمؤ منین (علیه السلام) در قبر ابن مکفف رفت و چون او را در قبرش نهاد فرمود اللَّهُم عَبدُک وَ وَلَدُ عَبْدِک ا للَّهُمَّ وَسِّعْ عَلَيْهِ مَدَاخِلَهُ وَ اغْفِرْ لَهُ ذَنْبَهُ بار خدایا ، بنده تو و فرزند بنده توست ، خدایا او از هر سو ، بر او گسترده ساز و گناهانش را ببخشای .

781 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر گاه خواستی مرده را به خاک سپری ، خردمندترین کس که در قبر می رود بالای سر او رود و گونه راست او را باز کند و به زمین ساید و دهانش را به گوش نزدیک کند و سه بار بگوید : اسْمَعْ و افْهَمْ اللَّهُ رَبُّکَ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّکَ وَ الْإِسْلَامُ دِينُکَ وَعلی إِمَامُکَ اسْمَعْ وَ افْهَم و سه بار این (تلقین) را بازگو کند . و چون مرده را در قبر گذاردی بگو بسم الله و الله اکبر آن گاه او را به پهلوی راست کن و بالشی از خاک برایش ساز و پس پشت او را کلوخ پاک گذار تا به قفا نیفتد و گره های کفنش را جمله بگشا و صورتش را باز کن و چنین دعا کن اللَّهُمَّ عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ وَ ابْنُ أَمَتِکَ نَزَلَ بِکَ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِی قَبْرِهِ وَ لَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَ أَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ وَ قِهِ شَرَّ مُنْكَرٍ وَ نَكِير و خشت روی میت گذار و بگو اللَّهُمَّ

صِلْ وَحْدَتَهُ وَ آنِسْ وَحْشَتَهُ وَ آمِنْ رَوْعَتَهُ وَ أَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِکَ رَحْمَةً تُغْنِيهِ بِهَا عَنْ رَحْمَهِ مَنْ سِوَاکَ فَإِنَّمَا رَحْمَتُکَ لِلظَّالِمِين

782 - و ابوبصير از امام صادق (عليه السلام) نقل كرد كه او فرمود :

هنگامی كه مرده را (از تابوت) بيرون آوردی بگو بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ ص اللَّهُمَّ إِلَى رَحْمَتِکَ لَا إِلَى عَذَابِکَ و چون او را در قبر گذاردی دستهايت را روی دو گوش او بگذار و بگو اللَّهُ رَبُّکَ وَ الْإِسْلَامُ دِينُکَ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّکَ وَ الْقُرْآنُ كِتَابُکَ وَ عَلِيٌّ إِمَامُکَ

783 - زراره گفت :

امام باقر (عليه السلام) فرمود : چون مرده را در قبر گذاردی بگو بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِی سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ ص و آيه الكرسی را بخوان و با دست روی شانه اش بزن و بگو يَا فُلَانُ قُلْ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبّاً وَ بِالْإِسْلَامِ دِيناً وَ بِمُحَمَّدٍ ص نَبِيّاً وَ بِعَلِيٍّ ع إِمَاما و امام زمانش را نام ببر . و دستت را در سمت سر ، روی قبر او بگذار و انگشتهايت را از هم بگشا و روی قبر فشار ده .

784 - محمد بن مسلم گفت :

با امام باقر (عليه السلام) در دفن جنازه ای از ياران بوديم ، چون او را به خاک سپردند امام (عليه السلام) كنار قبر ايستاد و گفت : اللَّهُم جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَ أَصْعِدْ إِلَيْکَ رُوحَهُ وَ لَقِّهِ مِنْکَ رِضْوَاناً وَ أَسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِکَ مَا تُغْنِيهِ بِهِ عَنْ رَحْمَهِ مَنْ سِوَاکَ و پس از آن رفت .

785 - عبيد بن زراره

گفت :

امام صادق (علیه السلام) فرمود : شما را از ریختن خاک روی خویشان نزدیک باز می دارم ، چرا که این کار قساوت قلب می آورد ، و هر کس قسی القلب شد از پروردگارش دور است .

786 - و فرمود :

سنت در پاشیدن آب (روی قبر) این گونه است که رو به قبله باشد و از بالای سر شروع و به سمت پا بیاید و از طرف دیگر ، قبر را دور بزند و پس از آن در میان قبر آب بپاشد . سنت این چنین است .

787 - یحیی بن عبدالله گفت :

شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود : چرا اهل میت دیدار منکر و نکیر را از مردگان خود باز نمی دارند ؟

گفتم : چه کنند ؟

فرمود : وقتی میت تنها شد ، نزدیک ترین کس به او ، در کنار او بماند و دهانش را به سر او نزدیک کند ، و با صدای بلند بگوید یا فلان بن فلان (و اگر مرده از گروه زنان است بگوید) یَا فُلَانَةَ بِنْتَ فُلَانٍ هَلْ أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِی فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيکَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ أَنَّ عَلِيّاً أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ أَنَّ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ ص حَقٌّ وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ أَنَّ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ منکر و نکیر می گویند : از نزد او برویم که حجت و برهانش را به او تلقین دادند .

788 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله

و سلم) فرمود :

چون کسی سه بار پس از دفن میت اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ لَا تُعَذِّبَ هَذَا الْمَیِّت خدایا به حق محمد و آل محمد ، از تو می خواهم که این مرده را عذاب نکنی بگوید ، خداوند آن مرده را عذاب نکند .

789 - در روایت است که ، نیکو باشد که دستت را روی قبر ، نزدیک سر مرده بگذاری و انگشتهایت را از هم بگشائی و بگوئی خَتَمْتُ عَلَیْکَ مِنَ الشَّیْطَانِ أَنْ یَدْخُلَکَ وَ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ یَمَسَّکَ . بر تو مهری در برابر شیطان زدم تا به تو راه نیاید و در برابر عذاب زدم تا به تو نرسد . آن گاه باز می گردی و برای او آمرزش می طلبی .

790 - و امام رضا (علیه السلام) فرمود :

هر کس به (زیارت) قبر برادرش برود و دستش را روی قبر بگذارد و هفت بار (سوره) انا انزلناه را بخواند ، از هراس روز رستاخیز در امان می ماند .

791 - عمرو بن ابی مقدام گفت :

با امام باقر (علیه السلام) به بقیع رفتیم و به قبر مردی شیعی گذر کردیم . امام (علیه السلام) آنجا نشست و چنین گفت : اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَ صِلْ وَحْدَتَهُ وَ آنِسْ وَحْشَتَهُ وَ أَسْکِنْ إِلَیْهِ مِنْ رَحْمَتِکَ مَا یَسْتَغْنِی بِهَا عَنْ رَحْمَهِ مَنْ سِوَاکَ وَ أَلْحِقْهُ بِمَنْ کَانَ یَتَوَلَّاهُ .

792 - ابان از عبدالرحمن نقل کرد که او گفت :

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم : دستم را چگونه روی قبر مسلمانان بگذارم ؟

او در حالی که رو به

قبله داشت با دست به زمین اشاره کرد و دست بر روی زمین گذارد .

793 - اسحاق بن عمار گفت :

به امام کاظم (علیه السلام) گفتم : مومن می داند چه کسی به زیارت قبرش می آید ؟ فرمود : آری ، و تا نزد قبر اوست با او انس دارد و چون برخیزد و بازگردد از رفتنش وحشتی به او دست می دهد .

794 - و امام صادق (علیه السلام) گفت :

حق مومن بر مومن آن است که مهر او را در سینه دارد ، و با مالش او را یاری دهد (و او را در آن سهیم داند) و در برابر کسی که به او ستم می کند یاریش کند ، و اگر غنیمتی در بین مسلمانان قسمت می شود و او غائب است سهم او را بگیرد و چون مرد به زیارت قبرش رود ، و به او ستم نکند و نیرنگ نزند و خیانت نکند ، و تنها و بی یاورش نگذارد ، و غیبتش نکند و دروغ زنش نداند ، و به او اف نگوید (از او اظهار تنفر نکند .)

795 - و فرمود :

خداوند به چیزی برتر از ادای حق مومن پرستیده نشد .

796 - و امام رضا (علیه السلام) فرمود :

نماز شب بگزارید ، هر بنده که در آخر شب برخیزد و هشت رکعت نماز کند و دو رکعت نماز شفع و یک رکعت وتر بگذارد ، آن گاه به قنوت ایستد و در قنوتش هفتاد بار استغفار کند ، از عذاب قبر و عذاب آتش دوزخ پناه داده شود و عمرش دراز

شود و روزیش فراخ گردد .

797 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس پایان عمرش به نماز شب ختم شود ، بهشتی باشد .

798 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر جنازه ای نماز گزارد و چون از نماز فارغ گردید مردم گرد او آمدند و گفتند : ای رسول خدا ، ما به نماز او نرسیدیم .

فرمود : بر یک جنازه دو بار نماز خوانده نشود ، اکنون برایش دعا کنید .

799 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

روی قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سنگریزه های سرخ گسترانیده شده بود .

قسمت دوم

800 - و فرمود :

فاطمه زهرا (علیه السلام) هر بامداد شنبه به زیارت قبر شهیدان می رفت و کنار قبر حمزه (علیه السلام) می آمد و برای او طلب غفران و آمرزش می کرد .

801 - و امام باقر (علیه السلام) فرمود :

چون یکی از بنی هاشم می مرد ، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کاری می کرد که با هیچ یکی از مسلمانان نمی کرد . هرگاه بر هاشمی نماز می گزارد و آب روی قبر او می پاشیدند ، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دستش را روی قبر او می گذارد ، آن گونه که اثر انگشتانش در گل به جای می ماند . و اگر غریبی یا مسافری به مدینه می آمد و آن قبر تازه و اثر دست رسول خدا (صلی الله علیه و آله و

سلم) را می دید می گفت این مرده از آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است .

802 - حمران گفت :

امام صادق (علیه السلام) فرمود : هر کس برادر مسلمانش نزد او بیاید و از آنچه او افزون دارد ، درخواست کند ، او بازش دارد ، خداوند در قبر ماری برانگیزد که تا روز قیامت گوشتش را (به دندان) بگزد .

803 - هر کس از مومنی اندوهی گشاید ، خداوند اندوههای آخرتش را از او بگشاید و از قبرش خنک دل بیرون آید .

804 - و امام باقر (علیه السلام) فرمود :

هر کس برای مرده ای قبری بکند مانند کسی است که او را تا روز رستاخیز در خانه ای مناسب جای داده است .

805 - روایت است که ،

چون وفات امام علی بن الحسین (علیه السلام) فرا رسید ، از هوش شد ، (و پس از به هوش آمدن) فرمود : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَوْرَثَنَا الْجَنَّهَ نَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَیْثُ نَشاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعامِلِین (109)

806 - و (علیه السلام) فرمود :

هر کسی در غیبت قائم ما ، بر دوستی ما بمیرد ، خدای عزوجل پاداش هزار شهید ، چون شهدای بدر و احد به او بدهد .

807 - علی بن عبدالعزیز خراز گفت :

امام صادق (علیه السلام) فرمود : من بوی شما و روح شما و دیدار شما را دوست دارم ، شما بر دین خدا و دین فرشتگان او هستید ، پس این دینداری را با پرهیزکاری یاری کنید . من در مدینه چون تار موئی در جنبشم تا این که

مردی از شما را ببینم ، نزد او آرامش یابم . نه ، به خدا سوگند ، بنده ای که خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را دوست بدارد و امامان (علیه السلام) را به دوستی بگیرد ، آتش ، او را هرگز نگیرد .

808 - و فرمود :

ما به ضمانت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و ضمانت پروردگار سبحانش ، بهشت را برای شما ضامنیم .

809 - و او فرمود :

به خدا سوگند شما چون کسانی هستید که خداوند (درباره آنان) در کتابش فرمود : ما لَنا لا نَرى رِجالاً كُنّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرارِ أَتَّخَذْناهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصار (110) سرکشان گفتند ، چرا ما مردمانی را که آنان را از بدکاران می شمردیم ، در اینجا دوزخ نمی بینیم ؟ ! (در دنیا) آنان را به سخره می گرفتیم و زیر دست خود می داشتیم ، یا آنان با ما در آتشند و چشمهای ما از دیدنشان ناتوان است . به خدا سوگند اگر هر چه در آتش بگردند ، یکی از شما را در آن نمی یابند . و فرمود : به خدا سوگند ، جز شما کسی آمرزیده نمی شود .

810 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

مومن چون بمیرد و برگی از خود به جای گذارد که در آن دانشی نوشته باشد ، آن برگ روز رستاخیز ستری میان او و آتش باشد ، و خدای عزوجل به هر حرفی که روی آن نوشته است شهری هفت برابر این دنیا

به او عطا کند .

811 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کس شهادت لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ را بگوید و شهادت مُحَمد رَسولُ اللهِ را نگوید ، ده حسنه برای او نوشته شود ، و اگر شهادت مُحَمد رَسولُ اللهِ را نیز بگوید ، هزار حسنه برایش نوشته شود .

812 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

خوب عطا و خوب ارمغانی است سخن حکمتی که آن را بشنوی و فراگیری و سپس آن را برای برادر مسلمانت نقل کنی و به او بیاموزی ، که این کار با یک سال عبادت است .

813 - خداوند به موسی (علیه السلام) وحی کرد :

(آنچه) خیر است (و علمِ نیکوست) بیاموز و به مردم آموزش ده که من ، قبر آموزگاران نیکی و خَیر را نورباران می کنم تا از آن مکان احساس وحشت و بی کسی نکنند .

814 - سعید بن جناح گفت :

در محضر امام باقر (علیه السلام) بودم که خود (یک باره) آغاز سخن کرد و فرمود : هر کس رکوعش را کامل کند ، وحشتی در قبر بر او داخل نشود .

815 - روایت است که داود (علیه السلام) (خطاب به پروردگار) گفت :

معبودا ، آن گاه که قبرهای مردگان از بین می رود ، (و اثری از آن بر جای نمی ماند) چه کسی از آنان یاد می کند ؟

وحی آمد که ، ای داود ، من آن زمان که ایشان زنده بودند و روزی می خورند از یادشان نبردم ، چگونه در وقتی که مرده و مرحومند

، از یادشان ببرم ؛ هر زمان که بندی از بندشان بگسلم ، گناهی از آنان ببخشایم ، و به هر تار موئی که از آنان بیفتد و به هر استخوانی که بپوسد آمرزشی نصیبشان می کنم ، من که مهربانترین مهربانانم (چرا چنین نکنم ؟) .

816 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

تا قبر مرده گل اندوده نشده است بانگ اذان را می شنود .

817 - و فرمود : مرده قبر مانند غریق در خون شناور است ، او در انتظار دعایی از یک برادر یا دوست و یا پدر و مادر است تا به او برسد (و دستش را بگیرد) و چون به او رسید ، از هر چه در دنیاست برایش خوشتر است .

818 - داود رقی گفت :

به امام صادق (علیه السلام) گفتم : اگر مرد برای خویشاوند خود و یا دیگری روزه بگیرد ، نفعی برای او دارد (و ثواب روزه به او می رسد ؟) فرمود : آری ، به او می رسد ، آن چنان که به یکی از شما هدیه ای می رسد و از آن شاد می گردد .

819 - عمر بن یزید گفت :

امام صادق (علیه السلام) هر شب برای فرزندش دو رکعت نماز و برای پدر و مادرش هر روز دور رکعت نماز می گزارد ، گفتم ، فدایت شوم ، چگونه شب از آن فرزند شد ؟

فرمود : زیرا فرزند از (بستر گسترده در شب) است .

و او (علیه السلام) ، در آن دو رکعت انا انزلناه فی الیله القدر (سوره

قدر) و انا اعطیناک الکوثر (سوره کوثر) را می خواند .

820 - ابوذر ، خداوند از او خوشنود باد ، گفت :

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود : ای ابوذر ، تو را سفارشی می کنم ، آن را نگه دار (و فرو مگذار) باشد که خداوند تو را بدان نفع رساند :

مجاور گورستان شو تا آخرت را به یادآوری . و گاه گاهی ، هنگام روز ، به زیارت قبرها رو ، شبانگاه مرو ، و مرده را غسل بده ، قلبت تکان می خورد که کالبد تهی از جان ، پندی رسا (برای انسان) است .

بر جنازه ها ، نمازگزار باشد که تو را محزون کند که حزن در امر خدا ، پاداش خیر دارد .

و با مسکینان بنشین و در وقت بیماری به عیادشان رو ، و چون مردند بر آنان نمازگزار و آنچه را (از این کارها) کنی با اخلاص کن .

821 - یکی از اهل بصیرت گفت :

دخترم را که مرده بود در خواب دیدم ، به من گفت : پدر؛ در اینجا برای مردی دوزخی قبر می کنند ، از ایشان بخواه تا او را از من دور کنند . گفت : صبح زود ، آنجا رفتم ، دیدم گورکن به کار کندن است . نگذاشتم . گفت : چرا نمی گذاری ، اینجا گورستان مسلمانان است ؟ و من خوابم را برایش گفتم ، خویشان مرده غمگین شدند و جای دیگری را برایش کندند . شب که شد بار دیگر دخترم را در خواب دیدم ، به من گفت :

پدر تو مسلمانی را رسوا کردی ، و به این پرده دری که تو کردی ، خداوند او را رحمت کرد .

822 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

به مردگان دشنام ندهید که آنان خود به آنچه پیش فرستاده اند ، رسیده اند .

823 - و فرمود :

مردگان را دشنام ندهید ، که زندگان را آزرده کنید .

824 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

هر کس در شب نیمه ماه رمضان صد رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت آن ده بار قل هو الله احد بخواند ، خداوند هنگام مرگش سی فرشته فرستد که او را از آتش در امان نگه دارند و سی فرشته فرستد ، تا شمارش گناهانش را باز دارند .

825 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

هر کسی در مجلسی نشیند تا امر ما را زنده کند ، در روزی که قلبها بمیرند (او زنده دل باشد) و قلبش نمیرد .

826 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس شب عید را زنده نگه دارد ، در روز مرگ قلبها ، (او زنده دل باشد و) قلبش نمیرد .

827 - و او (علیه السلام) به مردی که از سنگدلی نزدش شکایت آورده بود فرمود :

به قبرها بنگر و از زنده شدن مردگان در روز رستاخیز عبرت بگیر .

828 - به امیرالمؤ منین (علیه السلام) گفتند : چرا مجاور گورستان شده ای ؟

فرمود : من اینان را همسایگانی صادق می دانم ، گناهان را پاک می کنند و آخرت را به یاد می

آورند .

829 - و فرمود : ما از عذاب قبر در شک بودیم تا ((أَلْهاکُمُ التَّکاثُر . . .)) نازل شد .

830 - ابن عباس ، خداوند از او خوشنود باد گفت :

مردی، خیمه بر قبری زد ، و نمی دانست که آنجا قبر است ، و تَبَارَکَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْکُ . . . (سوره ملک) را خواند ، و شنید که فریادگری می گوید : این ، نجات بخش است . (مرد) خبر این واقعه را به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رساند . او فرمود : از عذاب قبر ، نجات می بخشد .

831 - ابن عباس گفت :

عذاب قبر از سه چیز است ، یک ثلث از غیبت است ، و یک ثلث از سخن چینی و ثلث دیگر (از پروا نکردن) از بول است .

832 - و امام صادق (علیه السلام) گفت :

عذاب ، قبر بیشتر (از پروا نکردن) از بول است .

833 - و فرمود :

درستکار کسی است که سه کار کند : ترک دنیا کند پیش از آن که دنیا ترک او کند ، و قبر خود را مهیا کند پیش از آن که در آن رود ، و آفریدگار خود را خوشنود کند پیش از آن که با او رو به رو شود .

834 - ثوبان گفت :

با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در گورستانی بودم که او یک باره درنگی کرد و ایستاد و پس از آن به راه افتاد ، بار دیگر ایستاد (و پس از درنگی) به راه افتاد

. گفتم : سبب ایستادن چه بود ؟ او گریست و فرمود : اینان در قبرهایشان عذاب می شوند ، از خدا خواستم (عذاب را) بر آنان سبک گرداند ، او چنین کرد . اگر در ماه رجب روزه می داشتند و شبهایش را به نماز و نیایش می ایستادند ، در قبرهایشان عذاب نمی شدند .

835 - و از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که فرمود :

خدای تعالی دو فرشته دارد به نامهای ناکر و نکیر ، که نزد میت می آیند و از پروردگار و پیامبر و دین و امام او می پرسند ، اگر پاسخ درست داد ، او را به فرشتگان نعمت می سپرند ، و اگر فروماند ، به فرشتگان عذاب می سپرند .

836 - از امام حسن (علیه السلام) روایت است که فرمود :

دنیا ، زندان مومن و قبر ، سرای او ، و بهشت ماوای اوست . و دنیا ، بهشت کافر و قبر ، زندان او و آتش ماوای اوست .

837 - و از ایشان (علیه السلام) نقل است که فرمودند :

خیر ، جمله پس از مرگ است و شر (نیز) جمله پس از مرگ است . دو فرشته هنگامی که نزد بنده صالح می آیند تا عذابش دهند ، پیش او می نشینند؛ نماز او می گوید : از سوی من به او راهی نیست ، چه شبها که او از بیم این جایگاه بیدار ماند . پس از سمت پای او می آیند . رفتن او به سوی مسجدها و عیادت برادرانش می گویند : از سوی

ما به او راهی نیست . و از سمت راست او صدقه و از سمت چپش روزه اوست (که راه را بر عذاب می بندند) ، آن گاه خداوند (قبر)ش را می گسترد و از آن دری به بهشت برای او می گشاید .

838 - روایت است که ،

خدای عزوجل به موسی (علیه السلام) وحی کرد : اگر می خواهی از گناهان برهی به (آسمان) بالایت نگر و عظمت مرا به یادآور ، و به زمین زیر پایت نگر و قبر را به یادآور که زندان من است ، و به جانب راستت نگر و بهشت مرا به یادآور که ثواب من است ، و به جانب چپت نگر و آتش را به یادآور که عذاب من است ، و به پیش رویت نگر و صراط را به یادآور که کمینگاه من است ، و پس پشتت را نگر و فرشته مرگ را به یادآور که فرستاده من به سوی توست .

839 - روایت است که ،

صفی از فرشتگان در جانب راست محتضر (کسی که در حال جان دادن است) ، حاضر می شوند که جامه سبز در بر دارند ، و صفی در جانب چپ او حاضر می شوند که جامه سیاه در بردارند ، و هر دو دسته منتظر گرفتن جان او هستند ، و بیماری باری به این دو دسته و باری به آن می نگرد ، و از هول و هراس نزدیک است که بمیرد . با خود به درگاه خدای تعالی ناله و زاری می کند و می گوید یَا مُجِیبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرِّینَ . ای خدائی که

دعای درماندگان را (بی پاسخ نگذاری) و بپذیری (مرا از این هراس برهان) . در این هنگام خداوند فرشته ای را از میان آسمان به سوی آن مومن می فرستد تا به او بشارت دهد ، و به فرشته مرگ عزرائیل امر می کند تا خود را با نزدیک ترین چهره به او بنمایاند . و چون عزرائیل (علیه السلام) گرفتن جان او را آغاز می کند و تا زانو بالا آید ، او جبرائیل (علیه السلام) را ، که به امر خداوند فرود آمده است تا نزد این بنده آید و به او اجازه بدرود گفتن با همسر و فرزندان را بدهد ، میانجی کند . جبرائیل به او گوید : انتخاب با توست ، بالم را بر تو سایم یا میکائیل را بنگری ؟ او گوید : میکائیل کجاست ؟ یک باره میکائیل (علیه السلام) را می بیند که با گروهی از فرشتگان فرود آمده اند ، به او می نگرد و سلام می کند ، و هنگامی که جانش به شکم و ناف رسید میکائیل را میانجی می کند تا به او مهلتی دهد . میکائیل گوید : انتخاب با توست ، بالم را بر تو سایم یا بهشت را بنگری ؟ و او نگرستن به بهشت را برگزیند ، و خنده سر دهد . و خداوند عزرائیل را فرمان دهد تا با او نرمی کند . و آنگاه که روح (از کالبدش) جدا شد ، دو فرشته گمارده بر او ، در پی او بروند و بر او بگریند و برایش رحمت طلبند و

گویند : خداوند این بنده را رحمت کند ، چه (سخنهای) خیر که به ما شنواند و چه کارهای نیک که ما را بر انجام آن شاهد گرفت . و گویند : پروردگارا ، ما همراه او و بر او گمارده بودیم ، و تو او را به جوار خود بردی ، ما را چه فرمائی ؟

خدای تعالی فرماید : در قبر با او باشید و تا روز رستاخیز برایش رحمت و آمرزش طلبید . و چون روز رستاخیز شود ، آن دو ، برایش مرکبی آورند و او را بر آن نشانند و به سوی بهشت برند و در بهشت خدمتگزار او باشند .

دو نسخه خطی که ما برای تحقیق این کتاب برگزیده بودیم در اینجا به پایان رسید ، لیکن ما روایاتی را در بحارالانوار مرحوم علامه مجلسی مستدرک الوسائل مرحوم محدث نوری ، به نقل از ((الدعوات)) یافتیم ، که آن بازیافته ها را برای تکمیل کتاب در اینجا می آوریم .

باز یافته های کتاب دعوات از بحارالانوار و مستدرک الوسائل1

840) 1 - امام صادق (علیه السلام) فرمود :

ختنه در مردان سنت و در زنان کمال است .

841) 2 - سمره بن جندب گفت :

بسیار می شد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از یاران می پرسید : کسی از شما خوابی دیده است ؟ بامدادی به ما فرمود : دیشب در خواب دو نفر نزد من آمدند و گفتند : راه بیفت . من همراه آنان رفتم و آن دو مرا با خود به سرزمین مقدس (بیت المقدس) بردند . مردی را دیدم که به پلهو خفته است . .

. تا آنجا که فرمود . . . و به راه افتادیم تا به نهری سرخ چون خورشید رسیدیم . در آن نهر مردی شناگر بود که می رفت و باز می گشت ، و در ساحل نهر ، مردی بود که سنگهای زیادی پیرامون خود داشت ، شناگر ، شنا می کرد تا به آن سنگ دار ساحل می رسید و دهان می گشود و مرد ، سنگی به او می خوراند ، و او شناکنان می رفت و دیگر بار باز می گشت ، و هر بار دهان می گشود ، و آن مرد سنگی در دهانش می گذارد .

من به همراهانم گفتم : این دو کیستند و چه می کنند ؟

گفتند : به راه بیفت . تا آنجا که فرمود : گفتند : آن مرد که در نهر شنا می کرد و سنگ فرو می برد ربا خوار بود .

842) 3- روایت است که ، تا تندرست هستی از دارو بپرهیز و چون جنبش بیماری را (در خود) حسد کردی ، پیش از آن که در تو شتاب گیرد ، با باز دارنده ای پیشگیری اش کن .

843) 4 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هشیاری و دوراندیشی (انسان را) از سرنوشت نمی رهاند ، آنچه سرنوشت را دگر می کند ، دعاست ، پس ، پیش از آن که بلا بر شما نازل شود در دعا پیش دستی کنید ، که خداوند با دعا ، بلای نازل شده و نازل نشده را دور می کند .

844) 5 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود

:

دعا کلید رحمت و چراغ ظلمت است .

845) 6 - روایت است که ، بر کسی که عقل از کف داده است ((یس)) بخوانند ، یا بنویسند و (آب) آن را بنوشد ، و اگر آن را با آب زعفران بر ظرفی بلورین نویسد نکوتر باشد ، و شفا یابد .

846) 7 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

(مصیبت زاده را) به شکیبائی فرا خواندن و دلداری دادن (پاداش) بهشت دارد .

847) 8 - مردی از یاران امام صادق (علیه السلام) نزد او آمد ، امام (علیه السلام) چون به او نگریست ، فرمود : تو را محزون می بینم ؟

گفت : پسری ، نور چشمی داشتم ، مرد .

او (علیه السلام) این ابیات را مثال آورد :

عَطِیَّتُهُ إِذَا أَعْطَی سُرُورٌ

وَ إِنْ أَخَذَ الَّذِی أَعْطَی أَثَابَا

فَأَیُّ النِّعْمَتَیْنِ أَعَمُّ شُکْراً

وَ أَجْزَلُ فِی عَوَاقِبِهَا إِیَاباً

أَ نِعْمَتُهُ الَّتِی أَبْدَتْ سُرُوراً

أَوِ الْأُخْرَی الَّتِی ادَّخَرَتْ ثَوَابا

وقتی هدیه می دهد ، شادمانی می آورد ، و چون هدیه اش را گرفت ، ثواب می دهد . پس کدام یک از دو نعمت شکری فراگیرتر دارد و سرانجام بهره فراوان تری عاید می کند ؟ آن نعمتش که شادمانی می آورد و یا دیگری که ثوابی اندوخت ؟

و فرمود : اگر از (فقدان فرزند) اندوهی به تو دست داد ، اشک بریز ، سوز درونت آرام می گیرد .

848) 9 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

یک فرزند که مرد (در حیات خود) پیش می فرستد ، برتر از هفتاد فرزند است که باقی بمانند و سر تا

پا مسلح با امام قائم (علیه السلام) باشند .

849) 10 - حسن بصری گفت :

فرزند بد چیزی است ، اگر زنده بماند به رنجم اندازد ، و اگر بمیرد درمانده ام کند . این سخن به امام زین العابدین (علیه السلام) رسید ، فرمود : دروغ گفته است . به خدا سوگند ، فرزند چیز خوبی است ، اگر زنده بماند دعا گویی حاضر است و اگر بمیرد شفاعتگری سابق (111) است .

850) 11 - ام سلمه گفت :

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :به هر کسی مصیبتی رسید و چنان که خداوند او را امر کرده است إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّاÀإِلَيْهِ رَاجِعُونَ (112) اللَّهُمَّ أْجِرْنِی مِنْ مُصِيبَتِی وَ أَعْقِبْنِی خَيْراً مِنْه ما از آن خدائیم و به سوی او باز می گردیم . بار خدایا مرا پاداش این مصیبت ده و بهتر از آنم را جایگزین کن . گفت ، خداوند با او چنین کند (که گوید) .

ام سلمه گفت : وقتی ابوسلمه وفات یافت من این را گفتم ، لیک پس از آن گفتم : کسی مثل ابوسلمه پیدا نمی شود ، که خداوند رسولش ، (صلی الله علیه و آله و سلم) را برایم جایگزین کرد و او ، مرا به همسری گرفت .

851) 12 - و امام باقر (علیه السلام) فرمود :

هر مومنی که به مصیبتی در دنیا دچار شود و در مصیبتش إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ گوید ، خداوند گناهان گذشته اش را بیامرزد .

852) 13 - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود

:

هر مسلمانی که مصیبتی به او رسد ، اگر چه کهنه باشد ، و برای آن استرجاعی تازه گوید ، خداوند برای او منزلتی تازه پدید آورد ، و به او پاداشی چون پاداش روزی که آن مصیبت به او رسیده بود ، عطا کند . و هر نعمتی را که بنده به یاد آورد ، اگر چه عهد آن دیرین باشد ، و الحمدلله گوید ، خداوند پاداش آن را همانند روزی که دارای آن نعمت شد ، از نو به او بدهد . و فرمود : و مصیبت زدگانی باشند که از مصیبتشان ناشکیبی کنند و رهگذری بر آنان بگذرد و استرجاع گوید ، و اجری بیش از آنان یابد .

853) 14 - امام صادق (علیه السلام) هنگام مصیبت می فرمود :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْ مُصِیبَتِی فِی دِینِی وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ شَاءَ أَنْ تَکُونَ مُصِیبَتِی أَعْظَمَ مِمَّا کَانَتْ لَکَانَتْ ستایش آن خدای را که مصیبت مرا در دینم نهاد (و دینم از دست نشد .) و ستایش آن خدای را که اگر می خواست مصیبتم را بزرگتر از این باشد ، می شد .

854) 15 - امام صادق (علیه السلام) پسری داشت . (روزی) در برابرش راه می رفت که ناگاه گلویش گرفت و مرد . و او گریست و فرمود : اگر گرفتی ، وانهادی ، واگر مبتلا کردی ، سلامتی دادی . آنگاه کودک را به میان زنان برد . زنان چون او را دیدند ناله سر دادند و او سوگندشان داد که ناله و فریاد نکنند . و هنگامی که او را برای

دفن بیرون برد ، فرمود : پاک و منزه است خدائی که فرزندان ما را می کشد و مهر ما به او افزون می شود . و چون او را به خاک سپد ، فرمود : خداوند قبرت را فراخ کند ، و تو را با پیامبرت یکجا گرد آورد .

855) 16 - و فرمود : ما مردمانی هستیم . که آنچه بخواهیم . برای آنان که بخواهیم . از خداوند می طلبیم و او به ما عطا می کند؛ و چون او ناخوشایندی را برای کسی که ما دوستش داریم . بخواهد خرسند باشیم .

856) 17 - و او (علیه السلام) فرمود :

ما بسیار صابریم و شیعیان ما به خدا سوگند از ما صابرترند؛ زیرا ما صبر بر چیزی کرده ایم که از آن آگاهیم و آنان بر چیزی صبر کرده اند که از آن بی خبرند .

857) 18 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

(بسا) مومن که بامدادی حزین و شامگاهی حزین داشته باشد و او را جز این درست نکند و نیکو نسازد؛ لحظه های غم کفاره گناهان است .

858) 19 - امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

مومن در سختی ها شکیباست و در پیشامدها و بلاها آرام و پابرجاست ، و به آنچه دارد خرسند و پذیراست ، مصیبتها بر او گران نیاید ، و به کسی که دشمنش دارد ستم نکند ، و برای آن که دوستش دارد گناه نکند ، مردم از او در آسایشند و نفس (بدگرای) او ، از او در عذاب است .

859) 20 - و امام زین العابدین (علیه السلام

) فرمود :

امیرالمؤ منین (علیه السلام) دچار مصیبتی نشد مگر این که در آن روز هزار رکعت نماز گزارد و به شصت مسکین صدقه داد و سه روز روزه گرفت . و به فرزندانش فرمود : چون مصیبتی به شما رسید ، چنان کنید که من می کنم . من رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را دیدم که چنین می کرد؛ پس از روش پیامبرتان پیروی کنید و خلاف او رفتار نکنید : که خداوند با شما دگر کند؛ خدای تعالی می فرماید وَ لَمَنْ صَبَرَ وَ غَفَرَ إِنَّ ذلِکَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُور (113) و هر کس شکیبائی کند و درگذرد ، به درستی این عمل از کارهای جد و قصه های استوار و درست است . آنگاه به امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود : من براین شیوه امیرالمؤ منین (علیه السلام) بوده و هستم و همواره به آن رفتار می کنیم .

860) 21- او (علیه السلام) فرمود :

خوشنود بودن به ناخوشایندها ، بالاترین درجات پرهیزکاران است .

861) 22 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

مصیبتها میان مردم ، برابر قسمت شده اند .

862) 23 - و فرمود :

هر که را صبر نرهاند ، ناشکیبی هلاک کند .

863) 24 - و امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود :

هر کس شب قدر غسل کند و تا سر زدن سپیده شب زنده داری کند ، از گناهانش بیرون رود .

864) 25 - و از ایشان (علیه السلام) است که فرمودند :

این دعا را پس از هر نماز بخوانند : هر بیماری یا

درد را که داری ، نمازت را که گزاردی به سجده گاهت از زمین ، دست بسای و این دعا را بخوان و هفت بار دستت را بر محل درد بمال و بگو :

يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِی كَذَا وَ كَذَا وَ ارْزُقْنِی كَذَا وَ كَذَا وَ عَافِنِی مِنْ كَذَا وَ كَذَا (و به جای کذا و کذا آنچه می خواهی به زبان آور .)

865) 26 - و امام زین العابدین (علیه السلام) چون بامداد می شد ده بار می فرمود : أُقَدِّمُ بَيْنَ يَدَیْ نِسْيَانِی وَ عَجَلَتِی بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ فِی سَفَرِی هَذَا ذَكَرْتُهُ أَوْ نَسِيتُهُ من اگر از یاد بردم یا شتاب کردم ، به نام خدا و آنچه خدا خواهد را ، در برابر هر آنچه که امروز با آن روبرو می شوم ، پیش می فرستم ، چه این را به یاد داشته باشم و یا از یاد برده باشم .

و شامگاه که می شد نیز همین دعا را می خواند .

866) 27 - فضل بن سیار از امام رضا (علیه السلام) نقل کرد که او فرمود :

فراگیرترین و زود اجابت شونده ترین دعا ، دعای مومن برای برادر خود ، در غیاب اوست .

867) 28 - و از او (علیه السلام) روایت است که فرمود :

فیروزترین و زود اجابت ترین دعا ، دعای برادر برای برادر خود؛ در غیاب اوست (دعا کننده) شروع به دعا برای برادر خود کند و بدو پردازد ،

فرشته گمارده ای به گوید : آمین (پروردگارا دعایش را برآور) ، تو ، دو چندان آن داری .

868) 29 - ابن ابی عمر از زید نرسی روایت کرد که او گفت :

با معاویه بن وهب در موقف (عرفات) بودیم و او دعا می کرد . گوش سپردم ، کلمه ای برای خود دعا نمی کند و برای مردمانی از این سو و آن سو دعا می کند و نام ایشان و نام پدرانشان را بر زبان می آورد ، تا مردم از آنجا رفتند . گفتم : عمو ، چیز شگفتی از تو دیدم .

گفت : چه چیزش شگفت بود ؟

گفتم : اینکه در چنین جایگاهی برادرانت را بر خود پیش دانستی و یک یک آنان را به یاد آوردی .

گفت : برادرزاده ، از این درشگفت مباش ، من از مولایم و مولایت و مولای هر مرد و زن و به خدا سوگند مهتر جمله گذشتگان و بر جای ماندگان پس از پدرانش (علیه السلام) ، شنیدم ، و اگر نشنیده می گویم دو گوشم کر و دو چشمم کور باد و از شفاعت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) محروم باشم . شنیدم او می فرمود : هر کس در غیاب برادرش ، به او دعا کند ، فرشته ای از آسمان دنیا او را آواز می دهد که ، ای بنده خدا ، تو را صد هزار برابر آنچه دعا کردی ، هست . و فرشته ای از آسمان دوم آواز می دهد که ، تو را دویست هزار برابر آنچه دعا کردی هست . و

فرشته ای از آسمان سوم آواز می دهد که ، ای بنده خدا ، تو را سیصد هزار برابر آنچه دعا کردی هست . و فرشته ای از آسمان چهارم آواز می دهد که ، ای بنده خدا ، تو را چهارصد هزار برابر آنچه دعا کردی هست . و فرشته ای از آسمان پنجم آواز میدهد که ، ای بنده خدا ، تو را پانصد هزار برابر آنچه دعا کردی هست . و فرشته ای از آسمان ششم آواز می دهد که ، ای بنده خدا ، تو را ششصد هزار برابر آنچه دعا کردی هست . و فرشته ای از آسمان هفتم آواز می دهد که ، ای بنده خدا ، تو را هفتصد هزار برابر آنچه دعا کردی هست .

آن گاه خدای تبارک و تعالی او را خطاب کند و گوید : من آن بی نیازم که تهیدست نشوم ای بنده خدا تو را هزار هزار برابر آنچه دعا کردی هست .

برادر زاده کدامین مرتبه برتر است آنچه من برای خویشتن برگزیدم یا آنچه تو مرا بدان می خوانی ؟

869) 30 - جابر گفت :

امام باقر (علیه السلام) درباره این کلام خدای تعالی وَ یَسْتَجِیبُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ یَزِیدُهُمْ مِنْ فَضْلِه (114) و خداوند (دعای) کسانی را که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند ، برآورد و از فضل خود به آنان افزون دهد فرمود او همان مومن است که در غیاب برادر خود به او دعا کند و فرشته ای به او گوید : به تو (نیز) مانند آنچه (برای برادرت) خواستی عطا شود .

و چون دوستش داری این عطا را به تو دهند .

870) 31 - حکایت این است که ،

مردی درستکار در مسجد ، پس از فراغت از نماز برای برادرانش دعا می کرد . چون از مسجد بیرون آمد خبر یافت که پدر مرده است ، از کفن و دفن پدر که فارغ شد . به تقسیم میراث او میان برادرانی که برایشان دعا می کرد ، پرداخت .

به او گفتند : در مسجد ، این دعا را برای ایشان می کردی ؟

گفت : من بهشت جاوید برای آنان درخواست می کردم ، اکنون از این مال فانی بدیشان بخل ورزم ؟ !

871) 32 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

مردم به نیکوکاریهایشان بیشتر می زیند تا به عمرهایشان ، و به گناهانشان بیشتر می میرند تا به اجلهایشان .

872) 33 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

از گناهان بپرهیزید و برادرانتان را از آن بازدارید؛ به خدا سوگند کیفر گناهان به سوی شما از دیگران شتابان تر است ، چرا که شما روز رستاخیز بدانها بازخواست نمی شوید .

873) 34 - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود :

هر مومنی که در دولت باطل به رفاهی رسد ، پیش از مرگ ، در بدن یا مالش به بلائی دچار شود تا نصیب خود را در دولت حق ، تمام دریابد .

874) 35 - و امام موسی بن جعفر (علیه السلام) از پدارانش (علیه السلام) نقل کرد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

ستارگان در آسمان مایه اهل آسمانند و چون پراکنده شوند

آنچه به آسمانیان وعده داده شده است نزدیک شود ، و کوهها مایه ایمنی اهل زمینند و چون به جنبش و روش آیند ، آنچه به زمینیان وعده داده شده است نزدیک شود .

باز یافته های کتاب دعوات از بحارالانوار و مستدرک الوسائل2

875) 36 - امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود :

نزد سرورمان امام صادق (علیه السلام) بودم که اشجع به مدیحه سرائی آمد ، لیک امام را بیمار یافت و نشست و دم فرو بست . مهتر به او فرمود : از بیماری بگذر و آنچه آواز آوردی بخوان .

و او چنین سرود :

أَلْبَسَکَ اللَّهُ مِنْهُ عَافِیَهً

فِی نَوْمِکَ الْمُعْتَرِی وَ فِی أَرَقِکَ

یُخْرِجُ مِنْ جِسْمِکَ السِّقَامَ کَمَا

أَخْرَجَ ذُلَّ السُّؤَالِ مِنْ عُنُقِکَ

در خواب و بیخوابی خداوند جامه تندرستی به تو پوشاند ،

جمله بیماریها را از تنت بیرون برد ، آن سان که خواری خواهش را از گردنت برداشت و بیرون برد .

امام (علیه السلام) فرمود : غلام چه داری ؟

گفت : چهارصد درهم .

فرمود : آن را به اشجع بده .

او گرفت و سپاس گفت و روی به بازگشت نهاد .

امام (علیه السلام) فرمود : او را بازگردانید .

گفت : سرورم درخواست کردم ، عطایم دادی و بی نیازم کردی ، از چه روی مرا باز گرداندی ؟

فرمود : پدرم از پدرانش (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برایم حدیث کرد که او فرمود :

((بهترین عطا آن است که نعمتی دیرپا باشد)) آنچه به تو دادم برایت نمی ماند ، انگشتریم را بگیر؛ اگر در ازای آن ده هزار درم به تو دادند (نگهش دار) وگرنه در فلان وقت به من بازگردان

تا آن (ده هزار درم) را به تو بدهم .

گفتم : سرورم بی نیازم کردم من سفر می کنم و به راهها و بیابانهای هولناکی می رسم به من چیزی بده تا بدان بر جانم بیمناک نباشم .

فرمود : هرگاه از چیزی در هراس افتادی ، دستت را روی سر بگذار و با آوای بلند بخوان .

أَ فَغَيْرَ دِينِ اللّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (115) آیا جز دین خدا ، دینی می جویند ، حال آن که هر کس در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه فرمانبر اوست و به سوی او بازگردانده می شوند .

اشجع گفت : (در سفری) به بیابانی رسیدم که جنیان در آن بازی و (مردم آزاری) می کردند . شنیدم گوینده ای (از آنان) می گفت : او را بگیرید . و من آن آیه را خواندم . کسی از آنان گفت : چگونه او را بگیریم در حالی که به آیه ای پاک و نیکو پناه جسته است ؟

876) 37 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس از خدا بترسد ، نیرومند بزید و در سرزمین دشمنش ایمن و (بی گزند) برود .

877) 38 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

بر حرام خدا صبر کردنت آسان تر باشد تا بر عذاب قبر صبر کردن ، وهر کس بر (خواست) خدا صبر کند ، به او برسد .

878) 39 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

سخنی مگو که به کارت نیاید و

از بسیاری از سخنها که به کارت آید (نیز) بگذر .

879) 40 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

شرافتمندانه ترین خوی بزرگواری (درتو) آن است آنچه را می دانی نادیده انگاری .

880) 41 - و فرمود :

به فرزندان دیگران نیکی کنید ، به فرزندانتان نیکی میشود .

881) 42 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

غیبت نکردن (در پس دیگران بد نگفتن) نزد خدای عزوجل ، خوشتر از هزار رکعت نماز مستحب است .

882) 43 - و فرمود :

خبر دهم که بهترین شما کیست ؟

گفتند : آری ای رسول خدا .

فرمود : ناتوان ستمدیده .

883) 44 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

آن کس که به تو ستم کرد ، تو را نفع رساند و به خویشتن زیان رساند .

884) 45 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

چون نزد پادشاهی ستمکار رفتنی هنگام نگریستن به او سه بار قل هو الله احد ، بخوان و دست چپت را درهم کن و بازنگشا تا بیرون روی .

885) 46 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

روز سه شنبه سفر کنید و حاجتها را در آن روز بجوئید ، که آن روزی است که خداوند در آن آهن ، را برای داوود (علیه السلام) نرم کرد .

886) 47 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روز پنجشنبه یاران را به کارزار می برد ، و اگر به ضرورت در روزی جز آن (می رفت) از خداوند خیر و عافیت می طلبید و صدقه ای

می داد و به نام خدا ، یاران را می برد .

887) 48 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

آن کسی که عمامه بر سر نهد و از خانه بیرون رود ، من ضامنم که تندرست به جمع (خانواده) باز گردد .

888) 49 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از جبرائیل (علیه السلام) نقل کرد که گفت :

هر کس قصد سفری دارد ، دو دسته چهارچوب را به دست گیرد و یازده بار قل هو الله احد بخواند ، خداوند تا بازگردد نگاهبان اوست .

889) 50 - و فرمود :

اگر مرد ، هنگام سوار شدن بر اسب ، نام خدا را بر زبان آورد ، فرشته ای پشت او نشیند و نگاهش دارد و تا به زیر آید ، و اگر سوار شود و خدا را یاد نکند ، شیطان پشت او نشیند .

890) 51 - و امام صادق (علیه السلام) فرمود :

چون خواستی به سفری روی ، تا صدقه ای ، بیش یا کم ، نداده ای ، پای در رکاب نگذار .

معلی بن خنیس گفت : گفتم ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ، بیش و کم را میزانی هست ؟

فرمود : از گرده ای نان گرفته تا بیش از آن ؛ هر قدر بیشتر دهی در روا کردن حاجتت کاری تر است .

891) 52 - و فرمود :

هر گاه قصد سفری داشتی وضوئی بساز ، آن گونه که برای نماز می سازی و اهل خانه را یکجا گرد آور و دو رکعت نماز بگزار و پس

از سلام ، بگو اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ السَّاعَهَ نَفْسِی وَ أَهْلِی اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ وَ أَنْتَ الْخَلِیفَه بار خدایا ، در این هنگام خودم و خانواده ام را به تو می سپارم ، خدایا تو در سفر همراه منی و در میان خانواده به جای منی و چون پای بر در نهادی بگو بِسْمِ اللَّهِآمنت بالله تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّه ما شاء اللهِ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ به نام خدا . به خدا ایمان آوردم و بر خدا تکیه و توکل کردم ، و بدانچه خدا خواهد (خرسندم) که نیروئی جز به (خواست) خدا نیست .

892) 53 - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس بد همسایگی می کند ، همسفر ما نشود .

893) 54 - و فرمود :

بر آزار کسی که از تو بزرگتر یا کوچکتر یا بهتر و یا بتر است ، بردبار باش ، که اگر چنین باشی خدای عزوجل را در حالی دیدار کنی که خداوند نزد فرشتگان ، به تو می بالد .

894) 55 - و امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود :

دوشیزه بگیرید ، اگر چه مانده باشد ، و از جاده روید اگر چه پیچ و خم باشد ، و شهر نشین شوید اگر چه در بیراهه باشد .

895) 56 - و فرمودند : (هنگام سفر) در خنکای روز (صبح و عصر) راه پیما ، و در نیمه روز فرود آی و بیارام و در آخر شب رو ، و سر شب مرو .

896) 57 - و فرمودند :

هنگام پیمودن راه (در سفر) می گوئی اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِیلَنَا وَ أَحْسِنْ تَسْیِیرَنَا

وَ أَحْسِنْ عَافِيَتَنَا

خدایا ، راه ما را همواره کن و از هر گزند ایمن ساز ، و پیمودن راه را بر ماخوش و آسان کن و سلامتمان دار ، نیکو ساختی .

897) 58 - معلی بن خنیس گفت : به امام صادق (علیه السلام) گفتم :

اگر این کار (فرمانروائی) به دست شما بیفتد ، زندگی خوشی با شما خواهیم داشت .

فرمود : به خدا سوگند ، اگر این کار به دست ما افتد ، جز خوردن نان خشک و پوشیدن جامه درشت (در میان) نباشد . (116)

898) 59 - و او (علیه السلام) به مفضل بن عمر فرمود :

اگر این کار به دست ما افتد ، زندگی ما همان زندگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و شیوه ما همان امیرالمؤ منین (علیه السلام) باشد .

899) 60 - ابوهاشم گفت : بر مرکبی نشستم و گفتم سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنّا لَهُ مُقْرِنِين (117) پاک و منزه است آن خدای که این را رام ما کرد و گرنه ما را توان رام کردنش نبود . که یکی از دو نواده رسول صصاین سخن را از من شنود و فرمود : تو به گفتن این سخن امر نشده ای ، بلکه امر داری که چون بر مرکب نشینی نعمت پروردگارت را به یادآوری . خدای عزوجل می فرماید تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ (118) تا چون بر مرکب نشیند ، نعمت پروردگارتان را به یاد آورید .

گفتم : پس چه بگویم ؟

فرمود : بگو الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی

مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَنَا فِی خَيْرِ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاس ستایش آن خدای را که ما را به اسلام ره نمود ، و ستایش آن خدای را که به محمد و و آل او بر ما منت نهاد ، و ستایش آن خدای را که ما را برترین امتی قرار داد که برای هدایت مردم به گیتی گسیل داشته است و چون این نعمتهای بزرگ را برشمردی ، آن گاه بگو سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنّا لَهُ مُقْرِنِين

900) 61 - ابن عباس گفت : عون بن مالک اشجعی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت : ای رسول خدا ، پسرم را دشمن به اسارت گرفته است و غمم انبوه گشته و کاسه صبرم لبریز شده است ، مرا چه فرمائی ؟

فرمود : تو را می گویم که در هر حال لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّه بسیار بگوئی .

و او در حالی که بانگ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّه عَلَی كُل حَال را بر لب داشت ، بازگشت و بر چنین حال بود که ناگاه پسر را دید که با صد شتر باز آمده است مشرکان از شترها غافل شده بودند و او ، آنها را بدین سو ، سوق داده بود .

اشجعی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و قصه باز گفت . و این آیه نازل شد وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لايَحْتَسِبُ (119) و هر کس از خشم خدا بپرهیزد خداوند از

هر سختی و تنگی راه خروجی برای او گذارد و از جائی که به گمانش نرسد ، روزیش را رساند .

901) - 62 ربیعه بن کعب گفت :

شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ، می فرمود : پس از من فتنه ای باشد ، چون چنین شد شما با علی بن ابیطالب باشید .

902) - 63 حمران ، امام باقر (علیه السلام) را از آنچه به امیرالمؤ منین و حسن و حسین (علیه السلام) رسیده بود ، پرسید ، که سرکشان بر ایشان فیروز گشتند و آنان را کشتند (چگونه این قتل و غلبه بر ایشان رواست ؟)

فرمود : حمران ، اگر آنان هنگام رسیدن بلا و نزول امر خدا و چیرگی سرکشان بر ایشان ، از خداوند دفع آنان را می خواستند خداوند آنان را به کناری می زد ، و آن گاه دوران فرمانروائی سرکشان از گسستن تسبیحی به رشته کشیده زودتر می شد .

حمران ، آنچه را بدیشان رسیده نه به گناهی بوده که مرتکب شده باشند و نه کیفر معصیتی که بدان خدای را نافرمانی کرده باشند ، بلکه برای منزلت و مقام و کرامتی بود که خداوند خواسته بود تا ایشان را به آن برساند .

903) 64 - هنگامی که امیرالمؤ منین (علیه السلام) به نهروان رسید و (در آنجا) فرود آمد ، از جمیل بن بصیهری ، کابت انوشیروان پرسید . گفتند : او زنده است و روزگار می گذراند . فرمود تا او را بیاورند . چون آمد ، امیرالمؤ منین (علیه السلام) ، جمله حواس او ،

جز دیدگانش را سالم یافت ، با ذهنی صاف و درک و قریحه ای درست و تمام . از او پرسید : جمیل ، انسان چگونه باشد سزاست ؟

گفت : سزاست که انسان اندک دوست و بسیار دشمن باشد .

فرمود : جمیل ، سخنی نو گفتی ، مردم جمله براینند که دوستان بسیار داشتن ، نیکوتر است .

گفت : چنان نیست که مردم می پندارند ، دوستان چون بسیار باشند و در پی حاجت انسانی روند چنان که باید و شاید بدان نمی پردازند و کار ایشان به این مثل ماند که ، کشتی ناخدایان غریق شد .

امیرالمؤ منین (علیه السلام) فرمود : من این را آزمودم و درست یافتم . اکنون بگو منفعت دشمنان بسیار چیست ؟ گفت : دشمنان چون بسیار باشند ، انسان پیوسته در احتیاط و پرهیز به سر می برد ، مباد سخنی گوید که بر آن خرده گیرند یا لغزشی از او سر زند تا بدان بازخواست شود ، و با این حال ، پیوسته از خطاها و لغزشها سالم می ماند . پس امیرالمؤ منین (علیه السلام) این سخن را از او ، نیکو شمرد و پسندید .

پایان ترجمه ، تابستان سال یک هزار و سیصد و هفتاد و نه هجری خورشیدی .

و آخر سخن ما حمد بی پایان اوست

پی نوشتها

1- غافر / 60.

2- نساء / 142

3- محمد / 19.

4- بقره / 153.

5- مریم / 31.

6- فرقان / 67.

7- غافر / 60.

8- بقره / 124.

9- یوسف /87

10- لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْءَانَ عَلى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَشِعاً مُّتَصدِّعاً مِّنْ خَشيَهِ اللَّهِ وَ تِلْک الاَمْثَلُ نَضرِبهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ

يَتَفَكَّرُونَ

هُوَ اللَّهُ الَّذِی لا إِلَهَ إِلا هُوَ عَلِمُ الْغَيْبِ وَ الشهَدَهِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

هُوَ اللَّهُ الَّذِی لا إِلَهَ إِلا هُوَ الْمَلِک الْقُدُّوس السلَمُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكبرُ سبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يُشرِكونَ

هُوَ اللَّهُ الْخَلِقُ الْبَارِئُ الْمُصوِّرُ لَهُ الاَسمَاءُ الْحُسنى يُسبِّحُ لَهُ مَا فى السمَوَتِ وَ الاَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الحْكِيمُ

شش آیه اول سوره حدید:

بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سبَّحَ للَّهِ مَا فى السمَوَتِ وَ الاَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الحْكِيمُ

لَهُ مُلْک السمَوَتِ وَ الاَرْضِ يحْىِ وَ يُمِيت وَ هُوَ عَلى كلِّ شىْءٍ قَدِيرٌ

هُوَ الاَوَّلُ وَ الاَخِرُ وَ الظهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكلِّ شىْءٍ عَلِيمٌ

هُوَ الَّذِی خَلَقَ السمَوَتِ وَ الاَرْض فى سِتَّهِ أَيَّامٍ ثمَّ استَوَى عَلى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فى الاَرْضِ وَ مَا يخْرُجُ مِنهَا وَ مَا يَنزِلُ مِنَ السمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا وَ هُوَ مَعَكمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

لَّهُ مُلْک السمَوَتِ وَ الاَرْضِ وَ إِلى اللَّهِ تُرْجَعُ الاُمُورُ

يُولِجُ الَّيْلَ فى النهَارِ وَ يُولِجُ النهَارَ فى الَّيْلِ وَ هُوَ عَلِيمُ بِذَاتِ الصدُورِ

دو آیه آل عمران :

هُوَ الَّذِی يُصوِّرُكمْ فى الاَرْحَامِ كَيْف يَشاءُ لا إِلَهَ إِلا هُوَ الْعَزِيزُ الحْكِيمُ

شهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلَهَ إِلا هُوَ وَ الْمَلَئكَهُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائمَا بِالْقِسطِ لا إِلَهَ إِلا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكيمُ

11- روایت دیگری مناسب این مقام ، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل است ، که او فرمود: برادرم عیسی (علیه السلام) به شهری

گذر کرد، و مرد و زنی را دید که بر سر هم بانگ و فریاد می کشند.

فرمود چرا ستیز می کنید؟

مرد گفت : ای پیامبر خدا، همسرم زنی درستکار است و بزهی ندارد، ولی

من می خواهم از او جدا شوم ، او با سن کمی که دارد پیر چهره و زشت رو شده است .

عیسی (علیه السلام) فرمود: ای زن ، می خواهی بار دیگر طراوت و شادابی به چهره ات بازگردد.

زن گفت : آری .

فرمود: سیر از پای سفره برنخیز؛ زیرا وقتی غذا در معده بسیار شد به بدن افزوده می گردد و طراوت رخسار از بین می رود. زن به این سفاش عمل کرد و شادابی و خرمی به چهره اش بازگشت .

قصص الانبیاء قطب راوندی ، باب 18 ح 328.

12- اعراف / 31و

13- روشن است که دراز کشیدن غیر از خفتن بعد از غذاست که قساوت قلب می آورد.

14- آل عمران ، 26.

15- آل عمران / 18.

16- آیات 286 / 284.

17- فصلت / 2 - 1.

18- شوری /3 - 2 - 1.

19- انفال /11.

20- ص / 42.

21- فرقان / 48.

22- انفال /66.

23- بقره /178.

24- نساء /28.

25- بقره / 137

26- کهف / 39.

27- بقره /201.

28- نحل /105.

29- قصص /77.

30- رعد /21.

31- مدثر /4.

32- اعراف /54.

33- الرحمن /35 - 33.

34- صافات /182 - 180.

35- صف /4.

36- (نور /35.)

37- سباء /49.

38- باطل چنین است تو که بر آئین حقی دست به کار شو و مسکینان را دستگیری کن و دهان کسانی را که چشم به یاری تو دارند نیمه باز نگذار.

39- امام رضا (علیه السلام) فرمود: سداب عقل را زیاد می کند ولی آب پشت را از هم می پاشد.

مستدرک الوسائل ج /16 باب /88 ح /3 ص /427.

40- تکاثر /8.

41- نور /43.

42- در روایات تره صحرائی را، بهترین سبزی ها و درمان کننده درد طحال

، (مستدرک ج /16 ص /419) و سبزی مورد علاقه امام صادق (علیه السلام) (وسائل ج /25 ص /215) معرفی کرده اند. لیکن از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل است که فرمود: من فرشته ای دارم . که از بوی آن آزرده می شود. (وسائل ج /25 ص /192) و شاید سبب همین باشد که امام صادق (علیه السلام) برای خوردن آن از مدینه به عریض می رفت (وسائل ج /25 ص /215).

43- از موفقق خادم امام کاظم (علیه السلام) نقل است که ، امام (علیه السلام) هنگم خرید سبزی امر می فرمود که بسیار بخرند، و سبزی شاهی نیز از آن جمله بود. (وسائل /ج 25 /ص 197)

44- اسراء 111 - 110.

45- توبه 129 - 128.

46- حدید /23.

47- مؤ من /65.

48- شوری /30.

49- انبیاء /35.

50- به درستی که انسان آزمند آفریده شده است . چون بدو درویشی و فقر رسد زاری کند. و چون به او به مال رسد از دادن آن دریغ دارد. (معارج 19 - 12)

51- اءما انسان ، چون پروردگارش او را بیازماید و او را کرم کند و نعمت دهد، گوید پروردگارم گرامیم داشت . و چون او را بیازماید و روزی را بر او تنگ کند، گوید پروردگارم خوارم کرد. (فجر 16 - 15)

52- انسان سرکشی کند چون خود را بی نیاز بیند. (علق 7 - 6)

53- هر گاه به انسان گزندی رسد ما را افتاده بر پهلوی خویش یا نشسته یا ایستاده می خواند، پس همین که گزند و رنج را از او باز گرفتیم ، می

رود گویی که ما را به باز گرفتن گزندی که به او رسیده بود نخوانده . (یونس /12)

54- آن گاه که به انسان گزندی رسد، پروردگار خویش را، در حالی که دل به سوی او بازگشته ، می خواند، پس از آن که او را نعمتی از خود داد، آن رنج و گزندی را که دریغ آن پیش تر خدا را می خواند فراموش می کند. (زمر /8)

55- انسان همان گونه که خیر را می خواهد و می خواند، بدی را برای خود می خواند و می خواند، و انسان تا هست شتابزده است . (اسراء /11)

56- و ما چون رحمتی از جانب خود به انسان چشانیم بدان شاد می شود. (شوری /48)

57- انفال /11.

58- نساء /4.

59- نخل /69.

60- ق /9.

61- اسراء /82.

62- اسراء /56.

63- اسراء 42.

64- زمر /45.

65- نساء /61.

66- بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ(1) لَيْس لِوَقْعَتهَا كاذِبَةٌ(2) خَافِضةٌ رَّافِعَةٌ(3) إِذَا رُجَّتِ اَلاَرْض رَجًّا(4) وَ بُستِ الْجِبَالُ بَسًّا(5) فَكانَت هَبَاءً مُّنبَثًّا(6) واقعه 6-1

67- انشراح /6 - 5.

68- طلاق /7.

69- احقاف /35.

70- نازعات /46.

71- کهف /16.

72- طلاق /2.

73- شعرا /227.

74- انعام /124.

75- ((جهنی)) نام یکی از یاران رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که به پیامبر گفت : منزل من از مدینه دور است ، شبی را برایم معین فرما تا در آن شب به مدینه آیم . و پیامبر شب بیست و سوم را معین فرمود.

76- فِيهَا يُفْرَقُ كلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

77- نساء /13.

78- انبیاء /69.

79- (حم عسق) شوری /2 - 1.

80- آل عمران /18.

81- انبیاء /70.

82- انبیاء /87.

83- نساء /28.

84- انفال /66.

85- بقره /178.

86- الرحمن /13.

87-

در روایت کتاب ((المؤ من)) از حسین بن سعید کوفی اهوازی ص /40 ب /4 ح / 93 انتهای حدیث چنین است ؛ دوستی خود را به دوستی او و دوستی او را به دوستی خدای عزوجل پیوند داده ای .

88- مسافتی برابر با یک چشم رس .

89- مریم /87.

90- بقره /229.

91- طلاق /1.

92- انبیاء /95.

93- محتمل است که ترجمه این آیه شریفه چنین باشد: محال است که ما اهل آبادی را هلاک کنیم و آنان برای حسابرسی ما باز نگردند، به حتم باز می گردند.

94- آل عمران /185.

95- لقمان /34.

96- نحل /38.

97- دخان /29.

98- حدید/ 19.

99- مؤمنون /100.

100- کافرون /2 - 1.

101- مائده /2.

102- صافات /11.

103- اعراف /56 - 54.

104- بقره /286 - 284.

105- توبه /84.

106- بقره /156.

107- زخرف /14.

108- بقره /156.

109- اقتباس از آیه 74 سوره زمر آیه چنین است وَ قَالُوا الحِمْدُ لِلَّهِ الَّذِی صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّهِ حَیْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِینَ ستایش از آن خدائی است که وعده راست به ما داد و زمین را به ما واگذارد، هر جای بهشت که بخواهیم ، منزل می کنیم ، و چه نیکوست پاداش نیکوکاران .

110- ص /63 - 62.

111- سابق : پیشی گیرنده ، پیشاپیش رونده .

112- بقره 156.

113- شوری /43.

114- شوری /26.

115- آل عمران / 83

116- ترجمه غیرمسجع این سخن چنین می شود:

به خدا سوگند اگر این کاره به دست ما بیفتد جز خوردن طعام بی خورش و پوشیدن جامه زیر در میان نباشد.

117- زخرف / 13

118- زخرف / 13

119- طلاق /3 - 2.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109